

جهان‌گشای و عدو بند و ملك بخش و ستان که در حمايت صاحب‌دلان بسياري ... (همان، ص ۷۵۱)

تو خواهي نيک و خواهي بد کن امروز اي پسر کايجا عمل گر بد بود ور نيک بر عامل رقم گردد ... (همان، ص ۷۱۱)

۵. تأثيرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. نظري به شخصيت سعدي و بعضي عوامل مؤثر در آن، محمود صناعي، ايران‌نامه (مجله تحقيقات ايران‌شناسي - آمريکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۵۸۶-۵۰۲. سعدي و فلسفه زندگي، حيدر رقابي، ذکر جميل سعدي، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۱۰۵-۳۰۲. سعدي‌شناسي، دکتر امير اسماعيل آذر، نشر ميترا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۵-۵-۴. گزيده گلستان سعدي، انتخاب و شرح دکتر حسن انوري، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۱۴۴.

سعدي و معارضان او ، منصور استخري، رشد آموزش ادب فارسي، سال اول، شماره ۱، بهار ۱۳۶۴، ص ۴۵.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. تأکيد بر آوازه سخن‌سرايي سعدي در زمان حياتش و اشاره به برخي از تعارضات معاصرانش نسبت به او. ۱-۲. نقل حکايتي که در آن از مجد همگر درباره مقام ادبي سعدي، امامي و همگر پرسيده مي‌شود و پاسخ مجد همگر، امامي هروي و سعدي شيرازي به تعارفات و تعارضات همديگر. **۲. منابع اصلي:** ۲-۱. نشاني مأخذ مشخص نشده است. **۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. رباعيات ۱ بار. **۴. اشاره:** ۴-۱. در اين نوشته کوتاه اگر چه معارضه دو نفر از معاصران سعدي با او يادآوري شده، اما هيچ سخن تازه‌اي بر آنچه ديگران پيش از اين در اين باره گفته‌اند، اضافه نشده است. نويسنده مأخذ مورد استفاده خود را هم معرفي نکرده است. **۵. تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گلستان سعدي، تصحيح و توضيح دکتر غلامحسين يوسفی، خوارزمي، ۱۳۶۸، ص ۲۱۱.

سعدي و معرفت کردگار ، دکتر حليل تجليل، ذکر جميل سعدي، ج ۱، کميسيون ملي يونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۲۵۷-۲۴۹.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضيح درباره مفهوم توحيد و شناخت حق در آثار سعدي: " نداي توحيد و دعوت به شناخت حق تعالي و فرا خواندن مخاطبان به بندگي و طاعت پروردگار بي‌چون، از خصايص برجسته کلام سعدي است (ص ۲۵۱) تسبيح کايئات و آمد و شد خورشيد و ماه و پويابي و کارگري و رسالت باد و ابر و باران، شکوه کوهساران و درياها و درختان، مرغان نغمه‌خوان و گياهان و ميوه‌هاي الوان، مراحل تکوين جنين و خلقت از خاک، ياد کرد صفات جلال و جمال الهي و ده‌ها موضوع ديگر، آرمان شعر سعدي را در شناخت خداوند تشکيل مي‌دهد." (ص ۲۵۲).

۱-۲. تقسيم ادامه نوشته در هفت بخش: ۱-۲-۱. جهان توحيدگوي و تسبيح‌گر - بيان ابياتي از دو قصيده سعدي و ذکر سه آيه که الهام‌بخش آن سروده‌ها بوده‌اند (صص ۲۵۲-۲۵۳).

۱-۲-۲. باد و ابر فرمانبر - بيان يك نمونه از گلستان و يك نمونه از بوستان و مطابقت آنها با دو آيه کریمه براي شاهد مقصود (ص ۲۵۳). ۱-۲-۳. نيابيش خورشيد و ماه شب و روز و قنديل ستارگان - بيان يك نمونه از سروده‌هاي بوستان و مطابقت آن با سه آيه کریمه براي شاهد مقصود. (صص ۲۵۳-۲۵۴).

۱-۲-۴. تسبيح کوه و دريا، مرغان وميوه‌هاي الوان - بيان ابياتي از يك قصيده و مطابقت آنها با سه آيه کریمه براي شاهد مقصود (صص ۲۵۴-۲۵۵).

۱-۲-۵. خلقت انسان از خاک و مراحل تکوين و تکامل جنين - بيان ابياتي از بوستان و مطابقت آنها با چهار آيه کریمه براي شاهد مقصود (ص ۲۵۵).

۱-۲-۶. ياد کرد صفات خدا - بيان ابياتي از بوستان و مطابقت آنها با دو آيه کریمه براي شاهد مقصود (صص ۲۵۵-۲۵۶).

۱-۲-۷. نهي از تفکر در ذات خدا - بيان ابياتي از بوستان و مطابقت آنها با يك آيه کریمه و يك جمله از نهج‌البلاغه براي شاهد مقصود (صص ۲۵۶-۲۵۷).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. کلیات سعدي (نشاني مأخذ مشخص نشده است).

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. بوستان ۶ بار، گلستان ۲ بار، قصايد ۲ بار، غزليات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. دسته‌بندي کردن يازده مورد از مفاهيم توحيد در هفت بخش و مطابقت آنها با هيچده آيه از آيات قرآن و يك نمونه از سخنان حضرت علي (ع) در نهج‌البلاغه اگر چه خالي از فايده نيست، اما چنانچه با تحليل و با ذکر نشاني شواهد مثال بيان مي‌شد مناسب‌تر بود. پيش از اين نيز برخي از پژوهشگران تأثير قرآن را در آثار سعدي بارها کاویده و نماينده‌اند (رک. فهرست مقالات).

سعدي و مولوي ، محمد محيط طباطبايي، گوهر، سال دوم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۱۱۴-۱۰۸. چاپ‌هاي ديگر: ۱. راهنماي کتاب، سال نوزدهم، شماره ۶-۴، تير- شهريور ۱۳۵۵، صص ۲۹۲-۲۸۲ (با اندکي تفاوت و با عنوان " مولوي و سعدي ")

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. اشاره به اوضاع اجتماعي قرن هفتم و ظهور مولوي و سعدي در اين قرن و هم‌زمانی اين دو شخصيت بزرگ.

۱-۲. اشاره به خاندان سعدي و مولوي و بيان وجوه اشتراك آنها، از جمله اينکه: " هر دو از تعليم و تربيت ديني کامل و متداول عصر در آغاز عمر خود برخوردار شده بودند و در کودکی به زهد و تهجد موصوف بودند. هر دو زبان عربي را علاوه به آموختن از راه تحصيل مکتب و مدرسه، سال‌ها در دمشق و حلب با مردم متکلم بدان تمرين کرده و نيکو آموخته بود ند، اما زبان فارسي دري را براي ارتباط روحي و فکري ديگران تنها وسيله اظهار احساس و اندیشه برگزيده بودند. مثنوي‌هاي ايشان با وجود اختلاف وزن و اسلوب در ردیف مثنوي‌هاي فردوسي و نظامي از طراز اول سخن فارسي بر اين سبک و سياق بوده‌اند. در غزل که شور و دلا نگيزي گفتار هر دو نيازي به توصيف و تعريف ندارد. در نثر فارسي اگر چه نوشته‌هاي مولوي از حيث شيريني و رواني و سادگي به پایه گلستان نمي‌رسد ... ولي براي فيهمافيه او بايد در نثر عرفاني مقامي ممتاز قایل شد.

عجب است که در آثار بازمانده از هر دو کوچک‌ترين اشاره‌اي به دیدار يا مکاتبه ميان ايشان نرفته " (صص ۱۱۰-۱۰۹).

۱-۳. نقل حکایتی از بوستان که برخی آن را تعریضی به دیدار سعدی با مولانا دانسته‌اند و رد این نظر از دیدگاه تاریخی (صص ۱۱۲-۱۱۰).

۱-۴. نقل عباراتی از مناقب افلاکی که در آن به ارتباط، مکاتبه و دیدار سعدی با مولوی تصریح شده است و نقد و رد قول افلاکی (صص ۱۱۲-۱۱۴): " اما چنین داستانی از روی تطبیق سال‌ها و حال‌ها و افراد مربوط نمی‌تواند واقعی باشد و خداوند دو چشم را برای این بخشیده که از دیده انکار بر آن بنگرد و [نه] از چشم قبول. تجزیه و تحلیل این داستان نشان می‌دهد که تصور ادامه دوران حیات سعدی از آغاز زندگی مولانا تا انجام آن و تهی بودن سخن او از اشاره‌ای به مولانا در نظر مجاوران تربیت مولانا قدری نامطلوب به نظر می‌آمده و با خلق چنین حکایت‌ها و روایت آنها در ضمن مناقب آن نقطه خالی را می‌انباشته‌اند " (ص ۱۱۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مناقب افلاکی (نشانی مأخذ مشخص نیست). ۲-۲. تاریخ اوامرالعلانیه فارسی (نشانی مأخذ مشخص نیست).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. توضیح کلی اشتراکات و اختلافات سعدی و مولوی و توسل به استنادهای تاریخی برای نقد و رد دو نظر (بویژه نظر شمس‌الدین افلاکی در مناقب که به مکاتبه و دیدار سعدی و مولوی اشاره دارد). از جنبه‌های سودمند این مقاله است.

۴-۲. در این نوشته علاوه بر اینکه نشانی هیچ کدام از نقل‌قول‌ها و مثال‌های شاهد مشخص نشده است، اشتباهات چاپی زیادی نیز دیده می‌شود، از جمله تنها در صفحه ۱۰۹ مواردی چون: س ۵: کاشغر (کاشغر)، س ۸: بعلبد (بعلبک)، س ۲۱: ابن‌الجزری (ابن‌الجوزی) و... دیده می‌شود.

سعدی و نوایی ، دکتر صغری بانو شگفته، هلال، جلد ۱۹، شماره ۵، شهریور ۱۳۵۰، شماره مسلسل ۱۱۵، صص ۲۲-۲۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر تأثیر و نفوذ سعدی در ادب پس از خود (ص ۲۲).

۱-۲. یادکرد مطلع برخی از غزل‌های سعدی و امیر علی‌شیرنویسی که در وزن و قافیه مشترکند، به عنوان نمونه‌هایی از استقبال و تأثیرپذیری نوایی از سعدی (صص ۲۲-۲۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. دیوان نوایی، فانی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱۵ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته، پانزده بیت از مطلع غزل‌های سعدی با پانزده بیت از مطلع غزل‌های نوایی که دارای همانندی‌هایی بوده‌اند، به عنوان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری نوایی از سعدی برابر هم نهاده شده است.

در اغلب نمونه‌های شاهد این تأثیر و تأثر آشکار است، اما مشابهت برخی از نمونه‌ها به اندازه‌ای نیست که بتوان به عنوان نمونه‌هایی از تأثیر و تأثر مورد نظر، یاد کرد. دو بیت زیر که در ص ۲۳ مثال آورده شده از آن جمله‌اند:

سعدی:
وه که جدا نمی‌شود نقش تو از خیال من تا چه شود به عاقبت در طلب تو حال من
نوایی:

ز آتش عشق تو چون خاک شود منزل من علم قیر بود شعله دود دل من
همان‌طور که دیده می‌شود در این دو بیت نه مضمون همانند وجود دارد و نه وزن و قافیه مشترک و نمی‌توان نوایی را در این بیت متأثر از سعدی دانست.

۴-۲. این نوشته کوتاه نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله: ص ۲۳، ستون اول، س ۳۴: چشم چون بر آن (چشمم جو بر آن) و ستون دوم، س ۵: که نپذیرم (که دوا نمی‌پذیرم) و س ۲۴: وقت آمد (وقت آن آمد) و س ۲۵: سرو بالای (سرو بالایی) و ...

سعدی و وصاف ، عباس اقبال، ایران امروز، سال سوم، شماره یکم، فروردین ۱۳۲۰، ص ۱۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ذکر دلایل آشنایی و ارتباط سعدی و وصاف از جمله هم‌شهری بودن و ارتباط داشتن هر دو با حاکمان وقت (ص ۱۴).

۱-۲. معرفی تاریخ وصاف و ذکر نمونه‌ای از تأثیرپذیری وصاف از سعدی.

۱-۳. توضیح درباره یک نسخه قدیمی از تاریخ وصاف که در پایان آن سروده‌های وصاف نیز افزوده شده است و " در این قسمت قطعه شعری از سعدی خطاب به وصاف و جوابی از وصاف به سعدی که برای معرفت احوال این دو سخندان شیرازی هم عصر و اثبات رابطه دوستی بین ایشان در نهایت اهمیت است ... از این مکاتبه شعری چنین معلوم می‌شود که وقتی سعدی برای انجام مصلحتی به وصاف متوسل شده و شفاهاً به او گفته که آن را از جانب او به مقامی به عرض برساند ... وصاف در جواب می‌گوید که مصلحتی را که سعدی در مشافهه به او گفته چنانکه شرط دوستی است به عرض رسانده ... " (ص ۱۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. تاریخ وصاف (یک نسخه نفیس قدیمی).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار، غزلیات ۱ بار، قطعات ۱ بار (به نقل از تاریخ وصاف).

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه دلایلی منطقی برای احتمال ارتباط دوستی سعدی و وصاف عنوان شده است و بویژه به نقل از یکی از نسخه‌های قدیمی تاریخ وصاف دو قطعه شعر از سعدی و وصاف (که خطاب به همدیگر سروده‌اند) بیان شده است که در جهت اثبات موضوع این مقاله سودمند است. یادآوری می‌نماید قطعه‌ای که به سعدی نسبت داده شده است. از سطح سروده‌های ضعیف و تفننی سعدی بالاتر نیست.

سفر سعدی به جزیره کیش ، دکتر سید جعفر حمیدی، فرهنگ فارس، شماره سوم، سال اول، پائیز ۱۳۷۲، صص ۷۲-۶۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به سفر سعدی به کیش با استناد به گلستان: "چنانکه از متن کتاب گلستان سعدی در باب سوم - در فضیلت قناعت - برمی‌آید، این شاعر و سخن‌سرای بزرگ، سفری نیز به جزیره کیش داشته است. اما زمان وقوع و علت این سفر و محل دقیق توقف او در جزیره، از گزارش گلستان مستفاد نمی‌شود." (ص ۶۳).

۱-۲. اشاره به وضعیت جزیره کیش در زمان اتابکان: "جزیره کیش در زمان آنان [اتابکان فارس] آنچنان آباد و معمور بوده که دولنخانه نامیده می‌شده و محل حضور و تجمع مسافران، سیاحان و بازرگانان بوده‌است. پس بعید نمی‌نماید که سعدي در همین جزیره توقف نموده است." (ص ۶۴).

۱-۳. تبیین و شرح تاریخ حاکمان فارس و بنادر جنوبی ایران از دوره خاندان دیلمی تا عصر سعدي (صص ۶۹-۶۵).

۱-۴. بیان سفرهای سعدي و تأکید بر اقامت او در کیش با ذکر مواردی که سعدي در آثار خود به کیش اشاره دارد (صص ۷۲-۶۹).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي محمدعلي فروغی. ۲-۲. خلیج فارس و جزایر ایرانی، حسین نور بخش. ۲-۳. تاریخ گزیده، حمدالله مستوفی. ۲-۴. تاریخ مفصل ایران، عباس اقبال آشتیانی.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۷ بار، گلستان ۴ بار، غزلیات ۲ بار، رباعیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. توضیح درباره وضعیت کیش در زمان سعدي، به جهت ارتباط با موضوع، از محاسن این مقاله است، اما بررسی تاریخی اوضاع قدیم این جزیره و شرح اقدامات عضالدوله در قرن چهارم و توضیحات صص ۷۱-۷۰ درباره بوستان، به ایجاز مقاله لطمه زده است.

۴-۲. نشانی نقل قول‌ها و مراجع استفاده شده مشخص نیست. از جمله: در ص ۶۸، س ۱۸ و ۱۹ و نیز ص ۶۹، س ۲۹-۲۵ مأخذ عبارات داخل گیومه مشخص نیست.

در ص ۶۷، س ۳۰ هم که نوشته‌اند: "به قول شادروان عباس اقبال آشتیانی، با این ... " باز هم نشانی مرجع استفاده شده را مشخص نکرده‌اند. (اگر چه در پایان مقاله، ۶ کتاب را به عنوان مأخذ خود، به گونه‌ای کلی، بیان کرده‌اند ولی معلوم نیست عبارات استفاده شده از کدام يك و از چه قسمتی از این منابع است).

۴-۳. نشانی ابیات شاهد ذکر نشده است.

۴-۴. درباره تولد سعدي (ص ۶۹) نیز عبارات متناقض است: "تولد سعدي را ۵۸۵ و وفات او را ۶۹۵ گفته‌اند. یعنی عمر دراز ۱۱۰ ساله داشته است. بعضی گفته‌اند سال ۶۰۲ یا ۶۰۴ متولد شده و سال ۶۹۰ یا ۶۹۱ در گذشته است، اما اصح اقوال همان اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم و درگذشت او دهه آخر قرن هفتم است"

بالاخره معلوم نیست نویسنده اواخر قرن ششم را پذیرفته یا اوایل قرن هفتم را؟ زیرا چنانچه اوایل قرن هفتم درست باشد با جمله "یعنی عمر دراز ۱۱۰ ساله داشته است" سازگاری ندارد.

۴-۵. مقاله از اشتباهات چاپی خالی نیست، از جمله: ص ۶۷، س ۶: بردارش رنگی (برادرش زنگی) و ص ۷۰، س ۵: انبازم (انبازم) و ص ۷۲، س ۱: ترتیب (تریت) و ص ۷۲ س ۶: خود را آنجا سفر کرده (خود به آنجا سفر کرده).

سودي بسنوي، نخستين شارح حافظ و سعدي در اروپا، دکتر ابوالقاسم رادفر، پژوهشگران، شماره ۷، ۱۳۷۲/۶/۷، صص ۱۸-۱۹.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. معرفی "سودي" ادیب و شاعر اهل "بسنه" (ص ۱۸).

۱-۲. معرفی آثار سودي: شرح مثنوی، شرح غزلیات حافظ، شرح گلستان، شرح بوستان و ... (ص ۱۹). "شرح گلستان سودي را، برخی از محققان از معروف‌ترین و مفیدترین شروح گلستان می‌دانند ... دیگر از آثار مهم سودي شرح بوستان به ترکی است که باریبه دومنار Barbeir de maynar خاورشناس معروف فرانسوی در مقدمه بوستان چاپ پاریس، ۱۸۸۰ به زبان فرانسه به تفصیل درباره آن سخن گفته است ..."

۱-۳. معرفی برخی از نسخه‌های خطی شرح گلستان و بوستان سودي (ص ۱۹).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. ادبیات فارسی در یوگسلاوی، پایان‌نامه دکتری دینایو بوگدانوویچ. ۲-۲. شرح سودي بر حافظ، ترجمه عصمت ستارزاده.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه، سودي، شارح بسنوي برخی از متون فارسی معرفی شده است و معرفی برخی از نسخه‌های خطی شرح گلستان و شرح بوستان او بر ارزش این نوشته افزوده است.

سوسالیسم و شیخ شیراز، حسین فرهودي، یغما، سال چهارم، شماره دهم، دي ۱۳۳۰، صص ۴۶۴-۴۵۲.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. توضیح درباره روابط اجتماعی در دنیای صنعتی و عقاید اجتماعی سوسالیست‌ها در آن باره (ص ۴۶۲).

۱-۲. نقل پنج مورد از قواعد اصلي سوسالیسم در امور اجتماعی (توجه به زندگی و آسایش طبقات عامه و جلب رضایت طبقه کارگر، رفع احتیاجات زندگی کارگر، رفاه و بهبود حال طبقات مولد ثروت، صرف قسمتی از درآمد دولت برای پرورش کودکان و تأمین زندگانی پیران و گسترش عدالت و دقت در دادرسی و دستگاه قضایی) و بازیافت و یادکرد ابیاتی از بوستان سعدي که منطبق بر اصول یاد شده بالاست.

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. بوستان سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۵ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. یادآوری نگره‌های اجتماعی سعدي در زمان نگارش مقاله (۱۳۳۰) در جهت اثبات این موضوع که بسیاری از نظریه‌های اجتماعی مکاتب نو، با پیشینه چند سده‌ای در باور اندیشمندان ایرانی از جمله شیخ سعدي شیرازی وجود داشته است برای برخی از کسانی که بویژه در آن زمان نسبت به ارزش‌های اصیل متون گذشته فارسی بی‌توجه بوده‌اند، خالی از فایده نمی‌توانست باشد. اگر چه در این نوشته سخن تازه‌ای که دارای جنبه تحقیقی باشد، وجود ندارد.

۴-۲. نشانی مثال‌های شاهد مشخص نشده است.

سوگند در آثار سعدي، دکتر نورانی وصال، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه بهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۰۲-۲۸۶.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره به بیان احساسات صادقانه در شعر و تأثیر آن در میزان ارزش کلام. (صص ۲۸۸-۲۸۶).

۱-۲. توضیح درباره "سوگند" به عنوان گونه‌ای از بیان احساسات درونی شاعر: "اگر صفا و صداقت شالوده بنای سخن شاعرانه باشد، پس می‌توان شعری را که در آن سوگندی یاد شده، شعری اصیل و واقعی خواند ... به طور قطع سخن سعدي از این امر برخوردار است و سوگندهای این شاعر بزرگ، از تازگی، لطافت و خیال‌انگیزی سرشار است." (ص ۲۸۸).

۱-۲. تقسیم سوگندهای سعدی به ۴ دسته و بیان شواهدی برای هر کدام: "سوگند به خدا و صفات قادر متعال، سوگند به پیغمبران و نیکمردان و صفات گران قدر و راستین ایشان، سوگند به معشوق و آنچه مختص بدوست، سوگند به امور و مظاهر و اشیایی که در نزد شاعر گرامی و مقدس است." (ص ۲۸۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی. (نشانی مأخذ مشخص نشده است)

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۴۶ بار، بوستان ۱۴ بار، گلستان ۳ بار، فصاید ۱ بار، رسائل نثر ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اگر چه در مقاله آمده است که "پس از استقصا در دیوان او عبارات و اشعاری را که شاعر به نحوی در آن سوگندی یاد کرده به دقت بیرون کشیده، به صورت فصول جداگانه مورد بحث قرار داد، که به تفصیل از این قرار است." (ص ۲۸۸). اما پژوهش نویسندگان در واقع بر روی غزلیات سعدی و تا حدودی بوستان انجام گرفته و به آثار دیگر سعدی توجه جدی نبوده است، از شصت و هفت مثال که برای "سوگند" نمونه آورده شده، چهل و شش مورد آن تنها از غزلیات و چهارده مورد آن از بوستان برگرفته شده است در حالی که از فصاید یک مثال از گلستان سه مثال از مجالس پنجگانه یک مثال و از نصیحت الملوك یک مثال که یک بار دیگر هم تکرار شده، آورده شده است.

۴-۲. نشانی نقل قولها و مثالها ذکر نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخها:** ۵-۱. گزیده فصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۷۶.

سه قرن و نیم سعدی‌شناسی در غرب از روی ترجمه‌های گلستان و بوستان، عبدالغفور روان فرهادی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۹۶-۱۷۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. " شیخ سعدی، پرچمدار دانش و عقیدت مسلمانان، جهانگردی بود که در زمان جنگ‌های صلیبی، اجداد غربیان امروز او را اسیر کردند " با جهودانش به کار گل می‌داشتند " تا "صاحب‌دلی بر او بگذشت " و به ده دینارش از قید فرنگ بخرید. در قرن هیجدهم، حتی در قرن نوزده (و تا حدودی در قرن بیستم!) مخلصان پاکدل شیخ سعدی را [در غرب] با انگلستان می‌توان شماره کرد. در زمینه سعدی‌شناسی بجز عده‌ای دانشمند که شرق‌شناسان گروهی از ایشان بوده‌اند، دیگران مرد میدان سعدی‌شناسی به شمار نمی‌آیند." (صص ۱۷۷-۱۷۸).

۱-۲. " نخستین ترجمه سعدی، ترجمه گلستان است، به قلم " ری پیر "، که خلاصه‌ای است پر از غلط." (ص ۱۷۹).

۱-۳. بخش بعدی مقاله، ترسیم جدولی است منظم با عنوان " وضع سعدی‌شناسی در غرب، دو قرن پیش از زمان ما " و معرفی ترجمه‌های گلستان و بوستان به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی و آلمانی. در این بخش سی‌وهشت ترجمه انگلیسی، شانزده ترجمه فرانسوی و شانزده ترجمه آلمانی از گلستان و بوستان و پس از آن پنج ترجمه از غزلیات سعدی به زبان‌های آلمانی و انگلیسی معرفی شده است (صص ۱۹۳-۱۸۰).

۱-۴. در بخش پایانی مقاله، پانزده نمونه از ترجمه‌های آثار سعدی که بجز یک مورد آن، بقیه تنها مربوط به گلستان و بوستان است، معرفی شده است. (صص ۱۹۵-۱۹۴).

۲. **منابع اصلی:** - در مقاله اشاره به هیچ مأخذی نشده است.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** مقاله به معرفی آثار ترجمه شده پرداخته و مستقیماً از مطالب سعدی استفاده نشده است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اشکال عمده این مقاله نداشتن نشانی مأخذ است. نویسندگان به پیشینه تحقیق در این مورد اشاره کرده‌اند و نه به منابع مورد استفاده خود در تدوین مقاله. باید گفت: هانری ماسه که همواره فضل تقدم سعدی‌شناسی را در غرب برای خود محفوظ خواهد داشت در سال ۱۹۱۹ میلادی یعنی حدود ۶۵ سال پیش از انتشار این مقاله در پی‌نوشت کتاب " تحقیقی در باره سعدی " بسیار بیشتر از فهرست این مقاله یعنی نزدیک به یک‌صدویست ترجمه را از آثار سعدی معرفی و نقد کرده‌است، که بسیاری از آنها در مقاله حاضر نیز معرفی شده‌اند.

با توجه به اینکه در بخش معرفی ترجمه‌های فرانسوی آثار سعدی، در این مقاله، کتاب هانری ماسه نیز معرفی شده، شایسته بود نویسندگان که یقیناً وامدار تحقیقات او هم هست، از وی یاد می‌کرد.

۴-۲. فهرست ترجمه‌های معرفی شده بسیار ناقص است. که البته نویسندگان خود اعتراف کرده‌اند: "فهرست کامل این ترجمه‌ها را باید دانشمند جستجوگری در آینده انجام دهد و آن از حوصله این مقاله فراتر است." (ص ۱۹۴).

۴-۳. گفتنی است که تاریخ فهرست ترجمه‌هایی که هانری ماسه معرفی کرده است از ۱۹۱۲ پیشتر نمی‌آید اما دکتر روان فرهادی برخی از ترجمه‌هایی را که تا سال ۱۹۷۴ نیز انجام گرفته‌اند، معرفی کرده است و این از امتیازات پژوهش اوست.

۵. **تأثیرات و پاسخها:** ۵-۱. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۶. ۵-۲. گلستان سعدی با ترجمه ادوارد رهاستک، محمود حکیمی، نشر قو، ۱۳۷۵، ص ۲۱.

سه نکته، دکتر جعفر شعار، مجموعه مقالات چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۲، به کوشش محمدعلی صادقیان، مهر ۱۳۵۴، صص ۹۱-۸۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره معنی " زایران " در بیتی از فرخی سیستانی (صص ۸۸-۸۹).

۱-۲. توضیح درباره معنی بیت زیر، از بوستان سعدی:

مخور هول ابلیس تا جان دهد هر آن کس که دندان دهد نان دهد

پس از نقل دو نظر درباره معنی این بیت، نتیجه گرفته‌اند:

" جان دادن در معنی متداول یعنی مردن است و " تا " در معنی " که " و معنی بیت آنکه: از ابلیس مترس و نگرانی به دل راه مده که بچه بمیرد، همان خدایی که دندانش داده است، نانش نیز می‌دهد " (ص ۹۰).

۱-۳. توضیح درباره معنی " بادپیما " در بیتی از حافظ (صص ۹۱-۹۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. در بخش مربوط به سعدی، مأخذ نویسندگان مقاله، بوستان به تصحیح محمدعلی فروغی بوده است.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۲ بار، بوستان ۱ بار، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته درباره معنی سه بیت از سه شاعر توضیح داده شده است. آنچه مربوط به سعدی می‌شود، توضیحی است درباره معنی بیت " مخور هول ابلیس ... " از بین تعبیرهایی که برای بیت مورد نظر شده، تعبیر نهایی که پسند خاطر نگارنده مقاله است، پذیرفتنی‌تر می‌نماید. گفتنی است که این تعبیر، همان‌گونه که در پاورقی هم اشاره شده، از دکتر رضا انزابی‌نژاد است. دکتر غلامحسین یوسفی در شرح بوستان خود درباره معنی بیت یاد شده به نظرات دیگری نیز اشاره کرده و بالاخره نظر

انزبای نژاد، از نظرات مورد پسند ایشان واقع شده است (ر.ک. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۷۵، صص ۳۶۸-۳۶۷).

سیاحت یاقوت در گلستان شیخ اجل، فصلنامه هنر، شماره پانزدهم، بهار ۱۳۶۷، صص ۲۲۵-۲۳۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به کتاب "سعدی‌نامه" و مقالات آن، و نسخه‌هایی از گلستان که در آن کتاب معرفی شده است (ص ۲۳۲).

۱-۲. معرفی نسخه‌ای از گلستان سعدی: "نسخه‌ای دیگر که در زمان برگزاری مراسم بزرگداشت سعدی به مناسبت هفت صدمین سال تألیف گلستان و بوستان ناشناخته مانده بود، نسخه گلستان سعدی کتابخانه سلطنتی سابق است که دوازده سال بعد از تألیف گلستان در تاریخ ۶۶۸ ه.ق. به دست توانا و هنرمند یاقوت مستعصمی استنساخ و کتابت شده است ... در بین کتبی که از گلستان و بوستان تاکنون به چاپ رسیده، جای این کتاب خالی است. با انتشار عین گلستان مزبور به صورت افست که از نظر هنری از اهمیت خاصی برخوردار است، می‌توان راه تازه‌ای گشود تا همگان بخصوص اهل تحقیق ... به این گنج هنری دست یافته و از مزایای ... آن برخوردار گردند." (صص ۲۳۲-۲۳۵).

۱-۳. معرفی کتابخانه سلطنتی (ص ۲۳۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. سعدی‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی. ۲-۲. نسخه خطی گلستان سعدی، به قلم یاقوت مستعصمی.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. مطلب شایان توجه این نوشته بخش میانی آن است که به معرفی گلستان سعدی به خط یاقوت مستعصمی پرداخته و پیشنهاد چاپ افست آن را داده است. گفتنی است که این کتاب در سال ۱۳۴۶ به کوشش بدری آتابای در هیأتی شایسته به چاپ رسیده است.

سیری در بوستان (بوستان سعدی به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی)، دکتر ایرج وامقی، نشر دانش، سال ششم، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۸، صص ۱۰-۱۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به ارزش بوستان سعدی به تصحیح دکتر یوسفی: "اگر در روزگار ما، تنها یک متن مصحح به چاپ رسیده باشد که همه گروه‌های مختلف دوستدار شعر بتوانند از آن استفاده برند، بی‌هیچ تردید و اغراق و مبالغه و تعارف، بوستان سعدی به تصحیح دکتر یوسفی است" (ص ۱۰).

۱-۲. سنجش فردوسی، حافظ و سعدی از نظر چاپ و نشر شایسته آثارشان، "من تصور می‌کنم که در میان گویندگان طراز اول فارسی‌زبان تاکنون هیچ کس به خوش اقبالی فردوسی نبوده است ... حافظ هم در این خوش اقبالی، دست کمی از بزرگمرد توسی خراسانی ندارد (ص ۱۰).

اما در این میان، سعدی، آن دارنده زلال‌ترین و دلاویزترین غزل فارسی که صدسال پس از مرگش، حتی مطرب چینی شعرش را در آن سوی چین و ماچین ترنم می‌کرد ... به عقیده این بنده، تاکنون بد اقبالی‌ترین شاعر بوده است" (ص ۱۱).

۱-۳. ادامه معرفی مطالب بوستان به تصحیح دکتر یوسفی، و تأکید مجدد بر ارزش کار او (صص ۱۲-۱۱)، از جمله: "این چاپ بوستان با همه چاپ‌ها تفاوت‌های عظیم دارد. دکتر یوسفی تقریباً و بل تحقیقاً نگذاشته است، حتی هیچ محصول از این کتاب بی‌فیض شود و در یک بیت سعدی در ماند ... (ص ۱۱). بیش از سه هزار و دویست مورد، درباره چهار هزار و یازده بیت، شرح و تفصیل آورده است. واقعاً دست‌میرزاد ... بی‌تردید باید پذیرفت که در مورد تصحیح هیچ‌یک از متون فارسی تا این حد دقت و وسواس علمی به کار گرفته نشده و دامنه‌ای به این وسعت پیدا نکرده و هیچ مصححی چنین رنج عظیمی را بر خود هموار نکرده است. بسیار دیده‌ایم که در یک متن، یکی دو مورد از این همه کار آمده باشد، اما نه همه با هم" (ص ۱۲).

۱-۴. بیان سیزده تذکر درباره توضیحات دکتر یوسفی در بوستان مصحح خود، که اغلب ایرادهایی است که به گونه‌ای محترمانه بر توضیحات دکتر یوسفی گرفته شده است (صص ۱۵-۱۳). دو مورد از این تذکرات را باز می‌نگریم:

"۱۱. در مورد واژه "ژاژ" در "ژاژخای" آمده است: "نام بوته گیاهی است بسیار بی‌مزه". باید گفت ظاهراً به صرف بی‌مزگی این گیاه نیست که "ژاژخای" را بی‌مزه گو دانسته‌اند، بلکه به دلیل خاصیت دیگری از آن است و آن خاصیت جویده نشدن این گیاه می‌باشد. در برهان آمده: بوته گیاهی است ... در نهایت بی‌مزگی و هر چند شتر آن را بخاید نرم نشود و به سبب بی‌مزگی فرو نبرد ...".

۱۲. در مورد بیت ۴ آمده است: "زمین نیاز یعنی آستان نیازمندی و حاجت، کنایه از فروتنی". احتمالاً مسامحه‌ای در فیش‌ها صورت گرفته و این تذکر تنها از باب مسائل چاپی است و البته "سر بر زمین نیاز [داشتن یا نهادن] کنایه از فروتنی است نه خود زمین نیاز" (ص ۱۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، سعدی‌نامه، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۳.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱۷ بار.

۴. **اشاره:** کتاب بوستان سعدی به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی از کتاب‌هایی است که توجه بسیاری را برانگیخته و موجب پیدایش نوشته‌های زیادی شده است. مقاله‌های متعددی مطالب این کتاب را بررسی و نقد کرده‌اند، از جمله این مقاله‌ها، مقاله مورد نظر است که مطالب آن را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد، در بخش اول مقاله، نگارنده به معرفی کتاب یاد شده و تأکید بر ارزش‌های آن پرداخته و ویژگی‌های سودمند آن را برشمرده است. و در بخش دوم به چند مورد از توضیحات دکتر یوسفی ایراد گرفته و آنها را نقد کرده است، که از نظر علمی و پژوهشی تذکرات ارزشمندی است.

نقد آثار مهمی چون بوستان دکتر یوسفی که هم ارزش تحقیقی دارند و هم کاربرد گسترده عمومی، از اقدامات سودمند است. و این مقاله نیز از همان نمونه‌هاست که با رعایت اعتدال و احترام و به دور از انشاپردازی و کلی‌گویی پرداخته شده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. این گلستان همیشه خوش باشد، دکتر محمدجعفر یاحقی، نشر دانش، آذر و دی ۱۳۶۸، ص ۳۸.

سیری در تاریخ تحول اندیشه‌ها در شعر فارسی (۱۲)، باز هم درباره بدیهه، اطلاعات هفتگی، شماره ۲۲۰۲، چهارشنبه ۳۱ مرداد تا چهارشنبه ۷ شهریور ۱۳۶۳، صص ۴۷-۴۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به برخی از اشعار دوره قاجار (ص ۴۶).

۱-۲. توضیح درباره مدایح سعدی: "در کلیات سعدی قصیده‌ای داریم که عنوانش مدح "امیر انکیانو" است. اگر مداحی این است صد رحمت به مداحی و ای کاش همه شعرا مداح بودند ... این قصیده را نمی‌توان پندنامه اعصار و قرون نامید؟ ..." (ص ۴۶).

۱-۳. توضیح درباره بوستان و برخی از مضامین آن (صص ۴۷-۴۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. بوستان ۵ بار، قصاید ۲ بار، غزلیات ۲ بار، گلستان ۱ بار، قطعات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۱-۲. این نوشته دنباله یک سلسله مقالاتی است که درباره تاریخ تحول اندیشه‌ها در شعر فارسی نوشته شده. نیمه دوم این مقاله درباره سعدی است، نویسنده ضمن تأکید بر تأثیرات مفید تربیتی مدایح سعدی، به برخی از مضامین بوستان نیز اشاره‌هایی کرده و دنباله سخن را به شماره بعد وانهاده است. در مجموع این مقاله سخن تازه‌ای را در بر ندارد.

سیری در تاریخ تحول اندیشه‌ها در شعر فارسی (۱۲). خدانشناسی در دید سعدی، اطلاعات هفتگی، شماره ۲۲۰۴، چهارشنبه ۷ شهریور تا چهارشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۶۳، صص ۴۷-۴۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره کتاب‌های ادبیات دبیرستان و شیوه تدریس این کتب (ص ۴۶).
۱-۲. معرفی بوستان و توضیح درباره مضامین آن با تأکید بر خدانشناسی سعدی و تأثیرپذیری او از قرآن کریم (صص ۴۷-۴۶).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. شرح بوستان سعدی، دکتر محمد خزائلی، انتشارات جاویدان، ۱۳۵۳ (چاپ دوم).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱۴ بار، گلستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۱-۲. در این نوشته اشاره‌هایی به مضامین بوستان شده و با تأکید بر خدانشناسی سعدی، برخی از تأثیرپذیری‌های او از قرآن کریم بازنموده شده است. اما سخن تازه‌ای را شامل نیست.

سیری در گلستان، محمدحواد شریعت، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و سوم، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۶۹، صص ۴۱۵-۳۹۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به روایتی که در آن گفته شده: سعدی گلستانش را برای اظهار نظر نزد مولوی فرستاده و مولوی آن را
" کتابی آموزنده و دلپذیر برای شاگردان مکتب‌خانه‌ها " دانسته است (ص ۳۹۱).
۱-۲. تأکید بر جنبه آموزندگی گلستان و معرفی کتاب " گلستان سعدی، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی " (صص ۳۹۲-۳۱۹).
۱-۳. بررسی و نقد نزدیک به صدویچاه مورد از توضیحات دکتر غلامحسین یوسفی بر گلستان سعدی (صص ۴۱۵-۳۹۲).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۰۵ بار، بوستان ۳ بار.
۴. **اشاره:** ۱-۲. درباره تصحیح و توضیح گلستان اثر دکتر غلامحسین یوسفی، مقاله‌های زیادی نوشته شده است. نگارنده این مقاله نیز صدویچاه مورد از این توضیحات را نقد و بررسی کرده که شامل موارد زیر است:
- رد نظر دکتر یوسفی، از جمله: ص ۳۹۲، س ۲۲ به بعد و ص ۳۹۹، س ۱۷-۱۹ و ...
- تأیید نظر دکتر یوسفی، از جمله: ص ۳۹۶ س ۱۳-۱۵ و ص ۳۹۹، س ۱۵-۱۷ و ...
- تأیید نظر دکتر یوسفی و افزودن توضیحی بر آن، از جمله: ص ۳۹۴، س ۱۲-۱۳ و ص ۴۰۶ سطر آخر...
- بازنمود اشکالات چاپی، از جمله: ص ۳۹۹، دو سطر آخر و ص ۴۰۸، س ۱ و ۱۲ و ...
- بازنمود اشکالات نگارشی، از جمله: ص ۴۰۰، س ۲۱ تا آخر و ص ۴۰۱، س ۷-۱۰ و ...
پرهیز از کلی‌گویی و بازیافت نمونه‌های زیادی از اشکالات و نقایص کتاب مورد نظر و توضیحات سودمند علمی در آن موارد، نمایانگر دقت نگارنده در بررسی این کتاب است.
البته برخی از انتقادات نویسنده پذیرفتنی نمی‌نماید، برای نمونه: الف: ص ۳۹۴، س ۱۲: معلوم نیست چرا نگارنده " صاحب‌دل " را در حکایت یاد شده، بدون توضیح، به معنی " روشنفکر " دانسته است.
ب: ص ۳۹۸، س ۱۵: نگارنده " نیستی " را غلط چاپی پنداشته‌اند، در حالی که " نیستی " (چو افتاده بینی چرا نیستی) ضبط دیگری از بیت مذکور است. به این معنی که: "چرا وقتی افتاده‌ای را می‌بینی نمی‌ایستی و درنگ نمی‌کنی تا به او کمک کنی ... " رک. بوستان، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، دی ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، صص ۵۸، ۲۴۲.
ج - ص ۳۹۴، س ۶: درباره معنی " خبر " دکتر یوسفی معنی کلی خبر را در نظر داشته، نه معنی واژه خبر را در جمله مورد نظر - در آن صورت " و امامان - ع " زاید نیست.
د - ص ۴۰۸، س ۲۳: بیت

" خرم آن فرخنده طالع را که چشم بر چنین روی اوفند هر بامداد " به صورت: " خوشا به حال چشم آن فرخنده طالعی که هر بامداد بر چنین روی اوفند ... " معنی شده، در حالی که به نظر می‌رسد همان توضیح دکتر یوسفی درست‌تر باشد که نوشته است: " خوشا به حال آن نیکبختی که او را هر صبح بر چنین رویی نظر افتد " (گلستان یوسفی - ص ۴۴۴).
۲-۴. مأخذ حکایت غیر مشهوری که در آغاز مقاله به آن اشاره شده (درباره مکاتبه سعدی و مولوی) مشخص نشده است.
۳-۴. این نوشته هم از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله: ص ۳۹۲، س ۲۱: " فی " پس از صحافی زاید است. ص ۴۰۶، س ۱۹: حل (حمل) و ص ۴۰۸، س ۱۶: باو (باد) و س ۲۱: ص ۴۴۰ (ص ۴۴۵) و ص ۴۱۰، س ۱۲: از دل محو (از دل ما محو) و س ۱۸: به دست دم (به دست دام) و ص ۴۱۲، س ۹: در بدن (دریدن) و ...

سیر سعدی در آثار گذشتگان، دکتر رحایی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال دهم، شماره زمستان ۱۳۳۷، صص ۴۲۸-۴۳۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقدمه‌ای کوتاه درباره تأثیرپذیری افراد از گذشتگان و اشاره به تأثیرپذیری سعدی از متون پیش از خود (صص ۴۲۵-۴۳۴).
۱-۲. بیان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری سعدی از متون پیش از خود؛ از جمله کارنامه اردشیر بابکان، اشعار ابوشکور بلخی و رودکی سمرقندی، احیاءالعلوم غزالی، سوانح احمد غزالی، خسرو و شیرین نظامی، کشف‌المحجوب هجویری و عوارف‌المعارف سهروردی.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. آثار یاد شده در مضامین اصلی (۱-۲).
۲-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۹ بار، غزلیات ۳ بار، بوستان ۲ بار، ترجیعات ۱ بار، قطعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. یکی از راه‌های مناسب شناخت سعدی، بازیافت مآخذ اندیشه‌های اوست، پیش از این مقاله و بعد از آن نیز سعدی‌پژوهان برخی از تأثیرپذیری‌های سعدی را از آثار پیش از او بازنموده‌اند. (رک. فهرست مقالات در همین کتاب). این نوشته نیز با همین منظور فراهم آمده است و بدون حشو و زواید و با یادکرد نمونه‌های شاهد به درستی برخی از همانند‌های سخنان و سرودهای سعدی را در آثار پیش از او با ذکر نشانی مآخذ بازنموده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. گلستان سعدی، غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی ۱۳۶۸، صص ۲۰۲، ۲۱۹، ۳۵۶، ۳۸۲، ۴۷۸.

سیف فرغانی و سعدی، ضیاءالدین سجادی، جشن‌نامه پروین، محمد پروین گنابادی، توس، ۱۳۵۴، صص ۲۲۷-۲۲۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر آوازه گسترده سعدی در زمان خویش (صص ۲۲۶-۲۲۵).
۱-۲. اشاره به توجه و علاقه سیف‌الدین فرغانی به سعدی (صص ۲۲۸-۲۲۶).
۱-۳. یادکرد مطلع چهار قصیده از سیف فرغانی که خطاب به سعدی سروده شده است (صص ۲۲۹-۲۲۸).
۱-۴. نقل نمونه‌هایی از اشعار سیف فرغانی که در آنها بیت یا مصرعی از سعدی تضمین شده است (صص ۲۳۶-۲۲۹).
۱-۵. اشاره به تأثیرپذیری سیف فرغانی از شاعران دیگری چون عمیق بخارایی، خاقانی و سنایی (صص ۲۳۷-۲۳۶).
۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ۲-۲. دیوان سیف فرغانی، تصحیح دکتر ذبیح‌الله صفا.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. غزلیات ۱۶ بار، قصاید ۳ بار، گلستان ۲ بار.
۴. اشاره: ۱-۴. سیف فرغانی از شاعران شیفته سعدی است و همان‌گونه که در این مقاله و مقاله "سعدی و سیف فرغانی" نگاشته دکتر ذبیح‌الله صفا (ایران‌نامه، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۸۱-۶۷۵) آمده، در بسیاری از سروده‌های خود به سعدی نظر داشته است.
بازجست و یادکرد نمونه‌هایی از تأثیرپذیری و شیفتگی فرغانی نسبت به سعدی، نشان می‌دهد که سعدی، علاوه بر اینکه در زمان خویش آوازه‌ای جهانگیر داشته است، این آوازه با محبوبیتی هنری نیز همراه بوده است، به گونه‌ای که صوفی پاک‌نهادی چون سیف فرغانی (معاصر سعدی) در مقابل عظمت او فروتنانه می‌گوید:
چو چیزی نیست در دستم که حضرت را سزا باشد ز بهر خدمت پایت بخواهم سر فرستادن ...
۲-۴. ذکر نشانی شواهد، استناد مکرر به سروده‌های سعدی و سیف فرغانی و پرهیز از کلی‌گویی از ویژگی‌های دیگر این مقاله است.

سیم دل مسکین، سترک مانوکیان، نشریه سیمرغ، شماره ۱۲-۱۲، فروردین ۱۳۷۲، صص ۹۶-۷۶.
چاپ‌های دیگر: ۱. کتاب "سیم دل مسکین"، سترک مانوکیان، انتشارات مؤسسه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - رم، ۱۳۷۰، صص ۴۷-۱۴ و متن ایتالیایی آن صص ۲۴۵-۲۶۲. ۲. ادبستان، شماره ۳۴، مهر ۱۳۷۱، صص ۵۱-۴۴ (با عنوان "کاغذ زر").

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره چگونگی دریافت یک غیرایرانی از معانی غزل‌های سعدی و طرح راه‌هایی برای شناخت درست‌تر زبان و اندیشه سعدی از مطالعه غزل‌هایش: (صص ۷۹-۷۶). "برای کسی که زبان مادری‌اش فارسی نیست و در محیط فرهنگی سعدی پرورش نیافته، قرائت و مطالعه و ترجمه سخن سعدی، مانند قرار گرفتن در برزخ فهمیدن و نفهمیدن است...".
غزل‌های سعدی که شاید خارج از تجدد و بیرون از فرهنگ غربی باشند، از درون حساسیتی (برای ما متروک) مضامینی می‌آفرینند که گاه نامأنوسند و تطابقی در ذهن نمی‌یابند (ص ۷۶) ... حضور یک کلمه و مقدار حضورش به ما می‌گوید که کمیت حضور دارای معنای خاصی است.

جغرافیای معنی‌شناسی بر اساس حضور کلمات و بسامدی که آن کلمات دارند، ساخته می‌شود ... گروه کلمات شعر سعدی کیفیات و صفات زیاد پیچیده و دیرهم‌ندارند ... همان عناصر و کاراکترهایی هستند که اغلب در سنت شعری به کار برده شده‌اند ... سعدی در شعر زیاد پی‌گیر خصوصیات صوری نیست، در شعر او توصیف عناصر و پدیده‌ها محدودند و از حد لزوم برای بیان مقصود تجاوز نمی‌کنند ... (ص ۷۸). حضور مکرر ترمها و شکل‌بخشی‌ها در شعر سعدی با روانی و ایجاز مخصوص سبک او همراه می‌شود. این مطلب بخصوص در مورد کلمات مربوط به اعضای بدن بوضوح قابل رؤیت است، این واژه‌ها ابزار لغوی شاعر هستند که اغلب برای بیان فکر خود از آنها استفاده می‌کند ... " (ص ۷۹).

۱-۲. بررسی صوری و معنایی برخی از واژه‌های غزل سعدی که با بسامد بیشتری ظاهر شده‌اند. از جمله: واژه‌های اندامی چون روی، لب، تن و ... که اغلب از حوزه معنایی خود خارج می‌شوند و همچون عناصر طبیعی عمل می‌کنند و واژه‌های مربوط به عناصر طبیعی چون گل، بلبل، سرو، خاک، آب و ... که اغلب از حوزه معنایی خود خارج می‌شوند و همچون شخصیتی زنده عمل می‌کنند (صص ۸۳-۷۹).

"آنچه درباره تن آدمی در شعر سعدی گفته شد، در مورد سایر عناصر موجود در این اشعار نیز صادق است. عناصر جهان طبیعت که در قیاس با تن انسان هستند، اعضای بدن را گرفته و بازگو می‌کنند. برای اعضای بدن خروج اجزا از محیط اصلی، مرحله مادیت گرفتن و انفصال از حوزه خود را طی می‌کند: دل، لب، روی و ... وجود مستقل می‌یابند. شیئی می‌شوند، تا جایی که گاهی شخصیت می‌گیرند، برای عناصر طبیعت این طی مرحله به صورت تهازری معکوس است ... در این ابیات عناصر طبیعت خارج از انسان، در یک مرحله انسانی شدن قرار می‌گیرند تا بتوانند بیانگر عواطف و شمایل بشری باشند" (صص ۸۲-۸۳).

۱-۳. بررسی مفهوم عشق و روابط عاشق و معشوق در غزلیات سعدی (صص ۹۱-۸۵).
۱-۴. اشاره به برخی دیگر از مضامین غزل‌های سعدی: "مضمون و معنای کلی ابیات بسیار و مخصوصاً مقطع بسیاری از غزل‌ها دعوت به ترک و صرف‌نظر است: ترک تدبیر، ترک مراد، ترک جان و پذیرفتن ناتوانی در برابر ساخته گردش روزگار ... در شعر سعدی یک تأکید ویژه در مورد غیرممکن بودن تغییر واقعیت وجود دارد ... (ص ۹۲) اعتدال محتوا و ظرف و الفت و هماهنگی عناصر شعر سعدی، به شعر انعطاف‌پذیری و نفوذپذیری و تراوایی و انبساطی می‌دهد که گاه بی‌تی را به چندین صورت می‌توان خواند و معنی کرد و یا معنی دلخواه را از آن فهمید" (ص ۹۵).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. غزلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ویراسته بهاءالدین خرمشاهی، ۱۳۶۷.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۲. غزلیات سعدی ۶۳ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. بررسی حوزه معنایی واژه‌های شعر سعدی و بررسی بسامد آنها، به عنوان شیوه‌ای برای دست‌یابی به شناخت ذهن و زبان سعدی از شیوه‌های درست تحقیق برای هدف یاد شده است. نگارنده این مقاله با تأکید بر این روش و با تحلیل برخی از واژه‌های کلیدی کوشیده است تا نمایی از ذهن و زبان سعدی ترسیم کند. ارائه آماری از بسامد برخی واژه‌ها (ص ۷۹). تحلیل معنایی واژه‌ها و استناد مکرر به نمونه‌هایی از شعر سعدی از ویژگی‌های این نوشته است.

البته پیش از این، ریکاردو زیپولی استاد دانشگاه ونیز ایتالیا و استاد نگارنده مقاله حاضر در مقاله "آینه در اشعار فرخی، سعدی، حافظ، همراه با پیشنهادی در زمینه بررسی آماری، تطبیقی" (ذکر جمیل سعدی، ج ۲، صص ۲۵۶-۲۲۹)، همین روش را پیشنهاد کرده است.

این نوشته به عنوان گفتار مقدمه‌گونه‌ای در کتاب "سیم دل مسکین" به چاپ رسیده است. کتاب یاد شده شامل صدویک غزل از سعدی و ترجمه آنها به زبان ایتالیایی است که به دست سترک مانوکیان انجام گرفته و در رم منتشر شده است.

ش

شاعران ایرانی در نمایشنامه‌های فرانسوی، جواد حدیدی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۵۱، صص ۱۱۲-۱۲۸.
چاپ‌های دیگر: ۱. برخورد اندیشه‌ها، جواد حدیدی، انتشارت توس، ۱۳۵۶، صص ۱۷۲-۱۵۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره جایگاه خیام و سعدی از نظر نویسندگان فرانسوی: "از میان شاعران ایرانی سعدی و خیام بیش از دیگران مورد ستایش نویسندگان فرانسوی قرار گرفته‌اند. یکی برای ارزش اخلاقی اشعار و داستان‌هایش و دیگری برای فلسفه و برداشتی که از زندگی و هستی داشته است ... (ص ۱۱۳).

اروپاییان از دیرباز، یعنی از سال ۱۶۳۴ که نخستین ترجمه گلستان به زبان فرانسوی و سپس از روی متن فرانسوی به دیگر زبان‌های اروپایی درآورده شد، سعدی را می‌شناختند، و چون در آن روزگاران مردم بیشتر پای‌بند اخلاق و دین و مذهب بودند، آشنایان با سعدی از حکایات و اشعار و پندهای او بهره فراوان بردند و به پیروی از او داستان‌های بسیار ساختند ... (ص ۱۱۴).

۱-۲. توضیح درباره تأثیرپذیری نمایشنامه‌نویسان فرانسه از افکار و آثار سعدی، و بررسی نمایشنامه "گلستان یا محلل سمرقند" اثر "شارل - پواسن دولاشا بوسی‌یر" (صص ۱۲۷-۱۲۱).

۱-۳. توضیح درباره بهره‌وری برخی از نمایشنامه‌نویسان فرانسه از افکار و آثار سعدی، و بررسی نمایشنامه "گلستان یا محلل سمرقند" اثر "شارل - پواسن دولاشا بوسی‌یر" (صص ۱۲۷-۱۲۱).

۱-۴. اشاره به نمایشنامه "بوسه سعدی" اثر خانم پری‌در (ص ۱۲۸).

"یکی دیگر از نویسندگان فرانسوی، خانم J. Peridier چندی بعد نمایشنامه‌ای به نام بوسه سعدی Baiser de saadi نوشت و نام شاعر شیراز را دوباره بر سر زبان‌ها انداخت ... (ص ۱۲۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. متن فرانسوی نمایشنامه‌های یاد شده در بخش مضامین اصلی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. آقای دکتر جواد حدیدی در نوشته‌های مختلف خود ادبیات تطبیقی ایران و فرانسه را بارها بررسی کرده‌اند و در دو کتاب گرانقدر "از سعدی تا آراگون" و "برخورد اندیشه‌ها" تأثیرپذیری بسیاری از نویسندگان فرانسوی را از ادبیات فارسی باز نموده‌اند.

مقاله حاضر که در کتاب برخورد اندیشه‌ها نیز به چاپ رسیده (انتشارات توس، ۱۳۵۶، صص ۱۷۲-۱۵۷) یکی از نوشته‌های ارزشمندی است که گوشه‌ای از تأثیر سعدی و خیام را در فرهنگ فرانسه نشان داده است.

۴-۲. نظم منطقی مقاله به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد باید درباره نمایشنامه "بوسه سعدی" نیز در پایان مقاله توضیح داده می‌شد. اما این نوشته با جمله "ادامه دارد" به پایان رسیده و دنباله آن دیده نشد. گفتنی است که همین نوشته بدون توضیح اضافی در کتاب "برخورد اندیشه‌ها" به چاپ رسیده و ادامه ندارد.

شاعر و ستایشگر عدل و داد، علی دشتی، تلاش، سال سیزدهم، شماره ۷۹، اردیبهشت ۱۳۵۷، صص ۲۲-۲۰.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته حاصل گفتگویی است با علی دشتی.

۱-۱. توضیح درباره مضمون قصاید مدحی؛ تأکید بر تملق‌گویی و بیهوده‌بافی قصیده‌سرایان مداح پیش از سعدی با یادکرد نمونه‌هایی از این مدایح و مقایسه آنها با مدایح سعدی (صص ۳۱-۳۰)، از جمله: "از سراسر کلیات شیخ استغنا و زهد و بی‌اعتنایی به کسب مال و جاه مشهور است از سخن او بخوبی دیده می‌شود که شیوه او پستی و چاپلوسی نیست... به طور قطع می‌توان گفت هیچ گاه برای جلب نفع و رسیدن به مکتب، امرا را مدح نکرده، بلکه سبب اصلی، امور سیاسی، اجتماعی و یا اخلاقی بوده است ... (ص ۳۱).

۱-۲. تأکید بر جنبه اجتماعی آثار سعدی: "سعدی در متن اجتماع قرار دارد، با مردم آمیزش و با امرا آمد و شد می‌کند. پسر پادشاه وقت به وی ارادت می‌ورزد. خاندان سلطنتی به او احترام دارند ... با این همه سعدی یک قدم از دایره قناعت و عزت نفس دور نمی‌شود. ارتباط خود را با امرا وسیله جلب منافع شخصی نساخته، بلکه وسیله اندرز و تشویق آنان به مراعات مردمی و انصاف قرار می‌دهد" (ص ۳۱).

۱-۳. تأکید بر ستم ستیزی، عدالت‌ورزی، دین‌باوری، استغنا و وارستگی در آثار سعدی (ص ۳۲)، از جمله: "سعدی عقل و دین را توأم می‌داند، به فتوای او هر چه شریعت اسلامی به عنوان امر و نهی آورده با موازین عقلی سازگار است ... زبان وی هنگام وعظ پخته‌تر و روان‌تر است، تا هنگام مدح. زیرا در این زمینه تراوش قریحه طبیعی و در مقام مدیحه‌سرای، گویی مقرون به تکلف است ... سعدی در هاله‌ای از ایمان احاطه شده است. عقاید مذهبی اساس حرکت ذهنی و زمینه مباحث اخلاقی وی را تشکیل می‌دهد ... (ص ۳۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۱۰ بار، غزلیات ۳ بار، بوستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. علي دشتي پيش از اين در كتاب "قلمرو سعدي" نگرش خود را درباره سعدي و آثار او بيان داشته و در نوشته حاضر سخن تازه‌اي بر مطالب كتاب قلمرو سعدي نيفزوده است. اين نوشته تأكيد دوباره‌اي است بر عظمت شخصيت و آثار سعدي، بدون اشاره به تناقضات جنجال برانگيزي كه در دو بخش از كتاب ياد شده، آمده است. براي آگاهي بيشتري، كتاب "قلمرو سعدي" در بخش كتاب‌ها از همين مجموعه.

شاعر و معلم بزرگ، حبيب يغمايي، يگما، سال بيستونهم، شماره چهارم، تير ۱۳۵۵، صص ۱۹۹-۱۹۳.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. تأكيد بر ارزش برتر سخن سعدي: "شيخ سعدي شيرازي، بي‌هيچ ترديد بزرگ‌ترين شاعري است كه زبان فارسي را در جهان ادب رواج و رونق داده و به كمال رسانده است و به حق و انصاف بايد او را پدر و معلم فارسي خواند و دانست (ص ۱۹۳). منت ديگري كه سعدي بر ما دارد آنرا زياد اوست، از نظم و نثر و تنوع موضوع ... مزيت ديگر سعدي انواع اشعار اوست ... نمي‌توانيم بگويم كه از كتاب‌هاي عزيز شيخ کدام يك بهتر است" (ص ۱۹۴).
۱-۲. نقل چند خاطره درباره تأثيرپذيري عاطفي از غزليات سعدي (ص ۱۹۵).
۱-۳. نقل تضميني مخمس بر اساس غزل "من چه در پاي تو ريزم ..." (صص ۱۹۷-۱۹۶).
۱-۴. اشاره به برخي توجهات كه به سعدي و آثار او شده است در پاسخ به پرسشي از طرف گوينده راديو (صص ۱۹۹-۱۹۸).
۲. منابع اصلي: ۲-۱. كليات سعدي (نشاني مأخذ مشخص نشده است).
۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. غزليات ۴ بار، قصايد ۲ بار، گلستان ۱ بار.
۴. اشاره: ۱-۴. اين نوشته متن يك سخنراني است كه از راديو پخش شده و در آن بر ارزش‌هاي سخن سعدي تأكيد شده، ولي مطلب تازه‌اي كه جنبه پژوهشي داشته باشد در آن مطرح نشده است. در پاورقي ص ۱۹۳ آمده است: "سخني است ارتجالي درباره سعدي كه حبيب يغمايي در راديو گفته و در اوایل ارديبهشت ۲۵۲۵ پراكنده شد".

شاعري انديشه‌ور، كلك، شماره ۴، تير ۱۳۶۹، صص ۱۰-۶.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. يادکرد عبارت‌هاي در وصف سعدي از احمد بهمنيار، دكتور اسماعيل حاكمي، بهاء‌الدين خرمشاهي، دكتور عبدالحسين زرین‌كوب، دكتور ذبيح‌الله صفا، محمدعلي فروغي، هانري ماسه و دكتور غلامحسين يوسفی (صص ۶-۱۰).
۲. منابع اصلي: ۲-۱. سعدي‌نامه، حبيب يغمايي، ۱۳۱۶. ۲-۲. ذكر جمیل سعدي، جلد اول و دوم. ۲-۳. سيری در شعر فارسي، دكتور عبدالحسين زرین‌كوب. ۲-۴. تاريخ ادبيات در ايران، ج ۱/۳، دكتور ذبيح‌الله صفا. ۲-۵. تحقيق درباره سعدي، هانري ماسه، ترجمه دكتور غلامحسين يوسفی و دكتور محمدحسن مهدي. ۲-۶. كليات سعدي، محمدعلي فروغي. ۲-۷. بوستان سعدي، تصحيح و توضيح دكتور غلامحسين يوسفی.
۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. بوستان ۵ بار.
۴. اشاره: ۱-۴. در اين نوشته، تنها بخش‌هايي از سخنان، نويسندگان ياد شده در بخش "مضامين اصلي" بدون هيچ توضيحي بازنويسی شده است.

شرح حال سودي و تتبع او درباره آثار ادبي ايران، جعفر شعار، آموزش و پرورش، سال سي‌ودوم، شماره دوم و سوم، بهمن ۱۳۲۹، صص ۹۲-۷۲.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضيح درباره سودي و آثار او بويژه شرح او بر غزليات حافظ (صص ۸۹-۷۲).
۱-۲. اشاره به شرح سودي بر گلستان، بوستان و مثنوي و توضيحي کوتاه درباره شرح گلستان او با نقل عباراتي كه در توضيح تركيب "قصب‌الجيب" نوشته است" (صص ۸۹-۹۱).
۲. منابع اصلي: ۲-۱. شرح سودي بر غزليات حافظ. ۲-۲. شرح سودي بر گلستان.
۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱ بار.
۴. اشاره: ۱-۴. قسمت عمده اين نوشته به توضيح درباره شرح سودي بر غزليات حافظ اختصاص يافته و در کمتر از سه صفحه پاياني مقاله به معرفي کوتاه و تأييد شرح سودي بر گلستان سعدي پرداخته شده است. چنانچه شرح سودي نقد و بررسي مي‌شد، بر جنبه علمي مقاله مي‌افزود.

شرح گلستان، حميد بهنام، آينده، سال هفتم، شماره ۹ و ۱۰، آذر و دي ۱۳۶۰، صص ۷۷۴-۷۷۳.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضيح درباره پايان‌نامه تحصيلي نگارنده، زير عنوان "شرح لغات و اشعار مشكله و اعلام تاريخي گلستان سعدي" و ذكر ده مورد از جمله‌ها و سروده‌هاي گلستان كه از آيات قرآني و احاديث نبوي و سروده‌هاي حضرت علي(ع) تأثير پذيرفته. اين موضوع بخشي از مطالب آن پايان‌نامه بوده است (صص ۷۷۴-۷۷۳).
۲. منابع اصلي: ۲-۱. قرآن كريم، اصول كافي، ديوان منسوب به حضرت علي(ع)، ۲-۲. گلستان سعدي (نشاني مأخذ مشخص نشده است).
۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱۰ بار.
۴. اشاره: ۱-۴. اين نوشته متن نامه‌اي است كه در آن به كوتاهي تأثيرپذيري ده نمونه از جمله‌ها و سروده‌هاي سعدي از منابع مذكور باز نموده شده است. با توجه به اينكه پژوهش‌هاي متعددي با همين موضوع منتشر شده و نويسندگان ديگر با گسترده‌گي اين ويژگي از سخن سعدي را كاويده اند. اين نوشته کوتاه از جنبه پژوهشي گرهی را نمی‌گشايد.
۴-۲. عنوان نوشته "شرح گلستان" با موضوع آن سازگاري ندارد و نشاني مثال‌هاي شاهد مشخص نشده است.

شش نامه پيرامون يك شعر سعدي، مير صادق سيد نوراني، جلال راستي، معراجي، مسعود بهرامی، قربانعلي سراج و رحيم ذوالنور، ادبستان، سال سوم، شماره سوم (پياپي ۲۷)، اسفند ۱۳۷۰، صص ۶-۴.

۱. **مضامین اصلی:** * این نوشته شامل شش نام است که درباره مقاله " این شعر سعدی چند جمله دارد؟ " (از دکتر مهدی درخشان)، نوشته شده است.

۱-۱. نامه میرصادق سید نورانی: " ... اولین درسی که از نوشته استاد درخشان می‌توانیم بیاموزیم، طرز برخورد مناسب معلم است در چنین موارد (ص ۴). خلاصه کلام اینکه بنده در طول سال‌های معلمی خود ... این بیت سعدی را به هنگام ترکیب، سه جمله به حساب آورده‌ام ... بدین صورت:

۱. دو چیز طیره عقل است

۲. دم فروستن به وقت گفتن [طیره عقل است]

۳. گفتن به وقت خاموشی [طیره عقل است] ...

اگر بتوانیم این بیت را یک جمله به حساب بیاوریم، باید آن را بدین صورت به نثر برگردانیم: - دو چیز، دم بستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی، طیره عقل است " (ص ۵).

۱-۲. نامه جلال راستی: " ... آقای دکتر مهدی درخشان ... فرموده‌اند که شعر را به سه صورت می‌توان تعبیر کرد (به صورت یک جمله، سه جمله و پنج جمله) ... ولی شاگرد ایشان به عرض می‌رساند که چنین نیست. بیت یک جمله است و قابل تعبیر به سه جمله نمی‌باشد. زیرا، قسمت دوم شعر، " بدل " است برای مبدل‌منه دو چیز ... " (ص ۵).

۱-۳. نامه معراجی: " ... جناب آقای دکتر درخشان پس از اندک استدلالی به این استنتاج رسیدند که شعر " دو چیز طیره ... " یک جمله دارد. و پنداری اصلی ساده و بدیهی در دستور زبان فارسی، از فرط سادگی و بدهت از دید استاد گرامی پنهان مانده است ... و آن اصل ساده، حذف فعل از جمله به قرینه لفظی و یا معنوی است، که نمونه‌های آن در گلستان شیخ اجل بسیار است ... با عنایت به اصل فوق، بیت مورد بحث را می‌توان و می‌باید سه جمله دانست: دو چیز طیره عقل است [نخست] دم فروستن [است] به وقت گفتن [دوم] گفتن به وقت خاموشی [است] " (ص ۵).

۱-۴. نامه مسعود بهرامی: " ... بنده عقیده دارم این مسأله مجدداً قابل دقت نظر است و همان سه جمله بودن بیت بیشتر مقبول می‌باشد. از آنجا که در عرف دستور زبان، همه قائلیم به اینکه خیلی از عبارات فاقد فعل می‌باشند ولی مفهوم و معنای یک جمله کامل را می‌رسانند. پس می‌توان قبول کرد که افعال جملات دوم و سوم این بیت به قرینه حذف گشته‌اند ... " (ص ۵).

۱-۵. نامه قربانعلی سراج: " ... این که در این شعر مصدر به کار رفته، به این معنی نیست که نمی‌خواسته است فعلی و یا اسنادی را به کار گیرد، بلکه جبر سخن شعر و شاعری چنین اقتضایی را لازم می‌شمرده است ... استاد محترم کاملاً بجا و خوب تشخیص داده و فرموده‌اند شعر دارای سه جمله است ... این شعر از یک جمله بیشتر دارد و از سه جمله نیز، اضافه ندارد. از طرفی پنج جمله‌ای که در نامه استاد تقریر گردیده، مخالف قاعده تبدیل شعر به نثر برای راهیابی به چند جمله داشتن یک بیت نظم است ... " (ص ۶).

۱-۶. نامه رحیم ذوالنور: " ... تمام بیت " دو چیز طیره ... " یک جمله است ... اسم‌گذاری ارکان و اجزای بیت چنین است. دو چیز (مبدل‌منه) طیره عقل است: دم فروستن به وقت گفتن و گفتن به وقت خاموشی (گروه بدلی برای دو چیز). بنابراین بیت نه پنج جمله است و نه سه جمله و حتی آنجا که نوشته شده " یک جمله است " صورت مستقیم بیت که به نثر در آمده، اشتباه است " (ص ۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مقاله " این شعر سعدی چند جمله دارد؟ " مهدی درخشان، ادبستان، دی ۱۳۷۰، ص ۲۳.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۸ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته که شامل ۶ نامه است پاسخ‌هایی است که به مقاله دکتر درخشان برای تعیین تعداد جمله‌های بیت " دو چیز طیره ... " از سعدی داده شده است. سه نفر از نویسندگان اعتقاد به سه جمله‌ای بودن و سه نفر اعتقاد به یک جمله‌ای بودن بیت یادشده دارند و هر یک برای اثبات نظر خود به دلایلی هم متوسل شده‌اند. با توجه به اینکه این بحث تنها یک بحث دستوری است از نقد و تحلیل این نظرات، چشم می‌پوشیم.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. باز هم پیرامون یک شعر سعدی، دکتر مهدی درخشان، ادبستان، سال سوم، شماره پنجم (شماره پیاپی ۲۹)، اردیبهشت ۱۳۷۱، صص ۴۵-۴۴.

شعر سعدی، محمد خوانساری، یغما، سال یازدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۳۷، صص ۹۴-۹۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به مقاله‌ای از مجتبی مینوی، چاپ شده در مجله یغما (دی ۱۳۳۶) که در آن مقاله آقای مینوی بیت زیر را (از سعدی)، بی‌معنی دانسته‌اند: " بیا که ما سر هستی و کبریا و رعونت - به زیر پای نهادیم و پای بر سر هستی " و پاسخ به آن: " [این] شعر بدون هیچ تأویل و توجیهی دارای معنی واضح و روشن است (ص ۹۳) معنی شعر به طور صریح این است: بیا که ما سر خودبینی و کبریا و رعونت را زیر پای نهادیم و آنگاه پای بر سر ملک هستی گذاشتیم ... " (ص ۹۴).

۱-۲. طرح معنی دیگری برای بیت یاد شده (ص ۹۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، ۱۳۳۰، تهران.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲ بار، گلستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ایراد نگارنده مقاله حاضر و توضیح ایشان درباره بیت یاد شده، کاملاً درست است، اما معنی دومی را که در پایان نوشته، نیز محتمل دانسته‌اند - همان گونه که در زیرنویس همان صفحه آمده - چندان پسندیده نیست.

شعر سعدی در چین، یادگار، سال اول، شماره دوم، مهر ۱۳۳۳، صص ۸۰-۷۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش سخن سعدی و آگاهی او از آوازه عالم‌گیرش (ص ۷۹).
۱-۲. نقل عباراتی از ابن بطوطه درباره شعر از سعدی که بر زبان آوازخوانان چینی روان بوده است و نتیجه اینکه: " خوانندگان گرامی از همین اشاره ابن بطوطه درمی‌یابند که دایره انتشار کلام سعدی نیم قرن بعد از فوت او تا کجا می‌رسید ... " (ص ۸۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. سفرنامه ابن بطوطه (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله سخن تازه‌ای بیان نشده و اصل نوشته، همان نقل گفتار ابن بطوطه است و از نظر ذکر مأخذ نیز دچار نقص است.

شعر طبیعی و مصنوعی، وحید دستگردی، ارمغان، سال چهارم، شماره ۲ و ۴، سال ۱۳۰۲، صص ۱۱۸-۱۰۱.

چاپ‌های دیگر: ۱. ارمغان، سال پنجاه و هشتم، دوره چهل و پنجم، شماره ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۲۵۲۵ (۱۳۵۵)، صص ۲۷۱-۲۵۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره شعر طبیعی و مصنوعی (۱۰۵-۱۰۱) " مقصود از شعری که به طبیعی و مصنوعی تقسیم می‌شود آن شعری است که دارای تمام مزایای فصاحت و بلاغت بود و از تمام نواقص و هر چه مخل فصاحت است میرا باشد و گرنه بکلی از موضوع بحث ما خارج است (ص ۱۰۲) هر گاه شا عر خود در جریان سیل حوادث طبیعت واقع شد و هر چه را احساس کرد به بیان پرداخت، اشعار او طبیعی است، ولی هرگاه خود در جریان واقع نشده و اوضاع طبیعت را به تقلید و خیال بیان کند، چنین شعری مصنوعی است " (ص ۱۰۴).

۱-۲. بررسی نمونه‌هایی از سروده‌های فردوسی، نظامی، سعدی، و مولوی برای روشن شدن شعر طبیعی و شعر مصنوعی (صص ۱۱۸-۱۰۵).

۱-۳. توضیح درباره سخن سعدی با بیان ابیاتی از غزلیات او به عنوان نمونه‌هایی از شعر طبیعی و اشاره به اشعار حماسی سعدی در باب پنجم بوستان به عنوان نمونه‌ای از شعر مصنوعی (صص ۱۱۵-۱۱۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. شاهنامه فردوسی، خمسه نظامی، کلیات سعدی و مثنوی مولوی (نشانی مأخذ مشخص نیست).
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۶ بار، بوستان ۲ بار، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اصل این نوشته درباره شعر طبیعی و مصنوعی است و در سه صفحه از آن اشعار سعدی از لحاظ موضوع مورد نظر بررسی شده و ابیاتی از باب پنجم بوستان که سعدی در آن ابیات به شیوه فردوسی طبع آزمایی کرده به دلیل آنکه برخی واژه‌ها با روح حماسی سازگاری ندارند به عنوان اشعار مصنوعی شناخته شده است و جز این مطلب تازه‌ای ندارد. بسیاری دیگر از سعدی‌پژوهان، سعدی را در این بخش از بوستان موفق ندانسته‌اند.

شعرهای عربی سعدی ... (دکتر مؤید شیرازی)، محمود آیتی، کیهان فرهنگی، سال سیزدهم، شماره ۱۲۹، مهر و آبان ۱۳۷۵، صص ۶۸-۶۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش ادبی ترجمه دکتر جعفر مؤید شیرازی، در کتاب " شعرهای عربی سعدی ... "، از جمله: " واژه‌ها با وسواسی شایسته چیده شده و ترجمه با دقتی ستودنی انجام گرفته است، آن‌چنان که گویی مورد نقضی است بر این اعتقاد که " ترجمه در رساندن معنای کامل و پیام ناب مرجع ناتوان است ".

۱-۲. اشاره به چاپ پیشین متن و ترجمه اشعار عربی سعدی در کتاب " شناختی تازه از سعدی " و چاپ مجدد آن بدون تجدید نظر و یادکرد پانزده مورد از اشکالات چاپی، اعرابی، ترجمه‌ای و نشانه‌گذاری در کتاب یاد شده (صص ۶۸-۶۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. شعرهای عربی سعدی شیرازی، تصحیح انتقادی و ترجمه از دکتر مؤید شیرازی، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۳.
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. شعر عربی ۱۸ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. نگارنده این مقاله با تأکید بر ارزش ادبی و ترجمه شیوای کتاب " شعرهای عربی سعدی، به تصحیح و ترجمه دکتر جعفر مؤید شیرازی "، چند مورد از اشکالات چاپی، اعرابی، ترجمه‌ای و نشانه‌گذاری کتاب یاد شده را یافته و باز نموده است. ایجاز بایسته، یادکرد نشانی نمونه‌های مورد استشهاد و تیزبینی و دقت در بازیافت اشکالات مطرح شده، از ویژگی‌های این نوشته کوتاه است.

شعری از بوستان سعدی ، حسین لسان، سخن، دوره بیست و پنجم، شماره دوم، تیر ۱۳۵۵، صص ۲۲۲-۲۲۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل بیت "به دعوی چنان ناوک انداختی - که عذرا به هر يك يك انداختی" از بوستان، با اشاره به مقاله دکتر رشید عیوضی درباره همین بیت و نقل صورت ضبط‌های گوناگون مصراع دوم بیت یاده شده در نسخه‌های مختلف بوستان (صص ۲۲۹-۲۲۷).

۱-۲. پذیرش نظر دکتر عیوضی در مورد درستی ضبط فروغی (که عذرا به هر يك يك انداختی) و رد نظر عیوضی درباره معنی " عذرا": " عذرا به معنی (اشکارا) آن هم بدون شاهدهی صریح و خدشه‌ناپذیر، که متفق‌علیه ارباب لغت باشد، خیلی غریب به نظر می‌رسد ... با توجه به کلمه (دعوی) که در مصراع اول آمده، معنی درست و مناسب (عذرا) در این بیت: " نهایت برد در بازی نرد " است ... حال با توجه به این توضیحات ... شعر را این طور معنی خواهیم کرد: هنگام دعوی، چنان ناوک‌اندازی می‌کرد که مانند عذرا، نهایت پیروزی و برد را داشت، یعنی با هر تیر یکی را می‌انداخت ... همچنین ممکن است که (عذرا) را در همان مفهوم اسمی خود معنی کنیم ... آن وقت شعر چنین معنی خواهد شد: هنگام دعوی چنان ناوک‌اندازی می‌کرد که این دعوی، حکم عذرا (یعنی نهایت برد و پیروزی را) داشت. به طوری که با هر تیر یکی را می‌انداخت " (صص ۲۳۱-۲۲۹).

۱-۳. بررسی معنی ترکیب " یک‌اندازی " به بهره‌گیری از برخی از متون گذشته (صص ۲۳۳-۲۳۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مقاله " عذرا - انداختی " دکتر رشید عیوضی، مجله آذر آبادگان، سال ۳۶، شماره ۱۱۰.
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۲ بار، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. بیت مورد نظر (به دعوی ...) همان گونه که نگارنده مقاله هم اشاره کرده‌اند، یکی از بحث‌انگیزترین بیت‌های بوستان است. تا کنون نظرات مختلفی درباره صورت و معنی این بیت بیان شده است.

تنها تفاوتی که در این نوشته، نسبت به مقاله عیوضی در خصوص بیت یاد شده وجود دارد، اختلاف نظر در مورد معنی واژه " عذرا " است. اما با همه کوششی که نویسنده مقاله حاضر به کار بسته، حاصل نهایی معنی، از معنایی که دکتر عیوضی برای بیت نوشته‌اند، بهتر نیست، بلکه تعقید بیشتری را موجب شده است.

شکر از مصر و سعدی از شیراز ، سیمین بهبهانی، دنیای سخن، شماره ۶۲، بهمن و اسفند ۱۳۷۳، صص ۷۰-۶۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای به گفتگوهای نگارنده مقاله با آقای ضیاء موحد، نویسنده کتاب "سعدی" (ص ۶۶).

۱-۲. توضیحی درباره نظر موحد در خصوص قالب و محتوا در هنرهای کلامی و غیر کلامی (ص ۶۶).

۱-۳. تأیید نظر موحد درباره سادگی و شفافیت سخن سعدی و تأکید بر آن (صص ۶۷-۶۶).

۱-۴. نقل سخن موحد درباره خانقاه نشینی سعدی در اواخر عمر و تردید در آن باره: " این خصلت زندگی‌گریزی را در پندها و حکایات بوستان و قصاید سعدی می‌توان بخوبی تشخیص داد. اما هر چه فکر می‌کنم، گوشه خانقاه را با بسیاری از غزل‌های سعدی، سازگار نمی‌بینم " (ص ۶۸).

۱-۵. اشاره به نظر موحد درباره تأثیرپذیری سعدی از غزالی و تأیید آن نظر (ص ۶۸).

۱-۶. یادکرد ابیاتی از چند قصیده سعدی که در مدح سلجوق‌شاه سروده شده و اشاره‌ای به غزلی با مطلع " آن حسن بین که روی پوشانده ماه را... " با این نتیجه‌گیری که: " به نظر من هم این غزل مستقل است و قبل از آن سه بیت، پایان گرفته است و دلیلش هم تخلص سعدی در بیت ماقبل این سه بیت است ... " (صص ۶۹-۶۸).

۱-۷. تأیید نظر موحد درباره ویژگی پندآموزی سخن سعدی و دلایل آن (ص ۶۹).

۱-۸. اشاره به نظر موحد در خصوص مقایسه غزل سعدی و حافظ با افزودن مطلب زیر: " در تبیین نحوه احساس دو شاعر - اصلاً قیاس غزل سعدی و حافظ " قیاس مع الفارق " و امری ناممکن می‌شود - سعدی مجسمه‌ای زیبا و ظریف، با خطوط و ابعادی که خود می‌خواهد و صلاح می‌داند می‌پردازد و به تماشا می‌گذارد و می‌گوید این است آنچه ساخته‌ام. بین، لذت ببر، با آنچه در نظر داری قیاس کن ... اما حافظ خمیرمایه‌ای لطیف و خوشبو و نقش‌پذیر، پرداخته از خاکی که ذراتش جان کلام است، پیش روی شنونده می‌گذارد و می‌گوید: تو نقش بز، به هر شکل که می‌خواهی ... " (ص ۶۹).

۱-۹. اشاره به بخش‌های دیگر کتاب یاد شده و تأیید همه نظرات موحد و نتیجه‌گیری آنکه: " گمان می‌کنم که این سرنخی باشد که به دست داده است تا راهنمای پژوهندگان شود و شاید خود او در آینده این کتاب را توسعه بخشد و اطلاعات بیشتری بر آن بیفزاید ... " (ص ۷۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۶ بار، غزلیات ۵ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته در واقع معرفی کتاب " سعدی " نگاه‌شسته آقای ضیاء موحد است. نویسنده مقاله با یادکرد برخی از مطالب کتاب یاد شده، آن را تأیید کرده و برآن پای فشرده است. در مجموع سخن تازه‌ای در این مقاله بیان نشده است.

شناسایی سعدی ، نورالله ایران‌پرست، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۰-۳۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش آثار سعدی و اظهار تأسف از این‌که هنوز تحقیق شایسته‌ای برای شناسایی درست سعدی انجام نگرفته: " متأسفانه ارزش نظم و نثر سعدی چنان که باید و شاید شناخته نشده است. بیشتر آنچه تا کنون درباره سعدی نوشته‌اند، به زندگی او مربوط است که هفتصد سال پیش پایان یافت و نه آثارش که جاویدان می‌باشد ... " (ص ۲۷).

۱-۲. اشاره به مقاله علامه قزوینی با عنوان ممدوحین شیخ سعدی و انتقاد از آن: " آیا پرداختن به زندگی و خانواده و تولد و مرگ و معاصران، نشان کمی توجه به آثار نویسنده و گوینده نیست " (ص ۲۷).

۱-۳. بحثی کوتاه درباره حکایت‌های بوستان و گلستان، نتیجه اینکه: " برای روشن شدن مقاصد بلند یاد شده در هجده باب، چهارصدوشش مثل آمده است که شصت‌وشش تا از آنها صورت سرگذشت دارد. " (ص ۲۸). " داستان‌های یاد شده وقایع زندگی او نیست و چنان که گفته شد تمثیل است. " (ص ۲۹).

۱-۴. اشاره به گوشه‌هایی از زندگی سعدی از جمله اینکه: " در نظامیه درس خوانده، با بعضی از دانشمندان معاصر ملاقات کرده، پیشه‌اش وعظ بوده، مدح گفته، صله و رشوه دریافت نکرده و ... " (ص ۳۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۴ بار، بوستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله از یک نظم منطقی برخوردار نیست. نویسنده، ابتدا، از این‌که بیشتر پژوهندگان به شرح زندگی سعدی پرداخته‌اند، انتقاد می‌کند ولی ناگهان با معرفی کوتاه گلستان و بوستان و یادآوری چند حکایت سرگذشت‌گونه نتیجه می‌گیرد که این‌ها تمثیل است و در پایان علی‌رغم نظر اولیه خود و بدون ذکر مأخذ به شرح گوشه‌هایی از زندگی سعدی می‌پردازد.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سعدی و فلسفه زندگی، دکتر حیدر رقابی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۱۲۹. ۵-۲. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۶-۵۷. ۵-۳. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۵۶.

شناسایی سعدی در اروپا ، علی سامی، هنر و مردم، شماره ۶۱ و ۶۲، آبان و آذر ۱۳۴۶، صص ۵-۲۰. چاپ‌های دیگر: ۱. کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، علی سامی، انتشارات نوید، ۱۳۶۳ (چاپ سوم)، صص ۲۱۹-۲۱۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر شهرت جهانگیر سعدی و اشاره به قول مشهور ابن‌بطوطه درباره آواز خواندن کشتی نشینان چینی با شعر سعدی. همچنین یادآوری سخن ابن بطوطه درباره سروده‌های سعدی بر روی سنگ قبرهای قدیمی چین (ص ۲).

۱-۲. معرفی برخی از ترجمه‌های آثار سعدی در اروپا و مترجمین این آثار، از جمله: آندره دوریه، فریدریک اوکسن‌باخ، ژرژ گنسیوس، اولتاریوس، گراف، روکر، فریدریک روزن و باریبه دومنار (ص ۳).

۱-۳. معرفی برخی از ترجمه‌های آثار سعدی در شوروی و یادکرد مترجمین آنها، از جمله: نازاریس، خولمو گوراف، چابکین و برتلس، با یادآوری این مطلب که: " یکی دیگر از نمونه‌های ارادت و توجه روس‌ها به سعدی این است که در سال ۱۹۱۵ کتابی به نام گلستان منتشر کردند که ربطی به گلستان سعدی ندارد بلکه تذکره‌ای از منتخبات حکایات روسی و اروپایی است که از لحاظ اهمیت شهرت گلستان سعدی، آن کتاب را بدین نام منتشر ساختند تا از محبوبیت و معروفیت این نام برای فروش آن کتاب استفاده کرده باشند " (ص ۴).

۱-۴. معرفی برخی دیگر از ترجمه‌های آثار سعدی در کشورهای انگلستان، ایتالیا، رومانی، چکسلواکی، لهستان، یوگسلاوی، یونان، ژاپن، سوریه و عراق (صص ۵-۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ایران شناسی، شجاع‌الدین شفا. ۲-۲. مجله دانشکده ادبیات تهران، مهر ۱۳۴۵، مقاله پرفسور بااوزانی.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۳ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. درباره آوازه بلند سعدی و ترجمه آثار او به زبان‌های دیگر، مقاله‌های فراوانی نوشته شده است. و یکی از قدیمی‌ترین آنها نوشته دکتر عبدالحسین زرین‌کوب است (سعدی در اروپا، سخن، دوره سوم، شماره ۸ و ۹، اردیبهشت و خرداد ۱۳۲۶، صص ۵۷۶-۵۷۲). نگارنده این مقاله نیز از پیشگامانی است که در این نوشته بدون اشاره به پژوهش‌های پیشین (جز یکی دو

اشاره) فهرستی از این آثار را معرفی کرده است. چنانچه این ترجمه‌ها نقد و بررسی و ارزشیابی شده بودند بر ارزش علمی مقاله افزوده می‌شد.

شهامت ادبی سعدی ، دکتر زبیده صدیقی، ذکر جمیل سعدی، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، ج ۲، صص ۲۲-۲۳.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر شهامت سعدی در بیان حق و پند به پادشاهان و امرا: "شیخ در حق‌گویی و اعلائی کلمه حق جرأت و شهامتی از خود نشان داده است که در ادبیات جهانی نظیر ندارد. وی روحیه‌ای دارد کاملاً از حریت اسلام برخوردار و قلبی سراسر از عزت انسانی سرشار. سعدی رموز حیات بشری را چنانکه هست از هر جهت عیان می‌دیده است و دقیقه‌ای از دقایق حیات را فرو نگذاشته که آن را به تجربه نیازموده باشد ... شیخ پا از طلب نکشیده و به هیچ مقام و مراد نگراییده است (ص ۲۵). کلیات شیخ در ادبیات آموزش و پرورش جهانی کم نظیر است (ص ۲۶). صدق و اخلاص شیخ به تربیت و آموزش، تلخابه پند و نصیحت را به کام پادشاهان شیرین و گوارا می‌سازد." (ص ۲۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. آثار سعدی (بدون ذکر نشانی).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۶ بار، بوستان ۱۵ بار، قصاید ۱۰ بار، غزلیات ۳ بار، قطعات ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشتار نزدیک به پنجاه مورد از سخنان سعدی که بیشتر آنها متضمن پند و اندرز به بزرگان است باز نموده شده است اما واژه "ادبی" در عنوان مقاله (شهامت ادبی سعدی بی‌وجه می‌نماید، زیرا در تمام مقاله درباره شهامت اجتماعی سعدی سخن رفته است و نه شهامت ادبی او. این عنوان وقتی درست بود که نویسنده درباره نوآوری‌های سعدی در حوزه ادبی کاوش کرده بودند.

۴-۲. برخی از عبارات این نوشته ناهمگون با عبارات دیگر است و گاهی نیز نثری به هم ریخته و مشوش دارد. از جمله: "به خداپرستی و می‌خواند و از گفت دنیاداران به بی‌پروایی" (ص ۳۱) "شیخ در روی شاهان، فقیران را بر ایشان برتر می‌شمارد و علیه جوع‌الارض تبلیغ می‌کند" (ص ۲۹).

"سعدی آزاده واقعی است که فکر آزاد خودش را در پیش پادشاهان بی‌رودریاستی و با کمال بی‌باکی و شهامت ابراز داشتی و ایشان را به کم‌دوامی زندگانی و نعيم جهانی متوجه می‌ساختی." (ص ۲۷).
۴-۳. نشانی مثال‌های شاهد ذکر نشده است.

شهرت جهانی سعدی در زمان خویش ، عباس اقبال، برگرفته شده از کتاب " شیراز شهر جاویدان " ، از علی سامی، انتشارات نوید، ۱۳۶۳، صص ۲۷۲-۲۷۰.

*** این نوشته، بخشی از مقاله مشهور " زمان تولد و اوایل زندگی سعدی " است که در " سعدی‌نامه " و نیز در مقدمه برخی از کلیات به چاپ رسیده است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده در همین مجموعه.**

شهر شاعران - سعدی ، ا.ج. آربری برگرفته شده از کتاب " شیراز، مهد شعر و عرفان " ، ترجمه منوچهر کاشف، تهران ۱۳۵۲، صص ۱۵۵-۱۲۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به مصیبت هجوم وحشیانه مغول در زمان سعدی (صص ۱۳۰-۱۲۸).

۱-۲. ترجمه بخشی از سروده سر ادوین آرنولد درباره سعدی (صص ۱۳۱-۱۳۰).

۱-۳. توضیح درباره تولد، تخلص و مسافرت‌های سعدی و ارتباط او با حاکمان زمان (صص ۱۳۷-۱۳۱).

۱-۴. اشاره به بازگشت سعدی از مسافرت‌های طولانی و نظم بوستان و نگارش گلستان (صص ۱۳۹-۱۳۷).

۱-۵. تأکید بر ارزش و آوازه بوستان و گلستان: " گلستان نیز به جایی رسید هم‌سنگ آن دیگری، و شاهنشاهان از اینکه نسخه‌ای از آن را زینت‌بخش کتابخانه خود می‌دیدند، بر خویشتن می‌بالیدند، لیکن اهمیت این دو کتاب به همین مایه شهرت خاتمه نمی‌پذیرد، زیرا از آنجا که هر دو به پارسی بسیار ساده و در عین حال کاملاً درست و شیوا تصنیف شده‌اند، برای بسیاری از نسل‌ها سرمشق نگارش بوده‌اند ... هرگاه بگوئیم که این دو کتاب پس از قرآن مجید، بیش از هر اثر دیگر در طرز تفکر ایرانیان کارگر افتاده است، سخنی به گزاف نگفته‌ایم" (ص ۱۳۹).

۱-۶. نقل عباراتی از امرسون درباره سعدی (صص ۱۴۰-۱۳۹).

۱-۷. نقل برخی از سروده‌های جسارت‌آمیز و بی‌پروای سعدی خطاب به حاکمان وقت (صص ۱۴۲-۱۴۱).

۱-۸. بیان تأثیرپذیری مغول‌ها از تمدن و فرهنگ ایرانیان، بویژه مردم شیراز و از آن جمله از اشعار سعدی: " ایرانیان که وارث حکمت و فرهنگی کهن‌سال‌تر از تاریخ بودند و به لطف چنین شیوه‌ای توانسته بودند فاتحان آرامش‌ناپذیر عرب را رام دستان خود گردانیده، علم و دانش در آموزند، اینک نیز میان بر آرام کردن مغول‌های خونخوار بستند و در این رهگذر توفیقی تمام یافتند و شیراز، بیش از هر چیز دیگر، مکتبی شد که مغولان را با هنرهای ظریف آشنا کرد. سعدی عشق سرشار و قلب وفاکار خویش را نثار خاک زادگاه خود، شیراز کرد ... " (ص ۱۴۴).

۱-۹. اشاره به ارتباط سعدی با شمس‌الدین جوینی و مضمون سروده‌های سعدی که به صاحبیه شهرت یافته و دو نامه که بین سعدی و خواجه شمس‌الدین جوینی رد و بدل شده است (صص ۱۵۱-۱۴۸). ۱-۱۰. توضیح درباره موقعیت آرامگاه سعدی و اشاره‌ای به سرگذشت آن (صص ۱۵۵-۱۵۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. گلستان، عبدالعظیم قریب گرکانی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۸ بار، غزلیات ۶ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۳ بار، رسائل نثر ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بلند (۲۸ صفحه‌ای) که فصلی از کتاب " شیراز مهد شعر و عرفان " اثر ا.ج. آربری است، از نوشته‌هایی است که اطلاعات کلی و گسترده‌ای برای مخاطبان کتاب در بر دارد و بیشتر مطالب آن مطابق با واقع است. ترجمه شیوا و حروف‌چینی خوب کتاب مطالب آن را خواندنی‌تر کرده است. نویسنده کتاب با نظر کسانی که برخی از حکایت‌های سعدی را در بوستان و گلستان زاییده تخیل او می‌دانند هم عقیده است و درباره حکایت ازدواج نامبارک سعدی در دیار فرنگ می‌نویسد: " این داستان عبرت‌انگیز، در اجتماعی که در آن مردان همه کاره بوده‌اند، باید که مورد قبول واقع شده باشد. ولی کسی چه می‌داند، شاید این یک حکایت نیز، مانند بسیاری دیگر، تنها زاییده خیال پردازی‌های او و فقط بر سبیل تنبه نوشته شده، و بنابراین بیش از آن دیگران قابل اعتماد نباشد ... " (ص ۱۳۴).

۲-۴. از ویژگی‌های دیگر این نوشته که به جنبه علمی آن کمک کرده است دیدگاه انتقادی نویسنده است به برخی از نوشته‌ها، از جمله ص ۱۳۵ درباره نظر ادوارد براون، و ص ۱۴۹ درباره نظر جیمز راس و ص ۱۵۲ درباره حکایت ملاقات سعدی با سلطان آباقا و شمس‌الدین...

۳-۴. نشانی نقل قول‌ها و مآخذ مقاله مشخص نشده است، که این امر از ارزش علمی مقاله می‌کاهد، مواردی چون ص ۱۳۵ نظر ادوارد براون، ص ۱۴۵ نظر دکتر رضازاده شفیق، ص ۱۴۹ نظر جیمز راس و

۴-۴. برخی از نظرات نویسنده نیز در محل تأمل است. مثلاً در ص ۱۲۱ درباره تولد سعدی می‌نویسد: "روایت دیرین همگان بر این است که سعدی در سال ۵۸۰-۱۱۸۴ یا ۵۸۱-۱۱۸۵ در شیراز زاده شد..." و در ص ۱۳۲ می‌نویسد: "اینک زمانی بود [سال ۶۲۱] که سعدی می‌توانست از موهبت امکان تحصیلات بالاتر و بهتر در پایتخت فارس بهره‌ور گردد. اما با آنکه سایه پدر بر سر نداشت نزد خود اندیشید که باید رخت از این دیار به در کشید ...".

نویسنده اگر سال ۵۸۰ یا ۵۸۱ هجری را بنابر "روایت دیرین همگان" - به قول خودشان - به عنوان سال تولد سعدی می‌داند باید به یاد داشته باشد که در سال ۶۲۲ سن ایشان متجاوز از ۴۰ سال می‌شود و در این سال کسی چون سعدی برای مسافرت وابسته به سایه پدر خود نیست که نوشته‌اند: "با آنکه سایه پدر بر سر نداشت نزد خود اندیشید ...". همچنین در ص ۱۳۳ نوشته‌اند: "این پندار همگانی که او از محضر درس دانشمند بزرگ ابن‌جوزی (متوفی ۱۲۰۰-۵۹۷) خوشه برچید، خطایی محض است، و نام مشابه یک تن از کسان داستانی در گلستان، موجب این تعبیر شده است" (ص ۱۳۳).

بسیاری از مورخین و سعدی‌پژوهان درباره ابن‌جوزی نام برده شده در گلستان اظهار نظر کرده‌اند و کسانی که تاریخ تولد سعدی را بعد از سال ۶۰۰ هجری می‌دانند، درک محضر این ابن‌جوزی (متوفی ۱۲۰۰-۵۹۷) را برای سعدی محال می‌دانند ... اما چنانچه کسی تولد سعدی را ۵۸۰ هجری بداند درک محضر ابن‌جوزی یاد شده برای سعدی اشکال تاریخی ندارد. زیرا با پذیرش این تاریخ تولد برای سعدی، وفات ابن‌جوزی مصادف با ۱۷ سالگی او می‌شود و بی‌گمان سعدی تا ۱۷ سالگی بسیاری از علوم زمان را از استادان خود فرا گرفته بوده است. و در آن صورت تصور درک محضر ابن‌جوزی هم برای او "خطای محض" نمی‌تواند باشد. به نظر می‌رسد نگارنده محترم روایت‌های مختلف را در هم آمیخته و نتیجه پریشانی از آنها گرفته است

شهریار ملك سخن ، سعدی، الف. نیکو همت، هفت هنر، ج ۱، شماره ۷ و ۸، ۱۳۵۰، صص ۱۰۶-۱۰۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش ادبی سخنان سعدی، از جمله: "دلنشینی و روانی و حسن تعبیر و لطف بیان و تناسب کلام و اقتضای حال و رسایی سخن و زیبایی لفظ و انتخاب کلمات موزون و آراسته و به‌کاربردن ترکیبات شیرین و دلپذیر و عبارات موجز و فصیح همه از خصایص و امتیازات سخن سعدی است که احساسات ما را برمی‌انگیزاند و تارهای دل را می‌نوازد.

شیوه سخن سعدی و طرز ادای مقصود او در عین حال که ساده و بی‌پیرایه است، حتی‌الامکان خالی از ایهام و کنایات و بدون توجه به صنایع متکلفانه و تعقیدات لفظی و معنوی است.

در آثار وی تنافر حروف و غرابت استعمال و استخدام کلمات مهجور و نامأنوس و مخالف قیاس و اشتقاقات غریب و ناوارد و کلمات ناهنجار و کنایات و اشارات دور از ذهن و تشبیهات غیر روشن و پیچیده که از عیوب مسلم فصاحت و سخنرانی و علوم بلاغت است، دیده نمی‌شود

سعدی خود به این پایه رفیع از تأثیر کلام و فصاحت و بلاغت و شیرین بیانی خود واقف بوده ... (صص ۱۰۲-۱۰۱). سهولت بیان و تناسب کلام و اقتضای مقال او در نگارش گلستان، معیاری خوب و در حد کمال در سبک نثر پارسی پدید آورده که کسی را مجال تقلید آن نیست" (ص ۱۰۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مآخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲۷ بار، قصاید ۹ بار، گلستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته بر ارزش‌های ادبی سخنان سعدی با یادکرد نمونه‌های شاهد، تأکید شده، اما سخن تازه‌ای در آن مطرح نشده است.

شهریار ملك سخن - سعدی (۱) ، عبدالرحمن فرامرزی، ارمغان، سال هیجدهم، شماره ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۱۶، صص ۷۱۶-۷۱۲.

چاپ‌های دیگر: ۱. یغما، سال بیست و چهارم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۰، صص ۴۰۷-۴۰۰ (با نام "بزرگ‌ترین شاعر ایران یا شاعر دنیا" در دو بخش به چاپ رسیده است: بخش دوم در شماره هشتم، همان سال چاپ شده است). ۲. خواندنی‌ها قرن، نشر گفتار، ۱۳۶۵، صص ۲۰۵-۱۹۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش والای سعدی و شخصیت غیرقابل وصف او (صص ۷۱۴-۷۱۲)؛ "از پیدایش سعدی تا به حال این همه راجع به سعدی سخن رانده‌اند، آیا تا امروز کسی آن طوری که او هست، او را تعریف کرده است. برای تعریف آفتاب فقط می‌توان آفتاب را نشان داد و گفت: "آفتاب آمد دلیل آفتاب" (ص ۷۱۴).

۱-۲. اشاره‌ای کوتاه به نام، تخلص و تحصیلات سعدی (ص ۷۱۵).
۱-۳. اشاره‌ای به "شهاب‌الدین سهروردی" و توضیح درباره "ابن‌جوزی" (صص ۷۱۶-۷۱۵).

"بدون شبهه عالم بزرگ و فاضل نامداری در آن عصر به نام ابن‌جوزی وجود داشته که شاید نبیره ابن‌جوزی معروف بوده که به نام سبط ابن‌جوزی معروف است و شاید هم دیگری بوده است ..." (ص ۷۱۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله است. برای اشاره رک. بخش دوم و پایانی مقاله (ارمغان، سال نوزدهم، شماره یک، فروردین ۱۳۱۷، صص ۲۱-۹).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. رک. بخش دوم و پایانی مقاله.

شهریار ملك سخن - سعدی (۲) ، عبدالرحمن فرامرزی، ارمغان، سال نوزدهم، شماره ۱، فروردین ۱۳۱۷، صص ۲۱-۹. چاپ‌های دیگر: ۱. یغما، سال بیست و چهارم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۰، صص ۴۶۶-۴۶۰ (با نام "بزرگ‌ترین شاعر ایران یا شاعر دنیا" در دو بخش به چاپ رسیده است: بخش نخست در شماره هفتم، همان سال چاپ شده است).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و اشاره به سفرها و کمالات سعدی با تأکید بر شخصیت منحصر به فرد او (صص ۹-۱۱).

۱-۲. گفتاری زیر عنوان " آیا سعدی بزرگ‌ترین شعرای ایرانی است ":

- تأکید بر برتری سخن سعدی نسبت به دیگران: " در اینکه سعدی بزرگ‌ترین نثرنویس فارسی است و تا امروز کتاب نثری به فصاحت و بلاغت گلستان نوشته نشده است، ارباب ذوق سلیم همه متفقند ... شعر سعدی را نیز از روز پیدایش او تا کنون اغلب کسانی که در این شیوه رنجی برده‌اند بر اشعار تمام شعرای فارسی ترجیح داده‌اند ... من نیز بر آنم که همه خلق بر آند ... " (صص ۱۲-۱۳).

- نقل عباراتی از کتاب عمده ابن رشیق فیروانی درباره مقایسه شعرای مختلف عرب و معیار برتری شاعر، و تطبیق آن معیارها با سعدی (صص ۱۶-۱۳) با این نتیجه‌گیری: " خلاصه بعد از در نظر گرفتن تمام مزایایی که برای بزرگ‌ترین شاعر لازم است، جای شک و شبهه باقی نمی‌ماند که سعدی بزرگ‌ترین شعرای ایران است " (ص ۱۶).

- اشاره به اقتراح مجله مهر درباره " بزرگ‌ترین شاعر ایران " و اظهار نظر نگارنده مبنی بر اینکه: سعدی تنها بزرگ‌ترین شعرای ایران نیست، بلکه بزرگ‌ترین شعرای دنیاست (ص ۱۷) من چون ملت ایران و عرب را در زمان قدیم و فرانسه را در زمان حاضر از حیث شعر در درجه اول می‌دانم و در میان سه ملت هم شاعری نظیر سعدی سراغ ندارم، او را بزرگ‌ترین شعرای دنیا می‌دانم " (ص ۱۹).

- توضیح درباره اینکه " هیچ شاعری نمی‌تواند یک مصراع او [سعدی] را گرفته، مصراع دیگر را به همان خوبی که خود او ساخته است، بسازد... " (ص ۲۰).

- توضیح کوتاهی درباره نسیب و غزل مذکور در شعر عربی و فارسی (ص ۲۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. عمده، ابن رشیق.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۶ بار، بوستان ۵ بار، گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. سراسر این نوشته نسبتاً بلند که در دو شماره مجله ارمغان به چاپ رسیده، تأکید مکرری است بر ارزش والای سعدی و سخن برتر او نسبت به سخن‌سرایان دیگر، نگارنده سعدی را نه تنها بزرگ‌ترین شاعر ایران بلکه بزرگ‌ترین شاعر دنیا می‌داند و شیفتگی او به سعدی سخنش را رنگ مبالغه داده است، از جمله: " به عقیده من از روزی که بشر زبان به گفتن سخنان موزون گشاده، شاعری به بزرگی سعدی پیدا نشده و تا زبان در کام بشر حرکت می‌کند بزرگ‌تر از او پیدا نخواهد شد ... " (بخش دوم، ص ۱۹).

۴-۲. تنها در چند موضع از مقاله سخن نگارنده از انشاپردازی به طرف یک بحث علمی گراییده، از آن جمله است:

- توضیح درباره ابن‌جوزی اول و دوم (پایان بخش اول و آغاز بخش دوم مقاله).

- نقد سخن سیلویستر دسائی و هدایت درباره ارتباط سعدی با عبدالقادر گیلانی (بخش دوم، ص ۹).

- استفاده از سخنان ابن‌رشیق برای اثبات نظر (بخش دوم، صص ۱۵-۱۳).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. بزرگ‌ترین شاعر ایران یا شاعر دنیا (۱)، عبدالرحمن فرامرزی، یغما، سال ۲۴، شماره ۷، مهر ۱۳۵۰، ص ۴۰۱. ۵-۲. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۵۵-۳. ۵-۳. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۵۴-۵۵. ۵-۴. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۵۷. ۵-۵. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۲۰، ۱۹۹.

شیخ سعدی از دیدگاه خود او، فوشه کور، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۴۱-۱۲۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به استفاده سعدی از تجربه‌های پیشینیان: " سعدی ... خود را میانه همه آنچه گفته شده بود قرار داد و آن را دوباره و تازه گفت. تصور نشود که شیخ سعدی محض صورت کلام را تجدید کرد و قامت کهن را کسوت جدید پوشانید، وی نمونه‌های فرهنگی سابق و موجود را سرمشق خود قرار داد و به حسب آن زندگی کرد ... " (ص ۱۳۲).

۱-۲. بیان مواردی که سعدی درباره خود سخن رانده است و معرفی شخصیت سعدی به استناد آن موارد (صص ۱۴۱-۱۳۲). از جمله: " سعدی را از روی خردمندی بالاتر و والاتر از ملوک و سلاطین در می‌یابیم، زیرا به ایشان اندرز می‌دهد (ص ۱۳۲). سعدی حکیمی است که به جامعه اندرز می‌دهد. آن هم مطابق با فرهنگ و تعلیم متداول و معتبر، اما در کار و زندگی شخصی دیگران دخالت ندارد (ص ۱۳۴). باید اندرز سعدی را شنید، زیرا کمال سخن او شایسته آن است بلکه آدمی را مکلف می‌سازد (ص ۱۳۶). سعدی در زیر خاک سرافراز است، زیرا در جهان راه خاکساری را برگزیده بود و پیام‌آور عرفان و درویشی بوده است (ص ۱۳۷). از نظر عددی، در مقابل نه پند و اندرز که از جانب خود می‌دهد، بیست‌وچهار اندرز را که بزرگان به وی داده‌اند، روایت می‌کند (ص ۱۳۷). تعلیم سعدی متکی بر سرگذشت زندگانی خود اوست، شیخ سعدی کمتر به کتب قدیم اشاره می‌کند (صص ۱۴۱-۱۴۰). در نگاه سعدی، خردمند خوبشتر را در طاعت و پارسایی، ترک عیش و علائق، رهسپار راه کمال می‌سازد و اما ملوک را نباید که در این طریق پا گذارد. " (ص ۱۴۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی. (نشانی مأخذ مشخص نیست).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۱۸ بار، گلستان ۵ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. متن این نوشته در مقابل عنوان آن " شیخ سعدی از دیدگاه خود او " ناقص است. زیرا در این مقاله تنها به یکی از وجوه شخصیتی سعدی که همان بعد اجتماعی و نصیحت‌گری اوست توجه شده و مثال‌ها همه از بوستان و به ندرت از گلستان استفاده شده است. در حالی که مثلاً " سعدی در غزلیات چهره‌ای دیگر دارد که اصلاً در این گفتار به آن پرداخته نشده است. و ابعاد دیگر شخصیت او که از گلستان و بوستان می‌توان دریافت، نشان داده نشده است.

۴-۲. نشانی مثال‌ها مشخص نشده است.

۴-۳. در مجموع سخن تازه‌ای در این مقاله عنوان نشده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۴۳. ۵-۲. در جستجوی خودانگاره سعدی، فاطمه کشاورز، ترجمه افسانه منفرد، مجله چیستا، سال سیزدهم، شماره ۴ و ۵، دی و بهمن ۱۳۷۴، ص ۳۱۹.

شیخ سعدی شیرازی، حبیب یغمایی، یغما، سال سی‌ویکم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۷، شماره مسلسل ۲۵۶، صص ۶۸-۶۵.

چاپ‌های دیگر: ۱. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار فسایی، انتشارات امیرکبیر ۱۳۷۵، صص ۲۸۱-۲۸۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش سخن سعدی و زبان او: " سعدی پیامبر فارسی است، و معجزه او، زبان او، از دیگر فضایلش بگذریم، نکته‌ای که تکیه بدان می‌باید کرد، زبان اوست که دیگر شاعران بزرگ ایران، و شاید جهان، چونین معجزه‌ای را نیاورده‌اند ... " (ص ۶۵).

۱-۲. اشاره به زندگی و مسافرت‌های سعدی (صص ۶۶-۶۵).
۱-۳. توضیح درباره شخصیت اجتماعی و اخلاقی سعدی با تکیه بر اعتدال او در رفتار با معاصران و حاکمان زمان، با توجه به آثار او (صص ۶۷-۶۶).

۱-۴. یادکرد غزلی از سعدی با مطلع " تو با این لطف و طبع و دلربایی ... " (صص ۶۷-۶۶).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویگرد به آثار سعدی:** همه عبارات نوشته متکی به گفته‌های سعدی است ولی بجز دو مورد رویکرد مستقیم ندارد. در پاورقی ص ۶۸ نوشته: " اشاراتی که در این گفتار کوتاه هست همه مستند به اقوال شیخ بزرگوار است و چون غالباً می‌دانند از نقل ابیات و شواهد چشم می‌پوشد ". ۳-۱. غزلیات ۱ بار، قصاید ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته همان گونه که در پاورقی ص ۶۸ آمده. (این خطابه در خطه پاک شیراز ایراد شد). متن يك سخنرانی است که به صورت کلی به سعدی، سخن او و زندگی‌اش اشاراتی کرده است. اما هیچ سخن تازه‌ای در آن بیان نشده است. و جنبه علمی و پژوهشی ندارد.

شیخ سعدی و تصور او از يك جامعه آرمانی (مدینه فاضله)، پروفیسور نورالحسن انصاری، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۹۴-۱۵۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره فرهنگ ایران در سده‌های نخستین اسلامی و نقش دانشمندان و سخنوران در این فرهنگ (صص ۱۶۱-۱۶۰).

۱-۲. تحلیل نفوذ سخنان سعدی در اذهان مردم: " این صفای باطنی سعدی بوده است که به صورت گلستان و بوستان بیرون تراویده است. همراه با تجربه غنی انسانی که سعدی در طول مسافرت‌های دراز خود در طول و عرض جهان اسلامی آن روزگار فراهم آورده بود، صفای روحانی سعدی جذابیت پایان‌ناپذیری در ارواح و اذواق همه اعصار داشته است و این است دلیل بر آنکه چرا ریشه صدها عدد از امثال فارسی را در نوشته‌های سعدی می‌توان پیدا کرد (ص ۱۶۰).

۱-۳. توضیح درباره مدینه فاضله سعدی: " بنیاد و پایه مدینه فاضله‌ای که سعدی از آن دفاع می‌کرد، عبارت بود از يك ایمان باطنی به خدا و اعتقاد به وجود او در همه مکان‌ها ... اساسی‌ترین نیاز يك مدینه فاضله، به نظر سعدی، يك حاکم عادل است (ص ۱۶۱). برای آنکه ماشین عدالت به کار بیفتد ضروری است که مقامات حکومتی با فضیلت و خداترس باشند. فضیلت باطنی و منش (طبیعی) از معلومات صرفاً علمی مهم‌تر است (ص ۱۶۵) سعدی معتقد است که بیان نکردن حق و راستی گناهی نابخشودنی است (ص ۱۶۷) سعدی معتقد است که جامعه هر چند که کمال مطلوب و آرمانی باشد، همواره دشمنانی خواهد داشت ... سعدی به برخی از امور کوچک نیز که در تعالی بخشیدن سطح اخلاق جامعه اهمیت بسزایی دارد، اشاره می‌کند (ص ۱۷۰). سعدی زمانی که با بحرانی‌ترین وضع جامعه سر و کار دارد کاملاً کردارگرایی pragmatic است. جامعه آرمانی او ناکجاآبادی خیالی نیست که تنها در علم خیال یا تصور وجود دارد ... سعدی الحاح می‌کند که همواره باید به جای حس انتقام، انسانیت عامل راهنمای اعمال و افعال ما، حتی در جنگ باشد (ص ۱۷۱). در باب زندانیان سعدی الحاح می‌ورزد که باید با آنها به مهربانی رفتار کنند و آنان را نکشند (ص ۱۷۲). سعدی معتقد است که دانشمندان و محققان، جمال و زینت هر کشوری هستند، فرمانروایان باید از مصاحبت حکیمان آنان تمتع بگیرند (ص ۱۷۳). جامعه نیز باید نیازهای اساسی دانشمندان را فراهم سازد ... تأکید می‌ورزد که باید هنری آموخت، زیرا هنرمند مانند دانشمند همواره در جامعه مقامی محترم خواهد داشت (ص ۱۷۴) دانشمند اصیل به عقیده سعدی روزگار درازی ناشناخته نمی‌ماند ... تصور سعدی از يك جامعه آرمانی و کمال مطلوب بر پایه اخلاق و سیرت اسلامی است ... فضائل عمده‌ای که توسط سعدی توصیف گشته در فصول ده‌گانه بوستان مورد بحث قرار گرفته است (ص ۱۷۵). سعدی نسبت به یتیمان چنان حساس و دلسوز است که پدران و مادران را توصیه می‌کند که در حضور یتیمی بر چهره کودکان خود بوسه ندهند (ص ۱۷۷) برای سعدی احسان تقریباً مترادف با انسان‌گرایی است که به معنی انجام دادن کار خیر برای همه بدون نظر به طبقه، عقیده و رنگ می‌باشد ... این ادعای نادرستی است که فلسفه انسان‌گرایی توسط فیلسوفان مغرب زمین اعلام شده است: شاعران ایرانی همواره به انسان‌دوستی تأکید و اصرار کرده‌اند (ص ۱۷۸) این چهره زیبا یا اندام موزون و سالم نیست که انسان را انسان می‌سازد. بلکه رأفت، دلسوزی، تأثر و مراقبت از دیگران است که شخص را به مقام انسانیت ارتقا می‌دهد. (ص ۱۷۹) و مهربانی به همه آفریدگان جاندار که می‌توانند از تأثر و مراقبت ما برخوردار شوند مربوط می‌شود (ص ۱۸۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان، چاپ عبدالعظیم قریب، تهران ۱۳۲۸. ۲-۲. گلستان، چاپ عبدالعظیم قریب، تهران، ۱۳۱۰.

۳. **رویگرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۵۷ بار، گلستان ۳۸ بار، قصاید ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. شرح دستورات اجتماعی و آرای رفتاری که در بوستان و گلستان مطرح شده برای شناخت بیشتر سعدی سودمند است و بدین منظور تا به حال مقاله‌های متعددی نوشته شده است، این مقاله درست مانند مقاله‌ای است که دکتر غلامحسین یوسفی با نام " جهان مطلوب سعدی در بوستان " در سال ۱۳۵۰ در کنگره جهانی سعدی و حافظ ارائه داده‌اند (مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار، ۱۳۵۲، صص ۴۲۹-۴۰۶ - نیز مقدمه بوستان به تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی) اگر چه پروفیسور نورالحسن انصاری رویکردهایی به گلستان نیز داشته‌اند. برای دست‌یابی کامل به مقصود نهایی باید آثار دیگر سعدی و بویژه قصاید او نیز کاویده می‌شد. نثر این مقاله نیز در واقع بیان منثور و میسوط حکایت‌های بوستان و گلستان است.

۴-۲. بیت اول صفحه ۱۶۹ و دو بیت اول صفحه ۱۷۹ (اگر چه دانی که ...). به اشتباه از بوستان دانسته شده است.

۴-۳. صرف‌نظر از برخی نشانی‌ها که از قلم افتاده (مانند ص ۱۷۴، س ۹ و ۱۰) و برخی از نشانی‌ها که نادرست بیان شده (رک. ۲-۴) نشانی بقیه مثال‌ها در پی‌نوشت مقاله دقیقاً نوشته شده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گلستان سعدی با ترجمه ادوارد رهاآتسک، محمود حکیمی، نشر قو، ۱۳۷۵، ص ۱۳.

شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی، شبلی نعمانی هندی، برگرفته شده از کتاب " شعراالعجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران " ترجمه سید محمدتقی فخرداعی گیلانی، ج ۲، انتشارات دنیای کتاب، (چاپ دوم، ۱۳۶۳)، صص ۷۶-۱۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره ولادت، لقب، تخلص و مدت زندگانی سعدی، با اشاره به قول برخی تذکره‌ها (ص ۱۹).

۱-۲. توضیح درباره زندگی و تحصیلات شیخ با استناد به سخنان و سروده‌های او (صص ۳۴-۱۹).

۱-۲-۱. اشاره به ابن‌جوزی به عنوان یکی از استادان سعدی و اظهار تعجب از اینکه: " از تدریس و تعلیم ابن‌جوزی اثری در شیخ دیده نمی‌شود، چه ابن‌جوزی در شمار محدثینی است که در نقل حدیث نهایت درجه محتاط بوده و مخصوصاً احادیث ضعیف و مشتبه را بکلی متروک داشته، از ذکر آنها خودداری می‌نمود، لیکن شیخ در کتابش احادیثی ذکر کرده که کلیه ضعیف بلکه معقول می‌باشد ... " (ص ۲۳).

۱-۲-۲. یادکرد اشتباهاتی که در حکایت " بت سومنات " بوستان وجود دارد (صص ۲۸-۲۶).

۱-۲-۳. بیان کیفیت ارتباط سعدی با سعد زنگی و ابوبکر بن سعد زنگی، انکیانو، خواجه شمس‌الدین صاحب دیوان و خواجه علاء‌الدین و ملک عادل شمس‌الدین تازی (صص ۲۴-۲۸).

۱-۳. بررسی حالات، اخلاق و عادات شیخ با توجه به آثار او (صص ۲۷-۳۴). از جمله: " شیخ از اکابر صوفیه به شمار می‌آید، بی‌شک او به صفای باطن آراسته و صاحب حال بوده است ... از زمان طفولیت تا دوره شباب بلکه تا سن وقوف و انحطاط، در او همان اوصاف به نظر می‌رسند که مخصوص به طبقه ملایان یعنی علمای ظاهر و قشری می‌باشند که عبارت است از خودبینی، حرف‌گیری و عیب‌جویی، مشاجرت و مخاصمت ... حسن‌پسندی به امرد بازی کشیده است و طوری هم آن را بی‌پرده ظاهر و آشکار می‌سازد که نمی‌شود آن را به زبان آورد و گفت، بی‌شبهه اینها لکه‌ای است بر عارض کمال این مرد بزرگ ... " (صص ۳۵-۳۴).

۱-۳-۱. نقل داستان ملاقات سعدی با همام در تبریز و پاسخ منظوم مجدالدین همگر در خصوص مقایسه سعدی، همام و خودش، به نقل از دولت‌شاه سمرقندی (صص ۳۶-۳۷).

۱-۴. گفتاری زیر عنوان " تألیفات شیخ " با معرفی یک نسخه قدیم خطی کلیات سعدی، موجود در کتابخانه دیوان هند؛ " این نسخه در اول رجب ۷۲۸ هجری یعنی تقریباً سی‌وشش سال بعد از وفات شیخ به دست یک نفر موسوم به ابوبکر بن علی بن محمد از نسخه‌ای که به خط خود شیخ بوده استنساخ شده است ... " (ص ۳۷).

- معرفی ترجمه‌هایی از آثار سعدی که اروپاییان انجام داده‌اند به نقل از " فهرست کتب قلمی فارسی " (صص ۴۰-۳۸).

۱-۵. توضیح درباره سخن سعدی (صص ۷۶-۴۰).

۱-۵-۱. تأکید بر ارزش غزل‌های سعدی (ص ۴۰).

۱-۵-۲. اشاره به ضعف سعدی در حماسه‌سرایی با نقل ابیاتی از بوستان (ص ۴۱).

۱-۵-۳. تأکید بر برخی از ویژگی‌های سخن سعدی: " شیخ اول کسی است که شعر و شاعری را به طور صحیح و به معنای خودش استعمال نموده که آن به شرح زیر است:

۱. بزرگ‌ترین و بالاترین امتیاز شیخ در شعر و سخن همانا حریت فکر و آزادی قلم است ... شیخ با چندین دربار بستگی داشته است ... در مقابل تمام اینها آزادی و استقلال فکری خود را از دست نداد ... او در مدح انکیانو قصاید چندی گفته، لیکن در هر قصیده با نهایت شهامت و دلیری به او نصیحت داده است و صاف و صریح می‌گوید: هر که دندان طمع را کشید از احدی ترس و واهمه ندارد ... در مدح امرا و سلاطین او قصاید زیاد گفته، لیکن اوصاف صحیح آنها را بیان نموده است و افکار و خیالات مبالغه‌آمیزی که داخل عنصر قصاید مدیحه شده بودند، همه را لغو و بیهوده نشان داده است ... " (صص ۴۶-۴۲).

۲. شاعری شیخ عموماً لبریز از جذبات است ... هنگامی سخن می‌گوید که در دلش جذبه‌ای پیدا می‌شود. کسانی که او برای آنها مرثیه گفته، آنهایی هستند که از مرگشان به او سخت صدمه رسیده و نیز مضامین و مسائل اخلاقی را وقتی بیان می‌کند که از پیش آمدن یک واقعه مؤثری، خود متأثر گردیده است ... " (ص ۴۶).

۳. مرثیه به طور عام تا آن وقت برای افراد و اشخاص گفته می‌شد، اما ساختن مرثیه برای قوم یا مملکت ... هیچ معمول نبود و شیخ اول کسی است که از طبع او مرثیه قومی و ملکی تراوش شده است ... " (صص ۴۸-۴۷).

۴. شاعری اخلاقی، ... شیخ در اخلاق، عناوین و موضوعاتی را که اختیار نموده به شرح زیر است: عدل و تدبیر، احسان عام، عشق و محبت، تواضع، رضا به قضا، فنا، تربیت، شکر، توبه و مناجات " (ص ۴۸).

۱-۵-۴. شرح موضوعات بالا و بیان موضوعات دیگری که مورد توجه سعدی بوده و بر آنها تأکید ورزیده با استناد به آثار او بویژه بوستان (صص ۶۷-۴۹) با این نتیجه‌گیری که: " پایه مهارت و استادی شیخ را باید در پیرایه ادا و طرز بیان او جستجو کرد ... معانی و مضامینی را که او به رشته نظم کشیده به قدری خوب و قشنگ آنها را بیان نموده است که نظیر آن را در کلام متقدمین و متأخرین هیچ نمی‌شود پیدا نمود و نتیجه همین است که هزاران کتاب در اخلاق نوشته شده ... ولی در مقابل گلستان و بوستان هیچ‌کدام نتوانستند فروغ پیدا کنند (ص ۶۳) عموماً موضوعاتی را که شیخ بیان نموده، شما هر یک را با بیان سایر شعرا و نویسندگان در آن موضوع مقایسه کنید، آن وقت معلوم می‌شود که شیخ را چه مزیت و رجحانی حاصل است " (ص ۶۷).

۱-۵-۵. بررسی ویژگی‌های غزل سعدی با تأکید بر جنبه‌های تازگی، سادگی و نوآوری، آنها (صص ۷۶-۶۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (بجز اشاره به یک نسخه خطی قدیمی در ص ۲۷، نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. تذکره دولت‌شاه سمرقندی. ۲-۳. حیات سعدی از الطاف حسین‌حالی. فهرست کتب قلمی فارسی، جمع‌آوری دکتر ایت (بنابر پاورقی ص ۲۸).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۶۲ بار، غزلیات ۶۰ بار، گلستان ۱۹ بار، قصاید ۱۳ بار، رسائل نثر ۴ بار، قطعات ۲ بار، ترجیعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. کتاب " شعرا العجم یا تاریخ شعرا و ادبیات ایران "، از کتاب‌های ارزشمندی است که دانشمند، شاعر و ادیب هندی، علامه شبلی نعمانی نزدیک به یک قرن پیش نگاشته است، او در این کتاب با یک روش علمی علاوه بر شرح احوال شاعران، سخن آنان را نیز نقد و بررسی کرده است، مترجم کتاب در مقدمه جلد اول از قول یکی از مستشرقین آلمانی نوشته است: " چنانچه روش تحقیق عصر حاضر اروپا را در نظر بگیریم باید معترف شد که از میان نویسندگان هند، علامه شبلی تنها نویسنده‌ای است که تألیفات او به طور کلی روی مبانی علمی قرار گرفته و به روش عصر حاضر اروپا نگارش یافته است ... " (جلد اول، ص: ط).

علاوه بر بحث‌های پراکنده و گذرای که در جلد‌های دیگر این کتاب درباره سعدی و سخن او وجود دارد بخشی از جلد دوم کتاب یاد شده صرفاً به سعدی اختصاص یافته و زندگی، احوال و آثار سعدی بررسی شده است.

۴-۲. یکی از ویژگی‌های این نوشته روش انتقادی مؤلف است، به عنوان نمونه در ص ۱۹، درباره ولادت و عمر سعدی نوشته است: " سنین عمر در تذکر عمومی از این نظر که سال ولادت ۵۸۹ هجری می‌باشد، ۱۰۲ ذکر شده است. خود شیخ تصریح کرده که شاگرد ابوالفرج جوزی بوده و این به احتمال قوی زمانی است که در بغداد به تحصیل می‌پرداخت. ابن‌جوزی در سال ۵۹۷ هجری رحلت کرده و اگر این را قبول کنیم که شیخ در ۵۸۹ به دنیا آمده، سنش در زمان وفات ابن‌جوزی نه سال بیشتر نخواهد بود و این به هیچ جور درست در نمی‌آید. بعضی تذکره‌نویسان مدت عمرش را ۱۲۰ نوشته‌اند و اگر این عمر خارج از قیاس را تصدیق نماییم سلسله بعضی واقعات به هم پیوسته لیکن مواجه با یک اشکال سخت دیگری می‌شویم و آن این است که او در گلستان می‌نویسد: زمانی که سلطان محمود خوارزمشاه با ختا صلح کرد من در کاشغر بودم ... " (ص ۱۹).

- در ص ۲۶ و ۲۷ اشکال‌های حکایت بت سومنات بوستان را باز نموده است: " در بوستان راجع به سفر هندوستان واقعه‌ای نوشته است، لیکن در بیان آن اشتباهاتی که دیده می‌شود به اندازه‌ای است که اصل واقعه سراسر مشکوک به نظر می‌آید ."

- در ص ۲۵ درباره شاهدبازی شیخ نوشته است:

" حسن پسندی به امردبازی کشیده است و طوری هم آن را بی‌پرده ظاهر و آشکار می‌سازد که نمی‌شود آن را به زبان آورد و گفت، بی‌شبهه اینها لکه‌ای است بر عارض کمال این مرد بزرگ، لیکن برای یک " رفارمر " یعنی مصلح، گویی پیمودن تمام این مراحل ضروری بوده است".

- در ص ۴۱ درباره حماسه‌سرایی سعدی نوشته است:

" ... انصاف این است که شیخ مرد این میدان نیست، او یک دفعه کوس بسته با حرارتی تمام یک چند قدم پیش می‌رود، لیکن بعد بر اثر ضعف پیری بغته لغزش می‌خورد و می‌ماند، شما ملاحظه کنید با چه زور و شوری رزم را آغاز نهاده است: (مصرع): " برانگیختم گرد هیجا چو دود " لیکن در قدم دوم تلوتلو خورده، به زمین می‌افتد، (مصرع): " چو دولت نباشد تهور چه سود ... ".

البته این شیوه انتقادی در همه مطالب به کار نیامده است، مثلاً در مواردی مانند داستان ملاقات سعدی و همام، (ص ۳۶) که بیش از آنکه واقعی باشد، ساختگی به نظر می‌رسد، هیچ نظر خاصی اظهار نشده است.

۴-۳. بخش پایانی نوشته که در آن ویژگی‌های غزل سعدی بررسی شده و اشاره‌های مختصری به زیبایی‌شناسی برخی از این سروده‌ها است، از بخش‌های ارزشمند این نوشته است.

۴-۴. استفاده مکرر از سخنان و سروده‌های سعدی برای شاهد گفتار از دیگر ویژگی‌های این نوشته است. اما در تمام این نوشته درباره اشعار عربی سعدی که بخش مهمی از آثار اوست هیچ توضیحی داده نشده است.

۴-۵. مآخذ برخی از مطالب مشخص و برخی نامشخص است.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. بخشی از کتاب‌های مرجع است.

شیوه‌های بهره‌گیری سعدی از قرآن ، عمید زنجانی، روزنامه اطلاعات، یکشنبه ۱۵ آذر ۱۳۶۲، صص ۸ و ۱۵.
*** این مقاله یک بار دیگر با عنوان " تأثیر متون فرهنگ اسلامی، بویژه قرآن در آثار شیخ سعدی " در جلد دوم " ذکر جمیل سعدی " (صص ۲۲۷-۲۰۹) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.**

طبع تو را ، جعفر شعار، یادگار نامه حبیب یغمایی، توس، ۱۳۵۶، صص ۲۲۹-۲۲۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل چهار وجه برای معنی مصراع نخست در بیت زیر از گلستان سعدی با استشهاد به متون گذشته (صص ۲۲۸-۲۲۴).
طبع تو را تا هوس نحو کرد صورت صبر از دل ما محو کرد
با نتیجه‌گیری زیر: "از آنچه گفته شد، دو نظر قابل توجه است:
الف: "را" نشانه مفعول صریح است که محل آن تغییر یافته، یعنی طبع تو تا هوس نحو را کرد ...
ب: "را" زاید است از قبیل رای زایدی که به مسندالیه ملحق می‌شود. این قول به نظر من بهتر از نخستین است، خاصه که نظایر آن در نظم و نثر قدیم کمابیش آمده است ... " (ص ۲۲۸).
 ۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. لغت‌نامه دهخدا. ۲-۳. دیوان حافظ.
 ۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار، بوستان ۱ بار.
 ۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته با استناد به متون کهن فارسی، چندین وجه معنایی برای مصراع "طبع تو را تا هوس نحو کرد ..." نوشته و یکی از آنها برتر از بقیه دانسته شده است. پرهیز از کلی‌گویی و انشاپردازی، بهره‌وری از متون مختلف گذشته و استناد به آنها، برای بازیافت معنی مناسب، از ویژگی‌های این مقاله است. گفتنی است که دکتر خلیل خطیب‌رهبر نیز معنی موردپسند دکتر شعار را پذیرفته‌اند (رک. برخی از قواعد دستوری نادر در گلستان، دکتر خلیل خطیب‌رهبر، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، ۱۳۵۲، ص ۱۴۲).
 ۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۷۰.
- طنز در آثار سعدی ، دکتر ایرج وامقی، آشنا، دوره پنجم، شماره ۲۶، آذر و دی ۱۳۷۴، صص ۷۴-۶۰ .**

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح در باره امکانات جمله‌بندی زبان فارسی و بیان نمونه‌هایی از سروده‌های ایرج‌میرزا برای تأکید بر روانی سخن او با اشاره به این مطلب که "در این سروده‌ها یک چیز وجود ندارد و آن خود شعر است" (ص ۶۱).
- ۱-۲. مقایسه سعدی و ایرج میرزا: "بین سعدی و ایرج یک وجه اشتراک هست و آن اینکه همه جمله‌ها تا حد ممکن مستقیمند ... اما این دو، وجوه افتراق بسیاری هم باهم دارند." (ص ۶۱).
- ۱-۳. مقایسه غزلیات سعدی با آثار دیگرش، در داشتن جوهره شعری: "همه آثار سعدی زیباست. بوستان و گلستان و ... سخن سعدی، در آنچه به آن فصاحت و بلاغت و رسایی کلام می‌گویند بی‌مانند است، اما آنها نیز یک چیز کم دارند، همان جوهر شعری ... اگر سعدی این دیوان حیرت‌انگیز غزل را نمی‌داشت به چنین شهرت و محبوبیتی در اقطار و اقالیم ادب فارسی می‌رسید؟ اگر قرار باشد من پاسخ دهم، بی‌درنگ خواهم گفت: نه، (ص ۶۲) به نظر من ... سعدی که تا به امروز در غزل فارسی بی‌رقیب مانده است، یعنی هفت قرن تا هفت قرن دیگر هم بی‌رقیب خواهد ماند" (ص ۶۳).
- ۱-۴. توضیح در باره طنز در آثار سعدی با ذکر نمونه‌هایی از غزلیات (ص ۶۴) و دسته‌بندی داستان‌های طنزآمیز بوستان و گلستان، با یادکرد نمونه‌هایی از این طنزها و تأکید بر شجاعت سعدی در انتقاد از حاکمان و عمله ظلم و جور و صراحت لهجه او در بیان این اعتراض‌ها (صص ۶۹-۶۵).
- ۱-۵. بیان طنزهای دیگر از سعدی با موضوعاتی چون آزمندی و حرص، ربا و سالوس، روابط اجتماعی و خانوادگی، غرور، خست و ... (صص ۶۹-۶۵).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۳۷ بار، غزلیات ۲۱ بار، بوستان ۶ بار، قصاید ۴ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. با توجه به اینکه عنصر طنز از عناصر محوری و از ویژگی‌های اصلی سخنان سعدی است، پرداختن به این موضوع برای شناخت بیشتر و هموارتر او بسیار سودمند است. در این نوشته گوشه‌هایی از این ویژگی در سخنان و سروده‌های سعدی کاویده شده است. اما برخی از توضیحات درازدامن تنها موجب افزایش حجم مقاله شده است، از جمله: مقدمه طولانی مقاله (صص ۶۲-۶۰) یا ذکر نزدیک به سی بیت از قصاید سعدی (صص ۷۰ و ۷۱) - که خارج از موضوع اصلی است و شایسته‌تر بود برای رعایت اختصار تنها اشاره‌ای به آنها شود.
- ۴-۲. برخی از داوری‌ها در این مقاله چندان علمی نیست. از جمله: "سعدی که تا امروز در غزل فارسی بی‌رقیب مانده است، یعنی هفت قرن (من حافظ را رقیب سعدی نمی‌دانم) تا هفت قرن دیگر هم بی‌رقیب خواهد ماند." (ص ۶۳). چگونه می‌توان گفت چون سعدی هفت قرن تا کنون، بی‌رقیب بوده هفت قرن بعد (و نه مدتی دیگر) هم بی‌رقیب می‌ماند!
- در ص ۷۰ نیز پس از ذکر حکایتی از گلستان می‌نویسد: "گر چه هیچ طنز خاصی در این داستان نیست اما برای شناخت روحیه سعدی در طنزها لازم است که دانسته شود آوردن داستان‌ها به طنز معمولاً به خاطر آن است که آن مطلب را به صراحت نمی‌شده است بیان کرد ... همان طور که ملاحظه می‌شود، بخش نخست این عبارت با بقیه عبارت متناقض است.
- ۴-۳. ذکر نشانی مثال‌های شاهد مشخص نشده و پیشینه پژوهشی موضوع مقاله نیز بررسی نگردیده است.

طنز در گلستان سعدی (قسمت اول) ، به قلم یکی از بزرگان اهل تمیز، سروش، شماره ۲۶۷، ۷ آذر ۱۳۶۳، صص ۴۵-۴۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل و بررسی کوتاه برخی از حکایت‌های طنزآمیز سعدی در باب اول گلستان، از جمله: " درویشی مستجاب‌الدعوه ...، در این حکایت درویش تیرش را از پایین به بالا رها می‌کند و تیر به هدف می‌نشیند. کمان طنز را سعدی به دست درویش داده است. وقتی حجاج یوسف دعای خیر طلب می‌کند، انتظار دعای خیر از درویش داریم. اما درویش این انتظار ما را برنمی‌آورد و می‌گوید: خدایا جانم را بستان. همین انتظار بی‌نتیجه، سبب خنده و طنز است. حجاج یوسف هنوز تیر اول را نوش جان نکرده، درویش تیر دوم را به هدف می‌نشانند؛ این دعای خیر تو را و جمله مسلمانان را، اینجا طنز سعدی کامل است. درویش دست از تیراندازی می‌کشد، اما سعدی دست‌بردار نیست و خودش هم تیری رها می‌کند: ای زبردست ... تکرار صدای "ز" در " زبردست زبردست آزار " مانند وزوز زنبور، واقعاً آزار دهنده است " (صص ۴۲-۴۳).

" سعدی در گلستانش کمتر از حیوانات نگهداری می‌کند. نقطه مقابل گلستان کلبله و دمنه است که باغ‌وحش است. گلستان از حیوانات خالی‌خالی هم نیست. مثلاً: " ... گفتم حکایت آن روباه، مناسب حال توست ... " این حکایت، شیر تو شیر بودن اجتماع آدم‌ها را نشان می‌دهد، حضور انسان، در فضای این حکایت، طنز می‌سازد. گلستان برای حیوانات حکایت مستقل ندارد " (ص ۴۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، دکتر خطیب‌رهبر.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۸ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ر.ک. اشاره مربوط به بخش آخر این مجموعه هشت قسمتی (طنز در گلستان سعدی - قسمت هشتم).

طنز در گلستان سعدی (قسمت دوم) ، به قلم یکی از بزرگان اهل تمیز، سروش، شماره ۲۶۸ ، ۲۴ آذر ۱۳۶۳، صص ۳۶-۳۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل و بررسی کوتاه برخی از حکایت‌های طنزآمیز سعدی در باب دوم گلستان، از جمله: " تظاهر، دروغ‌گویی و چالپوسی عیب‌هایی هستند درخور طنز و تمسخر. در این حکایت می‌توانید به حقارت عده‌ای به اصطلاح بادمجان دور قاب چین بخندید: " یکی را از بزرگان به محفلی اندر همی‌ستودند و در اوصاف جمیلش مبالغه می‌کردند. سربرآورد و گفت: من آنم که من دانم " ... (ص ۳۶).

و " در حکایتی که هم‌اکنون خواهید خواند، سعدی خوی و خصلت آدمیان را خوب، روی دایره ریخته است: مریدی گفت پیر را: چه کنم کز خلاق به رنج اندرم ... " (ص ۳۹).

و " هر گاه انسان، تصور یک شیئی را به ما بدهد خنده‌دار می‌شود. عکس قضیه هم صادق است. یعنی هرگاه یک شیئی تصور یک انسان را به ما بدهد، باز هم خنده‌دار می‌شود. در حکایتی که اکنون خواهیم خواند، ظاهر انسان وجود ندارد، اما در اشیا، روح انسان دمیده شده و همین است که طنز می‌سازد:

این حکایت شنو که در بغداد رایت و پرده را خلاف افتاد ... " (ص ۳۹)

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، دکتر خطیب‌رهبر.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ر.ک. اشاره مربوط به بخش آخر این مجموعه هشت قسمتی (طنز در گلستان سعدی - قسمت هشتم).

طنز در گلستان سعدی (قسمت سوم) ، به قلم یکی از بزرگان اهل تمیز، سروش، شماره ۲۶۹ ، اول دی ۱۳۶۳، صص ۲۸-۳۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل و بررسی کوتاه برخی از حکایت‌های طنزآمیز سعدی در باب سوم گلستان، از جمله: " حکایتی دیگر می‌خوانیم که در آن سعدی، با حمله به بقال، در حقیقت به طمع‌کاری و پول‌دوستی بشر، حمله کرده است: بقالی را درمی‌چند بر صوفیان گردآمده بود، در واسط، هر روز مطالبت کردی و سخنان با خشونت گفتی و ... " و " دست و پا بریده‌ای، هزار پای را بکشت، صاحب‌دلی بر او گذر کرد و گفت: سبحان‌الله با هزارپایی که داشت چون اجلش فرا رسید، از بی‌دست و پای گریختن نتوانست ... " (ص ۳۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، دکتر خطیب‌رهبر.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ر.ک. اشاره مربوط به بخش آخر این مجموعه هشت قسمتی (طنز در گلستان سعدی - قسمت هشتم).

طنز در گلستان سعدی (قسمت چهارم) ، به قلم یکی از بزرگان اهل تمیز، سروش، شماره ۲۷۰ ، ۸ دی ۱۳۶۳، صص ۴۲-۴۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل و بررسی کوتاه برخی از حکایت‌های طنزآمیز سعدی در باب چهارم گلستان، با توضیحی درباره لطیفه: " لطیفه اثری است فشرده، سالم و طنزآمیز. لطیفه‌ها آثاری هستند که اتفاقات مضحک زندگی اجتماعی را به شکلی فشرده منعکس می‌کنند. لطیفه‌ها به سبب کوتاهی و فشرده‌گی، در ذهن می‌مانند و بر زبان‌ها جاری می‌شوند ... با یکی از کوتاه‌ترین و ظریف‌ترین لطیفه‌های ادب فارسی، باب چهارم گلستان سعدی را می‌گشاییم:

نشینیدی که صوفتی می‌کوفت زیر نعلین خویش میخی چند

آستینش گرفت سرهنگی که بیا نعل بر ستورم بند

باب چهارم گلستان، در فواید خاموشی است. این باب، چهارده حکایت دارد که هفت تای آن طنزآمیز است. باب چهارم در مقایسه با دیگر باب‌ها، پرتنتر است ... " (ص ۴۲).

" یکی از علت‌هایی که خنده‌آور است، این است که شخص از وجود صفتی در خودش غافل است. اگر چه این غفلت موقتی باشد و خنده نیز تا وقتی است که چنین غفلتی دوام دارد، وصف این غفلت، در حکایت ماقبل آخر باب چهارم گلستان، چنان با مهارت توصیف شده که شاید یکی از روشن‌ترین مثال‌ها باشد: یکی در مسجد سنجان، به تطوع بانگ گفتی به ادائیگی که مستمعان را از او نفرت بودی ... " (ص ۴۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، دکتر خطیب‌رهبر.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۷ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ر.ک. اشاره مربوط به بخش آخر این مجموعه هشت قسمتی (طنز در گلستان سعدی - قسمت هشتم).

طنز در گلستان سعدی (قسمت پنجم) ، به قلم یکی از بزرگان اهل تمیز، سروش، شماره ۲۷۱، ۱۵ دی ۱۳۶۲، صص ۲۴-۲۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل و بررسی کوتاه برخی از حکایت‌های طنزآمیز سعدی در باب پنجم گلستان، از جمله: " سعدی باب پنجم را به روی عشق و جوانی می‌گشاید. لطافت و طراوت و نشاط، از این باب به مشام می‌رسد، همراه با ظرافت طنزی دلنشین ... از باب پنجم که وارد می‌شویم، می‌بینیم سعدی هیجده غرفه از حکایت ساخته است و در بیشتر این غرفه‌ها، به ظرافت و طنز پرداخته، [از جمله] : " - شبی یاد دارم که یاری عزیز از در درآمد. چنان بی‌خود از جای برجستم که چراغم به آستین کشته شد، سعدی در اینجا می‌توانست به جای " چراغم به آستین کشته شد " بگوید " چراغم خاموش شد " اما در جمله دوم طنز وجود ندارد. کشتن چراغ، معنی قربانی کردن را هم می‌دهد. قربانی کردن به خاطر ورود یاری عزیز. از این گذشته وقتی کسی مرتکب قتل می‌شود، آستینش به خون آلوده می‌گردد و سعدی این همه ظرافت را چه خوب در یک جمله آورده است. اما یار عزیز از این اتفاق چیزی در نمی‌یابد: " بنشست و عتاب آغاز کرد، که مرا در حال که بدیدی چراغ بکشتی به چه معنی ؟ " و اینجاست که طنز سعدی گل می‌کند: " گفتم به دو معنی. یکی آنکه گمان بردم که آفتاب برآمد و دیگر آنکه این بیتم به خاطر بود: چون گرانی به پیش شمع آید ... " (ص ۳۴).

" زیباترین، شیرین‌ترین و شاعرانه‌ترین طنز سعدی که مربوط به عشق و جوانی می‌شود در این حکایت آمده است: - یاد دارم که در ایام جوانی گذر داشتم به کوپی ... " (ص ۳۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، دکتر خطیب‌رهبر.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۰ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. ر.ک. اشاره مربوط به بخش آخر این مجموعه هشت قسمتی (طنز در گلستان سعدی - قسمت هشتم).

طنز در گلستان سعدی (قسمت ششم) ، به قلم یکی از بزرگان اهل تمیز، سروش، شماره ۲۷۲، ۲۲ دی ۱۳۶۲، صص ۳۲-۳۳.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل و بررسی کوتاه برخی از حکایت‌های طنزآمیز سعدی در باب ششم گلستان، از جمله: " باب ششم گلستان سعدی را با ضعف و پیری باید گشود. ضعف و پیری سبب شده است که سعدی عصاران باب ششم را بگشاید و زیاد حال و حوصله گردش نداشته باشد! کوتاهی باب ششم هم با ضعف و پیری و بی‌حالی مناسبت دارد. در باب پنجم سخن از ندانستن و توانستن بود، اما در باب ششم حرف از دانستن و نتوانستن. باب ششم گلستان نه حکایت دارد که از این‌ها سه حکایت کاملاً طنزآمیز است و دو حکایت کمی طنزآمیز ...: پیرمردی حکایت کند که دختری خواسته بود و حجره به گل آراسته و ... " (صص ۳۲-۳۳).

" باب ششم گلستان، پر از استعاره است. به نظر یکی از بزرگان اهل تمیز! استعاره اگر مبالغه در تشبیه نباشد، به وجود آمدنش به دلایل اخلاقی، دینی و سیاسی است. سعدی وقتی از ضعف و پیری حرف می‌زند، در محظور اخلاقی می‌ماند و دست به استعاره می‌زند. مخصوصاً در حکایت نهم از باب ششم. این حکایت از شاه‌کارهای طنز در ادبیات فارسی است ... " (ص ۳۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، دکتر خطیب‌رهبر.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۵ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. ر.ک. اشاره مربوط به بخش آخر این مجموعه هشت قسمتی (طنز در گلستان سعدی - قسمت هشتم).

طنز در گلستان سعدی (قسمت هفتم) ، به قلم یکی از بزرگان اهل تمیز، سروش، شماره ۲۷۳، ۲۹ دی ۱۳۶۲، صص ۳۴-۳۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل و بررسی کوتاه برخی از حکایت‌های طنزآمیز سعدی در باب هفتم گلستان، از جمله: " [سعدی] در باب هفتم از تأثیر تربیت حرف می‌زند. او معتقد است که تربیت، نااهل را چون گردکان بر گنبد است و این عقیده را در باب هفتم تکرار کرده است: یکی از وزرا را پسری کودن بود ... " (ص ۳۵).

" طنز سعدی بیشتر در کلام است. اما در حکایتی که اکنون می‌خوانید، طنز سعدی را می‌توان مجسم کرد و حتی آن را نمایش داد: فقیره درویشی حامله بود، مدت حمل برآورده ... " (ص ۳۵).

" اغراق و درشت‌نمایی، یکی دیگر از شیوه‌های طنزآوری است. طنزپرداز گاهی روی عیبی ذره‌بین می‌گذارد تا آن را بهتر نشان دهد. این درشت‌نمایی در حقیقت، کوچک‌نمایی است. وقتی عیب، درشت‌تر از حد معمول نشان داده شود، صاحب عیب، کوچک می‌شود ... : سالی از بلخ بامیانم سفر بود و راه ... " (ص ۳۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، دکتر خطیب‌رهبر.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. ر.ک. اشاره مربوط به بخش آخر این مجموعه هشت قسمتی (طنز در گلستان سعدی - قسمت هشتم).

طنز در گلستان سعدی (قسمت هشتم) ، به قلم یکی از بزرگان اهل تمیز، سروش، شماره ۲۷۴، ۶ بهمن ۱۳۶۲، صص ۲۰-۲۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل و بررسی کوتاه طنزهای باب هشتم گلستان، از جمله: " به دوست - اگر چه عزیز است - راز دل مگشای که دوست نیز بگوید به دوستان عزیز ... " (ص ۲۱)

هر کس را دندان به ترشی کند شود، مگر قاضیان را که به شیرینی ... " (ص ۲۱)

" خود سعدي در آخر گلستان بهتر از هر کس طنزش را تعريف و از آن دفاع کرده است: غالب گفتار سعدي طرب‌انگيز است و طبي‌آمیز و کوتاه‌نظران را بدین علت زبان طعن دراز گردد که مغز دماغ، بیهوده بردن و دود چراغ، بی‌فایده خوردن کار خردمندان نیست و ... " (ص ۲۱).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. گلستان سعدي، دکتر خطیب‌رهبر.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۲-۱. گلستان ۱۵ بار، بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این مجموعه هشت قسمتی که با نام " طنز در گلستان سعدي " چاپ شده است، نویسنده‌ای که خود را " یکی از بزرگان اهل تمیز " خوانده، به نقل و بررسی عبارتها و حکایت‌های طنزآمیز سعدي پرداخته و هر بخش را به یکی از باب‌های گلستان اختصاص داده است. وجود عنصر طنز در آثار سعدي بویژه در گلستان، از ویژگی‌های مسلم سخن اوست. بررسی و باز نمود این عنصر در شناسایی سخن سعدي و ارزش‌های ادبی و هنری آن، بسیار سودمند است. در این مجموعه برای نخستین بار به گونه‌ای گسترده و منظم ۸۰ مورد از طنزهای گلستان نموده شده که عنصر طنز در برخی از آنها قوی و در برخی ضعیف است. به عنوان مثال، نویسنده مناظره‌های اشیا را نیز تنها به دلیل آدم‌نمایی آنها طنز دانسته‌اند، از جمله: قسمت دوم - ص ۲۹: " هرگاه انسان تصور يك شیئي را به ما بدهد خنده‌دار می‌شود. عکس قضیه هم صادق است. یعنی هرگاه يك شیئي تصور يك انسان را به ما بدهد، باز هم خنده‌دار می‌شود در حکایتی که هم اکنون خواهیم خواند، ظاهراً انسان وجود ندارد، اما در اشیا، روح انسان دمیده شده و همین است که طنز می‌سازد: این حکایت که در بغداد ... " یا در قسمت هفتم، ص ۲۶ دانسته نیست در بیت زیر که بر پایه تشبیه زیبایی نهاده شده است، چه طنزی وجود دارد:

دیده اهل طمع به نعمت دنیا پر نشود همچنان که چاه به شبنم

و چنانچه قرار باشد حوزه معنایی طنز را به این گستردگی تصور کنیم، بسیاری دیگر از گفته‌های سعدي (در گلستان)، در این گستره می‌گنجد که از چشم نویسنده به دور مانده‌اند.

در برخی از طنزها، نویسنده نیم‌نگاهی زیباشناسانه به سخن سعدي داشته است (هر چند اندک) به عنوان مثال در قسمت پنجم، ص ۲۴ می‌خوانیم: " شبی یاد دارم که یاری عزیز از در درآمد. چنان بی‌خود از جای برجستم که چراغم به آستین کشته شد " سعدي در اینجا می‌توانست به جای " چراغم به آستین کشته شد " بگوید: " چراغم خاموش شد "، اما در جمله دوم طنز وجود ندارد. کشتن چراغ معنی قربانی کردن را هم می‌دهد. قربانی کردن به خاطر ورود یاری عزیز. از این گذشته وقتی کسی مرتکب قتل می‌شود، آستینش به خون آلوده می‌گردد و سعدي این همه ظرافت را چه خوب در يك جمله آورده است ... " چنانچه حکایت‌های دیگر نیز از نظر رعایت عناصر طنز و نیز از نظر ویژگی‌های زیباشناختی به گونه‌ای گسترده‌تر، کاویده شده بود، بر قوت این پژوهش افزوده می‌شد.

نویسنده با انتقاد از جنبه غیراخلاقی برخی از طنزها، آنها را با موازین خود منطبق ندانسته اما راضی نشده است در این مورد سعدي را مورد انتقاد قرار دهد و برای عمل او توجیه جسته است، از جمله: در قسمت پنجم، ص ۲۵، می‌خوانیم: " بعضی از آثار سعدي را روان‌شناسان بهتر می‌توانند تجزیه و تحلیل کنند. سعدي در این حکایت و چند حکایت دیگر گلستان، پا روی پوست هندوانه گذاشته و از نظر اخلاقی لغزیده است. ما که از طنز برداشتی دیگر داریم، در اینجا طنز سعدي را با معیار خود مطابق نمی‌بینیم. همان‌طور که ملانصرالدین در بعضی از لطیفه‌هایش در قالب سفیه و ابله فرو می‌رود و به این وسیله سفاهت و بلاهت را می‌گوید، می‌توانیم بگوییم سعدي هم هر جا در قالبی خلاف اخلاق رفته است، خواسته مثلاً خلیقات زشت انسان را نشان بدهد و بگوید! به همین خیال باشیم؟! "

نویسنده به مأخذ مورد استفاده خود، تنها در قسمت پنجم، ص ۳۴، ضمن توضیحات، اشاره‌ای کرده است: " دکتر خطیب‌رهبر که گلستان او مأخذ ما در این سلسله مقالات است در معنی این قطعه نوشته ... ". که شایسته بود ایشان این مأخذ و مأخذ دیگر خود را، دست‌کم، در پایان نوشتار خود معرفی می‌کردند.

ع

عارف تبریزی و کشیش فرانسوی، پرویز ناتل خانلری، هفتاد سخن، انتشارات توس، ۱۳۶۹، صص ۲۱۹-۲۱۷.

۱. مضامین اصلي: ۱-۱. اشاره به رفتار " میریل "، کشیش فرانسوی، با " ژان وال ژان " در رمان بینوایان ویکتورهوگو و یادآوری همانندی آن با حکایتی در بوستان سعدي که به عارفی تبریزی نسبت داده شده است (عزیزی در اقصای تبریز بود...): " یقین است که مجرد شباهت این دو داستان دلیل آن نمی‌شود که ویکتورهوگو از شعر سعدي الهام گرفته یا اقتباس کرده باشد، اما باید این نکته را هم در نظر داشت که از نیمه اول قرن نوزدهم ادبیات شرقی و از آن جمله شعر فارسی در فرانسه رواج و رونق بسیار یافته بود و آثار بزرگان ایران از فردوسی و عطار و سعدي و حافظ به زبان فرانسوی ترجمه می‌شد و مورد استقبال اهل ذوق و ادب قرار می‌گرفت ... "

همچنین باید دانست که نخستین ترجمه بوستان سعدي به زبان فرانسه توسط دفرمری در سال ۱۸۵۸ منتشر شد و سال بعد (۱۸۵۹). گارسن دوتاسی بار دیگر ترجمه این کتاب را به زبان فرانسه انتشار داد، و کتاب " بینوایان " سه سال پس از این تاریخ یعنی در سال ۱۸۶۲ منتشر شده است " (صص ۲۱۹-۲۱۸).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. بوستان سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. بینوایان، ویکتورهوگو (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۲-۱. بوستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته کوتاه همانندی رفتار " میریل " و " ژان وال ژان " در بینوایان ویکتورهوگو با رفتار " زاهد تبریزی " و دزدی از حکایت‌های بوستان سعدي بازنموده شده است. با توجه به دلایل مطرح شده در پایان مقاله احتمال تأثیرپذیری هوگو از سعدي در این داستان بعید به نظر نمی‌رسد.

سنجش این دو داستان در بینوایان و بوستان به قلم نویسندگان دیگر نیز صورت پذیرفته است. از جمله: رک. ۱. سعدي شیخ شیراز، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب در کتاب با کاروان حله، تابستان ۱۳۶۲، ص ۲۰۹.

۲. سعدي شيرازي و هوگوي فرانسوي، مهدي آستانه‌اي، آینده، سال دوازدهم، شماره ۱، ۳، فروردین - خرداد ۱۳۶۵، صص ۶۲-۵۷.

عدالت در بوستان سعدي، دکتر محمدعلوي مقدم، ذکر جميل سعدي، ج ۲، کمیسیون ملي يونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۹۱-۵۷.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. مشکوه، شماره هفتم، بهار ۱۳۶۴، صص ۹۹-۶۰. ۲. روزنامه کيهان، پنجشنبه ۲۷ دي ۱۳۶۳، ص ۶.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱- تعريف عدل و اقسام آن با استناد به آيات و روايات (صص ۵۹-۶۷).

۱-۲- بررسي موضوع عدالت در بوستان سعدي (صص ۷۹ - ۶۷).
۱-۲-۱- "سعدي در ابواب ده‌گانه بوستان، خواسته است سيماي يك انسان نمونه آرماني را ترسيم کند ... و چون سعدي جور و ستم ستمگران قرن هفتم هجري را به چشم ديده و اين مسئله در روحيات او مؤثر بوده، بر آن شده که از عدل سخن گوید و ستمگر را از ستم بر زيردست باز دارد ... (ص ۶۷).

۱-۲-۲- "در بوستان سعدي باب عدل که بيش از پنجاه قطعه و متجاوز از ۹۰۰ بيت شعر دارد، طولاني‌ترين ابواب ده‌گانه بوستان است." (ص ۶۸).

۱-۲-۳- "هدف اساسي سعدي از بيان داستان‌ها اين است که مي‌خواهد پادشاه و يا امير و حاکم و سلطان را نصيحت کند و او را به امور دنياوي و تدبير شوون ملک‌داري و رعيت‌داري آشنا کند (ص ۶۹). سعدي، در بوستان شاهان را از ستم باز مي‌دارد و مي‌گويد: " هلاک کردن مردم به ظلم و ستم شايسته نيست " و به انسان‌ها هشدار مي‌دهد و مي‌گويد: اي انسان آگاه باش و در اين انديشه باش که از دادگري و عدل و راي و انديشه صواب روي برنتابي که اگر چنين کردی و عدل و داد را پيشه نساختی، مردم از بيداد تو مي‌گريزند و از ديار تو به ملک ديگري مي‌روند، و اين مضمون، همان است که علي (ع) در نامه خود به فرماندار مصر - مالک اشتر نخعي مي‌نويسد " (ص ۷۰).

" سعدي درباره اطرافيان حاکم و کارکنان حکومت و دولت‌مردها نيز سخن گفته و عقیده دارد، آن کس که خداترس است حق مردم را به خاطر ترس از خدا ادا مي‌کند، او را بايد کارگزار کرد نه آن کس که فقط از حاکم مي‌ترسد و از خدا ترسي ندارد." (ص ۷۵).

سعدي در باب عدل بوستان، تنها از عدل و داد، سخن نرانده بلکه در تدبير ملک و لشکرکشي‌ها و آيين جنگ و صلح نيز، سخن گفته است." (ص ۷۷).

۱-۳- تطبيق برخي از آيات بوستان با دستورات حضرت علي(ع) در نهج البلاغه (صص ۷۷-۷۱).

۱-۴- بررسي مجدد مفهوم و اهميت عدل در آيات کریمه (صص ۷۹-۸۳).

۲. منابع اصلي: ۱-۲- قرآن مجيد. ۲-۳- شرح نهج البلاغه ابن ابی‌الحديد. ۲-۳- بوستان سعدي، تصحيح و توضيح دکتر غلامحسين يوسفی. ۲-۴- تفاسير قرآن (تفسير التبيان، شيخ طوسي، الميزان في تفسير القرآن علامه طباطبائي، في ظلال القرآن سيد قطب، تفسير صافي فيض کاشاني و ...).

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۱-۳- بوستان ۳۴ بار (تمام مقاله درباره بوستان است).

۴. اشاره: ۱-۴- اين مقاله از نظر ذکر دقيق نشاني مأخذ و همچنين شواهد مثال، کامل و بي‌نقص است.

۲-۴- استناد به آيات، احاديث و آيات بوستان به ارزش تحقيقي مقاله افزوده است - در اين نوشته براي توضيح مفهوم عدل ۲۸ بار به آيات قرآن، ۷ بار به کلام حضرت علي در نهج البلاغه و ۲ بار به احاديث نبوي استناد جسته شده و همچنين در تفاسير مختلف نيز اين معنا جستجو شده است.

توضيحاتي که در ۵ صفحه زير عنوان يادداشت‌ها در پايان مقاله (صص ۸۸-۸۴) آورده شده، نيز براي علاقه‌مندان به موضوع بحث ارزشمند است.

با همه اين توضيحات، پرداختن بيش از لزوم، به مفهوم و تقسيمات عدل از ديده‌گاه منابع اسلامي، تا حدودي موجب اطناب کلام شده است.

عراقي، سعدي، حافظ، مجله سخن، دوره پانزدهم، شماره ۴، اسفند ۱۳۴۳، صص ۲۴۱-۲۳۹.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. هفتاد سخن، ج ۳، انتشارات توس، ۱۳۶۹، صص ۲۴۴-۲۴۳.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱- نقل يك غزل از عراقي، يك غزل از سعدي و يك غزل از حافظ با وزن و قافيه و ردیف مشترك (صص ۲۴۱-۲۳۹). با يك توضيح کوتاه در مقدمه: " مقايسه اشعاري که سخنوران بزرگ به يك روال و به استقبال (يعني پيروي) از يکديگر سروده‌اند، هم سوابق ذهني و منابع هنر ايشان را به ما مي‌شناساند و هم از روي اين مقايسه مي‌توان به خصوصيات ذوقي و هنري هر يك پي برد " (ص ۲۳۹).

مطلع غزل‌ها به شرح زير است:

عراقي:

به يك گره که دو چشمت بر ابروان انداخت هزار فتنه و آشوب در جهان انداخت

سعدي:

چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت که يك دم از تو نظر بر نمي‌توان انداخت

حافظ:

خمي که ابروي شوخ تو در کمان انداخت به قصد خون من زار ناتوان انداخت

۲. منابع اصلي: ۱-۲- غزليات عراقي، سعدي و حافظ (نشاني مأخذ مشخص نشده است).

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۱-۳- غزليات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴- در اين نوشته سه غزل از عراقي و سعدي و حافظ که داراي وزن، قافيه و ردیف مشترك هستند بدون هيچ بررسي و تحليل و مقايسه در کنار هم نهاده شده‌اند.

عرفان سعدي، دکتر علي محمد مزده، مقالاتي در باره زندگي و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه بهلوي، ۱۳۵۲، صص ۲۶۰-۲۴۸.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱- بيان آبياتي از بوستان - ره عقل جز پيچ در پيچ نيست ... - (ص ۲۴۸).

۱-۲- بيان مطالبتي درباره عرفان و دريافت اصل کلي جهان خلقت و راز هستي و تفاوت تصوف و عرفان (صص ۲۵۲-۲۴۹).

۱-۲. توضیح درباره عرفان سعدی: " البته بی‌علتی نیست که سعدی را در مقامات عرفانی بالاتر از بسیاری از بزرگان حتی حافظ با همه بزرگی مقام ادبی و عرفانی که دارد تصور کرده‌اند ... عرفان سعدی بسیار روشن و ساده و طبیعی و خالی از ابهام و پیچیدگی است ... سعدی برخلاف کسانی که تنها با اتکا به ادکار و اوراد می‌خواهند به مقامات والای انسانیت نائل شوند، خدمت به خلق و راستی و درستی در نیت و عمل و کردار بی‌گفتار و ترک ریا و تزویر را اصل وصول به حقیقت و نیل به کمال معرفت می‌شناسد ... به نظر سعدی انسان باید همچنان که در دل عشق وصول به حقیقت را می‌پرورد، با تحلی به صفات نیک که اهم آن احسان به خلق و ایثار و صدق و تواضع و اجتناب از بخل و تنگ‌نظری و ناراستی و ریا و غرور است، خویشتن را از پیش آماده درک حقایق کند ... اگر بخواهیم با توجه به شیوه بعضی از مشایخ و مؤلفان کتب تصوف که برای طی مراحل سیر و سلوک منازل و مقامات برشمرده آن مقامات را از نظر سعدی برشماریم، با توجه به گفته‌های وی در گلستان آن مقامات و منازل دوازده خواهد بود، بر این گونه: توبه، ورع، فقر، زهد، ذکر، شکر، تسلیم، توکل، رضا، ایثار، عشق، توحید " (صص ۳۶۰-۳۵۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. اشعار ملامدرا. ۲-۳. منازل السائرين، خواجه عبدالله انصاری.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. بوستان ۱۰ بار، گلستان ۵ بار، غزلیات ۲ بار، قصاید ۳ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. بررسی سخن سعدی برای دریافت اندیشه‌های او و استناد مکرر به سروده‌های سعدی برای تأیید گفتار از نقاط قوت این مقاله است، اما نظر تازه‌ای در این نوشته مطرح نشده است.

۴-۲. برخی از اظهارنظرها خالی از اغراق نیست، از جمله: عبارت زیر که مأخذ آن نیز روشن نیست: "سعدی را در مقامات عرفانی بالاتر از بسیاری از بزرگان حتی حافظ دانسته‌اند" (ص ۳۵۲).

۴-۳. نشانی شواهد مثال ذکر نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. نظری به شخصیت سعدی و بعضی عوامل مؤثر در آن، محمود صناعی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۵۸۶. ۵-۲. مأخذ اندیشه‌های سعدی ... محمد غفرانی‌چهرمی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، ۱۳۶۴، ص ۹۶. ۵-۳. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۳۹.

عروض گلستان (۱)، حمید حسنی، گلچرخ، سال اول، شماره ۵، [بهمن یا دی] ۱۳۷۱، صص ۷۲-۶۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای به پژوهش‌هایی که در موضوع عروض فارسی منتشر شده است (ص ۶۷).

۱-۲. بررسی اوزان شعرهای گلستان سعدی:

" الف: اشعار فارسی. کل شعرهای فارسی گلستان ۱۱۰۲ بیت است در ۵۹۰ شعر و ۳۰ وزن مختلف، اعم از فرد و رباعی و قطعه و مثنوی و جز آن " (ص ۶۷).

- یادکرد فهرست اوزان به ترتیب کثرت استعمال بر اساس شماره اشعار (صص ۶۷-۶۷) با چند نتیجه‌گیری، از جمله: " در گلستان، از یازده بحر استفاده شده است، از این قرار: رمل با ده وزن (۵۷ شعر و ۹۸ بیت)، هزج با هشت وزن (۱۶۹ شعر و ۳۰۶ بیت)، هر کدام با دو وزن، خفیف (۱۵۹ شعر و ۳۴۰ بیت)، مجتث (۷۶ شعر و ۱۳۴ بیت)، مضارع (۲۹ شعر و ۵۴ بیت)، سریع (۱۹ شعر و ۴۰ بیت)، بسیط (۱ شعر و ۲ بیت) و طویل (۱ شعر و ۱ بیت) هر کدام با یک وزن.

از سی وزن گلستان، تنها هشت‌تایی آنها مسدسند و شامل ۳۰۳ شعر و ۶۴۷ بیت؛ حال آنکه ۲۲ وزن مثنی دیگر تنها ۲۸۷ شعر و ۴۵۵ بیت را در بردارند. پس می‌توان نتیجه‌گرفت اوزان کوتاه برای آوردن نکات حکمی و اندرز و لطیفه و مثل مناسب‌تر است که بیشتر هم در قالب‌های فرد و مثنوی و قطعه آمده‌اند ... " (صص ۷۱-۷۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۲. کتاب‌های مختلف عروضی، مانند المعجم فی معاییر اشعارالعجم، اوزان شعر فارسی و ... ۲-۳. دیوان برخی شاعران، مانند فرخی، منوچهری، شهید بلخی و ...

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. مقاله به بررسی اوزان مختلف شعرهای گلستان پرداخته و نشانی ۵۹۰ شعر از گلستان را بازنموده است.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله در سه بخش و سه شماره از مجله گلچرخ به چاپ رسیده است، برای اشاره، رک. بخش سوم و پایانی مقاله.

عروض گلستان (۲)، حمید حسنی، گلچرخ، سال دوم، شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۷۲، صص ۶۷-۶۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و بررسی اختیارات شاعری در اوزان شعر فارسی در دو حوزه وزنی و لفظی یا زبانی و گزینش بیت‌هایی از گلستان برای شاهد مثال (صص ۶۷-۶۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۲. کتاب‌های مختلف عروضی، از جمله: المعجم فی معاییر اشعارالعجم، وزن و قافیه شعر، بررسی وزن شعر عامیانه هر دو از دکتر تقی وحیدیان کامیار، موسیقی شعر نیما از نگارنده مقاله و ... ۲-۳. دیوان برخی شاعران مانند رودکی، غزلیات شمس، شاهنامه و ...

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۲۸ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش دوم مقاله است، برای اشاره، رک. بخش سوم و پایانی مقاله.

عروض گلستان (۳)، حمید حسنی، گلچرخ، سال دوم، شماره ۶، اردیبهشت ۱۳۷۲، صص ۶۷-۶۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش دوم مقاله و بررسی اختیارات شاعری در دو حوزه وزنی و لفظی یا زبانی با یادکرد مثال‌هایی از گلستان (صص ۶۷-۶۴).

۱-۲. نقل برخی از پاره‌های موزون نثر فارسی که مطابق با قواعد عروضی است. بیشتر این نمونه‌ها از گلستان برگزیده شده است (صص ۶۸-۶۷).

۱-۳. بررسی وزن اشعار عربی گلستان (صص ۶۹-۶۸).

۱-۴. یادکرد فهرست اوزان گلستان به نقل از " فین تپسن " (ص ۶۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۲. کتاب‌های مختلف عروضی؛ از جمله: المعجم فی معاییر اشعارالعجم، معیارالاشعار، مناظرالقواعد و ... ۲-۳. برخی از متون نظم و نثر فارسی، از جمله: شاهنامه، غزل‌های حافظ، تاریخ بیهقی، قابوسنامه و ...

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۱۵۹ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. این مقاله که در سه شماره از مجله گلچرخ به چاپ رسیده است، مفصل‌ترین نوشته‌ای است که وزن همه شعرهای گلستان را بررسی کرده و برخی از ویژگی‌های وزنی این سروده‌ها را با ویژگی‌های وزنی شاهنامه و غزلیات حافظ مقایسه کرده است. ۲-۴. در بخش دوم مقاله، بحث اصلی درباره اختیارات شاعری در شعر فارسی است و تنها نمونه‌هایی برای شاهد از گلستان انتخاب شده است. ۳-۴. استفاده فراوان از منابع و متون مختلف، نظم منطقی و دسته‌بندی موارد بررسی شده، ذکر نشانی مأخذ و نمونه‌های شاهد از دیگر ویژگی‌های ارزشمند این مقاله است. ۴-۴. در این نوشته نیز اشتباهات فراوان چاپی راه یافته است. برخی از این اشتباهات در پایان بخش دوم و برخی دیگر در آغاز بخش سوم مقاله یادآوری شده است.

عشق سعدی نه حدیثی است که پنهان ماند، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه هشتم آذر ۱۳۶۳، ص ۱۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل عباراتی از محمدعلی فروغی در وصف سعدی و آثار او.
- ۱-۲. اشاره‌ای کوتاه به زندگی سعدی و معرفی " کلیات سعدی " تصحیح محمدعلی فروغی از انتشارات ققنوس.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، انتشارات ققنوس.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته، در واقع معرفی مختصر " کلیات سعدی " از انتشارات ققنوس است و سخن تازه‌ای در بر ندارد.

عطر عطار در بوستان و گلستان سعدی، دکتر رضا اشرف‌زاده، برگرفته از کتاب " قصه طوطی جان " (هفت مقاله پیرامون مقایسه داستان‌های عطار با مولوی و سعدی)، نشر ناصح، چاپ اول ۱۳۷۵، صص ۷۹-۶۶. * این نوشته، یکی از مقاله‌های هفت‌گانه کتاب یاد شده است.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به نفوذ کلام سعدی و تأکید بر ویژگی سهل و ممتنع بودن سخن او با ذکر دلایل آن (صص ۶۷-۶۶).
- ۱-۲. توضیح درباره پیوند سعدی با عرفان با استناد به برخی از اشعار او (صص ۶۹-۶۷)، نتیجه اینکه: " سعدی شیرازی با عرفان و تصوف - اگر چه نه به طور کامل و عمیق - آشنایی داشته است و عشق عارفانه را - نه به کمال - تجربه کرده است، مسلم است که آثار بزرگان عارف پیش از خود را مطالعه کرده و از هر یکی از آن آثار خوشه‌ای و توشه‌ای برگرفته و " خرمن معرفتی " گرد آورده و دسته گل‌هایی از آن بوستان و گلستان فراهم آورده است " (ص ۶۹).
- ۱-۳. بررسی عوامل و دلایل ارتباط سعدی با عطار: " شیخ شیرازی، نه تنها پای درس " شیخ مرشد شهاب " نشست و با " پیری از فاریاب " هم سفری کرده است که هم سفره " شیخ نیشابور " نیز شده و از کلامی که از او دریافت کرده، دامنی فراهم آورده و نثار شیفتگان آثار خود کرده است " (ص ۶۹).
- ۱-۴. بازیافت پیشینه یک حکایت از گلستان و سه حکایت از بوستان در سروده‌های عطار برای نشان دادن تأثیرپذیری سعدی از عطار (صص ۷۹-۷۰) آغاز حکایت‌های یاد شده چنین است:
 - " یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت ... " (گلستان).
 - " یکی روستایی سقط شد خرس ... " (بوستان).
 - " یکی خرده بر شاه غزنین گرفت ... " (بوستان).
 - " شبی یاد دارم که چشمم نخفت ... " (بوستان).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸. ۲-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۵۹. ۲-۳. اسرار نامه، منطق‌الطیر و الهی‌نامه عطار.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱۰ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۱ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله، یکی از هفت مقاله کتاب " قصه طوطی جان " است که درباره آثار عطار و مقایسه آنها با آثار مولوی و سعدی نگاشته شده است. در این مقاله نویسنده پیشینه چهار حکایت از گلستان و بوستان سعدی را در سروده‌های عطار جست و آنها را بخوبی باز نموده است. یادکرد نشانی منابع و مأخذ و نیز نشانی شواهد مثال، پرهیز از درازگویی و انشاپردازی، و همانندی مسلم حکایت‌های مقایسه شده (از نظر صورت و معنا)، از ویژگی‌های این نوشته است.
- ۴-۲. عبارتی که نگارنده در ص ۶۹، س ۲۱-۲۲ درباره ارتباط سعدی و عطار بیان داشته قابل تأمل است. در این باره نوشته است: " این شیخ شیرازی، نه تنها پای درس " شیخ مرشد شهاب " نشست و با " پیری از فاریاب " هم‌سفری کرده است، که هم سفره " شیخ نیشابور " نیز شده و از کلامی که از او دریافت کرده، دامنی فراهم آورده و نثار شیفتگان آثار خود کرده است " .
- می‌دانیم دو حکایتی که بدانها اشاره شده (" مرا پیر دانای ... " و " قضا را من و پیری از فاریاب ... ") - بدون توجه به واقعی بودن یا نبودن داستان - در بوستان مذکور است، اما هم سفرگی سعدی با عطار (حتی اگر مقصود بهره‌وری معنوی سعدی از عطار باشد) در آثار سعدی اشاره‌ای مستقیم بدان نشده است. با توجه به جنبه تحقیقی مقاله، شایسته‌تر بود نگارنده، مقصود خود را روشن می‌ساخت، بویژه آنکه " هم‌سفرگی " سعدی و عطار با " هم‌سفری " سعدی و شهاب‌الدین در یک جمله هم‌نشین شده و منشأ توهم است.

علوم قدیم ایرانی در سخن سعدی، جهان‌بخش نوروزی، مجموعه مقالات چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۳، به کوشش محمدعلی صادق‌یان، مهر ۱۳۵۴، صص ۲۶۵-۲۵۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره پنج مضمون زیر در آثار سعدی به عنوان " علوم قدیم ایرانی در سخن سعدی " :
 - الف: تشکیل مروارید بر اثر ورود قطره باران در صدف (صص ۲۶۱-۲۵۹).
 - ب: نیازمندی انسان به اکسیژن و عمل دم و بازدم (ص ۲۶۱).
 - ج: تأثیر برخی از ستارگان و سیاره‌ها بر گیاهان، از جمله تأثیر ماه بر کتان و سهیل بر چرم (صص ۲۶۲-۲۶۳).
 - د: خوردن نوزاد کژدم مادر خود را در هنگام تولد (صص ۲۶۴-۲۶۳).
 - ه: مراحل رشد جنین به عنوان یکی از مظاهر قدرت خداوند (صص ۲۶۵-۲۶۴).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. غزلیات ۵ بار، بوستان ۲ بار، گلستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۲. همه مضامینی که در این نوشته مطرح شده، در سروده‌های شاعران پیش از سعدی نیز آمده است و مواردی چون " تأثیر ماه بر کتان " یا " ایجاد در و مروارید بر اثر ورود قطره باران در صدف " و ... از مضامین شایع در شعر فارسی هستند. نویسنده در آغاز مقاله گفته است: " منظور از بیان مطالب زیر این نیست که ثابت کنیم، سعدی یکی از دانشمندان علوم طبیعی بوده و مانند افراد این طایفه به کشف معضلات این قبیل علوم پرداخته، بلکه هدف این است که نشان دهیم سعدی از دانش‌ها و آگاهی‌های رایج زمان خویش تا آنجایی که شیوه کار او ایجاب می‌کرده، بهره‌ها گرفته است ... " (ص ۲۵۹). با این همه، چنانچه نگارنده مقاله به شیوه پرداخت شاعرانه این مضامین در آثار سعدی و چگونگی استفاده هنری آنها اشاره می‌کردند، یا دست‌کم نمونه‌های بیشتری از این مضامین را بر می‌شمردند بر ارزش این نوشته افزوده می‌شد. ۲-۲. نشانی نمونه‌های شاهد و مأخذ مقاله مشخص نشده است.

علی در کلام سعدی ، دکتر نعمت احمدی، روزنامه سلام، دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۷۲، ص ۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره‌ای کوتاه به آثار ارزشمند سعدی و نقل حکایت " کسی مشکلی برد پیش علی ... " از بوستان سعدی.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۲. در صفحه ۶ روزنامه سلام (دوشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۷۲) مطالبی زیر عنوان " علی در شعر شاعران " آمده و اشعاری از مولوی، فردوسی، حافظ، سعدی و ... نقل شده است. آنچه مربوط به سعدی است حکایتی از بوستان است که در آن بر تواضع حضرت علی (ع) تأکید شده است. البته سعدی در آثار دیگر خود و از آن جمله در قصاید اوصاف بلندی درباره حضرت علی دارد، که در این یادداشت بدانها اشاره‌ای نشده است. و در مجموع سخن تازه‌ای در این نوشته نیست.

غزل‌سرایی سعدی ، محمدعلی ناصح، ارمغان، سال نوزدهم، شماره هفتم، دی ۱۳۱۷، صص ۴۲۸-۴۱۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر شهرت سعدی در غزل، از جمله: " غزلیات شیخ به نزدیک عارف و عامی معروف و مشهور و بر السنه و افواه مذکور است. اما قصاید و مثنویات وی که به نزد خواص و ارباب دانش اهمیت بسزا دارد، چندان مورد نظر عوام نیست ... " (ص ۴۱۸).

۱-۲. بررسی برخی از ویژگی‌های غزل سعدی، از جمله: شیوایی بیان و قدرت طبع، تناسب و هم‌آهنگی، مهارت در استعمال الفاظ نامأنوس و ایراد معانی غریبه، سادگی سخن و گزینش ردیف‌های ساده و در عین حال التزام ردیف‌های مشکل در برخی از موارد و حسن ترجمه (صص ۴۲۸-۴۲۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. غزلیات ۲۸ بار، شعر عربی ۳ بار، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۲. در این نوشته با تأکید بر ارزش غزل‌های سعدی و آوازه او در غزل‌سرایی، برخی از ویژگی‌های این غزل‌ها با یادکرد نمونه‌هایی، بازنموده شده است. با آنکه در این مقاله نشانی نمونه‌های شاهد مشخص نشده و همه ویژگی‌های غزل سعدی هم‌کاویده نشده است، اما به جهت قدمت آن نسبت به بسیاری از نوشته‌های دیگر، ارزشمند است.

غزل سعدی، مثنوی، عاس ، یغما، سال ۲۸، شماره اول، فروردین ۱۳۵۴، شماره مسلسل ۲۱۹، صص ۷-۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. انتقاد از برنامه گسترش مراکز عالی و تأسیس فراوان دانشگاه‌های غیرانتفاعی و ضعف علمی استادان و ... (صص ۷-۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۲. ندارد.

۴. **اشاره:** ۱-۲. این نوشته، جز در عنوان مقاله و یک عبارت از متن ارتباطی با سعدی ندارد و تنها عبارت متن که به سعدی مربوط می‌شود چنین است: " باید استادان رشته‌های ادبی را به محک آزمایش برزید، تا بدانید چه تعدادی از این بزرگواران از خواندن یک غزل سعدی و چند صفحه مثنوی عاجزند " (ص ۳).

غزل فارسی و شکل‌های غنایی مشابه آن در شعر جهانی، محمود عبادیان، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۵۶-۴۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بررسی دو گونه شعر غنایی "یکی سونت کلاسیک اروپایی دیگر چکامه‌ای چینی به نام " گو - فنگ " و باز نمود نقاط مشترک آنها با غزل فارسی." (صص ۴۶-۴۵).

" تشابه غزل فارسی و این دو چکامه هم از دیدگاه شکل بیرونی و هم از نظر مطلبی است که در آنها توصیف می‌شود (ص ۴۵). یکی از انواع غزل فارسی، یعنی غزل سعدی از جنبه‌های خاص با دو چکامه دیگر شباهتی درونی دارد. منظور پروراندن مطلب در محدوده بیت‌های غزل است." (ص ۴۶).

۱-۲. معرفی "گو - فنگ" با ذکر نمونه‌ای از این گونه شعر از لی‌بای شاعر سده نهم میلادی چین و مقایسه آن با شعر سعدی: " برخی از تصویرهای اندیشه‌ای این چکامه خواننده را به یاد تصویرهای غزل فارسی خاصه غزل سعدی می‌اندازد، مثلاً احساس تنهایی، میثاق با عناصر طبیعی و غیره ... " (صص ۴۷-۴۶).

۱-۳. معرفی غزل فارسی و بررسی ویژگی‌های غزل‌های سعدی در مقایسه با سونت اروپایی (صص ۵۶-۴۷). نتیجه اینکه: " غزل سعدی مطلب را به صورت یک کل یا تمامیتی هنری ادا می‌کند که در آن اجزا، یعنی اندیشه‌های تصویر شده در بیت‌ها، در رابطه یکدست و منسجم با یکدیگر و با کل غزل است." (ص ۵۰).

۱-۴. معرفی سونت کلاسیک اروپایی: سونت اروپایی در قرن سیزدهم میلادی شکل گرفته است - چهار قرن پس از گو - فنگ چینی و دویست سال بعد از غزل فارسی (ص ۵۰) بررسی یک سونت از پترارکا و یک سونت از شکسپیر (صص ۵۳-۵۱).

- ۱-۵. بررسی وجوه اشتراك و اختلاف غزل فارسي، سونت اروپايي و گو - فنگ چيني (صص ۵۳-۵۵).
۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. در فهرست منابع تنها به يك اثر اشاره شده است: Chinese Literature, Summer ۱۹۸۴ ، ۲-۱. **رويکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. غزليات ۶ بار.
۳. **اشاره:** ۲-۱. اين مقاله به دليل تازگي موضوع در ادبيات تطبيقي ارزشمند است. بررسی ويژگيهاي جزيي سه گونه شعر در ادبيات جهاني (غزل فارسي، گو - فنگ چيني و سونت اروپايي) با تحليل نمونه‌هاي از هر کدام از اين انواع سه‌گانه بر ارزش تحقيقي مقاله افزوده است.
- ۲-۲. ذکر ناقص مآخذ استفاده شده و ذکر نکردن نشاني شاهدهاي مثال و کوتاهي مطلب از کمال اين نوشته کاسته است.

غزلهاي سعدي ... ، محمد مشيري، گوهر، سال چهارم، شماره ۶، شهريور ۱۳۵۵، صص ۵۴۶-۵۴۴.

۱. **مضامين اصلي:** * اين نوشته معرفي جلد نخست غزلهاي سعدي به كوشش نورالله ايرانپرست است.
- ۱-۱. اشاره به پژوهشهاي آقاي نورالله ايرانپرست در مورد آثار سعدي (ص ۵۴۴).
- ۱-۲. نقل عباراتي از " ايرانپرست " و " عبدالعظيم قريب " درباره نسخه‌هاي خطي و چاپي آثار سعدي (صص ۵۴۴-۵۴۵).
- ۱-۳. داوري درباره كتاب يادشده: " مجموعه حاضر (غزلهاي سعدي) مانند ساير نشریات (مؤسسه دانش) بسيار خوب و ممتاز چاپ شده است. و ضمناً براي مزيد استفاده خوانندگان به مدد چندین فرهنگ معتبر معني واژه‌هاي هر غزل در پايين هر صفحه غزل آمده است ... " (ص ۵۴۶).
۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. غزلهاي سعدي، پس از مقابله ... ، (بخش نخست)، نورالله ايرانپرست (ايزدپرست)، ۱۳۵۵.
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۲-۱. اين نوشته تنها، به معرفي کوتاه و ناقص كتاب مورد نظر پرداخته و به کاستيهاي آن اشاره‌اي نکرده است. براي آگاهي بيشتري، رك. اشاره آن كتاب، در بخش كتابها، از همين مجموعه.

غزلهاي سعدي از نظر حافظ ، مسعود فرزاد، خرد و كوشش، ۱۳۴۸، صص ۲۱۶-۲۸۵. چاپهاي ديگر: ۱. درباره حافظ چه مي‌گويند (مجموعه مقالات)، به كوشش جمشيد مهربويا، انتشارات جانزاده، آبان ۱۳۶۷، صص ۵۰۷-۵۰۱.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. توضيح درباره روش پژوهش و ارائه نتيجه كلي بررسی هماننديهاي سعدي و حافظ در يك جدول ساده. در اين جدول آماري از شباهت غزلهاي سعدي و حافظ در ۲۴۱ مورد و پنج بخش (يگانگي قالب، نزديكي قالب، مشاركت كلمات خاص، تضمين و نزديكي مفاهيم) نموده شده است (ص ۲۸۵).
- ۱-۲. توضيح درباره هر يك از بخشهاي پنج‌گانه (مشابهت غزلهاي سعدي و حافظ).
- ۱-۲-۱. يگانگي قالب - " آنجا كه اساس اقتباس عبارت از يگانگي قالب (يعني وزن و ردیف و قافيه) است بايد در نظر داشت كه در بعضي از اين موارد قالب به اندازه‌اي ساده است كه ممكن است اين يگانگي كاملاً اتفاقي بوده باشد و هيچ ثابت نمي‌كند كه حافظ در انتخاب قالب شعر خود به شعري از سعدي يا هيچ شاعر ديگري نظر داشته است. ولي در چند مورد قالب مشترك به اندازه‌اي مخصوص و مصنوع است كه بايد ناچار معتقد شد كه حافظ غزل سعدي را پسنديده، غزل خود را متعمداً از روي عين همان نمونه ساخته است " (ص ۲۸۵).
- ۱-۲-۲. نزديكي قالب - " گاهي قالب غزل سعدي با مختصر تبديلي مبناي غزل حافظ قرار گرفته است ... [هرچند در برخي] از اين موارد، نزديكي قالب ... آنقدرها دقيق و محسوس نيست كه دليل قوي بر بيروي عمدي حافظ از سعدي به دست بدهد " (صص ۲۸۷-۲۸۶).
- ۱-۲-۳. مشاركت كلمات - " در اين گروه آن ابيات حافظ و سعدي كه از حيث اشتراك در كلمه يا كلمات خاصي با يكديگر ارتباط دارند در مقابل يكديگر قرار داده شده‌اند " (ص ۲۸۷).
- ۱-۲-۴. تضمين - " اين گروه چهارم كه در هر بيت آن تمام يا قسمت اعظم از يك مصراع شعر سعدي عيناً در بيتي از حافظ آمده است دليل قطعي بر بيروي عمدي از سعدي است " (ص ۲۸۷).
- ۱-۲-۵. نزديكي مفاهيم - " بي‌شك مهم‌ترين گروه ... آن ابيات حافظ است كه هريك از آنها نزديكي خاصي از حيث مفهوم با بيتي از سعدي دارد. باز طبيعتاً ميزان نزديكي ميان بعضي از اشعار متقابل حافظ و سعدي در اين گروه بيش از اشعار متقابل ديگر است. اين ابيات مسلم مي‌دارند كه حافظ در شعر خود به شعر متقابل در سعدي توجه داشته است " (صص ۲۸۸-۲۸۷).
- ۱-۲-۶. توضيح درباره ابيات مشكوك حافظ و مشابهت‌هاي حافظ، خاقاني و عراقی و تاكيد بر جنبه انتقادي و نيوغ حافظ (صص ۲۹۰-۲۸۸).
- ۱-۳. فهرست ابيات مشابه سعدي و حافظ در پنج گروه جداگانه:
- ۱-۳-۱. گروه اول: بر اساس يگانگي قالب - در اين گروه ۵۱ بيت از غزلهاي حافظ با ۵۵ بيت از غزلهاي سعدي مقابله شده است (صص ۲۹۵-۲۹۱).
- ۱-۳-۲. گروه دوم: بر اساس نزديكي قالب - در اين گروه ۱۲ بيت از غزلهاي حافظ با ۱۱ بيت از غزلهاي سعدي مقابله شده است (ص ۲۹۶).
- ۱-۳-۳. گروه سوم: بر اساس مشاركت كلمات خاص - در اين گروه ۴۸ بيت از غزلهاي حافظ با ۵۵ بيت از غزلهاي سعدي مقابله شده است (صص ۳۰۳-۲۹۷).
- ۱-۳-۴. گروه چهارم: بر اساس تضمين تمام يا قسمت عمده مصرع - در اين گروه ۱۳ بيت از غزلهاي حافظ با ۱۴ بيت از غزلهاي سعدي مقابله شده است (صص ۳۰۴-۳۰۳).
- ۱-۳-۵. گروه پنجم: بر اساس نزديكي مفاهيم - در اين گروه ۱۱۶ بيت از غزلهاي حافظ با ۱۵۵ بيت از غزلهاي سعدي مقابله شده است (صص ۳۱۶-۳۰۴).
۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. غزلهاي سعدي، محمدعلي فروغي (نشاني مآخذ مشخص نشده است). ۲-۲. ديوان حافظ، با مقدمه خالقي، ۲-۳. ديوان حافظ، هاشم رضي.
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. غزليات ۲۹۰ بار.
۴. **اشاره:** ۲-۱. اگر چه پيش از اين مقاله نيز صاحب‌نظران ديگري سخن سعدي و حافظ را با هم سنجيده‌اند، اما مقايسه غزلهاي اين دو شاعر در اين نوشته به گونه منظم‌تري انجام پذيرفته است و همانندي غزلهاي سعدي و حافظ در پنج گروه جداگانه با مقابله ۲۹۰ بيت از سعدي و ۲۴۱ بيت از حافظ، نمايش داده شده است كه در بررسی تطبيقي سودمند است.

یادآوری می‌نماید که ۱۳ سال پیش از انتشار این مقاله دکتر منوچهر مرتضوی مقاله مفصلی را (در ۷۲ صفحه) زیر عنوان " تأثر حافظ از سعدی " سامان داده‌اند، که در آن مقاله نیز ۲۸۵ مورد از ابیات غزل‌های سعدی با ۲۵۶ مورد از ابیات غزل‌های حافظ که وزن و قافیه همانند داشته‌اند، مقابله شده‌اند، اما نمونه‌های بررسی شده در آن مقاله مانند مقاله حاضر دسته‌بندی منظمی نشده است (رک. تأثر حافظ از سعدی، منوچهر مرتضوی، نشریه دانشکده ادبیات تبریز، سال هشتم، شماره اول و دوم، بهار و تابستان ۱۳۵۵، سال نهم، شماره اول، بهار ۱۳۳۶). شایسته بود مرحوم فرزند اشاره‌ای به مقاله مذکور می‌کردند.

۲-۴. برخی از این نمونه‌ها که به عنوان سروده‌های همانند عنوان شده‌اند (بوژه در گروه سوم) همانندی بسیار ضعیفی دارند و واژه‌های مشترک - با توجه به اینکه در سروده شاعران دیگر نیز سابقه دارد - موضوع مورد نظر را ثابت نمی‌کند. از جمله ابیات زیر:

۱. سعدی:

ای باغ حسن چون تو نهالی نیافته رخساره زمین چو تو خالی نیافته

حافظ:

جز اینقدر نتوان گفت در جمال تو عیب که خال مهر و وفا نیست روی زیبا را

۲. سعدی:

جور کشم بنده‌وار، و رکشدم حاکم است خیره کشی کار اوست بارکشی خوی من

حافظ:

این چه استغناست یارب و این چه قادر حاکم است کاین همه زخم نهان است و مجال آه نیست

۳. سعدی:

در وهم نیاید که چه شیرین دهنی این است که دور از لب و دندان منی

حافظ:

گفتم کی‌ام دهان و لب کامران کنند گفتا به چشم هر چه توگویی همان کنند

۴. سعدی:

جامه‌ای پهن‌تر از کارگه امکانی لقمه‌ای بیشتر از حوصله ادراکی

حافظ:

دوشم ز بلبل‌ی چه خوش آمد که می‌سرود گل‌گوش پهن کرده ز شاخ درخت خویش

خلاصه اینکه نمی‌توان (مثلاً در مورد اخیر) تنها به وجود واژه " پهن " در دو بیت سعدی و حافظ به همانندی آنها حکم کرد.

غزلیات سعدی ، حبیب یغمایی، یغما، سال ۲۱، شماره ۷، مهر ۱۳۵۷، صص ۴۲۷-۴۳۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی فهرست‌وار ۷ نسخه از نسخه‌هایی که آقای حبیب یغمایی برای تصحیح غزلیات سعدی از آنها استفاده کرده است و اشاره به شیوه تصحیح: " هر غزل را که به نظر می‌آمد صحیح‌تر و تمام‌تر است از یکی از این نسخه‌ها نقل کرده‌ایم، بی‌هیچ گونه تغییر و تحریف و نسخه بدل را از نسخه‌های دیگر " (ص ۴۳۶).

۱-۲. نقل یک غزل از طبیات (صص ۴۳۶-۴۳۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. هفت نسخه از نسخه‌هایی که در تصحیح غزلیات سعدی مورد استفاده حبیب یغمایی بوده است.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار (همه متن درباره غزلیات سعدی است).

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته کوتاه، تنها فهرست برخی از نسخه‌های مورد استفاده مؤلف را در تصحیح غزلیات سعدی نشان می‌دهد.

غزلیات ناشناخته سعدی ، دکتر سید امیر حسین عابدی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۴۲-۲۵.

چاپ‌های دیگر: ۱. کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۵۳، صص ۲۴-۳۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش بیاض‌ها و سفینه‌های معتبری که به صورت نسخه خطی در کتابخانه‌های دنیا موجود است و در آنها آثار شعرا و نویسندگان را می‌توان باز جست (ص ۳۷).

۱-۲. معرفی سفینه " مجموعه لطایف و سفینه ظرایف ": " یکی از این گونه سفینه‌های پرارزش و قدیم "مجموعه لطایف و سفینه ظرایف" می‌باشد که فقط دو نسخه خطی آن در موزه بریتانیا و کتابخانه دانشگاه کابل محفوظ است (صص ۳۷-۳۸). اسم مؤلف این بیاض سیف جام هروی بوده که دانشمندی بزرگ و در فن عروض و فتاوی مهارت و تسلط کامل داشته است. " (صص ۳۸-۳۹).

۱-۲-۱. بیان دو غزل از غزل‌هایی که در سفینه "مجموعه لطایف و سفینه ظرایف" به نام سعدی ثبت است (ص ۳۹).

۱-۳. معرفی بیاضی که نام آن و نام مؤلف آن مشخص نیست: " بیاض دیگری که تاکنون اصلاً معرفی نشده در کتابخانه دارالمصنفین شبلی، آکادمی اعظم گر (هند)، محفوظ است. متأسفانه از این بیاض فقط جلد اول باقی مانده و آن هم خراب و کرم‌خورده و ناقص است (ص ۳۹). بیاض شبلی آکادمی دارای پاره‌ای غزلیات سعدی شیرازی می‌باشد که در آثار چاپی این شاعر بزرگ دیده نمی‌شود. " (ص ۴۰).

۱-۳-۲. بیان ابیاتی از ۲ غزل که در سفینه مذکور به نام سعدی ثبت است. (صص ۴۱-۴۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نسخه خطی سفینه "مجموعه لطایف و سفینه ظرایف". ۲-۲. نسخه خطی بیاضی که در کتابخانه دارالمصنفین شبلی، آکادمی اعظم گر (هند)، محفوظ است و نام مؤلف آن مشخص نیست.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله از نظر تازگی مطلب و معرفی دو اثر کهن که در آنها غزل‌هایی به نام سعدی نیز ثبت شده، ارزشمند است، اما صحت انتساب این سروده‌ها به سعدی چندان محکم نیست، از جمله غزلی که در صفحه ۳۹ از قول بیاض نخست ذکر شده ضعیف و سست است و بیت پنجم آن هم اشکال تألیف دارد:

" مرا مرا که به یک جو زرم کسی نخرد تو را دلم از جان به جان خریدار است "

فردا گوید تربی از اینجا برکن ، اسماعیل رفیعان، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال بیست و یکم، تابستان و پاییز ۱۳۴۸، شماره مسلسل ۹۱-۹۰، صص ۲۳۴-۲۳۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل ابیاتی از باب هشتم گلستان سعدی که بیت " امروز دو مرده پیش گیرد مرکن - فردا گوید تربی از اینجا بر کن " از آن جمله است، و بررسی نظر دکتر محمد خزائلی و دکتر خلیل خطیب رهبر درباره معنی آن بیت (صص ۲۳۳-۲۳۲).
 ۱-۲. اشاره به برخی از تعبیرات متداول امروزی که با بیت یادشده سعدی همانندی معنایی دارد و نتیجه‌گیری نهایی درباره معنای بیت: " امروز ظرف (مرکن) استقراض را به اندازه خواهندگی دو تن (دو مرده) پیش می‌گیرد و فردا در مقابل مطالبه تو می‌گوید " تربی " از اینجا (از زمین سخت غیرزرعی) برکن و چون ترب برکندن از زمین شخم زده و بیل کاری نشده و تخم نیفکنده، محال است، لذا تأدیه وام از جانب وامدار غیر متدین معلق به محال می‌شود " (ص ۲۳۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی. ۲-۳. شرح گلستان، دکتر خلیل خطیب رهبر.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. بیتی که در این نوشته بررسی شده، از ابیاتی است که درباره معنی آن نظرات مختلفی بیان شده است. نگارنده مقاله با بهره‌جویی از برخی تعبیرات متداول امروزی در پی یافتن مقصود اصلی سعدی برآمده است. و چنانچه در بیت مورد نظر تصحیف یا دگرگونی، صورت نگرفته باشد، تعبیر ارائه شده در این نوشته از تعبیر دیگر به ترکیب بیت نزدیک‌تر است. دکتر غلامحسین یوسفی در شرح بیت موردنظر از این مقاله نیز بهره‌مند بوده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۵۲۸.

فردوسی، سعدی و حافظ بر بام دنیا ایستاده‌اند، اسکندر دلم، ایران، سال اول، شماره ۲۲۸، ۲۰ آبان ۱۳۷۴، ص ۱۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره تاجیکستان و محله‌های اطراف پامیر و پاسداری مردم آن محل از فرهنگ و تمدن ایرانی: " سرگرمی این مردم نشستن در قهوه‌خانه، صرف چای و خواندن اشعار حافظ و سعدی است. آری، سعدی و حافظ پای به بام دنیا گذاشته‌اند و مردم این قصبه کوچک خود را پاسدار فرهنگ و تمدن ایرانی می‌دانند. " (ص ۱۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته در واقع معرفی مختصر تاجیکستان برای تأکید بر علاقه و اشتیاق مردم آن منطقه به فرهنگ و تمدن ایرانی، از جمله شخصیت‌هایی چون فردوسی، سعدی و حافظ است و علی‌رغم عنوان مقاله، بیش از اشاره‌ای کوتاه، به فردوسی، سعدی و حافظ پرداخته نشده است.

فردوسی مداح ، روزنامه سلام، دوشنبه ۲۶ تیر ۱۳۷۴، ص ۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. در این نوشته کوتاه اشاره‌ای به دیدار اعضای فرهنگستان با رئیس جمهوری وقت ایران شده و اشاره‌ای هم به مصاحبه وزیر آموزش عالی با یکی از روزنامه‌ها. با انتقاد از سخنان وزیر یاد شده که گفته است: " اگر سعدی در زمان ما بود، خودش را با شرایط ما تطبیق می‌داد، ولی فردوسی چون مدح شاهان را زیاد گفته، در مقطع زمانی ما نمی‌توانست استاد دانشگاه بشود! "

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته کوتاه سخن تازه‌ای درباره سعدی گفته نشده اما انتقادی که از سخنان وزیر آموزش عالی شده است، انتقادی بجاست. سخنان آقای هاشمی گلپایگانی، وزیر وقت آموزش عالی، در مصاحبه یاد شده، اعتراض بسیاری را برانگیخت.

فردوسی و سعدی ، دکتر منصور رستگار فسایی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، امیرکبیر، ۱۳۷۵، صص ۴۶۹-۴۶۲.

* این مقاله يك بار دیگر با عنوان " سعدی و فردوسی " در ذکر جمیل سعدی، ج ۲، صص ۱۲۹-۵۵ به چاپ رسیده است. برای آگاهی بیشتر، ر.ک. مقاله یاد شده در همین مجموعه.

فردوسی و سعدی در حماسه‌سرایی ، دکتر تقی وحیدیان کامیار، کتاب پاز، شماره ۱، دی ۱۳۶۹، صص ۴۴-۵۶.
 * این مقاله يك بار دیگر با عنوان " حماسه‌سرایی فردوسی و پهلوانان حماسه‌های سعدی " در مجله آشنا (شماره نهم، بهمن و اسفند ۱۳۷۱، صص ۴۵-۴۱) و يك بار هم در روزنامه اطلاعات (۱۵ فروردین ۱۳۷۰، ص ۶ و ۲۲ فروردین ۱۳۷۰، ص ۶) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، ر.ک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.

فرزانه‌ای سعدی خصال ، بهاء‌الدین خرمشاهی، کلك، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۶۲-۵۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به آثار علمی دکتر غلامحسین یوسفی و همانندی‌های او با سعدی از جمله: "می‌توان بین ادیب خردمند فرزانه‌ای چون استاد غلامحسین یوسفی و ادب آفرین هنرمند یگانه‌ای چون شیخ اجل سعدی وجوه شباهت روحی و اخلاقی سراغ کرد. سلامت نفس و اعتدال روح و صفای ضمیر و بیان روشن و روان و سهل و ممتنع از اهم این شباهت‌هاست" (ص ۵۹).
- ۱-۲. معرفی کوتاه بوستان و گلستان سعدی به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی (صص ۶۲-۶۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۳. ۲-۲. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۱ بار، (تمام نوشته معرفی گلستان و بوستان به تصحیح دکتر یوسفی است).
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته برای بزرگداشت مقام دکتر غلامحسین یوسفی نگاشته شده و جز اشاره‌ای کوتاه به دو اثر ارزشمند او (تصحیح و توضیح بوستان و گلستان) در بردارنده نکته تازه‌ای نیست.

فقر و غنا در تصوف - نگاهی دیگر به جدال سعدی با مدعی، مهران افشاری، فصلنامه هستی، دوره دوم، شماره ۲، تابستان ۱۳۷۳، صص ۱۱۴-۱۰۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به حکایت "جدال سعدی با مدعی" در گلستان و نقل نظرات برخی از بزرگان صوفیه در مورد ترجیح فقر یا غنا، که برخی فقر و برخی غنا را برتر دانسته‌اند (صص ۱۰۶-۱۰۲).
- ۱-۲. بررسی نظرات سعدی در "حکایت جدال سعدی با مدعی" و انطباق آن نظرات با گفته‌ها و نوشته‌های بزرگان صوفیه در پیوند با فضیلت فقر یا غنا (صص ۱۰۸-۱۰۶).
- "... ادله شیخ اجل، سعدی، درباره اینکه غنا یا توانگری از فقر و درویشی برتر است، بسیار شایان توجه است. شاید او در مجادله خود با مدعی متأثر بوده است از صوفیانی همچون "یحیی بن معاذ رازی"، "ابن عطاء آدمی" و "ابوسعید ابی‌الخیر" که غنا را برتر از فقر می‌دانسته‌اند (ص ۱۰۶).
- حمایت سعدی از غنا و توانگری در آثار ادبی و عرفانی ما بی‌نظیر است و سخنان او با آنچه که صوفیه در تبلیغ فقر و درویشی گفته‌اند، بویژه با سخنان "غزالی" قابل مقایسه است" (ص ۱۰۸).
- ۱-۳. بررسی نظرات صوفیانی که مجادله برتری فقر یا غنا را نمی‌پسندیده‌اند، و فضیلت را به تقوی و تزکیه نفس می‌دانستند و انطباق بخشی از حکایت "جدال سعدی با مدعی" با این نظر (صص ۱۱۰-۱۰۹).
- ۱-۴. بررسی نظرات صوفیانی که "فقر را نیازمندی به حق تعالی و غنا را بی‌نیازی از ماسوی‌الله تعبیر کرده و این دو را در سلوک لازمه یکدیگر دانسته‌اند و شاید با این شیوه خواسته‌اند مجادله صوفیان دیگر را درباره برتری فقر و غنا به پایان رسانند. با نقل ابیاتی از منطق الطیر عطار در پایان مقاله (صص ۱۱۱-۱۱۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸. ۲-۲. بسیاری از متون اصلی تصوف و عرفان، از جمله: قوت‌القلوب ...، کیمیای سعادت، ترجمه رساله قشیریه، تذکرة‌الاولیاء، طبقات‌الصوفیه، کشف‌المحجوب، فتوحات مکیه، اسرارالتوحید، اللمع فی‌التصوف و ...
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۴ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته با مراجعات مکرر به متون اساسی تصوف، آرای اندیشمندان عرفان و تصوف، درباره فقر و غنا و فضیلت هر کدام گردآوری شده و حکایت "جدال سعدی با مدعی" با آن آرا و عقاید سنجیده شده است. با آنکه آنچه درباره سعدی نوشته شده، سهم کمتری در این مقاله دارد، اما بهره‌گیری از منابع متعدد، یادکرد نشانی کامل مآخذ، نظم منطقی مطالب و پرهیز از انشاپردازی و کلی‌گویی، بر ارزش این مقاله افزوده است.
- گفتنی است که سعدی، در حکایت مورد نظر، با پرداخت شیوای هنری، درباره ویژگی‌های فقر و غنا و ارزش‌ها و آفت‌های هر کدام، داد سخن داده و برای جذاب‌تر شدن کشمکش، خود را به جای یکی از شخصیت‌های داستان نهاده است، اما هرگز قصد دفاع یک سویه از توانگر را نداشته است، بهترین دلیل آنکه: در پایان، پس از داوری درست قاضی، سعدی می‌گوید: "... از ماضی در گذشتیم و بعد از مجارا، طریق مدارا گرفتیم و سر به تدارک بر قدم یکدیگر نهادیم و بوسه بر سر و روی هم دادیم و ...".

فولکلور و گلستان سعدی، صادق همایونی، از کتاب "یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه"، از انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس، آبان ۱۳۵۶، صص ۱۱۷-۱۰۱.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجموعه مقالات چهارمین کنگره تحقیقات ایرانی، ج ۳، مهر ۱۳۵۴، به کوشش محمدعلی صادقیان، صص ۲۹۴-۲۸۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش گلستان با یادکرد نظر دکتر محمدجعفر محجوب، امرسون و سعید نفیسی (صص ۱۰۲-۱۰۱).
- ۱-۲. توضیح درباره پیوند گلستان با محیط و مردم و زندگی روزمره (صص ۱۰۶-۱۰۳)، از جمله: "یک نکته اساسی و مهم درباره گلستان گفته نشده است و آن همانا، پیوند حیرت‌انگیز و ذاتی و عجیبی است که با محیط و مردم و زندگی روزمره آنان داشته و دارد (ص ۱۰۳). حوادثی که بر گلستان و در گلستان سعدی می‌رود، همه چنان مایه‌هایی از تجربه و بینش به همراه دارند که هیچ کسی نمی‌تواند آنها را از زندگی جدا و دور تصور کند و از همین روست کسانی که خواستند شیوه گلستان را تقلید کنند، همه در راه واماندند ... (ص ۱۰۴) بسیاری از ضرب‌المثل‌های رایج در بین مردم ایران، از گلستان سعدی گرفته شده، یعنی این قدرت سعدی و گلستان بوده که بر تارک ذوق و بینش جامعه نشسته و از میان کتاب به زندگی مردم رخنه کرده و از دیواره قرون گذشته و جاری شده و صدای دلپذیر آن را، من و تو، هر روز از زبان خود و یا این و آن می‌شنویم ..." (ص ۱۰۶).
- ۱-۳. یادکرد عبارات و سروده‌هایی از گلستان که به گونه ضرب‌المثل در جامعه روان شده است (صص ۱۱۲-۱۰۶).
- ۱-۴. یادکرد عبارات و سروده‌هایی از گلستان که از فولکلور مایه گرفته است (صص ۱۱۷-۱۱۳).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، امیرکبیر.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۲۴ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته (که متن سخنرانی در چهارمین کنگره تحقیقات ایران‌شناسی - شیراز، شانزدهم شهریور ماه ۱۳۵۲ شمسبی بوده) نگارنده با استناد به برخی از حکایات و عبارات گلستان بر غنای گلستان از دیدگاه فرهنگ عامه پای فشرد و یکی از دلایل ماندگاری و تأثیر نثر گلستان را در همین ویژگی دانسته است. تبیین این ویژگی از امور بایسته است، اما عنوان "فولکلور و گلستان سعدی" با توجه به متن مقاله، عنوان مناسبی برای آن نیست، زیرا بخش عمده نوشته درباره ضرب‌المثل‌هایی است که از کلام سعدی در زبان عموم جاری است و مواردی چون شوم‌انگاری جغد و انگشتری (در انگشت چپ کردن) که دارای پیشینه دیرینه‌تری است، چنانچه در حوزه فولکلور هم قرار بگیرد، بخش اندکی از نوشته را به خود اختصاص داده‌اند. آقای دکتر غلامحسین

یوسفی ۴۰۵ مورد از عبارات‌ها و بیت‌های گلستان را که صورت ضرب‌المثل یافته‌اند، در مقاله " کاغذ زر " بازنموده است. (ر.ک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه)

۴-۲. آقای صادق همایونی، که پژوهش‌های ارزشمندی را در زمینه فرهنگ عامه انجام داده‌اند، در این نوشته با یادکرد نشانی نمونه‌های شاهد از گلستان و همچنین نشانی مآخذ مورد استفاده بر جنبه علمی نوشته خود افزوده‌اند. شایسته بود نشانی مآخذ گفتار دکتر محمدجعفر محجوب (ص ۱۰۲) نیز روشن می‌شد.

۴-۳. این نوشته هم از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، از جمله: ص ۱۰۱ عبارت سطر سوم آشفته است و ص ۱۰۸، س ۱: رستم کرد (رستمگرد) و ص ۱۰۹: به مسخره (به سخره) و ص ۱۱۰، س ۱۹: سراتی (سرایتی) و ص ۱۱۱، س ۱۱: گرفته شد (گرفته شده) و ص ۱۱۲، س ۱: رضا (رضینا) و ص ۱۱۴، س ۶: برای امید دینا (!؟) و ص ۱۱۵، س ۷: نیکخواهان (نیکخواهان) و ...

ق

قدردانی از سعدی ، حسن اسفندیاری، سعدی‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۹-۱۰.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۶۲۶-۶۲۵. ۲. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۵۰-۵۱ (بخشی از این مقاله در " مکتب سعدی " چاپ شده است).

۳. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، ۱۳۶۳، ص ۲۷۴ (بخشی از آن مقاله است).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. "مزیّت و امتیاز بشر به افکار بلند و کردار سودمند و گفتار دلپسند است که این هر سه از آثار شیخ بزرگوار و استاد نامدار سعدی شیرازی کاملاً نمایان است." (ص ۹).

۱-۲. شیخ بزرگوار نه در سراسر ایران استاد عالی‌قدر ماست بلکه در خارج ایران بزرگ‌ترین افتخار ایرانیان است." (ص ۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته تنها وصف بلندمرتبه‌گی سعدی است و ارزش تحقیقی ندارد.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۲۸، صص ۵۱-۵۰. ۵-۲. جهان‌بینی سعدی، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، ص ۲۴۷.

قدیم‌ترین نسخه دیباچه گلستان در کتابخانه آستان قدس، عزیزالله جوینی، نامه آستان قدس، دوره هفتم، شماره چهارم، [۱۳۴۷]، صص ۸۳-۷۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر شهرت مسلم سعدی و معرفی يك نسخه خطی قدیمی از دیباچه گلستان: " این دیباچه در

سنه سبعمائه (۷۰۰) یعنی نه سال پس از مرگ سعدی نوشته شده است و چون وفات سعدی در ۶۹۱ اتفاق افتاده است، شاید قدیم‌ترین تحریر دیباچه گلستان باشد که تاکنون به دست ما رسیده است ... [نسخه خطی شماره ۵۴۵ حکمت و کلام] در

حقیقت مجموعه‌ای شامل چند کتاب کوچک خطی است، مانند اصول و عقاید امام فخر رازی، غایةالامکان فی درایةالامکان و شرح عوارف شیخ شهاب‌الدین سهروردی ... کاتب پس از به اتمام رساندن اصول و عقاید امام فخر، بلافاصله دیباچه گلستان را نوشته و در

آخر مجموعه به شنجرف چنین نوشته: تمام شد این رساله علی‌یدالعبدالفقییر احمدبن محمد حاجی کاموسی فی تاریخ محرم سنه سبعمائه " (صص ۷۲-۷۳).

۱-۲. معرفی یازده نسخه خطی از گلستان (ص ۷۳).

۱-۳. متن دیباچه گلستان به نقل از نسخه خطی یاد شده و ذکر اختلاف واژه‌های آن با گلستان به تصحیح فروغی (صص ۷۹-۷۴).

۱-۴. تصویر چهار صفحه از نسخه خطی مذکور که متن دیباچه گلستان است (صص ۸۳-۸۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. نسخه خطی شماره ۵۴۵ (حکمت و کلام) در کتابخانه آستان قدس.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. متن همه دیباچه گلستان است.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته يك نسخه خطی از دیباچه گلستان معرفی شده است.

یادکرد متن کامل دیباچه، تصویر نسخه خطی و مقابله آن با گلستان مرحوم فروغی با نقل اختلافات آنها در پاورقی بر ارزش این نوشته افزوده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۱۸.

قدیم‌ترین دیوان سعدی ، بزرگ‌نیا، ارمغان، سال دهم، شماره ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۰۸، صص ۳۷۷-۳۷۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به برخی از نسخه‌های خطی و قدیمی دیوان سعدی و معرفی نسخه مورد نظر، از جمله: " قدیم‌ترین دیوان سعدی، دیوانی است که به تازگی در خراسان به دست آمده است. زیرا تاریخ آن در سال ۷۲۱ هجری است و اگر

مطابق تحقیقات و مآخذ صحیحه تاریخ وفات سعدی را ۶۹۱ هجری حساب کنیم، تاریخ نگارش دیوان مزبور درست سی سال بعد از وفات سعدی است. کاتب این دیوان به طوری که در خاتمه کتاب نوشته شده، عبدالصمدبن محمدبن محمود است ... " (ص ۳۷۷).

۱-۲. یادکرد برخی از اختلافات نسخه مورد نظر با نسخه‌های دیگر (صص ۳۷۹-۳۷۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. نسخه خطی مذکور در بخش مضامین اصلی.
 ۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. غزلیات ۴ بار.
 ۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته، معرفی مختصر یک نسخه خطی است و از نظر نسخه‌شناسی آثار سعدی سودمند است.

قرآن و حدیث در آثار سعدی، حکیمه دبیران، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۹-۲۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بیان شرح تأثیر قرآن و حدیث در ادب فارسی (صص ۲۸-۲۷).
 ۱-۲. توضیح درباره هر یک از آثار سعدی (ص ۳۰).
 ۱-۳. بیان نمونه‌هایی از تأثیرپذیری سعدی از قرآن و حدیث و شرح چگونگی این تأثیرپذیری. (صص ۳۷-۳۱). در این باره می‌نویسد:
 "استشهاد آیات و احادیث که بیشتر در آثار منثور وی مشاهده می‌شود، در رساله‌های شش‌گانه اغلب با ترجمه آنها و در گلستان برای تأیید معانی و مضامین و اکثراً بدون ترجمه آورده شده است" (ص ۳۱).
 ۲. منابع اصلی: ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. کلیات سعدی (نشانی مآخذ مشخص نشده است). ۲-۳. احادیث (نشانی مآخذ مشخص نشده است).
 ۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲۴ بار، قصاید ۱۱ بار، غزلیات ۸ بار، رسائل نثر ۴ بار، بوستان ۱ بار.
 ۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله ارزشمند تأثیرپذیری از قرآن و حدیث در ۴۸ مورد از آثار سعدی کاویده شده و برای بیان مقصود، بیش از ۵۰ آیه و حدیث باز نموده شده است که به گونه‌های مختلف در آثار سعدی تأثیر گذاشته‌اند. اما نگارنده نشانی آثار سعدی را که به آنها استناد جسته، ذکر نکرده است. همچنین نشانی آیات و احادیث نیز روشن نیست.

قصاید فارسی سعدی، دکتر غلام مجتبی انصاری، ایندوایرانیکا، شماره ۴-۱، جلد ۳۶، ۱۹۸۳ (۱۳۶۲ ش.)، صص ۲۸-۲۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش قصیده‌های سعدی با نقل سخنانی از علی دشتی، الطاف حسین‌حالی و حبیب یغمایی (صص ۲۷-۲۱).
 " ... شاعر مشهور و معروف مانند سعدی را هم در ستایش سلاطین و امراي دولت قصیده نوشتن ناگزیر بود، ولی احوال قصیده‌نگاری در آن وقت چنان ابتر شده بود که بر بنای استقامت و سنگینی جلی خودش شیخ را بر آن راه رفتن دشوار بود. او هرگز نمی‌خواست ممدوحین را ستایش بی‌جا کند و برخلاف عقل و عادت مبالغه و دروغ‌گویی را به کار آورد. آزادی طبع، راست‌گویی و مخصوصاً ساده‌بیانی که در نهادش بود، هرگز متحمل آن نبود که مشخصات مذموم فوق‌الذکر را در شعر خود راه دهد. از کلامش جابه‌جا پیدا می‌شود که وی مبالغه و تملق را حتماً مطبوع ندارد (صص ۲۳-۲۲).
 همه قصاید سعدی پر از پند و مواظت است. علتش آن که همه زندگانی سعدی در مطالعه فضایل انسانی و نیرنگ‌های روزگار به سر شده بود. از همین جهت است که برخی از محققان اروپا او را معلم بزرگ اخلاق خوانده‌اند و الحق عکس اخلاق بشری چنانکه او در شعر خود کشیده است، تا امروز کسی از شاعران جهان نکشیده ... " (ص ۲۷).
 ۲. منابع اصلی: ۲-۱. فلمرو سعدی، علی دشتی. ۲-۲. حیات سعدی، الطاف حسین‌حالی. ۲-۳. "شاعر و معلم بزرگ" حبیب یغمایی، یغما.
 ۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۵ بار، بوستان ۱ بار.
 ۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بیشتر نقل قول دیگران است و سخن تازه‌ای در آن بیان نشده است. ضعف تألیف نثر آن نیز آشکار است.

قصب‌الجیب حدیث سعدی، پرویز نائل خانلری، سخن، دوره چهاردهم، خرداد ۱۳۴۲، صص ۷۲۸-۷۲۶. چاپ‌های دیگر: ۱. هفتاد سخن، ج ۲، انتشارات توس، ۱۳۷۰، صص ۲۲۷-۲۲۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به ترکیب "قصب‌الجیب" در گلستان و صورت‌های دیگر ضبط شده این کلمه و معانی مختلفی که برای آن نوشته شده است (صص ۷۲۷-۷۲۶).
 ۱-۲. اظهار نظر درباره اصل این ترکیب: "اما آنچه سعدی نوشته به گمان نزدیک به یقین نویسنده این سطور چنین بوده است: "قصب و جنب حدیث که همچون شکر می‌خورند ... " (ص ۷۲۷). سپس با استناد به کتاب "السامی فی الاسامی" و "صحاح جوهری" و "تاج‌العروس" می‌نویسد: از این قرار "قصب" به فتح قاف و سکون سین خرمای خشک پست را می‌گفته‌اند و جنب خرمای خوب شهدآلود را ... بنابراین کلمات "قصب" و "جنب" در مقدمه گلستان سعدی به معنی "خرمای خشک و تر" یا "خرمای بی‌مزه و خرمای شیرین" است و توالی این کلمات از قبیل "رطب و یابس" و "غث و سمین" شمرده می‌شود و معنی عبارت سعدی چنین می‌شود که "خرمای سخن او را، چه بی‌مزه و چه شیرین، همچون شکر می‌خورند و این بر اثر نظر عنایت ممدوح است" (ص ۷۲۸).
 ۲. منابع اصلی: ۲-۱. السامی فی الاسامی، چاپ تهران، ۱۳۶۷. ۲-۲. کتب لغت تاج‌العروس و صحاح جوهری.
 ۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار.
 ۴. اشاره: ۴-۱. درباره ترکیب "قصب‌الجیب" نظرات گوناگونی تا حال بیان شده است. و با توجه به اینکه واژه "قصب" در فارس به همین معنی که نگارنده نوشته‌اند، هنوز هم رایج است این نظر تازه بعید نمی‌نماید که درست باشد.
 ۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. درباره مقاله "قصب‌الجیب حدیث سعدی" (نظر آقایان نجف دریا بندری، اورنگ خضری و عبدالکریم مکارمی)، سخن، دوره چهاردهم، شماره ۱۰، تیر ۱۳۴۳، صص ۹۳۷-۹۳۶. ۵-۲. شرح گلستان، دکتر محمد خزائلی، انتشارات جاویدان، بهار ۱۳۶۳ (چاپ پنجم)، ص ۱۲۵. ۵-۳. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۵.

قصب‌الجیب، سید محمود نشاط، وحید، سال چهارم، شماره مسلسل ۴۸، آذر ۱۳۴۶، صص ۱۰۸۴-۱۰۸۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به عبارتی از دیباچه گلستان که ترکیب " قصب الجیب " در آن عبارت به کار رفته و نقل معانی گوناگونی که برای ترکیب یاد شده در فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها آمده است (صص ۱۰۸۱-۱۰۸۰).
- ۱-۲. نقل نظرات محمدعلی فروغی، عبدالعظیم قریب، جباری انصاری، علی‌اکبر دهخدا، جلال‌الدین همایی و دکتر خلیل خطیب‌رهبر، درباره معنی ترکیب " قصب الجیب " در گلستان (صص ۱۰۸۲-۱۰۸۱).
- ۱-۳. اظهار نظر نگارنده درباره معنی ترکیب یاد شده: " قصب الجیب یعنی نی‌گریبان در لغت، و در معنی ذکر لازم نموده که نی و خامه باشد و اراده ملزوم نموده که نوشته‌های بلیغ و نثر و نظم فصیح باشد ... منظور سعدی این است که: قلم او که البته ملزوم قلم او که تراوشات و نوشته‌های آن باشد، مثل شکر در دهان مردم است و نقل محافل و مجالس قرار گرفته و اتفاقاً عبارت قبل از آن هم مؤید همین توجیه است که گفته است: ذکر جمیل سعدی که در افواه عوام افتاده ... " (ص ۱۰۸۴).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. نظرات نویسندگان یاد شده در بخش مضامین اصلی (۱-۲) بدون ذکر نشانی مأخذ. ۲-۲. فرهنگ‌ها و لغت‌نامه‌ها (بدون ذکر نشانی مأخذ).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۲ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. ارزش این نوشته در این است که نگارنده نظرات مختلف نوشته شده درباره ترکیب " قصب الجیب " گلستان را یک جا گردآوری کرده و در پایان نظر خود را بر آنها افزوده است. البته نظر نگارنده نیز موازی برخی از دیگر نظرات است و نمی‌توان آن را نظر مسلم سعدی دانست.
- ۴-۲. نشانی مأخذ مورد استفاده مشخص نشده است.
۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۶.

قطعه در شعر فارسی - سعدی، شاعر قطعه‌سرا، دکتر ضیاء موحد، نشر دانش، سال چهاردهم، شماره چهارم، خرداد و تیر ۱۳۷۲، صص ۱۶-۱۹.

چاپ‌های دیگر: ۱. کتاب سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۲، صص ۱۹۲-۱۸۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره قالب قطعه و ویژگی‌های آن (صص ۱۸-۱۶)، از جمله: " قطعه به اعتبار تنوع محتوی و فید وحدت موضوع و هنر کلامی قالبی بسیار پر امکان و غنی است ... شاعر در قطعه از نظر وزن و قافیه، تعداد بیت‌ها، زبان و موضوع بیشترین آزادی را دارد و به همین دلیل بیشترین امکان را برای ابداع و گریز از تقلید و اقتفا و استفیال می‌یابد (ص ۱۶). در قطعه لزومی نیست که همه بیت‌های آن مانند قصیده و غزل هم قافیه و هم ردیف باشد. بسیاری از مثنوی‌های کوتاه همه ویژگی‌هایی را که برای قطعه برشمردیم دارند... "
- هم قافیه نبودن بیت اول قطعه نیز قید لازمی نیست ... " (ص ۱۸).
- ۱-۲. تأکید بر توفیق مسلم سعدی در قطعه‌سرایی: " سعدی استاد مسلم قطعه‌سرایی است. و بیش از هر شاعر دیگر قطعه‌های او در دهان مردم افتاده و جزو فرهنگ مشترک فارسی‌زبانان شده است. اگر از سعدی تا کنون به عنوان قطعه‌سرا در برابر غزل‌سرا نام نبرده‌اند، شاید به این دلیل بوده است که گمان برده‌اند، عنوان قطعه‌سرا در برابر غزل‌سرا چیزی به شأن او نخواهد افزود ... گلستان مجموعه‌ای است پر از قطعه‌های استوار و زیبا، در بوستان نیز، با توجه به توسعی که در معنای قطعه نهفته است، قطعه‌های نغز فراوان و اغلب به شکل داستانی‌های کوتاه وجود دارد " (ص ۱۸).
- ۱-۳. توضیح درباره تأثیر قطعه در شعر نو فارسی، از جمله: " شعر نو ایران از هر نظر ادامه طبیعی قطعه‌سرایی است، همچنان که وزن نیمایی ادامه طبیعی وزن عروضی است " (ص ۱۹).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۳. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۴. دیوان انوری و ملک‌الشعرای بهار.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۱۲ بار، قطعات ۲ بار، بوستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. اساس این نوشته بازنگری تازه‌ای است در قالب " قطعه " و توضیح درباره ویژگی‌ها و امکانات این قالب شعری. نگارنده با توسعی که به تعریف " قطعه " داده، نه تنها مصرع بودن یا نبودن مطلع قطعه را شرطی برای آن ندانسته بلکه برخی از مثنوی‌ها و از آن جمله بعضی از بخش‌های بوستان را نیز در حوزه قطعه به شمار آورده است. اما آنچه در پیوند با سعدی مطرح شده، بیش از یک چهارم نوشته نیست. و این مقدار هم به تأکید بر توفیق سعدی در قطعه‌سرایی و یادکرد نمونه‌هایی از این قطعات، منحصر شده است.
- این نوشته در واقع بخش پایانی کتاب " سعدی " از ضیاء موحد است. که در مجله نشر دانش مجدداً چاپ شده است.

قصص با سین، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۱، شنبه، ۷ اردیبهشت ۱۳۴۷، صص ۱۸ و ۱۹ و ۲۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به داستانی که ابن بطوطه درباره شنیدن شعر سعدی به صورت آواز از زبان خنیاگران چینی بیان می‌کند و تأکید بر انتشار سریع آثار سعدی (ص ۱۸).
- ۱-۲. اشاره به استفاده نویسندگان و شاعران اروپایی از آثار سعدی، کسانی چون: ولتر، گوته، مونتسکیو و ... و ترجمه‌های عربی، اردو، انگلیسی، ترکی، فرانسه، آلمانی و ... (ص ۱۸).
- ۱-۳. توضیح درباره انتقاداتی که از سعدی شده و پاسخ‌هایی که علاقه‌مندان او به معارضان داده‌اند، با نقل پاره‌ای از پاسخ‌های هزار شیرازی و نویسندگان دیگر در کتاب " شرح حال شیخ سعدی " (شناسایی سعدی): " این " جواب‌ها " بیشتر شامل حماسه‌سرایی و تجلیل از مقام سعدی است، چرا که نویسندگان آنها عموماً از شیفتگان و ارادتمندان سعدی بوده و با تعصب خاص کمترین خرده‌گیری از وی را گناه می‌شمردند (ص ۱۹)، توجه به " صورت ظاهر " گفته‌های سعدی، علت اساسی جدال و انتقاد ادبی آثار او بوده است و شاید به همین دلیل بوده، که سعدی در موارد مختلف همه کس را به " حقیقت و سیرت " و معنی توجه داده است ... هر عقل سلیمی می‌فهمد که در ۷۳۰ سال قبل که چاچخانه وجود نداشته و کاغذ کمیاب بوده و سواد منحصرأ به اشراف تعلیم می‌شده، هنگام استنساخ تغییرات لفظی مختصری در آثار سعدی داده شده " (ص ۳۵).
- ۱-۴. انتقاد از کسانی که بدون توجه به تغییراتی که در موقع استنساخ در آثار سعدی به وجود آمده، برخی اشکالات وارد شده در آثار سعدی را از خود او می‌دانند، از جمله: " ... و با انتقاد از مردی که نفوذ معنوی او از غرب تا شرق محسوس است و قانون ثبات زن‌ها را به بهترین نحوی توجیه نموده، ادامه داده‌اند که: " حضرت شیخ در قافیه شعر اشتباه کرده - در یک جا کلمه (درزن) را به کار برده - در صورتی که استعمال (ارزن) مناسب‌تر است! فلان جا (را) کسر دارد و جای دیگری (که) زاید است " و بالاخره کیفر خواست صادر نموده‌اند که: شیخ چرا قفس را با سین نوشته؟! در صورتی که عرب (!) با صاد می‌نویسد !!! " (ص ۳۵).

۱-۵. بیان " سر نفوذ سعدي ": " فکر حساس و چشم دقیق او همه جا در جستجوی حقیقت است، از يك داستان معمولی و متعارف که هیچ حادثه و ماجرای ندارد، حقیقتی را بیرون می‌کشد و با آنچنان مهارتی بیان می‌کند، که برای دیگران جز پذیرفتن آن راهی نمی‌ماند. سر نفوذ سعدي در همین نکته نهفته و فقط در این زمینه بوده که کسی را با او یاری مقابله نبوده است " (ص ۳۵).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. شناسایی سعدي (شرح حال شیخ سعدي شیرازی)، هزار شیرازی.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. غزلیات ۵ بار، گلستان ۴ بار، بوستان ۴ بار، قصاید ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. تذکرات و تأکیدات بخش پایانی مقاله از دیدگاه نقد برخی از نگره‌ها درباره آثار سعدي، سودمند است، اما مطالب آغاز مقاله ارتباطی با عنوان و اصل موضوع مقاله ندارد. و تنها اطلاعاتی است که دیگران نیز پیش از این، بارها نوشته‌اند. ۴-۲. نشانی مأخذ بیشتر مطالب مقاله و نشانی شواهد مثال از آثار سعدي مشخص نشده است.

قلمرو سعدي (نوشته علي دشتي)، محمد سعدي، راهنمای کتاب، سال سوم، شماره اول، اردیبهشت ۱۳۳۹، صص ۹-۱۱.

۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. تأکید بر ارزش آثار علي دشتي بویژه کتاب قلمرو سعدي، از جمله: " این کتاب واسطه‌العقد همه نوشته‌ها و تألیفات دشتي است ... نخستین نکته‌ای که در قلمرو سعدي جلب توجه می‌کند نثر روشن و انشایی روان اوست ... نکته دوم تحولی است که در طرز تتبع و سبک نگارش دشتي در این کتاب پدید آمده است ... در مورد سعدي، دشتي وارد مرحله تحقیق شده، در سوابق حیات ادبی این شاعر بزرگ تتبع کرده، اشعار او را با موازین ادبی سنجیده و جنبه‌های ذوقی او را به معیار نقد هنری رسیدگی کرده است. سومین و مهم‌ترین نکته قابل توجه در کتاب قلمرو سعدي، تجلی روح آزاد منشی دشتي از يك سو و صراحت لهجه او از سوی دیگر است ... " (صص ۹-۱۰).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. قلمرو سعدي، علي دشتي.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته تنها بر ویژگی‌های مثبت کتاب قلمرو سعدي پای فشرده و آن را بهترین اثر دشتي دانسته است. هر چند بیشتر نظرات نگارنده مقاله با متن کتاب قلمرو سعدي سازگاری دارد اما شیفتگی او به نویسنده و کتاب مورد نظر، او را از يك نقد علمی بی‌طرفانه باز داشته است.

قلمرو سعدي، مهدی محقق، راهنمای کتاب، سال سوم، شماره دوم، تیر ۱۳۳۹، صص ۲۲۵-۲۱۲.

۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. گفتاری کوتاه درباره دشتي و سبک سخن او (ص ۲۱۲).

۱-۲. نقد کتاب "قلمرو سعدي"، شامل مطالب زیر:

۱-۲-۱. "بخش مقایسه سعدي با شاعران پیش از خود، يك پژوهش تازه و خوب است." (ص ۲۱۳).

۱-۲-۲. "قسمت جالب دیگر کتاب، انتقاد از برخی مطالب سعدي است" (ص ۲۱۳).

۱-۲-۳. "اینکه نویسنده کتاب به اعتراف خود، به طور ذوقی به تحلیل شخصیت سعدي پرداخته، روش علمی نیست. زیرا اگر هرکس بخواهد به ذوق خود به تحلیل شخصیت‌های ادبی بپردازد، هزاران سعدي و حافظ و مولوی و ... پیدا می‌شود" (ص ۲۱۳).

۱-۲-۴. "فصل "خط منحنی" ازفصول شیرین و دلکش این کتاب است." (ص ۲۱۵).

۱-۲-۵. "فصل "ناصرخسرو و مقایسه او با سعدي" از فصول ممتع و شیرین این کتاب است و مؤلف توانسته است با قلم توانایی خود برجستگی‌های شخصیت اجتماعی و دینی و سیاسی ناصر خسرو را نشان بدهد" (ص ۲۱۷).

۱-۲-۶. "فصل "گلستان" ممتع و جالب است. زیرا در این فصل گفته‌های سعدي را در گلستان مورد انتقاد قرار داده و مطالب متناقضی از گفته‌های او را یافته است" (ص ۲۲۱).

۱-۲-۷. توضیح در مورد تعصب سعدي در باورهای مذهبی و مقایسه آن با افکار ناصر خسرو و دلایل پیدایش این‌گونه از باورها (صص ۲۲۱-۲۲۲).

۱-۲-۸. نقل و نقد حکایت "بني دیدم از عاج ... " برای تأیید یکی از انتقادهای دشتي از سعدي. بعد از نقل حکایت نتیجه می‌گیرد: "در این داستان که الفاظ آن نیز آشفته است، مطلب آموزنده‌ای که مربوط به تهذیب اخلاق یا تقویت نیروی دین و ایمان باشد، یافت نمی‌شود. برهمن را با مقالات زند و مطران را با آذرپرستی و کشیشان را با پازندخوانی ارتباطی نیست و معلوم نیست آنان کشیشان عیسوی بودند یا مغان زردشتی یا بت پرستان برهمایی" (ص ۲۲۳).

۱-۲-۹. "دلیل وجود برخی از حکایات غیراخلاقی در گلستان، شیوع انحراف‌های مرسوم اجتماع زمان سعدي است" (ص ۲۲۴).

۱-۲-۱۰. "مؤلف قلمرو سعدي در خرده‌گیری‌ها از راه انصاف به دور نرفته است" (ص ۲۲۵).

۱-۲-۱۱. پاسخ به دشتي درباره ارزش مراجع قدیمه (ص ۲۱۴)، نامه مرحوم قزوینی (ص ۲۱۴)، مطالعات تاریخ زمان سعدي (ص ۲۱۵)، شعر بني آدم اعضای ... (ص ۲۲۱).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کتاب قلمرو سعدي، علي دشتي. ۲-۲. دیوان و سفرنامه ناصرخسرو.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. گلستان ۳ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. صرف نظر از برخی مطالب حاشیه‌ای، مقاله دارای وحدت و انسجام است، نزدیک به بیست مطلب از کتاب "قلمرو سعدي" کاویده، بررسی و نقد اندیشمندانه شده است.

۴-۲. ذکر نشانی مأخذ ناقص است و نشانی برخی از نقل قول‌ها و مثال‌ها مذکور نیست.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. "قلمرو سعدي - ملاحظات مندرج در شماره دوم"، علي دشتي، راهنمای کتاب، شماره چهارم، آبان ۱۳۳۹، صص ۵۰۸-۵۱۶. ۵-۲. درباره قلمرو سعدي، علي اصغر معززي، راهنمای کتاب، سال چهارم، فروردین ۱۳۴۰، صص ۸۷-۸۹.

قلمرو سعدي - ملاحظات مندرج در شماره دوم، علي دشتي، راهنمای کتاب، شماره چهارم، آبان ۱۳۳۹، صص ۵۰۸-۵۱۶.

۱. **مضامین اصلي:** * این مقاله پاسخی است به مقاله "قلمرو سعدي"، مهدی محقق (راهنمای کتاب، شماره دوم، تیر ۱۳۳۹، صص ۲۱۲-۲۱۹).

۱-۱. در پاسخ به ایراد آقای محقق درباره ذوقی بودن و علمی نبودن روش کار در " قلمرو سعدی " (رک. ۵-۲-۱ مقاله مذکور). می‌نویسد: " مگر اکنون صورت‌های گوناگون از آنان وجود ندارد و مثلاً حافظ به یک شکل مشخص و معین در ذهن ادیب و متشرع و صوفی و ملحد و عاشق‌پیشه و شراب‌خوار صورت بسته است؟ (ص ۵۱۰) اصرار من در این باب برای این است که پاره‌ای از اهل تحقیق و تتبع برای قوه تعقل خود شأنی قائل نشده و اسطوره مدفون در بطون کتاب‌های کهنه را آینه واقعیات پنداشته‌اند و متأسفانه ملکه اجتهاد خود را صرف سنجیدن منقولات روایات می‌کنند." (ص ۵۱۱).

۱-۲. در پاسخ به این گفته آقای محقق که "روش علمی همان است که به جستجوی کتب و اسناد بپردازیم" با اشاره به کتب تاریخی و تذکره‌ها، همه آنها را خدشه‌پذیر و قابل شک می‌داند و معتقد است شخصیت واقعی شاعران و نویسندگان را باید در خود آثار آنها جستجو کرد و نه در اسناد و مدارک بیرون، و می‌افزاید: "من از این رو دنبال سعدی و حافظی که در خارج زیسته‌اند نمی‌روم که سعدی و حافظ در خارج نیست ... قیافه سعدی را مشخص‌تر می‌توان از کلیات وی انتزاع کرد ... بحث زیاد در تاریخ عصر شاعری تا درجه‌ای که تأثیر محیط را برگفته‌های وی نشان دهد سودمند است ولی اگر به روش مرحوم دکتر غنی دو جلد ضخیم به عنوان مقدمه شناسایی حافظ تدوین کنند و هرچه در لابه‌لای کتاب‌های تاریخ آن عصر است برای نشان دادن عصر حافظ جمع آورند تلاشی است ملال‌انگیز و در شناساندن حافظ عقیم." (صص ۵۱۳-۵۱۱).

۱-۳. با توضیح درباره اثر و کیفیت عالم خارج در تشکیل روح و فکر دانشمند، فیلسوف و شاعر می‌نویسد: "جز در موارد معدود و خاص، ما نمی‌توانیم اثر و کیفیت عالم خارج را در تشکیل روح و فکر دانشمند و فیلسوف یا شاعری بیابیم. شخصیت بزرگان علم و ادب را باید در آثار آنها جستجو کرد ... تواریخ و سیر، چیزی از سعدی برای ما نگذاشته‌اند. تمام شئون او و آنچه حتی ما و تاریخ را بدو علاقه‌مند می‌کند موالید قریحه اوست" (ص ۵۱۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مقاله " قلمرو سعدی "، مهدی محقق (راهنمای کتاب، تیر ۱۳۳۹).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** در این مقاله به چهار انتقاد از گفته‌های مهدی محقق به طور مشروح پاسخ داده شده است که برخی مطالب ارتباطی به سعدی ندارد و چنانچه حواشی غیرضروری حذف می‌شد، مقاله به ایجاز لازم می‌رسید.

قلندران‌های سعدی و حافظ ، علی‌رضا ذکاوتی قراگزلو، برگرفته شده از کتاب "حافظیات" انتشارات مسلم همدان، ۱۳۷۰، صص ۱۹۰-۱۷۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره معنی و مفهوم " قلندر " و اشاره‌ای به پیشینه این مفهوم در شعر فارسی (ص ۱۷۵).
۱-۲. تأکید بر وجود مضمون " قلندری " در سخن سعدی و پیروی حافظ از او (صص ۱۸۱-۱۷۵)، از جمله: " طبق آنچه از مقدمه علی‌بن یسیتون بر کلیات سعدی بر می‌آید، غزلیات سعدی بلافاصله پس از درگذشت او سرود عرفانی مجلس " ... ائمه اسلام و موالی کرام و مشایخ انام " بوده است (ص ۱۷۶). قلندیات سعدی سرب به عرفان نظری دارد و سرب به تصوف معتدل اجتماعی. از سویی به مذهب " انسانیت " سعدی و از طرفی به ریزه‌خوانی‌های خراباتی و اباحتی ارتباط می‌یابد، و این همه با چنان جوش و خروش و زور و شوری سرشار عرضه می‌شود، که سعدی را در مقام پیشوای حافظ در شعر قلندران‌ها نشان می‌دهد (ص ۱۷۸).
چون عشق قدیم است و مبدأ همه زیبایی‌ها خداست، پس عارف ستایشگر همه زیبایی‌هاست. این است که نظریاتی نوعی عبادت محسوب می‌شود (ص ۱۷۹) خط دیگر قلندری سعدی، فلاشی و رسوایی طلبی است " (ص ۱۸۱).
۱-۳. مقایسه برخی سروده‌های عارفانه سعدی و حافظ که تداعی برانگیز یکدیگرند (صص ۱۸۸-۱۸۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. غزلیات حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۵۴ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته که بخشی از یک کتاب است، بر وجود مضمون قلندران‌ها در غزلیات سعدی پای فشرده شده و نمونه‌هایی از سروده‌های سعدی برای استنهاد سخن، مثال آورده شده است و در پایان نوشته برخی ابیات همگون سعدی و حافظ که دارای مضمون قلندری است با هم مقابله شده‌اند.

این نوشته تنها نوشته مستقلی است که تاکنون مضمون قلندران‌ها را در شعر سعدی کاویده و برخی از آنها را بازنموده و با نمونه‌های همگون از حافظ مقایسه کرده است. اما چنانچه این مضامین با تحلیل بیشتری همراه بود و موارد همگون در سروده‌های سعدی و حافظ از نظر کارکرد ادبی و اجتماعی با هم سنجیده می‌شد، بر ارزش این نوشته می‌افزود.

ک

کار آقا رضا، نقاش معروف عهد صفوی ، عباس اقبال آشتیانی، مجموعه مقالات اقبال، انتشارات خیام، ۱۳۵۰، صص ۶۶۷-۶۶۴.

* این مقاله یک بار دیگر با عنوان " تصویری از سعدی (کار آقا رضا، نقاش معروف عهد صفوی) در مجله مهر (سال ۸، شماره ۸، آبان ۱۳۳۱، صص ۶۶۳-۶۶۰) چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.

کاغذ زر ، ستراک مانوکیان، ادبستان، شماره سی و چهار، مهر ۱۳۷۱، صص ۵۱-۴۴.
چاپ‌های دیگر: ۱. کتاب " سیمردل مسکین "، ستراک مانوکیان، انتشارات مؤسسه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران - رم، ۱۳۷۰، صص ۴۷-۱۴. ۲. مقاله " سیمردل مسکین "، ستراک مانوکیان، نشریه سیمرع، شماره ۱۲-۱۳، فروردین ۱۳۷۲، صص ۹۶-۷۶ (بجز مقدمه مقاله " کاغذ زر" بقیه در این نشریه چاپ شده است).

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی نویسنده مقاله و توضیحی درباره موضوع مقاله: "ستراک مانوکیان جوانی است ایتالیایی ... صدویک غزل را از سعدی شیرازی به زبان ایتالیایی ترجمه کرده ... [این مقاله] سخنی درباره ترجمه شعر سعدی و برداشت‌ها و یافته‌های این محقق ایتالیایی از شعر شیخ اجل سعدی شیرازی است" (ص ۴۴).

۱-۲. توضیح درباره مقام بلند سعدی و نقل قولی از ابوبکر بیستون درباره چگونگی تنظیم فهرست‌نویسی غزلیات سعدی (ص ۴۵).
۱-۳. توضیح درباره روش کار در کتاب "سیمدل‌مسکین" که در واقع پایان‌نامه تحصیلی مانوکیان بوده است و سه بخش را شامل است: بخش نخست خلاصه و منتخبی از نظراتی که درباره سعدی و شعر او در متون قدیم و جدید نوشته شده، در بخش دوم صدویک غزل از زبان ایتالیایی ترجمه شده و بخش سوم فشرده و خلاصه‌ای از بررسی‌های زبان‌شناسی و معنی‌شناسی و موضوع‌شناسی است که روی هزار بیت از سروده‌های سعدی انجام گرفته است (ص ۴۵).

۱-۴. اشاره به چگونگی غزل‌های سعدی و مشکلات ترجمه در این سروده‌ها و بررسی ویژگی‌های آنها: "غزل‌های سعدی که شاید خارج از تجدد و بیرون از فرهنگ غربی باشند، از درون حساسیتی (برای ما متروک) مضامینی می‌آفرینند که گاه نامأنوسند و تطابقی در ذهن نمی‌یابند و چون زبان خاص ابیات را نمی‌دانند، مانند صفی از زبان بریده‌ها به نظر می‌رسند که دیگر چیزی نمی‌گویند و پیامی نمی‌رساند ... از میان واژه‌هایی که بسامد بیشتری در غزل سعدی دارند، بخش عمده را کلماتی تشکیل می‌دهند که مربوط به اعضای بدن انسان می‌باشند ... گروه کلمات شعر سعدی کیفیات و صفات زیاد پیچیده و دیرهضم ندارند و موضوع غامض و عجیبی را مطرح نمی‌کنند، همان عناصر و کاراکترهایی هستند که اغلب در سنت شعری به کار برده شده‌اند ... در هزار بیت از غزلیات سعدی ۶۹۰ بار واژه‌هایی آمده‌اند که مربوط به بدن انسان هستند و از میان ۸۵ اسم که بسامد بیش از ۱۰ دارند، بالاترین بسامدها به همین کلمات تعلق دارد ... اما مرکزیتی چنین وسیع، پراکندگی و گستردگی هسته معنایی این واژه‌ها را نیز به همراه دارد. حضور این واژه‌ها در بیت، قابلیت وفق و آمادگی کسب معناها و خصوصیات را که قرینه‌ها و محیط بیت ایجاد می‌کنند، با خود می‌آورد و به خاطر در برگرفتن جنبه‌ها و ویژگی‌ها و معانی چندگانه، هسته در سطح معنایی دقیق می‌شود (ص ۴۶). ترتیب دادن میثقی که شامل واژه‌ها بوده و معانی و مفاهیم آنان را شرح دهد عملی است که همیشه ناقص و نافرجام می‌ماند و مراد را حاصل نمی‌کند، زیرا این کلمه‌ها در هر بیت معنی و ویژگی جدیدی پیدا می‌کنند و مشترک لفظی برای چندین مفهوم می‌شوند و گاهی اوقات مفهوم برای يك خواننده غربی چنان مجمل می‌شود که شبه مصداقی را در پی دارد (ص ۴۷). همه مجازها و استعاره‌ها و تشبیهات متعلق به سنت شعر فارسی در غزل سعدی به طرز و شکل مستقیم و متقارن و خاصی در ظرف وزن و قافیه ریخته شده‌اند (ص ۴۸). عشق که توأم با رنج و درد است، نشانه آزادگی روح و صفای قلب و صافی باطن و قابلیت و شجاعت انسان و صفات والای او نیز هست (ص ۴۹). درباره شعر سعدی شاید بتوان گفت که شعری است که از حضور واقعیت‌ها سخن می‌گوید، یا شعری است که همواره در "این" و "اکنون" سروده شده. اما اگر چه چنین است، به هیچ وجه انکار حیات دیگری که وراي این زندگی است در شعر سعدی وجود ندارد ... اعتدال محتوا و ظرف، و الفت و هماهنگی عناصر شعر سعدی، به شعر انعطاف‌پذیری و نفوذپذیری و تراوایی و انبساطی می‌دهد، که گاه بی‌تبی را به چندین صورت می‌توان خواند و معنی کرد و یا معنی دلخواه را از آن فهمید ..." (ص ۵۱).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. کلیات سعدی، تصحیح فروغی، به اهتمام بهاء‌الدین خرمشاهی، ۱۳۶۷.
۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. غزلیات ۶۳ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۴. بخش اول این مقاله (ص ۴۵) که توضیحی درباره روش کار در کتاب "سیمدل مسکین" است می‌توانست از مقدمه این مقاله حذف شود اما برخی از بررسی‌ها که به صورت جزئی و ریز، موضوع سروده‌های سعدی را کاویده، بویژه آنجا که با ارائه آماري از بسامد واژه‌ها همراه است (از جمله ص ۴۶) علاوه بر تازگی پژوهش برای شناخت درست ذهن و زبان سعدی نیز سودمند و از نظر روش پژوهش و تازگی نگاه برای پژوهندگان بعدی مفید است. پیش از این نیز، نوعی از این گونه بررسی درباره سعدی، به وسیله ریکاردوزیولی، - استاد راهنمای نگارنده این مقاله - انجام گرفته و به چاپ رسیده است (رک. ذکر جمیل سعدی، ج ۲، مقاله آینه در اشعار فرخی، سعدی، حافظ همراه با پیشنهادی در زمینه بررسی آماري - تطبیقی، (صص ۲۵۶-۲۲۹).
۲-۴. مواردی چون تأکید فراوان نگارنده بر مسئله عشق و توضیح درباره چگونگی آن در سروده‌های سعدی و تکرار مفاهیم بدیهی در این بخش (صص ۵۰-۴۹) بر ایجاز مقاله ضربه زده است.

کاغذ زر ، دکتر غلامحسین یوسفی، برگرفته از کتاب کاغذ زر، انتشارات یزدان، ۱۳۶۳، صص ۲۴-۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به شهرت سعدی و برخی از ترجمه‌های آثار او از جمله: ترجمه آندره دوریه، فریدریش، اکسن‌باخ، آدام اولتاریوس (صص ۱-۲).

۱-۲. تأکید بر حسن قبول سعدی در دنیا و نظر برخی از شاعران و نویسندگان جهان درباره او (صص ۲-۳)، نتیجه آنکه: "پیش‌بینی سعدی تحقق یافته است و در همه اقطار عالم نام سعدی، فکر و سخن سعدی، معروف است و اهل اندیشه و صاحب‌نظران به آثار وی علاقه‌مندند. بدیهی است موجبات شهرت او متعدد است. از آن جمله است: قریحه خداداد، حسن ذوق، روشن‌بینی و دل‌آگاهی و نکته‌بایی، فکر پخته و پرورده و مفاهیم حکیمانه، بیان عواطف گوناگون آدمی، و سبک و بیانی در اوج بلاغت و قدرت ..." (ص ۳).

۱-۳. توضیح درباره موضوع مقاله: "آنچه در این مقاله مورد نظر است، بحثی کوتاه در باب کتاب مشهور گلستان است، آن هم فقط از يك نظر، یعنی یکی از مظاهر نفوذ این کتاب در بین فارسی‌دانان، و رواج اجزائی از آن به صورت امثال و حکم در میان مردم" (ص ۳).
۱-۴. بررسی ویژگی سخنانی که به گونه ضرب‌المثل در می‌آیند و مقایسه برخی از ضرب‌المثل‌های مشترک در میان ملل مختلف (صص ۳-۵).

۱-۵. توضیح درباره ویژگی سخنان ضرب‌المثل شده سعدی از جمله: قوت اندیشه، حسن‌گزینش و زدودگی کلمات، حسن ترکیب، لطف بیان، ایجاز و ... (صص ۶-۸).

۱-۶. نقل ۴۰۵ مورد از عبارات و بیت‌های گلستان که به صورت ضرب‌المثل در آمده‌اند، به ترتیب حروف الفبا (صص ۳۰-۸).

۲. **منابع اصلی:** ۱-۲. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. "سعدی در اروپا"، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب. ۲-۳. "یادداشت‌های حاشیه گلستان"، نه شرقی نه غربی - انسانی، دکتر عبدالحسین زرین‌کوب.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۱-۳. گلستان ۴۲۲ بار، غزلیات ۲ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۱-۴. سخنان شیوای سعدی، بیش از سخنان هر شاعر و نویسنده دیگر ایرانی به زبان این مردم جاری است و گونه ضرب‌المثل یافته است، اگر چه از دیرباز درباره این ویژگی سخن سعدی مطالب زیادی نوشته شده، اما این نوشته با گردآوری و تنظیم بیش از چهارصد سخن و سروده از گلستان سعدی، در نوع خود مفصل‌ترین نوشته است (تا هنگام نگارش: ۱۳۶۳ شمسی). البته در بخش فهرست‌های گلستان به تصحیح و توضیح نگارنده، تعداد این ضرب‌المثل‌ها اندکی افزایش یافته است. (رک. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی ۱۳۶۸، صص ۷۸۴-۷۶۸).

۲-۴. علاوه بر مقدمه سودمند نوشته، یادکرد نشانی نقل‌قول‌ها و سخنان و ابیات سعدی و یادداشت‌های پی‌نوشت مقاله بر ارزش علمی و پژوهشی نوشته افزوده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. مواظ و حکم سعدي در بوستان و گلستان (با ترجمه و معادل‌هاي فرانسوي)، دکتر ابراهيم شکورزاده، انتشارات آستان قدس رضوي، ۱۳۶۵، ص ۱۴. ۵-۲. گلستان سعدي، تصحيح و توضيح دکتر غلامحسين يوسفی، خوارزمي، ۱۳۶۸، صص ۳۷، ۳۹. ۵-۳. دریا در کوزه، دکتر علي فاضل، کلک، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۱۰۶-۷۵-۴. بزرگواري، دکتر غلامحسين يوسفی، چشمه روشن، انتشارات علمي، ۱۳۷۰ (چاپ سوم)، ص ۲۴۳. ۵-۵. دامني از گل - گزیده گلستان سعدي، انتخاب و توضيح دکتر غلامحسين يوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۲۱. ۵-۶. در آرزوي خوبي و زيبايي - گزیده بوستان سعدي، انتخاب و توضيح دکتر غلامحسين يوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۲، ص ۲۱.

کاغذ زر (يادداشت‌هاي در ادب و تاريخ - نوشته غلامحسين يوسفی)، دکتر حشمت مؤيد، کلک، شماره ۸، آبان ۱۳۶۹، صص ۱۵۶-۱۵۲.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. معرفي کتاب " کاغذ زر " که در بردارنده چهارده مقاله از دکتر غلامحسين يوسفی در موضوع ادبيات و تاريخ است (صص ۱۵۲-۱۵۳).

۱-۲. نقل پاره‌اي از مطالب مقاله نخست کتاب ياد شده که نام کتاب از عنوان همين مقاله (کاغذ زر) گرفته شده و آن مقاله درباره شهرت سعدي و سخنان ضرب‌المثل شده اوست (صص ۱۵۶-۱۵۳).

۱-۳. يادکرد نه مثل نخست (مثل‌هايي که با حرف " آ " شروع مي‌شوند) از فهرست ضرب‌المثل‌هاي کتاب ياد شده (ص ۱۵۶).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. کاغذ زر، دکتر غلامحسين يوسفی، انتشارات يزدان، ۱۳۶۳.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. اين نوشته در واقع معرفي‌نامه کتاب کاغذ زر و مقاله نخست آن است. نگارنده تنها در يکي دو مورد به کوتاهي درباره " کاغذ زر " - که عنوان کتاب برگرفته از عنوان همين مقاله است - اظهار نظر کرده و سخن نويسنده کاغذ زر را تأييد نموده است.

کتاب ، فریدون جنیدی، نشریه فروهر، شماره ۲۰، تیر ۱۳۶۲، صص ۲۳۹-۲۲۸.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. معرفي کوتاه " گلستان سعدي به کوشش نورالله ايزدپرست "، و تأکيد بر ارزش‌هاي اين کتاب (صص ۲۳۹-۲۲۸).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. گلستان سعدي، به کوشش نورالله ايزدپرست، انتشارات دانش.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. اين نوشته به کوتاهي کتاب مورد نظر را معرفي کرده است، اما به روشني معلوم است که معرف محترم يا خود، اين کتاب را به درستي خوانده و يا بر اشکال‌هاي آن چشم فرو بسته است. براي آگاهي بيشتري، کتاب ياد شده، در بخش کتاب‌ها از همين مجموعه.

کتاب‌شناسي سعدي و حافظ ، ايرج افشار، مجموعه کمينه، تهران، ۱۳۵۴، صص ۲۹۹-۲۸۶.

*** اين مقاله يك بار ديگر با عنوان " بحثي مقدماتي در باب طرح کتاب‌شناسي سعدي و حافظ " در کتاب " مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي " (صص ۱۲-۱۰) چاپ شده است. براي آگاهي بيشتري، کتاب ياد شده، در همين مجموعه.**

کشف‌الايات گلستان سعدي ، محمود مدبري، نامواره دکتر محمود افشار، به کوشش ايرج افشار و کريم اصفهانيان، بنياد موقوفات دکتر افشار ، ۱۳۷۰، صص ۳۶۱۱-۲۵۹۲.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. فهرست واژه‌هاي آغازين ابیات گلستان بر اساس " چاپ متن انتقادي انستيتوي خاورشناسي فرهنگستان علوم اتحاد جماهير شوروي، به تصحيح و ترجمه روسي و مقدمه و تعليقات و حواشي رستم موسي اوغلي علي‌يف، با ذکر شماره باب و شماره حکايت.

۲. منابع اصلي: ۲-۱. گلستان سعدي، تصحيح و ترجمه روسي و حواشي رستم موسي اوغلي علي‌يف، ۱۹۵۹.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. مقاله در بردارنده فهرست همه ابیات گلستان است.

۴. اشاره: ۴-۱. اين کشف‌الايات، بازيابي ابیات گلستان را در چاپ رستم علي‌يف آسان‌تر مي‌کند.

کشورداري و سياست در نگارش سعدي ، محمديني دانش‌پژوه، ذکر جميل سعدي، ج ۱، کميسيون ملي يونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۳۷۵-۳۶۹.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. بيان سه روش کشورداري و اخلاق که در متون آمده است (ص ۳۷۱).

۱-۲. معرفي بيست و پنج کتاب از کتب قديم که در آنها به روش کشورداري و سياست پرداخته شده است (صص ۳۷۳-۳۷۱).

۱-۳. توضيح درباره روش کشورداري و سياست در آثار سعدي: " شيخ سعدي سرابنده عارف اخلاقي را در اين زمينه سه دفتر است: بوستان ... گلستان ... نصيحة‌الملوک ... در هر سه دفتر از رفتار پادشاه يا دادگري و تدبير و راي سخن مي‌رود ... سعدي در نصيحة‌الملوک روش پندآموزي را پيش گرفته و در چند جا داستان هم آورده تا مطلب را با آن ثابت کند ... او در اين دفترها از روش ديني نيز بر کنار نيست و ذوق عرفاني و گرايش ديني او را و مي‌دارد که اصل تعليم و تربيت و قاعده تسليم را که در دين و عرفان و سياست روا مي‌دارد به کار برد ... سياستي که او شالوده مي‌ريزد و فرمانروايي که او تصوير مي‌کند، همان است که ذوق ايراني مي‌پسندد و با آن آشناست، نه آنچه که فيلسوفان يوناني مي‌خواهند ... (صص ۳۷۵-۳۷۴).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. بجز بيست و پنج اثري که با موضوع کشورداري و اخلاق معرفي شده به مرجع ديگري اشاره نشده است.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: در اين مقاله کوتاه تنها حدود يك صفحه به سعدي پرداخته شده و بقيه مربوط به متون ديگر است. البته معرفي بيست‌وپنج اثر کهن پيش از سعدي که در آنها آيين کشورداري و سياست توضيح داده شده، سودمند است.

کلیات افصح المتکلمین شیخ مصلح الدین (معرفی کتب چاپ سنگی - ۳۸)، دکتر جابر عناصری، صنعت چاپ (ماهنامه)، دوره چهاردهم، شماره ۱۵۸، اسفند ۱۳۷۴، صص ۶۲-۶۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به محاسن کتب چاپ سنگی و انتقاد از کسانی که به تصحیح و چاپ این کتابها در دوره اخیر مبادرت ورزیده‌اند، اما بدون توجه به زیبایی صوری این کتابها به اصل متون هم خدشه وارد آورده‌اند و دست‌کم تصویری از تصاویر این کتابها را هم برای "حظ بصر" و آگاهی خوانندگان، در کتاب خود چاپ نکرده‌اند ... (ص ۶۲).
- ۱-۲. معرفی يك نسخه چاپ سنگی از کلیات سعدي به خط محمد جوادبن ملك الخطاطين الشريفي که بانی و سرمایه‌گذار چاپ آن محمد حسن علمي بوده است و در سال ۱۳۵۱ هجری قمری در مطبعه علمي در دارالخلافه تهران به طبع رسیده (صص ۶۲-۶۳). در این نوشته، نسخه مذکور با ذکر جزئیات (قطع کتاب، روش آرایش حاشیه کتاب، شیوه خوشنویسی، تعداد صفحات و ...) معرفی شده است.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. يك نسخه از چاپ سنگی کلیات سعدي (رك. مضامین اصلی).
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته که به معرفی یکی از نسخه‌های کلیات سعدي (چاپ سنگی در تهران) پرداخته و با چاپ تصویر چند صفحه از آن کتاب همراه است، از دیدگاه نسخه‌شناسی آثار سعدي سودمند است.

کلیات سعدي ، حبيب یغمایي، یغما، سال بیست‌وهشتم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۴، صص ۱۷۱-۱۶۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کوتاه يك نسخه خطي از کلیات سعدي در کتابخانه ایندیا افسیس لندن که تاریخ کتابت آن ۷۲۸ هجری است و کاتب مدعی است از روی نسخه خط شیخ سعدي نوشته شده ... (ص ۱۶۹). ۱-۲. تصویر دو صفحه از نسخه یاد شده (صص ۱۷۱-۱۷۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. يك نسخه خطي از کلیات سعدي. رك. مضامین اصلی.
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته، به کوتاهی يك نسخه خطي از کلیات سعدي را معرفی کرده و عکس دو صفحه از آن نسخه را نیز به چاپ رسانده است که از نظر نسخه‌شناسی خالی از فایده نیست. گفتنی است که آقای حبيب یغمایي در تصحیح غزلیات سعدي از این نسخه نیز استفاده کرده‌اند.

کلیات شیخ مصلح الدین سعدي شیرازی (معرفی کتب چاپ سنگی - ۴۳)، دکتر جابر عناصری، صنعت چاپ (ماهنامه)، دوره چهاردهم، شماره ۱۶۳، مرداد ۱۳۷۵، صص ۶۵-۶۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به صنعت چاپ به شیوه "سنگی" در هند (ص ۶۴).
- ۱-۲. معرفی يك نسخه خطي از "کلیات سعدي" که در سال ۱۳۱۳ هجری قمری به دست میرزا علي شیرازی کتابت و در همان سال در بمبئی به چاپ رسیده است (صص ۶۵-۶۴). در این نوشته، نسخه مذکور با ذکر جزئیات (تعداد صفحه، قطع کتاب، نوع خوشنویسی، گونه نقاشی‌ها و آرایش‌های کتاب و ...) معرفی شده است.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. يك نسخه از چاپ سنگی کلیات سعدي (رك. مضامین اصلی).
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۱ بار، قصاید ۱ بار، رباعیات ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته که به معرفی یکی از نسخه‌های کلیات سعدي (چاپ سنگی بمبئی) پرداخته و با چاپ تصویر چند صفحه از آن کتاب همراه است، از دیدگاه نسخه‌شناسی آثار سعدي سودمند است.

کنگره بزرگداشت سعدي ... ، روزنامه کیهان پنجشنبه ۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۲۲. چاپ‌های دیگر: ۱. ذکر جمیل سعدي، ج ۱، ۱۳۶۴، صص ۲۸-۳۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین سال تولد سعدي و نقل متن کامل قطعنامه کنگره یاد شده.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. قطعنامه کنگره بزرگداشت هشت‌صدمین سال تولد سعدي.
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۴-۱. متن قطعنامه کنگره مورد نظر در کتاب ذکر جمیل سعدي (جلد اول، صص ۳۷-۳۸) به چاپ رسیده است. برای آگاهی بیشتر، رك. کتاب یاد شده در بخش کتابها از همین مجموعه.

کنگره جهانی سعدي و حافظ ، راهنمای کتاب، سال چهاردهم، شماره ۱ و ۲، فروردین - خرداد ۱۳۵۰، صص ۱۷۰-۱۶۳.

۱. **مضامین اصلی:** * این نوشته گزارش گسترده‌ای است از برنامه‌های کنگره جهانی سعدي و حافظ در سال ۱۳۵۰ و موارد زیر مورد توجه بوده است.
- ۱-۱. زمان و مدت تشکیل کنگره و تعداد دعوت‌شدگان (ص ۱۶۳).
- ۱-۲. متن پیام کنگره و سخنان دکتر هوشنگ نهباندي رئیس دانشگاه (صص ۱۶۷-۱۶۴).
- ۱-۳. متن قطعنامه کنگره (صص ۱۶۸-۱۶۷).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته، تنها گزارشی است از برنامه‌های کنگره یاد شده که به گونه‌ای خبری در مجله راهنمای کتاب چاپ شده است و ارزش تحقیقی ندارد.

کنگره جهانی سعدی و حافظ، حبیب یغمایی، یغما، سال بیست و چهارم، شماره چهارم، تیر ماه ۱۳۵۰، صص ۲۲۰-۲۲۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. گزارش برنامه‌های کنگره، از جمله: "بامدادان پگاه هفتم اردیبهشت ۱۳۵۰ دعوت‌شدگان کنگره از تهران با شتاب تمام در فرودگاه مهرآباد حضور یافتند ... در همان روز ورود ساعت ده صبح، کنگره در سالن مجلل دانشگاه پهلوی شیراز افتتاح یافت ... به پیشنهاد دکتر نهاوندی، دکتر خانلری به ریاست کنگره تعیین شد ... چهار بعد از ظهر اعضای کنگره نخست بر مزار سعدی و سپس بر مزار حافظ دسته‌های گل نثار کردند ... (ص ۲۲۶) تعداد مدعوین به ۱۲۰ نفر بالغ می‌شد ... دانشمندان کشورهای دیگر اینان بودند: رستم علی‌یف (شوروی)، هانری بر ومس (فنلاند)، هانز رویم رشیدی (آلمان)، رشیدی شارداغ (ترکیه)، شمس‌الدین احمد (کشمیر)، صالح پروتا، دکتر احمد جاوید، عبدالقیوم قویم (افغانستان)، وزیرالحسین عابدی (پاکستان) که همه‌شان سخنرانی کردند به زبان فارسی" (ص ۲۲۷).

۱-۲. بیان برخی از اظهار نظرها انتقادها و پاسخ‌های مطرح شده در جلسات کنگره (ص ۲۲۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته گزارش گونه‌ای است از مراسم کنگره جهانی سعدی و حافظ که در سال ۱۳۵۰ در شیراز برگزار شده است و برای زنده نگه داشتن خاطرات آن کنگره خالی از فایده نیست.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدی - حافظ، دکتر محمدجعفر محجوب، یغما، سال بیست و چهارم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۰، شماره مسلسل ۲۷۵، صص ۲۹۵-۲۹۳.

که سر به شحنه و قاضی کشید و ... سعدی گفت (۱)، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۷۴، پنجشنبه ۲۴ مهر ۱۳۴۸، صص ۱۷-۱۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره سعدی و وجه تخلص او، با اشاره به فردی با عنوان "صاحب‌قران" که سعدی "سفینه حکمیات و نظم و نثر" خود را برای او فرستاده است و تحقیق درباره هویت او با این نتیجه‌گیری که: "بعید نیست که این شخص پدر بهاء‌الدین محمد و یا یکی از افراد خاندان جوینی باشد که احتمالاً همگی لقب صاحب‌دیوان داشته‌اند" (ص ۱۶).

۱-۲. تأکید بر این موضوع که سعدی اصل آثار خود را خیلی پیش از سال ۶۵۵ سروده و پس از سال ۶۵۵ آنها را سامان داده و تکمیل کرده است (ص ۱۶).

۱-۳. رد نسبت تخلص سعدی به سعد بن زنگی و سعد ابوبکر بن سعد بن زنگی: "کاملاً روشن است که کلمه سعدی برخلاف آنچه در کتب ایرانی و اروپایی ... نوشته شده، مأخذ از نام سعد بن زنگی نبوده، زیرا در دوره سلطنت این پادشاه یعنی بین سال‌های ۵۹۴ تا ۶۳۲ هجری سعدی هنوز به دربار پادشاهان راه نیافته بوده است.

همچنین برخلاف نظر مؤلف تاریخ‌گریده و نویسنده کتاب مزارات شیراز، کلمه سعدی از نام سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی [به غلط ابوبکر بن سعد بن زنگی نوشته شده] گرفته نشده، زیرا شاهزاده مزبور در عنفوان جوانی و البته در ۶۵۸ هجری در گذشته و دوره زندگی وی با کار سعدی هیچ تفاوتی [احتمالاً تقارنی] نداشته است" (ص ۱۷).

۱-۴. تأکید بر ابهام در زندگی سعدی (ص ۱۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۸ بار، بوستان ۴ بار، قطعات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله است. برای اشاره ر.ک. بخش دوم و پایانی مقاله.

که سر به شحنه و قاضی کشید و ... سعدی گفت (۲)، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۷۶، پنجشنبه ۱۵ آبان ۱۳۴۸، صص ۲۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر مقام معنوی و محبوبیت سعدی در پایان عمر و جمع‌آوری و تکمیل و تدوین آثارش در این دوره از زندگی.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار، قصاید ۱ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته پرسش‌هایی درباره زندگی سعدی مطرح شده، و دو نظر که درباره وجه تخلص سعدی وجود دارد (منسوب به "سعد بن زنگی" و "سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی") نقد و رد شده است. اما نتیجه موضوع در این نوشته همچنان مبهم مانده و نگارنده در پایان مقاله تنها بر موقعیت معنوی سعدی در پایان عمر و تدوین آثارش اشاره کرده است.

درباره وجه تخلص سعدی نوشته‌های متعددی پدید آمده، بجز دو وجهی که در این مقاله برای تخلص سعدی به آنها اشاره شده، مرحوم محیط طباطبایی با طرح چند دلیل، نظر سومی را مطرح کرده‌اند و تخلص او را منسوب به قبیله بنی سعد پنداشته‌اند (ر.ک. مقاله چرا سعدی را سعدی خوانده‌اند، محمد محیط طباطبایی، وحید، دوره نهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۵۰، صص ۱۸۱-۱۷۱ و ۳۲۱-۳۲۰) - گفتنی است که عمده سعدی‌پژوهان تخلص سعدی را از "سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی" دانسته‌اند.

۴-۲. در بخش نخست مقاله (ص ۱۷)، "سعد بن ابوبکر بن سعد بن زنگی" به اشتباه "ابوبکر بن سعد بن زنگی" نوشته شده است.

۴-۳. پیوند عنوان این مقاله با متن آن ضعیف است و همچنین در پایان بخش اول مقاله نوشته شده: "بقیه در صفحه ۴۴"، در حالی که بقیه مقاله در شماره ۷۴ مجله رنگین کمان به چاپ رسیده و در پایان بخش دوم نیز نوشته شده، "ادامه دارد" در حالی که در شماره بعدی مجله موضوع تازه‌ای از نگارنده مقاله با عنوان "سعدی‌نامه" چاپ شده است.

کهن‌ترین نسخه دیوان سعدی و راه استفاده از آن، محمد حواد شریعت، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۱۹-۳۰۹.

چاپ‌های دیگر: ۱. کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۳۳-۳۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. " کهن‌ترین نسخه دیوان سعدی، نسخه‌ای است که در کتابخانه‌ای در شهر توپینگن نگهداری می‌شود. خط این نسخه - که از نظر نسخه‌شناسی بسیار معتبر است و از نظر خط و کاغذ و کهنگی آن تردیدی در صحت آن نیست - نوعی خط نسخ است." (ص ۳۱۱). " می‌توان گفت این نسخه منتخبی از قصاید و غزلیات سعدی است. اما منتخبی است که بیش از نصف دیوان را در بر دارد (ص ۳۱۲). در بخش قصاید ۳۴ قصیده فارسی، ۱۷ قصیده عربی و ۴ ملمع آمده است. بعد از قصاید کتاب بدایع است با ۱۰۶ غزل و پس از آن سؤال عقل و عشق و سپس ترجیع‌بند "بنشینم و صبر پیش گیرم" به همراه ۱۹ غزل بخش طیبیات با ۱۸۳ غزل و بخش خواتیم با ۳۶ غزل " (صص ۳۱۵-۳۱۲).

۱-۲. " در این که این نسخه اقدم نسخه‌ای است که تا کنون از آثار سعدی به دست آمده است هیچ تردیدی نیست و در اصالت این نسخه نیز شک وجود ندارد." (ص ۳۱۵).

۱-۳. " مرحوم یغمایی عقیده داشت که این نسخه از نظر اعتبار متوسط است." (ص ۳۱۵).

۱-۴. بخش پایانی مقاله ده بیت از غزلیات این نسخه با نسخه‌های دیگر، که به گونه‌های متفاوت ضبط کرده‌اند، مقایسه شده است (صص ۳۱۷-۳۱۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. يك نسخه خطی کهن از آثار سعدی، به تاریخ ۷۰۶ هجری.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۱۴ بار، قصاید ۳ بار، ترجیعات ۱ بار، رسائل نثر ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله يك نسخه کهن به گونه‌ای مبسوط و مشروح معرفی شده است که از نظر نسخه‌شناسی آثار سعدی نوشته‌های ارزشمند است.

که هنوز من نبودم که تو در دلم نشستی ، دکتر غلامحسین یوسفی، برگرفته شده از کتاب " چشمه روشن " ، انتشارات علمی، چاپ سوم ۱۳۷۰، صص ۲۵۸-۲۴۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به غزل " همه عمر بر ندارم سر از این خمار مستی " و تأکید بر مهارت و کمال زیبایی آواز غلامحسین بنان و آهنگ روح‌الله خالقی در دستگاه ماهور، بر اساس غزل یاد شده و هماهنگی شعر، آواز و آهنگ مذکور (صص ۲۴۸-۲۴۷).

۱-۲. بررسی زیباشناسی ابیات غزل یاد شده، با تأکید بر هماهنگی صورت و معنا. در آن (صص ۲۵۵-۲۴۹)، از جمله: " وزن غزل سعدی کمال تناسب را با معانی و مفاهیم آن دارد ... غلبه هجاهای بلند در وزن غزل، خاصه در قافیه‌ها که همه ناگزیر مختوم به دو هجای بلند است این کیفیت آرام و متین را به آهنگ شعر بخشیده (ص ۲۴۹) در همین مطلع، پراکندگی حروف سایشی " س، ش، ز " در سراسر بیت و هم‌نوايي آنها چنان گوش‌نواز است، که گویی نتي واحد را سازهای هم‌کوک، با یکدیگر می‌نوازند، همین حالت را دارد ابیات ۴ (با حروف س، ز، ط)، ۵ (با حروف س، ص)، ۶ (با حروف ق، ش، س)، ۷ (با حروف س، ش، ز)، و ... بیت دوم حاوی تصویری زیباست، با توجه به طلوع و غروب خورشید ... " (ص ۲۵۱).

۱-۳. تأکید بر شیوایی و زیبایی غزل سعدی و نفوذ و تأثیر آن در دیگران (صص ۲۵۸-۲۵۵) از جمله: " قرن‌هاست مردم ایران و فارسی‌زبانان در غزل‌های سعدی، بیان احوال روح و عواطف خود را جسته و آن را به آواز و همراه ساز خوانده‌اند و می‌خوانند ... سعدی به مدد ذوق لطیف و قریحه تابناک خود و با حالت طبیعی و ساده‌ای که به سخن خویش می‌دهد، مضامین گریزنده و اغراق‌آمیز را نیز به صورتی مطبوع و دلپذیر عرضه می‌کند (ص ۲۵۶). زدودگی و شفافیت شعر سعدی، سبب شده است که آن‌گونه ابهام و مضامین تو در تو و خیال‌انگیز که در غزل برخی از گویندگان زبان فارسی یا صائب و سخنوران سبک هندی رایج است، در شعر او به نظر نرسد ... " (ص ۲۵۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. برنامه شماره ۲۳۷ گل‌های رنگارنگ " (در دستگاه ماهور با آهنگ روح‌الله خالقی، آواز غلامحسین بنان و غزل سعدی).

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. غزلیات ۴ بار (تمام نوشته بررسی و تحلیل غزلی از سعدی است)، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ارزش این نوشته در نگاه تازه و نقد زیبایی‌شناسانه غزل یاد شده است. نویسنده با نثری شیوا به بررسی صورت و معنای آن غزل پرداخته و با دقت و ظرافت سازواری‌ها و هماهنگی‌های واژه‌ها را با معنای مورد نظر، بازنموده است.

با آنکه سروده‌های سعدی پر است از این گونه هنرنمایی‌های شاعرانه، اما متأسفانه تاکنون این ویژگی ارزشمند آثار سعدی به شایستگی کاویده نشده است. نوشته‌هایی از این دست، می‌تواند راهنمای رویکردی گسترده‌تر و ژرف‌نگرانه‌تری، به آثار سعدی از همین زاویه باشد.

گ

گامی چند با شارحان بوستان در گلگشت سعدی، رضا انزابی‌نژاد، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال ۲۷، تابستان ۱۳۵۴، صص ۳۰۵-۲۹۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره " قله " های شعر فارسی (ص ۲۹۷).

۱-۲. تأکید بر ارزش سخن سعدی و بررسی ابیاتی از بوستان با نقد نظر شارحان (صص ۳۰۴-۲۹۸). بیت‌های بررسی شده عبارتند از: ۱-۲-۱.

مرا همچنین جعد شب‌رنگ بود قبا در بر از نازکی تنگ بود

در توضیحات این بیت ضبط خزانلی و نظر سودی نقد و رد شده است. (صص ۲۹۹-۲۹۸).

۱-۲-۲.

عبای بلیلانه بر تن کنند به دخل حبش جامه زن کنند

در توضیحات این بیت نظر خزانلی و سودی نقد و رد شده است. (صص ۳۰۱-۲۹۹).

۱-۲-۳.

به نراستی دامن آلوده‌ای به ناداشتی دوده اندوده‌ای
در توضیحات این بیت نظر سودی و خزائلی نقد و رد شده و به نظر دکتر استعلامی نیز اشاره‌ای رفته است (صص ۳۰۳-۳۰۱).

۱-۲-۴. مخور هول ابلیس تا جان دهد هر آن کس که دندان دهد نان دهد

در توضیحات این بیت نظر سودی، خزائلی و امیرخیزی نقد و رد شده است. (صص ۳۰۴-۳۰۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، چاپ بروخیم، ۱۳۱۶. ۲-۲. بوستان، تحقیق و توضیح رستم‌علی‌یف، کتابخانه پهلوی، ۱۳۴۵. ۲-۳. شرح بوستان سعدی، سودی، ترجمه دکتر اکبر بهروز، ۱۳۵۲. ۲-۴. شرح بوستان، دکتر محمد خزائلی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۷ بار، گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این مقاله چهار بیت از ابیات بوستان با تکیه بر نوع کاربرد آنها در حکایت و براساس ذهن و زبان سعدی بررسی شده و نظر شارحان در خصوص آن سروده‌ها، نقل و نقد شده است. این گونه از نوشته‌ها که به نقد سخن دیگران می‌پردازد، بی‌گمان برای دریافت درست مقصود سعدی و در نتیجه شناخت منطقی او سودمند است.

۴-۲. مثال‌های شاهد و نقل قول‌ها با ذکر کامل نشانی بیان شده‌اند.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. بوستان سعدی، به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، صص ۲۲۴، ۲۲۴، ۲۴۰، ۳۶۷، ۵۵۲.

گبر و ترسا در گلستان، م. اورنگ، ارمغان، دوره سی‌وهفتم، شماره یک، فروردین ۱۳۴۷، صص ۲۰-۱۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره " گبر و ترسا " در دیبچه گلستان (ای کریمی که ...) و انتقاد از کسانی که گبر و ترسا را دشمنان خدا دانسته‌اند: " جای افسوس است که بیشتر پژوهندگان ... درباره معنی این دو بند سروده دچار لغزش شده‌اند و چنین پنداشته‌اند که واژه دشمنان در بند دوم به دو نام گبر و ترسا در بند یکم برمی‌گردد و آنان را دشمنان خدا می‌شمارد ... پس از ژرف‌بینی در دو بند سروده گلستان بخوبی آشکار می‌شود که سعدی نه گبر و ترسا را دشمنان خدا دانسته و نه مردمان دیگر را از روی خیال و پندار در جرگه دوستان خدا آورده است " (صص ۱-۲). [با توجه به سخنان پیش از این قطعه شعر] سعدی روی به درگاه خدا می‌کند و می‌گوید: " ای خدای بزرگی که به بندگان خودت به این اندازه مهربان هستی و به دشمنانت هم با دیده مهر و بخشش می‌نگری، چگونه می‌شود دوستان و فرمانبرداران را از دهش و بخشش خود ناامید و بی‌بهره کنی؟ (ص ۱۹) دوستان خدا برابر آغاز دیبچه گلستان، بندگان نیکوکار و فرمانبرداران که از این راه به درگاه خدا نزدیک می‌شوند " (ص ۲۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۴ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته کوتاه قطعه دوم دیبچه گلستان با نقد نظر کسانی که " دشمنان " خدا را در آن قطعه با گبر و ترسا برابر دانسته‌اند، بدون حاشیه‌پردازی و حشو و زواید کاویده و باز نموده شده است. ولی نشانی نظرات دیگران بیان نشده است.

پیش از این مقاله نیز صاحب‌نظران دیگری همین مفهوم را برای قطعه مذکور بیان داشته‌اند، از جمله نورالله ایران‌پرست دو ماه پیش از انتشار این مقاله دقیقاً به همین شیوه این دو بیت را باز نموده است (رک. دومین قطعه شعر گلستان، وحید، سال پنجم، شماره مسلسل ۵۰، بهمن ۱۳۴۶، صص ۱۹۶-۱۹۴).

گذر سعدی از آبادان، دکتر ابراهیم باستانی پاریزی، چیستا، سال اول، شماره پنجم، دی ۱۳۶۰، صص ۵۵۲-۵۴۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل داستانی از قصص‌العلمای تنکابنی درباره دیدار خواجه نصیرالدین طوسی و سعدی در شیراز و چوب خوردن سعدی به دستور خواجه طوسی با یادکرد قول مدرس رضوی در رد آن داستان: " ... استاد مدرس رضوی می‌فرماید: برای بی‌اصل بودن این داستان فقط باید متذکر شد که شیخ سعدی سال‌ها پس از مرگ خواجه طوسی زنده بوده و معلوم نیست که خواجه طوسی به شیراز رفته و با شیخ اجل ملاقات کرده باشد... بنده حرف استاد مدرس را می‌پذیرم، ولی در عین حال اصراری هم ندارم که داستان را بکلی دروغ بدانم ... " (صص ۵۴۳-۵۴۲).

۱-۲. بررسی چند سروده عربی و فارسی از سعدی و توضیح درباره تناقضی که در یکی از قصاید سعدی وجود دارد.

" در مورد داستان سعدی می‌شود يك حدس زد و آن این است که سعدی در روزگار فتح بغداد احتمالاً بغداد بوده، و گفتگو‌هایی به نفع خلیفه و مدرسه مستنصریه و نظامیه کرده بوده و پالنتیجه چوب خورده و ناچار به ترك بغداد و بازگشت به شیراز هم شده. تاریخ‌ها هم با هم می‌خوانند: ما می‌دانیم که قتل مستعصم بالله در ۱۴ صفر ۶۵۶ اتفاق افتاد، که حوالی اوایل اسفند ماه می‌شود. لابد وقتی کسی به عربی قصیده‌ای دارد تحت عنوان " حبست بجفنی ... " و در آنجا از " خراب بغداد " صحبت می‌کند ... و از مغول‌های کوتاه قد و خراسانی‌های همراه آنها این طور سخن به میان می‌آورد: " نسیم صبا بغداد ... " و آن وقت در باب مستعصم به زبان می‌آورد: " ایذکر فی اعلی ... " لابد باید چوب هم بخورد

مشکل این است که وجود این ابیات در این قصیده، این توهم را در ذهن تشدید می‌کند که سعدی باید قصاید مرثیه را در شیراز سروده باشد. اگر چنین باشد، برای که و به چه منظور؟ برای پادشاه ابوبکر سعد که پسرش در دربار هولاکو مقیم است و به صورت " نوا " و " گرو " به سر می‌برد ... (صص ۵۴۵-۵۴۴).

این تناقض را در يك قصیده چگونه می‌توان حل کرد؟ قصیده‌ای که مطلع آن مرثیه قتل خلیفه ۴۶ ساله است، و مقطع آن مدح اتابک، پدر و پدربزرگ یکی از همان قاتلان؟

در اینجا راه‌حل چنین به نظر می‌رسد که سعدی قسمت اصلی قصاید را در بغداد گفته و در افواه افتاده و به علت خشم فاتحان ناچار به مهاجرت شده و خود را به شیراز رسانده و در ضمن راه، چیزها بدان افزوده و برای توجیه رفتار خود، و جلوگیری از خشم ابوبکر سعد، آن ابیات مدحیه را در آخر آن گنجانده و آن را مناسب و ملایم طبع شیرازنشینان کرده است که در واقع قصایدش از بین نرود و یا به قول امروزی‌ها حرام نشود.

سعدی در زمستان این سال در بغداد بوده، ولی مطمئناً در بهار سال بعد به شیراز بازگشته است ... (ص ۵۴۷).

- بررسی تاریخی زمان بازگشت سعدی از بغداد به شیراز با استناد به آثار او (صص ۵۴۹-۵۴۸).

پاسخ به يك اشکال در قصیده سعدی: " حالا می‌آید صحبت ایراد به اینکه، آن سعدی که آن‌طور از سقوط بغداد و حمله مغول نگران بود و برای " نازنینان حرم " دلسوزی می‌کرد، چطور شد که درباره یکی از متجاوزان همان نازنینان حرم یعنی عطاملک جوینی مدح و ثنا می‌گوید؟

رفع این تناقض خیلی ساده است، این مدحیه را طبعاً سعدی چند سالی بعد از سقوط بغداد گفته، درست در آن لحظاتی که متوجه شده است، ساکنان تازه دارالخلافه، نه تنها پیوند با گذشته را قطع نکرده‌اند، بلکه در مقام عدالت و فرهنگ و ادب و تدبیر مدن، بسیاری از اصول مترقی را جانشین رسوم گذشته کرده و در واقع انقلاب را به ثمر رسانده‌اند ... " (ص ۵۵).

۱-۳. توضیح درباره ارتباط اتابکان فارس و مغولان (صص ۵۵۳-۵۵۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. برخی از متون تاریخی از جمله: جامع‌التواریخ، جهانگشای جوینی، تاریخ وصاف و ... ۲-۳. المعجم فی معاییر اشعارالعجم.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۵ بار، قصاید ۴ بار، اشعار عربی ۴ بار، بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته دکتر باستانی پاریزی بر اساس عادت علمی خود با بررسی منابع تاریخی در پی پاسخ‌گویی به تناقض در یکی دو قصیده سعدی برآمده و در ضمن آن، اوضاع اجتماعی زمان او و ارتباط اتابکان فارس و مغولان را نیز بررسی کرده است. که از نظر روشنگری تاریخی ارزش ویژه خود را دارد، اما عنوان مقاله چندان مناسب با متن مقاله نیست. تنها در پاورقی صفحه ۵۴۹ اشاره‌ای گذرا به توقف سعدی در آبادان شده است.

۴-۲. توضیحات پاورقی با یادکرد نشانی مراجع بر ارزش علمی و تحقیق مقاله افزوده است.

گردشی در بوستان ، حبیب یغمایی، آموزش و پرورش، سال چهاردهم، شماره دهم، دی ۱۳۲۲، صص ۵۲۸-۵۲۴.
چاپ‌های دیگر: ۱. ارمغان، سال بیستم، شماره ششم، شهریور ۱۳۱۸، صص ۲۵۵-۲۵۰. ۲. یغما، سال شانزدهم، شماره ششم، شهریور ۱۳۴۲، صص ۲۴۵-۲۴۱. ۳. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان"، ۱۳۶۳، صص ۳۱۵-۳۱۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به سرگذشت سعدی، مسافرت‌های او و نگارش بوستان و گلستان. (ص ۵۲۴).

۱-۲. توضیح درباره بوستان: " کتاب بوستان صرفاً اخلاقی است و اگر سعدی در گلستان حکایاتی طبیعت‌آمیز و طرب‌انگیز آورده، در پرداختن بوستان مواظبت داشته که عنان سخن را از دست نهد ... بعد از انتشار بوستان شهرت سعدی عالم‌گیر شده و مخالفین نیز به عظمت مقام او تسلیم شده‌اند ... سعدی عمر طولانی داشته، مسافرت بسیار کرده... با هر صنف و هر طبقه آمیزش داشته ... اصول علمی اخلاق و تربیت را با استدلال عقلی و نقلی و با بیانی سحرانگیز و آسمانی مخصوصاً در کتاب بوستان خود تشریح فرموده ... در این کتاب کم حجم پر مغز جذاب تمام ذقایق و اسرار روش زندگی نهفته است ... هر بیتی از آن دستوری است اخلاقی و اجتماعی که هیچ وقت کهنه نمی‌شود و همیشه در هر مورد و برای هر کس مفید و شایسته پیروی است ... (صص ۵۲۶-۵۲۵).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان (نشانی مأخذ مشخص نیست).

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۹ بار، گلستان ۳ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه با تأکید بر ارزش سخن سعدی برخی از مضامین بوستان (بدون ذکر نشانی مأخذ) باز نموده شده است که اگر برای توجه عمومی هم خالی از فایده نباشد از دیدگاه تحقیقی سخن تازه‌ای ندارد.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۵۶. ۵-۲. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۵۶-۵۵.

گردکان بر گنبد ، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۳، شنبه ۲۱ اردیبهشت ۱۳۴۷، صص ۲۳-۲۲ و ۲۹-۲۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به شخصیت علمی ادوارد براون و انتقاد او از عقیده سعدی درباره " تأثیر تربیت " (ص ۲۲).

۱-۲. نقل برخی از نظرات دکتر ناصرالدین صاحب زمانی مؤلف کتاب " روح بشر " درباره " تأثیر تربیت " از نظر سعدی و اشاره به پاسخ‌هایی که به آن نظرها داده شده است. و بیان نظر نگارنده مقاله: " سعدی، علی‌رغم " ایراد مدعیان " و " توجیه ارادتمندان " در نهایت وضوح و [بی] آنکه احتیاجی به تفسیر و تعبیر داشته باشد، تربیت افراد نامستعد را ضایع دانسته ... واز این هم تجاوز کرده، که تربیت نامستعد را به حال معلم و متعلم و اجتماع مضر دانسته ... (ص ۲۲).

۱-۳. تأیید نظر سعدی (صص ۲۲-۲۳): " در حقیقت تناقض‌گویی نتیجه طبیعی افکار پریشان و متشتت است، ولی چه کسی می‌تواند ادعا کند، مردی که با قدرتی شگفت‌انگیز در افکار و عقاید ملل فارسی زبان رسوخ یافته، فکر پریشانی داشته است ... سعدی تربیت غریب و عواطف انسانی را از تعلیم کمال و معرفت جدا کرده و اثر توارث، تربیت و محیط را توضیح نموده است. در موضوع تعلیم و آموزش، استعداد را نخستین شرط و تنها مایه کمال و معرفت دانسته است. محیط را به عنوان عامل مؤثری، برای تنظیم و تعدیل توقعات و بالنتیجه ایجاد استقامت عصبی و ظرفیت " تحمل خوبی‌ها و بدی‌ها " معرفی می‌کند و تربیت غریب و عواطف را وسیله‌ای برای ایجاد نظم و پشتکار و ادب می‌داند، در حقیقت سعدی تربیت عمومی را از تربیت اختصاصی مجزا کرده است " (صص ۲۲-۲۳).

۱-۴. توضیح و توجیه علمی نظرات سعدی و مطابقت آن با نظریه زیست‌شناسان و روان‌شناسان جدید (صص ۲۹-۲۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. " روح بشر "، دکتر ناصرالدین صاحب زمانی. ۲-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۵ بار، بوستان ۳ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. موضوع تعلیم و تربیت و تربیت‌پذیری افراد در جامعه از موضوعات بسیار شایع در سیر سعدی‌پژوهی است و پیش از انتشار این مقاله در این باره علاوه بر مقاله‌های متعدد کتاب مستقلی هم با همین موضوع پرداخته شده است (تعلیم و تربیت از نظر سعدی، محمد جناب‌زاده) با این همه توضیحات نگارنده مقاله بویژه آنچه در " ۳-۱ از مضامین اصلی " بازنویسی شد، بی‌گمان برای عده‌ای، روشنگر است. توضیحات و توجیهات علمی پایان مقاله نیز خالی از فایده نیست.

۴-۲. نشانی دقیق مأخذ و نشانی شواهد مثال از آثار سعدی مشخص نشده است.

گریز از شر ، میخائیل. ای. زند، برگرفته شده از کتاب " نور و ظلمت در تاریخ ادبیات ایران "، ترجمه ح. اسدیور پیرانفر، انتشارات پیام، ۱۳۵۱، صص ۱۵۵-۱۵۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به تولد، زندگی، مسافرت‌ها و تحصیلات سعدی (صص ۱۵۱-۱۵۰).

۱-۲. توضیح درباره بوستان و گلستان. و برخی موضوعات متناقض در آنها و توضیح درباره این موارد متناقض (صص ۱۵۳-۱۵۱)، از جمله: " ... در بوستان به دنبال فصلی در عدالت و مناعت، فصولی در باب خضوع و خشوع، اطاعت، تسلیم به سرنوشت و رضا به قضا، توبه و پشیمانی می‌آید. دو فصل نخست در درجه اول خطاب به صاحبان قدرت است و دیگر فصول، در درجه اول چنین نیستند. در گلستان به دنبال داستان‌هایی در ستایش فقر و قناعت و اجتناب از هرزگی و شادخواری، داستان‌هایی در شرح رفتار مذموم فرودستان آورده

می‌شود... ستایش اراده انسان به عمل، نصیحت به تسلیم و رضا در برابر سرنوشت محتوم و مقدر را به دنبال می‌آورد، ادعای انسان‌دوستانه تساوی انسان‌ها - به دلیل این " که در آفرینش ز یک گوهرند " - با قبول اینکه جامعه بشر از ازل تا به ابد به فرادست و فرودست تقسیم شده است و نصیحت به فرودستان که با این سرنوشت بسازند و هرگز از در " نبرد با شیران " در نیابند، حالت ضد و نقیض پیدا می‌کند (ص ۱۵۲)... برای سعدی، این گونه اخلاقیات ناهمگن، یک کل زنده و فعال بود... این عقل معاش بود که شاعر از کشاکش‌های مختلف تجربه کرده بود و آن را لب حقیقت زندگی می‌دانست.

اگر ما به عنوان مثال، از این نظرگاه، مسئله ارتباط متقابل بین ستمگران و ستمکشان را بیازماییم، ضد و نقیض ظاهری به صورت یک نظام منطقی در می‌آید (ص ۱۵۳).

جوانب زیادی از مفاهیم اخلاقی سعدی، همراه با شرایطی که آن مفاهیم را به وجود آورد و تشویق کرد به گذشته سپرده شده است، و کاملاً می‌توان انتظار داشت که با اعتراض شدید ادبیات معاصر فارسی... روبه‌رو گردند. ولی سعدی شاعر کسی نیست که بتوان او را به صفحات تاریک راند. در ضمن وجین کردن علف‌های هرزه فرصت‌طلبی او، تا ابد دانه‌های طلایی عقل معاش اصیل او را پرورش خواهیم داد، و از سخنان موجز او، از ظرافت طبع و روانی سبک منثور مرصع او، استادی هنرمندانه در مینیاتورهای او، که آن همه نتایج پرشور و مؤثر را در چند سطر نشان می‌دهند، و هر قهرمان را با وضوح نمایش می‌دهند، دلشاد خواهیم شد. بالاخره اینکه سعدی را به خاطر آثار غنایی او، غزل‌های ظریف و ملایم او، مدت‌های دراز به خاطر خواهیم داشت. غزل او درباره کاروانی که به سرزمین‌های دوردست سفر می‌کنند و بار او را با خود می‌برند، در شمار بهترین آثار غنایی ادبیات جهان به شمار می‌روند. " (ص ۱۵۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱۰ بار، بوستان ۳ بار، غزلیات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخشی کوتاه از کتاب " نور و ظلمت در تاریخ ادبیات ایران " نوشته میخائیل. ای. زند است. در این کتاب ادبیات گذشته ایران بررسی شده و ویژگی‌های مثبت و منفی آن، از دیدگاه یک نویسنده روسی نموده شده است.
نگارنده با اشاره به برخی از تناقضات در حکایت‌های گلستان و بوستان آنها را پاسخ و خواننده را به اوضاع اجتماعی زمان سعدی توجه داده است. سعدی در نظر میخائیل زند در روشنی است و برخی از آثار او از بهترین آثار غنایی جهان به شمار آمده است. اما ترجمه کتاب می‌توانست با نثری بسامان‌تر و آراسته‌تر هم صورت پذیرد.

گزارشی کوتاه از کنگره بزرگداشت هشت صدمین سال تولد سعدی، رشد ادب فارسی، شماره ۱، بهار ۱۳۶۴، ص ۳۹

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. گزارش کوتاه برخی از اقداماتی که برای بزرگداشت هشت صدمین سال تولد سعدی، در سال ۱۳۶۳، در ایران، پاکستان، هند و بنگلادش صورت پذیرفته است:
تشکیل کنگره و ایراد سخنرانی در شیراز، تشکیل نمایشگاه آثار خطی خوشنویسان معاصر ایرانی در لاهور پاکستان، چاپ و انتشار گلستان سعدی با ترجمه از سوی مرکز تحقیقات ایران و پاکستان در اسلام‌آباد، برگزاری جلسات سخنرانی در دهلی‌نو و برگزاری سمینار بزرگداشت سعدی در داکا (ص ۳۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته تنها گزارش کوتاه برخی از اقداماتی است که برای بزرگداشت هشت صدمین سال تولد سعدی، در سال ۱۳۶۳ در برخی از کشورها انجام گرفته است.

گزیده قصاید سعدی، احمد احمدی بیرجندی، آینه پژوهش، سال سوم، شماره اول و دوم، خرداد و شهریور ۱۳۷۱، صص ۸۰-۷۷

۱. مضامین اصلی: * این نوشته بررسی و نقد کتاب " گزیده قصاید سعدی " است به انتخاب و شرح جعفر شعار و مقدمه دکتر حسن انوری، (چاپ اول، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۹).

۱-۱. نقل دو نظر متفاوت درباره تلخیص و گزینش شاهکارهای ادبی و هنری (ص ۷۷).
۱-۲. معرفی مطالب کتاب " گزیده قصاید سعدی " و نقد بخش دوم کتاب که در برگزیده قصاید و توضیحات است. منتقد به ۲۰ مورد اشاره کرده است. از جمله: " در بخش دوم به چند نکته جزئی برخورد کردم که به نظر من بنده ناصواب نمود. فکر کردم باز گفتن آنها، شاید مفید باشد... "

- در صفحه ۹۲، سطر ۱۷ - " مُلکِ یَمین " به ضم "م" آمده است. ظاهراً صحیح آن " ملکِ یَمین " یا مَلِکِ یَمین " باشد (رک، منتهی‌الارب، ذیل ملک)...

- در صفحه ۱۲۶ - در توجیه این بیت: وقت آن است که داماد گل از حجله غیب - به درآید که درختان همه کردند نثار، شارح آورده است: حجله: اتاق آراسته برای عروس و داماد - " عالم‌غیب " به حجله که دور از نظرهاست و درختان به عروس تشبیه شده است. ظاهراً " حجله غیب " در این بیت، کنایه از غنچه است، که داماد گل به موقع است که از حجله خارج شود و بشکفتد. زیرا که درختان و شکوفه‌های بهاری در مقدم و قدوم او گلبرگ‌های خود را [که همچون سکه‌های سفید و زرد است] نثار می‌کنند...
- در صفحه ۱۲۸ توضیح بیت ۴۰ آمده است، ولی از بیت مورد نظر خبری و اثری نیست: لایب بعدها حذف شده است...
- باغ پیروزی یا باغ فیروزی یا بستان فیروزی نام یکی از باغهای شیراز بوده است... این توضیح در صفحه ۱۱۰ این کتاب آمده است. مجدداً در صفحه ۱۸۹، شارح نوشته است: باغ فیروزی: باغ معروف در غزنین در زمان سلطان محمود و در این‌جا نمادگونه به کار رفته است. ظاهراً همان توضیح صفحه ۱۱۰ درست می‌نماید... " (ص ۷۸-۸۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، ۱۳۶۹.
۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۲۳ بار (همه مقاله درباره قصاید است)، غزلیات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته با تأکید بر سودمندی کتاب " گزیده قصاید سعدی " به بررسی و نقد آن کتاب پرداخته و ۲۰ مورد از اشکالات آن را باز نموده است. نقد و بررسی آثار چاپ شده از اموری است که برای روشنگری و داوری درست جامعه ادبی بسیار سودمند است و بیشتر اشکالاتی را که منتقد بر کتاب مورد نظر وارد آورده، درست است اما برخی از آنها در محل تأمل است، از جمله: در ص ۷۹ نوشته‌اند: " ۶- در صفحه ۱۲۸ توضیح بیت ۴۰ آمده است، ولی از بیت مورد نظر خبری و اثری نیست: لایب بعدها حذف شده است... "

در صورتی که بیت مذکور حذف نشده و در صفحه ۱۲۵ (حیف از این عمر گرنامه‌ی که در لغو برفت - یارب از هر چه خطا رفت هزار استغفار) در جایگاه شماره ۴۰، آمده است. اشکال در این است که شارح ابتدای بیت را با "حیف از این" ضبط کرده ولی در توضیحات "حیذا مربوط به نسخه بدل را توضیح داده است.

"در ص ۸۰ (مورد ۱۸) شارح درباره بیت "سخن دراز مکن، سعدیا و کوته کن - چو روزگار به پیرانه سر به رعناپی" نوشته‌اند: "بیت تعقید لفظی دارد. و منتقد نوشته‌اند: "به نظر می‌رسد که در بیت تعقیدی نیست. زیرا اگر آن را به صورت نثر درآوریم، چنین می‌شود: ای سعدی سخن را مانند روزگار [عمر] به پیرانه سر دراز مکن، بلکه آن را به رعناپی [و زیبای] کوتاه کن". همان‌گونه که دیده می‌شود، بیت با هر توجیهی دچار تعقید لفظی است و توضیح منتقد نیز چیزی از تعقید بیت نمی‌کاهد.

گشت و گذاری در گلستان، دکتر محمد غلامرضایی، یغمای سی و دوم (بادنامه حبیب یغمایی) گردآوری ایرج افشار، با همکاری قدرت‌الله روشنی، تهران، ۱۳۷۰، صص ۱۳۰-۱۲۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بررسی برخی از ویژگی‌های صوری گلستان:

- سادگی و روانی نثر و طبیعی بودن سجعها (صص ۱۲۱-۱۲۰).
- استفاده از ترکیبات و اصطلاحات عامیانه (صص ۱۲۲-۱۲۱).
- استعداد خدادادی و طبع روان سعدی در نویسندگی (صص ۱۲۲).
- بهره‌گیری از متون پیش از خود (صص ۱۲۲-۱۲۳).
- بهره‌گیری از قرآن و حدیث (صص ۱۲۳).

۱-۲. بررسی ویژگی‌های معنوی گلستان و تأکید بر اندیشه عام و جهان شمول سعدی در این اثر ارزشمند و مضامینی چون ظلم‌ستیزی، انسان‌دوستی (صص ۱۲۹-۱۲۴) با این نتیجه‌گیری: "سعدی با نظری تیزبین و با دید جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مردم‌شناسی ماهر و نکته‌سنج، هیچ گوشه‌ای و زاویه‌ای از زوایای زندگی مردم را از نظر دور نداشته و در استعمال الفاظ و ترکیبات و تمثیلات و مضامین از زندگی مردم روزگار خویش الهام گرفته است و نکاتی که در گلستان، در زمینه‌های مختلف بیان کرده است، همه دلیلی روشن و برهانی قاطع است بر این مدعا و هر کس بخواهد به وسعت و عمق این مسائل پی ببرد، او را چاره‌ای نیست جز آنکه به آثار سعدی مراجعه کند" (صص ۱۲۹).

۲. منابع اصلی: ۳-۱. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی، امیر کبیر، ۱۳۵۷.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۱۷ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله ویژگی‌های گلستان را با نقل نمونه‌هایی، همراه با ذکر نشانی مآخذ، بررسی کرده اما سخن تازه‌ای در آن مطرح نشده است و در همین باره در آغاز "یادداشت‌ها" در ص ۱۲۹، آمده است: "اگر مطالب تکراری است و نکته‌ای تازه ندارد. بدان سبب است که در باب سعدی سخن فراوان گفته‌اند و هیچ نکته‌ای را نگفته نگذاشته‌اند ... اما سخن از سعدی گفتن اگر تکراری هم باشد خالی از لطف نیست".

گفتم، گفت، امین فصحتی "سینا"، روزنامه خبر (نگاه پنجشنبه)، پنجشنبه ۱۶ اسفند ۱۳۷۵، ص ۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به مقاله "جدال مدعی با سعدی" از محمدمهدی مدرس (روزنامه خبر، ۲ اسفند، ۱۳۷۵) و بازویسی آن مقاله به صورت گفت‌وگوی خیالی دو نفره.

۲. منابع اصلی: ۲-۱. جدال مدعی با سعدی، محمدمهدی مدرس، روزنامه خبر، ۲ اسفند ۱۳۷۵.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بازویسی مقاله یادشده در بخش مضامین اصلی است که به گونه گفتگوی خیالی دو نفره پرداخته شده و سخن تازه‌ای در آن نیست.

گفتگویی کوتاه درباره زبان سعدی و پیوند آن با زندگی، محمدجعفر محجوب، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۴۷-۲۲۸.

چاپ‌های دیگر: ۱. نگین، سال ششم، شماره ۷۲، اردیبهشت ۱۳۵۰، صص ۱۶-۱۱ (با عنوان "زبان سعدی و پیوند آن با زندگی"). ۲. ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - چاپ آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۲۲-۵۸۷، با عنوان "زبان سعدی و پیوند آن با زندگی" و با افزودن نزدیک به ۱۰۰ مثال دیگر از بوستان سعدی برای شاهد مثال. ۳. کتاب "متون ادب فارسی"، سال چهارم دبیرستان، ۱۳۶۳، صص ۶۶-۶۱. ۴. آثار سعدی در کتاب‌های درسی جمهوری اسلامی ایران، وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۶۳، صص ۲۴-۲۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بیان برتری مقام سعدی در نثر و شعر بر دیگر سخنوران زبان پارسی (صص ۲۲۸).

۱-۲. یادآوری و تأکید بخشی از نوشته محمدعلی فروغی درباره سخن سعدی در مقدمه گلستان: "سعدی هفتصد سال پیش به زبان امروزی ما سخن نگفته است، بلکه پس از هفتصد سال ما به زبانی که از سعدی آموخته‌ایم، سخن می‌گوییم." (صص ۲۲۹).

۱-۳. توضیحی درباره نثر مرسل و نثر فنی و ویژگی‌های این دوگونه نثر و امتیاز سعدی در این میدان: "نخستین کسی که توانست در نثرنویسی، سادگی را با صنعت‌گری درآمیزد، و از هر یک به اندازه لازم سود جوید و به راه افراط یا تفریط نرود، شیخ اجل سعدی است ... سر توفیق عظیم گلستان نیز در همین نکته، یعنی آمیختن دو شیوه و رعایت حد اعتدال در صنعتگری و اقدام بدان تا حدی که به سادگی و قابل فهم بودن نثر لطمه نزند، نهفته است ... تنها کسی که در تقلید از شیوه نگارش سعدی تا حدی توفیق یافت و بدان نزدیک شد، میرزا ابوالقاسم قائم‌مقام‌فراهانی است ... که توجه عمیق و دایمی وی همواره به روح زبان شیخ و دریافتن راز توفیق وی معطوف بوده و آن را دریافته." (صص ۲۳۵-۲۳۰).

۱-۴. بیان دلیل ناکامی دیگر مقلدان گلستان سعدی که تنها به صورت گلستان و روش تنظیم و تبویب آن توجه کرده‌اند و نه به روح زبان سعدی (صص ۲۳۶-۲۳۵).

۱-۵. مقایسه گلستان سعدی با مقامات حمیدی و بیان وجوه برتری گلستان بر مقامات. یکی از رموز جاودانگی گلستان این است که "سعدی علاوه بر داشتن زبان فصیح و بیان شیوا، که در باب آن قرن‌هاست سخن گفته‌اند، به آنچه در زندگانی روزانه مردم اتفاق می‌افتد توجهی عمیق داشته و با الهام گرفتن از آنها شعر و نثر خود را رنگارنگ و متنوع و دلپذیر و زنده ساخته است" (صص ۲۳۹-۲۳۷).

۱-۶. شرح کوتاهی از سیر ساده‌نویسی در دوره معاصر و اشاره به نقش سعدی: "ظاهراً میراث سعدی با اهتمام این نویسندگان پاسداری شده و به فرزندان عصر مشروطیت انتقال یافته و زبان امروز ما را بنیان نهاده‌است" (صص ۳۴۷-۳۴۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی تصحیح فروغی. ۲-۲. لب‌الالباب عوفی تصحیح سعید نفیسی. ۲-۳. مقامات حمیدی. ۲-۴. منشآت قائم مقام.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۷ بار، گلستان ۴ بار، قصاید ۴ بار، بوستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. تطویل کلام، نداشتن نشانی ابیات شاهد و پرداختن به حواشی غیر مفید، از جمله بخش پایانی مقاله که درباره نثر معاصر است، مقاله را از شکل علمی خود خارج کرده است.

۴-۲. نویسنده که بر نقش کار خویش آگاه بوده، با فروتنی و شهامت نوشته است: "مطالبی که در این مختصر به عرض رسید، فقط در آمدی است، برای بیان این مطلب ... برای تحقیق در این مطلب و اثبات میزان و کم و کیف آن، کاری دقیق و دشوار و طولانی لازم است" (ص ۳۴۳). برای تحقیق دقیق و علمی در این باب به فرصت طولانی‌تر و دقت بیشتر و گردآوری اسناد و مذاقه فراوان نیاز دارد، که هیچ یک از آنها برای بنده در فرصتی کوتاه، که برای بحث در این موضوع تعیین شده بود، مقدور و میسر نبوده است ... (ص ۳۴۷).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. فولکلور و گلستان سعدی، صادق همایونی، یازده مقاله در زمینه فرهنگ عامه، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس، آبان ۱۳۵۶، ص ۱۰۲. ۵-۲. سعدی و فلسفه زندگی، دکتر حیدر رقابی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، صص ۱۲۷، ۱۵۷. ۵-۳. نظری به شخصیت سعدی و بعضی عوامل مؤثر در آن، محمود صناعی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، ص ۵۸۶. ۵-۴. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۰-۶۱. ۵-۵. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۰-۶۱. ۵-۶. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۶۷. ۵-۷. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۴۰. ۵-۸. سعدی - حافظ، دکتر محمدجعفر محجوب، یغما، سال بیست و چهارم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۰، شماره مسلسل ۲۷۵، ص ۲۹۳.

گلچینی از سعدی و حافظ، هاشم اعتماد سرابی، راهنمای کتاب، شماره هفتم، مهر ۱۳۴۱، صص ۶۵۱-۶۵۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب "گلچینی از سعدی و حافظ" که به قطع جیبی به سعی و اهتمام حسین کوهی کرمانی با خط و کاغذ خوب به چاپ رسیده و یادآوری چند اشتباه در کتاب یاد شده که همه در حد جابه‌جایی نقطه و اشتباه در حرکت‌گذاری است (صص ۶۵۲-۶۵۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلچینی از سعدی و حافظ، حسین کوهی کرمانی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۹ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه تنها نه مورد از خطاهای نقطه‌گذاری و حرکت‌گذاری در کتاب "گلچینی از سعدی و حافظ" باز نموده شده است که در همه موارد حق به نگارنده مقاله است.

گلزار همیشه بهار، کنتس دونو آبی، ترجمه شجاع‌الدین شفا، اطلاعات ماهانه، شماره ۱۱۲، مرداد ۱۳۳۶، صص ۱۸-۱۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح مترجم درباره "کنتس دونو آبی" و مقدمه ارزشمند او بر ترجمه گلستان "از فرانتس توسن" (ص ۱۶).

۱-۲. ترجمه قسمتی از مقدمه یاد شده، که دربر دارنده مطالب زیر است:

- توضیح درباره کودکی، تحصیلات و مسافرت‌ها و آثار ارزشمند سعدی (صص ۱۷-۱۶).

۱-۳. اشاره به دوران پایانی زندگانی سعدی و زیبایی‌های شهر شیراز (ص ۱۸).

۱-۴. اظهار شیفتگی و علاقه‌مندی به سعدی با تأکید بر این موضوع که زبان فرانسه با همه توانایی، قدرت آن را ندارد که همه زیبایی‌های سخن سعدی را بیان کند: "ای سعدی بوستان‌نشین، امشب من فقط به یاد تو هستم، زیرا که از سالیان کودکی، خویش را شریک رؤیاهای شاعرانه و سحرآمیز تو می‌دیدم. چنان آسمان لاجوردین را دوست داشتم که صفای آن در جزء جزء ذرات وجودم راه یافت و دلم را فیروزه‌گون کرد.

سعدیا، تا دلی در دنیا می‌تپد و تا نگاهی از شیفتگی به نگاهی دوخته می‌شود، تو با مردمان جهان راز عشق و هوس‌خواهی گفت: پربشان‌دلان را آرام‌خواهی کرد و تنگ‌چشمان را بخشندگی‌خواهی آموخت ... و ما با خواندن قطعات زیبا و لطیف و روح‌پرور تو، خواهیم توانست به پیروی از شاعره سخن‌سنج خویش "مارسلین دبردوالمور" بگوییم: "بیا و عطر آن گل‌ها را از دامن من بیوی". زبان فرانسه ما، با همه کمال خود، قدرت آن را ندارد که زیبایی سخن تو، و عمق آن را کاملاً منعکس کند. ولی عطر پنهان این سخن، از خلال ترجمه کلام تو به مشام همه می‌رسد ... (ص ۱۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان، ترجمه فرانتس توسن.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۷ بار، بوستان ۴ بار، غزلیات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخشی از مقدمه گسترده‌ای است که خانم "کنتس دونو آبی"، شاعر نامدار فرانسه، بر ترجمه "فرانتس توسن" از گلستان سعدی، نوشته است.

برخی از مطالبی که در این مقدمه درباره زندگی سعدی نوشته شده، مطالبی غیرمعتبر و ساختگی است، مثلاً نوشته‌اند: "... برای این سفر پولی نداشت، و همین وادارش کرد که در قسطنطنیه خرابانی [!] و در بیت‌المقدس سقایی و در طرابلس به کار عملگی پردازد" (ص ۱۶). یا اینکه نوشته‌اند: "یک روز با او از چنگیزخان و فتوحاتش سخن می‌گفتند، سعدی گفت: "مردی بلندآوازه بود، ولی آیا زیبایی گل‌های سرخ را نیز می‌فهمید؟" (ص ۱۷).

با وجود آنچه گفته شد، این مقدمه دربر دارنده مطالب ارزنده‌ای، بویژه برای مخاطبان فرانسوی است. و شیفتگی همراه با احترام نویسنده نسبت به سعدی، نشان‌دهنده میزان نفوذ آثار سعدی در فرهنگ‌ها و زبان‌های دیگر است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. شیراز، شهر جاویدان، علی سامی، ص ۲۴۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره ارزش ادبی گلستان و تأکید بر شیوایی و زیبایی بیان در این اثر (صص ۲۹-۳۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۴ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه که بخشی از یک مقاله است تنها تأکیدی بر ارزش‌های ادبی گلستان شده و هیچ سخن تازه‌ای بیان نشده است.

گلستان باقی، ستار معلم، روزنامه کیهان، چهارشنبه ۱۵ دی ۱۳۷۲، ص ۱۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بررسی کوتاه انگیزه‌های نویسندگان چهار کتاب زیر در پرداختن به موضوع اخلاق: سیرالملوک، قابوس‌نامه، گلستان و انیس‌الناس.
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. سیرالملوک، قابوس‌نامه، گلستان و انیس‌الناس (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه سخن تازه‌ای درباره سعدی مطرح نشده است.

گلستان سعدی، با تفسیر غلامحسین آذری‌مهر، (بخش نخست)، فروهر، سال بیست و پنجم، شماره ۱ و ۲، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۹، صص ۳۶-۴۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. پیش‌گفتار (صص ۳۶-۳۸).
- توضیح درباره حکایت‌های گلستان سعدی و چگونگی پیوند جمله‌های عربی و اشعار با عبارتهای فارسی در این حکایت‌ها (ص ۳۶).
- توضیح درباره روش کار در نوشته حاضر، از جمله: "غرض از تفسیر و بحث پیرامون حکایات گلستان همانا برآورد معنوی و رسیدن به نتایج حاصل از حکایت می‌باشد، که با توجه به ارزش‌های روز جامعه نوین بررسی و مورد مطالعه قرار گیرند ...".
- کوشش لازم به عمل آمده که دانش‌آموز جوان نسبت به حکایات احساس غرابت ننماید. الفتی بین خواننده و نویسنده برقرار شود. خواننده خود را در کنار سعدی و مفسر بنگرد و درباره مردان حکایات اندیشه کند. حسن دیگری که در این مجموعه مورد نظر قرار گرفت این است که جوانان داستان‌هایی از مناطقی گمشده و زمانی دور ممزوج با کلمات عربی و خشک به گوش نمی‌گیرند، بلکه سعدی را در جمع خویش تصور می‌کنند، با شخصیت، قدرت و اندیشه او آشنا می‌شوند، محبت او را به دل می‌گیرند ... " (ص ۳۷).
- ۱-۲. گفتاری زیر عنوان "مختصری در احوال شیخ سعدی و چگونگی سخن او" از محمدعلی فروغی (صص ۳۸-۴۰)، این گفتار همان مقدمه‌ای است که مرحوم فروغی بر نسخه‌ای از گلستان سعدی که در سال ۱۳۱۹ برای استفاده دانش‌آموزان منتشر کرده بود، نوشته است. (رک. گلستان برای دبیرستان‌ها، محمدعلی فروغی، ۱۳۱۹).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱۷ بار، بوستان ۵ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله است، برای اشاره رک. بخش پایانی مقاله.

گلستان سعدی، با تفسیر غلامحسین آذری‌مهر، (بخش دوم)، فروهر، سال بیست و پنجم، شماره ۲ و ۳، خرداد و تیر ۱۳۶۹، صص ۳۹-۴۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. دنباله بخش اول مقاله و ادامه نوشته محمدعلی فروغی که با عنوان "مختصری در احوال شیخ سعدی ... در مقدمه گلستان (۱۳۱۹) به چاپ رسیده است (صص ۳۹-۴۰).
- ۱-۲. نقل بخش نخست دیباچه گلستان (صص ۴۰-۴۱).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بخشی از دیباچه گلستان است.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته، بخش دوم مقاله و تنها نقل بخش دوم نوشته محمدعلی فروغی و بخش نخست دیباچه گلستان است، بدون آنکه توضیحی داده شود. برای اشاره، رک. بخش پایانی مقاله.

گلستان سعدی، با تفسیر غلامحسین آذری‌مهر، (بخش سوم)، فروهر، سال بیست و پنجم، شماره ۵ و ۶، مرداد و شهریور ۱۳۶۹، صص ۲۴-۳۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ادامه بخش دوم مقاله و نقل دنباله دیباچه گلستان (صص ۳۱-۳۳).
- ۱-۲. نقل حکایت نخست از باب اول گلستان و توضیحی کوتاه درباره آن، زیر عنوان "تفسیر": "نتیجه اخلاقی ناشی از این حکایت قابل گفتگو و بحث بسیار است. نظر سعدی این است که ارزشیابی کلام دروغ یا راست در رابطه با نتیجه اخلاقی است که از آن گفته حاصل می‌شود. اساتید اخلاق این گفته را قبول ندارند ... روح داستان می‌رساند که سعدی، به همراهی پادشاه در حکایت از ادای دروغ مزبور راضی است. حتی سعدی وزیر دوم را به ضدیت و احتمالاً حسادت به وزیر اول محکوم می‌کند" (ص ۳۴).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. همه نوشته، متن دیباچه و حکایتی از باب اول گلستان است.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته، بخش سوم مقاله است، برای اشاره رک. بخش پایانی مقاله.

گلستان سعدی، با تفسیر غلامحسین آذری‌مهر، (بخش چهارم)، فروهر، سال بیست و پنجم، شماره ۷ و ۸، مهر و آبان ۱۳۶۹، صص ۲۶-۲۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل پنج حکایت از حکایتهای آغازین باب اول گلستان با توضیح کوتاهی در پایان هر حکایت زیر عنوان " تفسیر " (صص ۲۹-۳۶).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۵ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش چهارم مقاله است. برای اشاره، رک. بخش پایانی مقاله.

گلستان سعدی ، با تفسیر غلامحسین آذری‌مهر، (بخش پنجم)، فروهر، سال بیست و پنجم، شماره ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۶۹، صص ۴۵-۴۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل پنج حکایت از باب اول گلستان با توضیح کوتاهی در پایان هر حکایت، زیر عنوان " تفسیر " (صص ۴۵-۴۴).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۵ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته که در پنج شماره پی در پی از مجله " فروهر " به چاپ رسیده و دنباله آن پی گرفته نشده، با هدف نقل متن گلستان و توضیح درباره مضمون حکایتهای آن پرداخته شده است. به نظر می‌رسد این نوشته، بخش آغازین یک کتاب باشد، اما هیچ مشخصاتی از آن کتاب در این نوشته بیان نشده و این بنده نیز تا این تاریخ از آن کتاب بی‌خبر است. در بخش نخست، که شامل پیش‌گفتار و مقدمه مرحوم محمدعلی فروغی است، برارزش سخن سعدی و شخصیت والای او تأکید شده، و دربردارنده هیچ سخن تازه‌ای نیست. عنوان نوشته (گلستان سعدی با تفسیر غلامحسین آذری‌مهر)، انتظاری فراتر از متن نوشته، ایجاد می‌کند. اما در متن جز توضیحات کوتاه پایان حکایتهای، تفسیری به چشم نمی‌خورد. با آنکه همه متن دیباچه گلستان نقل شده، حتی یک کلمه هم درباره آن نوشته نشده است. برخی از توضیحاتی هم که در پایان حکایتهای آمده محل تأمل است، به عنوان مثال، در توضیح حکایت اول آمده است: " نتیجه اخلاقی ناشی از این حکایت قابل گفتگو و بحث بسیار است. نظر سعدی این است که ارزشیابی کلام دروغ یا راست در رابطه با نتیجه اخلاقی است که از آن گفته حاصل می‌شود. اساتید اخلاق این گفته را قبول ندارند ... " (ص ۳۴). درباره جمله " دروغی مصلحت‌آمیز به که راستی فتنه‌انگیز " نوشته‌های فراوانی پدید آمده است (رک. فهرست مقاله‌ها در همین مجموعه). اما اینکه " اساتید اخلاق این گفته را قبول ندارند "، سخنی غیر علمی و بی‌سند است. معلوم نیست منظور از " اساتید اخلاق " کدام یک از استادان اخلاق هستند! همچنین درباره حکایت " یکی از ملوک خراسان ... " نوشته‌اند: " حکایت می‌رساند که پادشاهان و مسؤولین مشاغل به حوزه فرماندهی خود علاقه‌مندند. تا جایی که پس از مرگ هم به نیک و بد ملک و حوزه مسؤولیتشان چشم دارند. تعبیر درویش از خواب مزبور ظرافت دارد، لکن اعتبار آن موجه نیست ... " (بخش چهارم - ص ۲۶). چنانچه برای تفسیر این حکایت روشن، درباره اعتبار تعبیر خواب و درستی و نادرستی آن سخن گفته شود، چیزی جز فاصله گرفتن از باورها و هدف‌های سعدی نیست. - به یکی دیگر از توضیحات سطحی این نوشته که به عنوان " تفسیر " بر حکایت پنجم از باب اول (سرهنگ‌زاده‌ای را بر در سراي ...) نگاشته شده نظر می‌افکنیم: " سرهنگ‌زاده نمی‌داند که با حسود چه کند. او تنها نیست، زیرا دیگران هم نمی‌دانند. حسادت هم مانند محبت، کینه، نفرت، یکی از عواطف انسانی است. در بعضی‌ها بسیار وجود دارد. به هر جهت صفت خوبی نیست ... " (بخش چهارم - ص ۲۹).

گلستان سعدی ، دکتر حسین خطیبی، برگرفته شده از کتاب " فن نثر در ادب پارسی "، انتشارات زوار، ۱۳۶۶، صص ۶۲۲-۵۹۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. گفتاری زیر عنوان " گلستان و مقامات " با اشاره به تأثیر مقامات در نثر فارسی و بررسی گلستان سعدی از این دیدگاه: " تأثیر غیرمستقیم این فن [مقامه‌نویسی] در ادبیات منثور زبان فارسی قرن‌ها دوام یافت و نویسندگان بسیاری در شیوه نگارش خود، آن را سرمشق قرار داده و تا آنجا که با طبیعت زبان فارسی سازگار بود، از آن پیروی کرده‌اند. یک نمونه بارز این توجه - و نه تقلید - گلستان سعدی و کتب دیگری است که به پیروی از آن، در ادوار بعد نوشته شد که هر چند نام مقامات نداشت، اما نشانی از آن داشت و این نکته‌ای است که بسیاری از منقدان قدیم و جدید نیز آن را پذیرفته و گلستان را در شیوه انشا، نوعی مقامات به حساب آورده‌اند. شیخ در گلستان، ناهماهنگی و عدم تناسبی را که مقامات با زبان فارسی، از جهت معنی و مضمون با لفظ و ترکیب داشت، رها ساخته و کتاب خود را به گونه‌ای پرداخته است که با حفظ هدف اصلی این فن، نموداری تمام‌عیار از نثر فنی مرسل باشد و به عبارت دیگر، آراستگی لفظی را با توالی و پیوستگی معنی به هم ببیوندد و نمونه نثری به اسلوب سهل و ممتنع، چنانچه در اشعار او می‌بینیم، ارائه دهد ... " (صص ۶۰۰-۵۹۹).
- ۱-۲. یادکرد وجوه اشتراک گلستان و مقامات (صص ۶۰۱-۶۰۰).
- ۱-۳. یادکرد وجوه اختلاف گلستان و مقامات (ص ۶۰۲).
- ۱-۴. بررسی مختصات لفظی و بدیعی گلستان - با توضیح درباره نثر فنی و نثر مرسل و تأکید بر " نثر فنی و مرسل " گلستان به عنوان یک استثنا: " ... نثر فنی نمی‌تواند با ارسال و اطلاق معنی هماهنگ و به تعبیر مشهور، مرسل باشد، چنانکه نثر مرسل نیز با رعایت شرایط و مختصاتی که بدان اشاره شد، نمی‌تواند به سبک فنی گرایش داشته باشد، زیرا آن یک ناگزیر طریق اطناب می‌سپرد و این یک ناچار به راه مساوات می‌رود و در پاره‌ای از موارد به اقتضای موضوع، به ایجاز می‌گراید. دو راهی که روی به دو سوی مختلف دارد و در کمتر موردی ممکن است به هم ببیوندد. با این همه، گلستان سعدی را می‌توان - در قسمت‌هایی از آن - استثنایی بر این اصل کلی دانست ... بسیاری از قطعات و حکایاتی که بیشتر به طریق مساوات و گاه به شیوه ایجاز در این کتاب آمده است، نمونه‌هایی شاخص از نثر فنی به شمار می‌آید، زیرا در عین آنکه در آن لفظ با روشنی و رسایی بیانگر معنی است، با الفاظ و کلمات دیگر متجانس و هماهنگ نیز هست ... (ص ۶۰۳). واژه‌های عربی که در نثر این کتاب به کار رفته، هیچ گاه از حدود لغات مستعمل و شناخته شده، فراتر نرفته است ... در بیشتر حکایات و قطعات نثر این کتاب، هر چند عبارات به صورت قرآینی متقابل انشا شده که معمولاً به سجع یا توازن پایان می‌پذیرد، لیکن رشته معنی هیچ گاه از هم نمی‌گسلد و با تسلسل و توالی پیش می‌رود ... (ص ۶۰۴).

دیگر از مختصات نثر گلستان جمل قصار است ... قسمتی از این گونه جمل بر اثر اختصار و کوتاهی و روانی و سهولت لفظ و کلیت و شمول معنی و نیز تناسب آهنگ و رعایت سجع یا توازن و ازدواج، امروز در السنه خواص و گاه در زبان عوام به صورت امثله سایره جاری است ... (ص ۶۰۶).

سعدی در واژه‌گزینی به صنایع لفظی و بدیعی تمایل و توجه خاص دارد، لیکن نه به صورتی که مانند دیگر دشوارنویسان زمان خود، جانب لفظ را بر معنی مقدم داشته و رشته کلام را با تکلف به مناسبات لفظی بکشاند ... (ص ۶۰۹).

نثر گلستان، در مقام مقایسه با دیگر آثار نثر مصنوع این دوره، از حیث کیفیت درج اشعار نیز روشی ممتاز و مشخص دارد. شاید کمتر اثری بتوان یافت و در اسلوب نثرنویسان این دوره و حتی ادوار بعد، کمتر موردی بتوان جست که در آن شعر و نثر با این تمامی و تناسب به هم پیوسته باشد ... " (ص ۶۱۳).

- بررسی مختصات درج و تضمین شعر در سبک گلستان (صص ۶۱۴-۶۱۳).

۱-۵. بررسی مختصات معنوی گلستان، از جمله: " معنی در سبک گلستان، در عین آنکه با الفاظ برگزیده و زیبا بیان می‌شود، روشن و رساست. نمونه بارز مفهوم فصاحت و بلاغت را به گونه‌ای که در علم معانی و بیان از آن تعبیر کرده‌اند، در این کتاب به تمام و کمال می‌توان دید و شناخت ... رعایت این تناسب دقیق [تناسب لفظ و معنی] موجب می‌آید که در نثر گلستان، تعبیرات و ترکیبات دشواری که در متون فنی متکلف، بیشتر برای پوشش ضعف و سستی معنی به کار می‌رود، دیده نشود و به عبارت دیگر، فقر معنی با غنای لفظ پوشیده نگردد ... در نثر گلستان، معانی با نظم و ترتیب منطقی و عقلی و مانند حلقات زنجیری به هم پیوسته و هر قطعه با قطعات قبل و بعد خود، در لفظ و معنی مرتبط است ... نویسنده به شیوه‌ای سهل و ممتنع، نهایت هنر خود را برای پی‌گیری معنی مقصود به کار می‌برد ... موضوع گلستان عبارت است از ابوابی مستقل در معانی مختلف، مشتمل بر حکایاتی کوتاه ... گاه نیز موضوع حکایت با عنوان بابی که در آن است، چندان تناسبی ندارد ... و این نیز خود حاکی از آن است که در انشاء گلستان، توجه سعدی بیشتر به جنبه ادبی کلام معطوف و هدف وی، نوعی مقامه‌نویسی بوده است ... " (صص ۶۱۵-۶۱۴).

۱-۶. ذکر شش دلیل برای نشان دادن توجه سعدی به فن مقامه‌نویسی در حکایت " جدال سعدی با مدعی " و نقل تمام حکایت یاد شده از گلستان (صص ۶۲۳-۶۱۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. مقامات، بویژه مقامات قاضی حمیدالدین عمرین محمود بلخی.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۸۴ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش پایانی کتاب ارزشمند " فن نثر در ادب پارسی " نگاشته دکتر خطیبی است، که با شیوه‌ای مناسب و به گونه‌ای عالمانه نثر گلستان را بررسی کرده و آن را با مقامات سنجدیده است.

هر چند پیش از انتشار این کتاب نیز درباره سنجش گلستان و مقامات و نیز درباره مختصات لفظی و معنوی گلستان نوشته‌های مختلفی منتشر شده است، اما این نوشته با استناد مکرر به گلستان به دور از کلی‌گویی، با یک داور منصفانه، سبک این کتاب را کاویده و با ورود به جزئیات آن را باز نموده است. البته در این نوشته به هیچ یک از نوشته‌های پیشین که در این موضوع پدید آمده، اشاره‌ای نشده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۶۵.

گلستان سعدی ، علی دشتی، راهنمای کتاب، سال دوم، شماره ۴، دی ۱۳۲۸، صص ۵۲۹-۵۲۲.

چاپ‌های دیگر: ۱. قلمرو سعدی، علی دشتی، چاپ چهارم، انتشارات اداره کل نگارش فرهنگ و هنر، صص ۲۴۶-۲۳۹.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته بخشی از فصل یازدهم کتاب قلمرو سعدی است که عیناً از آن کتاب نقل شده است.

۱-۱. نقد برخی از حکایت‌های گلستان، از جمله درباره حکایتی از باب اول (وزیر انوشیروان در مهمی ...) می‌نویسد: " این حکایت خالی از پند نیست. ولی پندی است که به ماکپاول بیشتر می‌برازد تا به سراینده بوستان، و آن که در باب " عدل و تدبیر و رای " به بلندی سخن گفته است ... (ص ۵۲۹) اگر این واقعه در حضور پادشاه سفاک خودسری (نه انوشیروان دادگر) روی می‌داد و حکایت هم به این نتیجه می‌رسید که پادشاه مغرور در نتیجه رای ناصواب وزیر دچار شکستی می‌شد و از وزیر ریاکار بازخواست می‌کرد و آنهایی را که به وی رای صواب گفته بودند می‌نواخت، به حقیقت اخلاق و حتی به فکر سعدی نزدیک‌تر بود ... چنانکه در همین باب مطالبی نقیض حکایت بالا هست (ص ۵۳۰).

۱-۲. نقل سه حکایت از گلستان که مغایر و متضاد حکایت فوق است. (صص ۵۳۱-۵۳۰) و ادامه سخن با توضیح درباره روش سعدی: " اگر سعدی را درست شناخته باشیم، می‌دانیم که در وی فکراقلابی و روح سرکش حسن صباح و عمرخیام و ناصرخسرو نیست، بلکه بر عکس، طبع معتدل سازشگر و خوی نرم صلح‌جو داشته ... به خوبی می‌توان فهمید که سعدی زیاد مردم را به امر معروف و نهی از منکر ترغیب نمی‌کند، زیرا قیام بدین دو امر مستلزم طغیان و برهم زدن اجتماع فرو رفته در ستم و اجحاف است. از این رو می‌گوید: " خلاف رای سلطان رای جستن ... " اما گاهی حکایتی در گلستان می‌خوانیم که حتی این قیافه مسالمت‌آمیز و خیراندیش سعدی را از نظر دور می‌کند و بیشتر خوی درباری عادت کرده به جور را نشان می‌دهد ... " (ص ۵۳۱).

این گونه مطالب متناقض که در گلستان کم نیست مرا در این فرض استوار می‌کند که نباید آن را در عداد کتاب‌های تربیتی آورد، بلکه صورت مکتوبی است از مطالب پراکنده‌ای که سعدی خوانده یا شنیده ... " (ص ۵۳۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۶ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخشی از فصل یازدهم کتاب قلمرو سعدی (چاپ چهارم انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر، صص ۲۴۶-۲۳۹) است که بدون حذف و اضافه، عیناً در این جا نقل شده است. این فصل از کتاب قلمرو سعدی و همچنین فصل

پانزدهم آن کتاب اشاره‌های مختلفی را در پی داشته است. که برای رعایت اختصار و پرهیز از تکرار از ذکر آنها چشم می‌پوشیم. لطفاً برای آگاهی بیشتر به بخش ۴ و ۵ (اشاره و تأثیرات و پاسخ‌ها) مربوط به کتاب قلمرو سعدی از علی دشتی - در بخش کتاب‌ها از همین مجموعه مراجعه شود.

گلستان سعدی ، دکتر منوچهر ستوده، آینده، سال نوزدهم، شماره‌های ۷-۹، مهر - آذر ۱۳۷۲، صص ۷۴۱-۷۳۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به آشنایی مردم تاجیک و هند با گلستان سعدی، و تدریس گلستان در مدارس گذشته ایران (ص ۷۳۷).

۱-۲. معرفی کتاب گلستان سعدی، خط محمدعلی مرزی، انتشارات ارغوان، چاپ اول ۱۳۶۸، و طرح نود و هشت مورد از اشکالات آن کتاب با ذکر نشانی این موارد (صص ۷۴۱-۷۳۷).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، خط محمدعلی مرزی، انتشارات ارغوان، ۱۳۶۸.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۹۸ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته اشکالات موجود در یکی از نسخه‌های خوشنویسی شده گلستان نموده شده است، با آنکه نقد کتاب‌های چاپ شده از اقدامات ارزشمند علمی است و این مقاله هم از این ویژگی برخوردار است، اما بیشتر اشکالات طرح شده در این نوشته مربوط به نقطه‌گذاری و پیوسته‌نویسی است. برخی از خوشنویسان برای رعایت زیبایی خط، متأسفانه گاهی دقت خود را در نگارش متون ادبی از دست می‌دهند. اما برخی از اشکالات مطرح شده در این نوشته، اشکالات قابل طرحی نیست، از جمله نوشته‌اند: "بازار غلط و به آزار صحیح است" و "آقای مرزی [بی‌فایده] را بجای بی‌فایده نوشته‌اند" (ص ۷۴). و "میوه به جای میوه نوشته شده" (ص ۷۳۸) و ...

- برخی از داوری‌های نگارنده هم نادرست است، از آن جمله نوشته‌اند: "برو شادی کن ای یار دلفروز، کلمه دلفروز وزن را مختل می‌کند، باید دلفروز شود". در حالی که اولاً "دلفروز" و "دل‌افروز" دو شیوه نگارش برای یک کلمه واحد هستند، ثانیاً برای وزن شعر اتفاقاً باید همزه در تلفظ حذف شود و شکل نخستین درست‌تر است.

- نگارنده به جای مراجعه به مآخذ کتاب یاد شده که گلستان فروغی بوده به حافظه خود تکیه کرده و مواردی را به عنوان اشکال کاتب دانسته‌اند، در صورتی که متن نوشته شده مطابق با نسخه فروغی است و ایرادی بر کاتب وارد نیست.

از آن جمله نوشته‌اند: "ذمائم اخلاقی بحماند میدل گشت. در حافظه بنده مخامد است" و "سگ به دریای هفتگانه بشوی، در نسخه دوران تحصیل ما مشوی ضبط شده بود" (ص ۷۳۹) و "هنر در نفس خود دولت است، هر جا رود قدر بیند. چنانچه بنده را یاد است لفظ هنرمند از عبارت افتاده است. یعنی هنرمند هر جا رود" (ص ۷۴۰) و ... و در همه این موارد متن برابر است با نسخه فروغی و اشکال گرفته شده ناوارد است.

گلستان سعدی، کامیار عابدی، ادبستان، سال چهارم، شماره سوم، (پیاپی ۲۹)، اسفند ۱۳۷۱، صص ۲۱-۱۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح کوتاهی در باره ارزش گلستان به نقل از مقدمه گلستان به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی و اشاره‌ای به آن تصحیح: "گلستان حاصل تجربه‌های فراوان و متنوع سعدی است در مقام مردی دنیا دیده و پخته و اندیشه‌ور. نیز نشانگر قدرت دید و استعداد وی در کشف نکته‌های دقیق مردم‌شناسی و معرفت او به فراز و نشیب حیات افراد بشر و احوال و اخلاق نفوس و طبقات مختلف مردم ... یکی از پیراسته‌ترین و مهم‌ترین و بهترین تصحیح‌ها و شروح گلستان به اهتمام مرحوم استاد غلامحسین یوسفی انجام گرفته است" (ص ۱۹).

۱-۲. گزینش و نقل ۲۶ حکایت یا سروده و عبارت از گلستان سعدی (صص ۲۱-۱۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۲۶ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته پس از مقدمه کوتاه تعداد ۲۶ مورد از حکایت‌ها و عبارت‌های گلستان بدون نظم خاصی از تصحیح دکتر غلامحسین یوسفی انتخاب شده است. با توجه به اینکه هیچ گونه نظری درباره موارد انتخاب شده، داده نشده است، این نوشته ارزش علمی پژوهشی ندارد و تنها برای آشنایی افکار عمومی با گلستان مفید است.

گلستان سعدی (۱)، جلال‌الدین همایی، یغما، سال پانزدهم، شماره سوم، خرداد ۱۳۴۱، صص ۱۵۱-۱۴۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش ادبی گلستان و مقایسه آن با مقامات حمیدی برای اثبات طبیعی بودن سجع‌های گلستان و برتری مسلم نثر آن (صص ۱۴۹-۱۴۵).

۱-۲. گفتاری زیر عنوان "آهنگ موسیقی نثر گلستان" (صص ۱۵۰-۱۴۹): "یکی از خصایص نثر گلستان این است که جمله‌ها از کلماتی انتخاب شده و طوری به هم پیوسته است که از ترکیب آنها طنین موسیقی و آهنگ متناسب موزون دلنواز به گوش می‌رسد، چنانکه اگر کلمات را تغییر بدهیم یا پس و پیش بیندازیم، آن آهنگ و توازن از بین می‌رود ... جمله‌ها طوری ترکیب شده است که از زیر و بم کلماتش آهنگ موسیقی تولید می‌شود و هر کدام از این کلمات را که عوض کنی یا مقدم و مؤخر بیندازی آن حالت را از دست می‌دهد. علاوه بر اینکه فصاحت و بلاغت عبارات هم از بین می‌رود" (ص ۱۴۹).

۱-۳. تقسیم جمله‌های گلستان به سه دسته:

۱. تمام سجع

۲. تمام مرسل بی‌سجع

۳. آمیخته از مرسل و مسجع.

۱-۴. اعتراض به نظر کسانی که به جمله "دروغ مصلحت‌آمیز به که راست فتنه‌انگیز" خرده گرفته‌اند و توضیح درباره مقصود سعدی از بیان این گونه عبارت‌ها (صص ۱۵۱-۱۵۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. مقامات حمیدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۲۲ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته متن یک سخنرانی است که از رادیو پخش شده و پس از تجدید نظر و تکمیل به چاپ رسیده است و در آن پس از مقایسه گلستان با مقامات حمیدی، برخی از ویژگی‌های ارزشمند نثر گلستان باز نموده شده است.

اگر چه در این مقاله سخن تازه‌ای درباره سعدی بیان نشده، اما برای مخاطبان عمومی، خالی از فایده نبوده است.

۴-۲. نشانی مأخذ و مثال‌های شاهد مشخص نشده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ر.ک. بخش دوم مقاله.

گلستان سعدی (۲)، جلال‌الدین همایی، یغما، سال پانزدهم، شماره چهارم، تیر ۱۳۴۱، صص ۱۰۳-۹۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر برتری نثر گلستان نسبت به نثر کتاب‌هایی چون عتبه‌الکتبه و مقامات حمیدی (صص ۹۸-۹۷).

۱-۲. اشاره به زندگی سعدی و ضرورت پرداختن به آن برای شناخت کامل‌تر سعدی (صص ۱۰۱-۹۹)، از جمله: "در مورد شیخ بزرگوار، در عین اینکه باید به آثار زنده ارزنده او بیشتر اهمیت داد، از ترجمه حال و سرگذشت زندگانی او نیز که اتفاقاً مملو از احوال و وقایع شگفت‌انگیز است، هم نباید غفلت داشت" (ص ۱۰۱).

۱-۳. توضیح درباره نثر گلستان و ویژگی‌های آن: " گلستان سعدی يك كتاب مهم اخلاقي و اجتماعي است ... سعدی نه تنها شاعری سخندان که حکیمی اندرزگو بود ... و منظورش از تألیف گلستان دو چیز بود که هر دو را به حد کمال چندانکه برتر و بالاتر از آن متصور نیست، انجام داد: یکی انشای بلیغ‌ترین و شیرین‌ترین نمونه نظم و نثر فارسی در لباسی که متکلمان را به کار آید و مترسلان را بلاغت بیفزاید، دیگر بیان مطالب اخلاقی و مسائل اجتماعی ... گلستان سعدی تحولی در نثر فارسی به وجود آورد که دنباله‌اش تا عصر حاضر کشیده شده و هنوز دوره سلطنت ادبی سعدی پایان نیافته است ... " (ص ۱۰۲).

۱-۴. اشاره به پیشینه سجع و ریشه نثر مسجع فارسی در قرآن کریم و خسروانی‌های عهد ساسانی و تأکید بر برتری سجع‌های گلستان نسبت به سجع‌های مقامات حمیدی و عتبه‌الکتبه (ص ۱۰۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۲-۲. مقامات حمیدی و عتبه‌الکتبه.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۳۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته دو بخشی متن يك سخنرانی است که جلال‌الدین همایی در رادیو ایراد کرده و پس از آن با تجدید نظر و تکمیل در مجله ارمغان مجموعه مقالات همایی و کتاب "طلبه عطار و نسیم گلستان"، به چاپ رسانده است. در این نوشته بر ارزش ادبی گلستان تأکید شده و درباره برخی از ویژگی‌های برتر آن نسبت به مقامات حمیدی و عتبه‌الکتبه منتخب‌الدین بدیع جویی توضیح داده شده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۷۲.

گلستان سعدی - تصحیح متن علمی و انتقادی ... محمدعلی موحد، راهنمای کتاب، سال چهارم، شماره سوم، خرداد ۱۳۴۰، صص ۲۷۱-۲۷۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی کتاب گلستان سعدی چاپ رستم علی‌یف با نقل عباراتی از ترجمه فارسی مقدمه آن که در مجله "راهنمای کتاب" (آبان ۱۳۳۹) به چاپ رسیده است (ص ۲۷۴).

۱-۲. انتقاد از روش کار رستم علی‌یف در کتاب یاد شده: "متأسفانه ظاهراً مبنای کار آقای علی‌یف این نبوده که معتبرترین و کهنه‌ترین نسخه‌ها را اساس قرار داده، موارد اختلاف نسخ دیگر را در حاشیه یادداشت کنند، بلکه ایشان، متن خود را با مقایسه نسخه‌ها و انتخاب آنچه خود صحیح و اصیل می‌دانسته‌اند، ترتیب داده‌اند ... مسلماً آقای علی‌یف با به کار بستن این روش، راهی دراز در پیش گرفته و رنجی زیاد بر خود هموار کرده‌اند، اما مشکل می‌توان درباره حاصل و نتیجه کوشش ایشان حکم کرد. چه متن مصحح ایشان با متون متداول، مخصوصاً دو متنی که به وسیله محققین ایرانی، استاد عبدالعظیم گرکانی و مرحوم فروغی، طبع و نشر شده، نه از حیث زبان و سبک و نه از حیث مطلب و مضمون، تفاوت اساسی و زیاد ندارد ... و اتفاقاً هر جا که از متون مزبور تخلف می‌ورزد، دچار اشتباه و تشویش می‌شود و روایتی را که مسلماً غلط و محرف است در متن جا می‌دهد و روایت صحیح را به عنوان نسخه بدل در حاشیه می‌آورد ... " (ص ۲۷۵).

۱-۳. نقل پنج مورد از مواردی که در کتاب مورد نظر، نسخه بدل در پاورقی بر ضبط متن برتری دارد (ص ۲۷۵).

۱-۴. نقل مواردی از اشتباهات و نابسامانی متن مورد نظر (ص ۲۷۶).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح متن علمی و انتقادی ... رستم علی‌یف، چاپ مسکو، ۱۹۶۰، ۲-۲. گلستان سعدی، تصحیح ... (ترجمه فارسی مقدمه روسی کتاب گلستان چاپ رستم علی‌یف)، راهنمای کتاب، شماره چهارم، آبان ۱۳۳۹، صص ۵۴۰-۵۵۱.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. گلستان ۱۷ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته موجز، ضمن معرفی کتاب گلستان چاپ رستم علی‌یف، چند مورد از اشکالات آن کتاب بازنموده شده است که در همه موارد حق به نگارنده این مقاله است. اما اشکالات کتاب یاد شده، بسیار بیش از این مقدار است برخی از آنها را این بنده در بخش اشاره آن کتاب یادآوری کرده است. برای آگاهی بیشتر، ر.ک. اشاره این کتاب در همین مجموعه.

گلستان سعدی - تصحیح متن و ترجمه روسی و ... رستم علی‌یف، راهنمای کتاب، سال سوم، شماره چهارم، آبان ۱۳۳۹، صص ۵۴۰-۵۵۱.

۱. مضامین اصلی: * این نوشته ترجمه فارسی مقدمه روسی کتاب گلستان سعدی چاپ رستم علی‌یف است که خود او به فارسی برگردانده است.

۱-۱. اشاره به تحریفات و تصرفاتی که از آغاز نشر گلستان در چاپ‌های مختلف این کتاب راه یافته است (ص ۵۴۱).

۱-۲. داوری درباره نسخه گلستان فروغی: "در نشریات تازه گلستان بهترین متن‌ها را نشر محمدعلی فروغی که در سال ۱۹۳۶ در تهران چاپ شده می‌توان شمرد ... لیکن با تمام موفقیت‌های قابل توجه فروغی، نشریه وی نیز نمی‌تواند انتقادی و علماً مدلل به شمار آید ... در نشریه فروغی نیز شرط اساسی انتقاد متنی انجام نشده است. یعنی متن مستند نیست. حالات مختلف و انواع قرائت نشان داده نمی‌شود و بنابراین تاریخ تغییر متن گلستان، در مدت هفت قرن پوشیده می‌ماند ... " (ص ۵۴۲).

۱-۳. تأکید بر ضرورت تهیه يك متن انتقادی و علمی از گلستان سعدی (صص ۵۴۲-۵۴۳).

۱-۴. معرفی نسخه‌های خطی و چاپی استفاده شده در گلستان چاپ رستم علی‌یف (صص ۵۴۹-۵۴۴) - نه نسخه خطی، پنج نسخه چاپی و پنج شرح گلستان - با این نتیجه‌گیری: "ما در تهیه متن حاضر گلستان همه نسخ خطی قدیم و قابل توجه را که تا به حال به ما رسیده و معلوم است، مورد استفاده و عمل قرار دادیم. لیکن باید متذکر شد که تحقیق و مقایسه همه نسخ خطی و چاپی که مستقیماً و یا غیرمستقیم مورد استفاده ما قرار گرفته‌اند، نشان داد که هیچ يك از آنها از حشو و زوائد مبري نیست، و حتی کهنه‌ترین این نسخ دارای متن اصلی گلستان نبوده، غیر از غلط و سهوهای کتابتی، حاوی تحریفات و تصرفات عمدی می‌باشد. بدین سبب مصلحت دیده نشد که یکی از این نسخه‌ها در اساس متن حاضر گلستان گذارده شود و بدین طریق بر ما ظاهر و یقین شد که باید متون همه نسخه‌های خطی و چاپی که مورد استفاده قرار گرفته‌اند، در معرض انتقاد و تحقیق گذارده شوند و این عمل را به قدر امکان انجام دادیم. حاصل اینکه، متن کتابی که به نظر خوانندگان و محققین می‌رسد، در نتیجه مطابقه و مقابله تمام نسخ و انتخاب بهترین شکلی که زبان و سبک و وسایط و اسباب بدیعی و اطلاعات تاریخی مؤید آن باشد، تهیه شده است ... " (ص ۵۴۹).

۱-۵. اشاره‌ای کوتاه درباره ترجمه روسی گلستان (ص ۵۵۰).

۲. منابع اصلی: * این نوشته ترجمه فارسی مقدمه گلستان چاپ رستم علی‌یف است که در آن مآخذ کتاب یاد شده معرفی شده است.

۲-۱. نه نسخه خطی از کلیات و گلستان. ۲-۲. سه نسخه چاپ سنگی از گلستان و کلیات. ۲-۳. شرح‌های گلستان از سروری، شمعی و سودی. ۲-۴. گلستان سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. رویکرد مستقیم ندارد.

۴. اشاره: ۲-۱. این نوشته، بنابر توضیحی که در آغاز آن آمده، "ترجمه فارسی مقدمه روسی گلستان سعدی، چاپ رستم علی‌یف است، که خود او به فارسی تحریر کرده و فرصت طبع آن را در کتاب یاد شده، نیافته است."

در این مقدمه علاوه بر اینکه درباره شیوه عمل در تدوین کتاب مورد نظر توضیح داده شده، نسخه‌های استفاده شده، نیز به گونه‌ای مشروح معرفی شده است و در پیوند با آن کتاب، در بردارنده اطلاعات ارزشمندی است.

البته در آغاز این نوشته (ص ۵۴۰)، تذکری داده شده، که اشتباه است، نوشته شده: "اساس طبع این متن نسخه‌ای است که ظاهراً قدیمی‌ترین نسخه موجود گلستان است و در کتابخانه دولتی تاشکند نگاه‌داری می‌شود ..."

اولاً قدیمی‌ترین نسخه‌ای که بنابر نوشته رستم علی‌یف مورد استفاده او بوده، نسخه خطی "دیوان شیخ سعدی شیرازی" است که در خزانه نسخه‌های خطی فرهنگستان علوم تاجیکستان شوروی، با شماره ۵۰۳ ثبت شده است.

ثانیاً برخلاف ادعای بالا هیچ کدام از نسخه‌های استفاده شده، به عنوان نسخه اساس متن آن کتاب قرار داده نشده است. علی‌یف در همین باره در ص ۵۴۹ مقدمه نوشته‌اند: "حتی کهنه‌ترین این نسخ دارای متن اصلی گلستان نبوده، غیر از غلط و سهوهای کتابتی، حاوی تحریفات و تصرفات عمدی می‌باشد. بدین سبب مصلحت دیده نشد که یکی از این نسخه‌ها در اساس متن حاضر گلستان گذارده شود ...". برای آگاهی بیشتر، رک. اشاره کتاب یاد شده، در بخش کتاب‌ها، از همین مجموعه.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدی - تصحیح متن علمی و ...، محمدعلی موحد، راهنمای کتاب، شماره سوم، خرداد ۱۳۴۰، ص ۲۷۴. ۵-۲. بوستان سعدی، تهیه متن انتقادی، تحقیق و توضیح رستم علی‌یف، انتشارات ابن‌سینا، ۱۳۴۷، ص ۴۱.

گلستان سعدی (تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی)، رضا انزابی‌نژاد، کیهان فرهنگی، سال ششم، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۸، صص ۲۹-۲۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. "محققانی که خواننده با اعتمادی کامل، سخنشان را بشنود و به یافته و عرضه‌داشتشان دل بسپارد بسیار نیستند. دکتر یوسفی یکی از این محققان کم‌شمار است که ژرف‌اندیشی، تیزبینی و نکته‌بایی را با وسواس و دقت و امانت یکجا دارد. تصحیح محققانه گلستان با توضیحات و تبیینات مقنع و در خور سپاس دکتر یوسفی ... چنان است که در هر توضیحش نکته‌ای توان یافت و از هر نکته‌ای بهره‌ای توان گرفت" (ص ۲۸).

۱-۲. اشاره به برخی از کاستی‌ها و سستی‌ها در اثر مورد نظر: ۱۸ مورد از این توضیحات مربوط به اختلاف نظر منتقد با شارح در دریافت معنی سخن سعدی است، ۹ مورد مربوط به تسامحاتی است که در اعراب‌گذاری صورت گرفته، ۲۴ مورد مربوط به توضیح کلمات ساده است که در نظر منتقد، این توضیحات مزاحم و زائد است، ۷ مورد مربوط به خطاهای چاپی و ۲ مورد مربوط به شیوه کار مصحح است. دو نمونه را می‌بینیم:

الف: "گر نبیند به روز شب‌پره چشم (ص ۶۲)، توضیح: چشم شب‌پره (چشم شب‌پره) اضافه مقلوب است، اگر چشم خفاش در روز نمی‌بیند (ص ۲۱۷). تردیدی نیست که ترکیب "شب‌پره چشم" اضافه مقلوب است، اما پس از قلب اضافه، معمولاً آن مفهوم دیگر اراده نمی‌شود و ترکیب به صفت مرکب بدل می‌گردد که بسیار وقت به جای موصوف می‌نشیند. در اینجا هم چنین است، یعنی آن که چشم شب‌پره‌آسا دارد و لذا دقیق نمی‌نماید که شب‌پره چشم برابر چشم شب‌پره بگیریم "همان‌سان که اگر "چنگال شاهین" را قلب کنیم و "شاهین چنگال" بگیریم. این دیگر مترادف "چنگال شاهین" نیست. صفتی است مرکب برای موصوفی مقرر ... " (ص ۲۸).

ب: "مقارم را سه شش می‌باید ولیکن سه یک می‌آید (ص ۱۸۹). توضیح: مقاربان نقش سه شش (سه نقش شش یا سه با شش) می‌خواهد، اما بر خلاف دلخواه او سه یک (سه نقش یک یا سه با یک) می‌آید (ص ۵۵۳) تردید به جا نمی‌ماند. زیرا اولاً بازی نرد در گذشته با سه مهره و طاس بازی می‌شد و ثانیاً سعدی می‌گوید: بسا که آنچه اتفاق می‌افتد کاملاً برعکس انتظار است. چنانکه مقاربان سه شش می‌خواهد (که بالاترین خال در بازی است) اما سه یک می‌آید (که کمترین است) اگر توضیح این باشد که مقارم سه با شش می‌خواهد (که خال چندان بزرگ و خرسندکننده نیست) سه با یک می‌آید (که چندان حقیر و نقطه مقابل خال مطلوب نیست) این تضاد بیان نخواهد شد ... " (صص ۲۸-۲۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۶۸.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. تمام متن درباره گلستان به تصحیح و شرح دکتر غلامحسین یوسفی است و بیش از ۵۰ بار رویکرد مستقیم به گلستان داشته است.

۴. اشاره: ۲-۱. نویسنده این مقاله انتقادی، با دقت و باریک‌بینی، خطاهای موجود در اثر مورد نظر خود را یافته و بازنموده است. هرچند تصحیح و شرح مورد نظر از گلستان در هنگام انتشار آن به درستی بهترین اثر در نوع خود به شمار آمده، اما برتری و برجستگی اثر و احاطه مسلم علمی مصحح، ذوق باریک‌بین و نکته‌سنج منتقد را از کار نینداخته و او در این نوشته کوتاه، به ایجاز، بسیاری از ناروایی‌های متن را (بیش از ۵۰ مورد) نمایانده است. البته علاوه بر اینکه برخی از این ایرادها سلیقه‌ای است، برخی نیز در محل تأمل و اشکال است - بویژه آنچه در پیوند با عبارات عربی بیان شده است. استاد احمد مهدوی دامغانی، این اشکالات را در مقاله‌ای پاسخ گفته است. چون این اجتهادات از حد این بنده فراتر است، لطفاً به نوشته یاد شده مراجعه شود (نگاهی دوباره به تصحیح گلستان سعدی، احمد مهدوی دامغانی، کیهان فرهنگی، سال هفتم، شماره ۱، فروردین ۱۳۶۹، صص ۲۹-۲۸).

این گونه از نوشته‌ها علاوه بر اینکه برای دریافت شایسته مقصود سعدی به خوانندگان کمک می‌کند، در برانگیختن دقت و ذوق انتقادی آنان نیز بسیار مؤثر است. البته شایسته‌تر بود منتقد، ویژگی‌های ارزشمند این اثر را نیز به همین گونه و با یادکرد نمونه‌هایی باز نمایند تا در رعایت انصاف خللی وارد نشود.

آقای انزابی‌نژاد، همچنین عبارت "گفت همگان را راضی کردم، مگر حسود را که راضی نمی‌شود الا به زوال نعمت من و اقبال و دولت خداوند باد" را بیان کرده و از آن عبارت (باد)، تردید نموده و احتمال داده است که این واژه در اصل "باو" (= به او) بوده و بر اثر بدویسی و بدخوانی به "باد" تغییر یافته است. گفتنی است که دکتر انزابی‌نژاد به پیشینه حدسی خود در آثار دیگران هیچ اشاره‌ای نکرده است، در حالی که پیش از انتشار این مقاله، واژه آخر این عبارت در متن گلستان آقای نورالله ایران‌پرست نیز همان باو (= به او) ضبط شده است. آقای هاشم جاوید نیز در مقاله "نکته‌ای چند در گلستان و بوستان" (نشر دانش، شماره اول، آذر و دی ۱۳۶۸)، با اشاره به ضبط گلستان نورالله ایران‌پرست، "باو" را به جای "باد" تأیید کرده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. نگاهی دوباره به تصحیح گلستان سعدی، احمد مهدوی دامغانی، کیهان فرهنگی، سال هفتم، شماره ۱، فروردین ۱۳۶۹، صص ۲۹-۲۸. ۵-۲. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۸۵،

به وضوح دیده می‌شود که این اشعار از آن قسمت از گلستان ملهم است که در ترجمه فرانسوی گلستان به توسط دفرمری (پس از مرگ مادام دبور و المور، ص ۵) آمده است: به خاطر داشتم چون به درخت گل ... (رک. سین بو، مذاکرات دوشنبه، ج ۱۴، ص ۴۶۶) مادام دبور و المور همین مضمون را در نامه‌ای به تاریخ ۲۲ فوریه ۱۸۴۸ به نثر خطاب به سن بو نوشته است. (تحقیق درباره سعدی، هانری ماسه، ترجمه دکتر محمدحسن مهدوی اردبیلی، دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات توس، چاپ دوم، ۱۳۶۹، صص ۴۱۵-۴۱۴) جلال ستاری نیز در مقاله مقام سعدی در ادبیات فرانسه (مجله مهر، سال یازدهم، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۴۴، ص ۸۰۰) از قول خانم مصصامی به این مطلب اشاره‌ای مختصر کرده‌اند.

ل

لطائف ادبی - نقل از تاریخ نگارستان [شرح دیدار همام تبریزی و سعدی] ، ارمغان، سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، برج دلو و حوت (بهمن و اسفند) ۱۳۰۰، صص ۶۴-۶۶.

- ۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل داستان دیدار سعدی و همام تبریزی (صص ۶۶-۶۴) و ذکر مطایبه‌ای از دیدار آن دو: " [همام تبریزی] به شیخ گفتا که از کجایی؟ شیخ فرمود: از شیراز. خواجه [همام] گفت: عجب حالتی است که در شهر ما شیرازی از سگ بیشتر است. شیخ تبسمی فرمود. خواجه پرسید که سبب خنده چیست؟ شیخ گفت: در شهر ما برعکس است، یعنی تبریزی از سگ کمتر است " (صص ۶۵-۶۴).
- ۲. منابع اصلی:** ۲-۱. تاریخ نگارستان (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
- ۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.
- ۴. اشاره:** ۴-۱. هیچ سند معتبری در دست نیست که حکایت دیدار سعدی و همام را بویژه با ذکر این جزئیات تأیید کند و جمله " مشهور است " در آغاز حکایت نیز به روشنی، گویای این واقعیت است که شرح این دیدار در زبان عامه مردم شایع است ولی مستند به یک سند قابل قبول نیست.

لویی آراگون، در تأثیر سعدی ، دکتر حسن هنرمندی، برگرفته شده از کتاب " بنیاد شعر نو در فرانسه "، کتاب‌فروشی زوار، ۱۳۵۰، صص ۵۴۷-۵۵۴.

- ۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به همانندی مضمون قطعه " گلی خوشبوی در حمام ... " با مضمون بیت‌ی از عنصری و تأثیرپذیری خانم مارسلین دپردوالمور فرانسوی در قطعه لطیف " گل‌های سعدی " از قطعه یاد شده (ص ۵۴۷).
- ۱-۲. اشاره به تأثیرپذیری " آراگون " شاعر عاشق‌پیشه و نوآور فرانسوی - از سعدی، در شعر " تمثیلی به شعر سعدی ". و نقل ترجمه آن شعر (صص ۵۵۱-۵۴۷).**
- ۱-۳. تأکید بر تأثیرپذیری شاعران غربی بویژه شاعران فرانسه از ادبیات فارسی با معرفی برخی از آنان (صص ۵۵۴-۵۵۲).**
- ۲. منابع اصلی:** ۲-۱. آثار برخی از شاعران اروپایی، از جمله " آراگون " و " توفیل گوتیه " (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
- ۳. رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.
- ۴. اشاره:** ۴-۱. در این نوشته بر تأثیرپذیری برخی شاعران اروپایی از ادبیات فارسی، بویژه آثار سعدی و حافظ تأکید شده است. ترجمه دو قطعه شعر از " آراگون " و " گوتیه " برای تأیید گفتار و یادکرد تضمین ملك الشعرا بهار از شعر سعدی و مقایسه آن با سروده آراگون در پاورقی ص ۵۵۴، بر ارزش مقاله افزوده است. شایسته بود، نشانی مأخذ مقاله نیز نوشته شود.

م

مأخذ اندیشه‌های سعدی، روزبهان بقلی شیرازی، محمد غفرانی جهرمی، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۹۳-۱۱۲.

- ۱. مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به عرفان سعدی و نقل و نقد چند نظر در همین باره (صص ۹۸-۹۶).
- ۱-۲. معرفی کوتاه شیخ روزبهان با استناد به آثار او (صص ۱۰۰-۹۸).**

۱-۳. اشاره به ارادت سعدی نسبت به روزبهان: " سعدی بزرگوار که نسبت به عارفان علاقه و ارادت داشته و خود شاگرد شیخ شهاب‌الدین عمر سهروردی، صاحب " عوارف‌المعارف "، بوده و از بزرگان دیگری چون بایزید بسطامی و عبدالقادر گیلانی و معروف کرخی، به نیکی یاد کرده، نسبت به روزبهان ارادت خاص داشته است و در قصیده کوتاهی در وصف شیراز، با مطلع:

خوشا سپیده‌دمی باشد آن که بینم باز رسیده بر سر الله‌اکبر شیراز
خدا را " به حق روزبهان و به حق پنج نماز " قسم داده است، تا شیراز را از بلا در امان دارد ... " (ص ۱۰۱).

۱-۴. نقل گفتاری از " تحفه اهل‌العرفان " درباره ارادت سعدی به روزبهان (ص ۱۰۱).

۱-۵. اشاره‌ای کوتاه به تاریخ اندیشه جمال‌پرستی و ذکر تعدادی از آثار کهن که به این موضوع پرداخته‌اند (صص ۱۰۲-۱۰۱).

۱-۶. مقایسه سعدی و روزبهان در جمال‌پرستی و عشق عرفانی در بخشی از آثار آنها (صص ۱۰۸-۱۰۲).

۱-۷. سخنی کوتاه درباره سعدی و عشق مردان: " در میان غزل‌های سعدی ابیاتی می‌توان یافت که دلالت دارد بر عشق او نسبت به شاهدان و مردان، ولی چنانکه خواهیم دید خود را تبرئه می‌کند که مقصودش عشق شهوی نیست. و وقتی پذیرفته باشد که این نوع عشق او از سر شهوت نیست، پذیرفتن آن که عشقش نسبت به زنان نیز معنای دیگری دارد، آسان است (ص ۱۰۸). ... می‌بینیم که عشق خود به مردان و زنان را، " نه به رسم دیگران " یعنی عشق مجازی شهوی، بلکه عشق روحانی اعلام می‌کند. " (ص ۱۰۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. آثار روزبهان بقلی شیرازی از جمله عبر‌العاشقین، کشف‌الاسرار و مکاشفات‌الانوار. ۲-۲. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه شیراز. ۲-۳. بدایع شیخ سعدی، زیر نظر تقی ارانی، تهران، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، ۱۳۵۸.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۲۷ بار، بوستان ۱ بار، فصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله از نظر ذکر دقیق نشانی مراجع و مآخذ بی‌عیب است.

۴-۲. بخش نخست مقاله هم که برای تبیین تصوف سعدی نظرات دیگران با ذکر نشانی نقل و نقد شده، مفید است.

۴-۳. اگر چه عنوان مطلب " مآخذ اندیشه‌های سعدی: روزبهان بقلی شیرازی " تازه و جاذب است اما در متن نوشته این تأثیر و تأثر بسیار کم‌رنگ و ناقص نمایانده شده است. از تمام مشترکاتی که در آثار سعدی و روزبهان می‌توان یافت به جنبه جمال‌پرستی و عشق عرفانی اشاره شده است. در حالی که موضوع جمال‌پرستی همان گونه که نویسنده بیان کرده‌اند از دیر باز همه اهل بصیرت را به خود مشغول داشته است: " طبیعی است که جمال‌پرستی و عشق عرفانی، نه با روزبهان و سعدی شروع شده است و نه بدانها ختم گردیده و این ایده که از آغاز خلقت انسان با او بوده است، در بسیاری از مظاهر تمدن انسانی به طور پراکنده انعکاس یافته است. " (صص ۱۰۲-۱۰۱).

و راستی در " عرفان عاشقانه " پیش از سعدی کدامیک از عرفا را می‌توان سراغ گرفت که جمال‌پرستی را با عشق عرفانی نیامیخته باشد؟ این موضوع منحصر به روزبهان نیست.

۴-۴. نویسنده در ص ۱۰۲ برای بیان عرفان سعدی می‌نویسد: " غزلیات سعدی بعضی یکسره عرفانی است " و برای یکی از دو مثال خود غزل زیر را بیان می‌کند:

چه دل‌ها بردی ای ساقی به چشم فتنه انگیزت دریغا بوسه‌ای چند از زرخدان دلاویزت

به چه دلیل منطقی می‌توان به طور قطع و جزم گفت این غزل یکسره عرفانی است. این در حالی است که نویسنده خود غزل‌های سعدی را به سه دسته تقسیم کرده است: " بعضی یکسره عرفانی است ... بعضی یکسره زمینی است و ناظر بر عشق مجازی ... و غزل‌های دیگر و بسیاری از غزل‌ها دوپهلوست. " (ص ۱۰۳). ابیات دیگر غزل مورد بحث را مرور می‌کنیم:

خندنگ غمزه از هر سو نهان انداختن تا کی سپر انداخت عقل از دست ناوک‌های خونریز

برآمیزی و بگریزی و بنمایی و بریایی فغان از قهر لطف‌اندود و زهر شکرآمیزت

لب شیرینت ار شیرین بدیدی در سخن گفتن بر او شکرانه بودی گر بدادی ملک پرویزت

جهان از فتنه و آشوب یک چندی برآسودی اگر نه روی شهرآشوب و چشم فتنه‌انگیزت

دگر رغبت کجا ماند کسی را سوی هشیاری چو بیند دست در آغوش مستان سحرخیزت

دمادم درکش ای سعدی شراب صرف و دم درکش که با مستان مجلس درنگبرد زهد و پرهیزت

۴-۴. در دو مطلب پایانی مقاله: " سعدی و عشق مردان " و " عشق روحانی سعدی " نیز مقایسه‌ای بین سعدی و روزبهان صورت نگرفته است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۶. ۵-۲. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۱۹۹.

مآخذ چند داستان از بوستان، ابراهیم قیصری، نامواره دکتر محمود افشار، جلد چهارم، تهران ۱۳۶۷، صص ۲۲۱۵-۲۳۰۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بازیافت مآخذ پنج حکایت از حکایت‌های بوستان:

الف: " حکایت ابراهیم علیه‌السلام با آن پیر گیر که خلیل‌الله به مهمانی‌اش خوانده بود: شنیدم که یک هفته ابن‌السبیل نیامد به مهمانسرای خلیل ... " (ص ۲۳۰۹)

ب: " حکایت سگ تشنه در بیابان: یکی در بیابان سگی تشنه یافت ... " (صص ۲۳۱۲-۲۳۱۰)

ج: " حکایت در خاصیت پرده‌پوشی و سلامت خاموشی: یکی پیش داوود طایبی نشست ... " (صص ۲۳۱۴-۲۳۱۲).

د: " حکایت یکی روستایی سقط شد خرس ... " (ص ۲۳۱۴).

ه: " پایان حکایت قزل‌ارسلان با دانشمند: چنین گفت شوریده‌ای در عجم ... " (صص ۲۳۱۵-۲۳۱۴).

مآخذ حکایت‌های بالا به ترتیب در جوامع‌الحکایات عوفی، الهی‌نامه و جوامع‌الحکایات عوفی، تذکرة‌الاولیا و اسرارنامه عطار و رباعیات خیام و لطایف‌الطوایف فخرالدین علی‌صفی یافته و بازنموده شده است.

۲. منابع اصلی: ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی. ۲-۲. جوامع‌الحکایات و لوامع‌الروایات، سدیدالدین عوفی. ۲-۳. الهی‌نامه، اسرارنامه و تذکرة‌الاولیای عطار نیشابوری. ۲-۴. لطایف‌الطوایف، فخرالدین علی‌صفی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۵ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. بازیافت پیشینه حکایت‌های بوستان و گلستان، برای ردگیری مآخذ اندیشه‌های سعدی بسیار سودمند است. با آنکه در برخی از شرح‌های بوستان و گلستان و بعضی از مقاله‌ها به مآخذ برخی از این حکایت‌ها اشاراتی شده است، اما همچنان جای یک پژوهش گسترده و ژرف‌نگر علمی که پیشینه همه حکایت‌ها را با دقت تاریخی کاویده باشد، خالی است. در این نوشته کوتاه و ارزشمند پیشینه پنج حکایت از بوستان بازنموده شده است.

یادکرد نشانی مآخذ، ایجاز درخور و تازگی سخن از دیگر ویژگی‌های این نوشته است.

ما خود درباره سعدي چه مي‌گوئيم ، علي سامي، برگرفته شده از كتاب " شيراز، شهر جاويدان "، انتشارات نويد، ۱۳۶۲، صص ۲۱۹-۲۶۲.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. نقل بخشي از نوشته محمدعلي فروغي زير عنوان " برنامه اداي تكليف نسبت به شيخ سعدي " (صص ۲۶۶-۲۶۵). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۲. نقل بخشي از مقاله علي‌اصغر حكمت، زير عنوان " نكاتي چند از زندگاني سعدي " (صص ۲۶۸-۲۶۶). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۳. نقل بخشي از مقدمه گلستان عبدالعظيم قريب گركاني، زير عنوان " سعدي بزرگ‌ترين شاعر ايران " (صص ۲۶۹-۲۶۸). رك. كتاب ياد شده در بخش كتاب‌ها در همين مجموعه.
 - ۱-۴. نقل بخشي از مقاله " زمان تولد و اوایل زندگي سعدي " از عباس اقبال، زير عنوان " شهرت جهانگير سعدي در زمان خويش " (صص ۲۷۲-۲۷۰). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۵. نقل بخشي از مقاله " بر حكمت سعدي نتوان خرده گرفتن "، از احمد بهمنيار (صص ۲۷۲-۲۷۲). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۶. نقل بخشي از مقاله " قردراني از سعدي"، از حسن اسفندياري (ص ۲۷۴). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۷. نقل بخشي از مقاله " نام بلند سعدي " از دكتور فخرالدين شادمان (صص ۲۷۸-۲۷۵). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۸. نقل مطالبی از كتاب " عرفان سعدي " از صدرالدين محلاتي (صص ۲۸۱-۲۷۹). رك. كتاب ياد شده، در بخش كتاب‌ها، در همين مجموعه.
 - ۱-۹. نقل عباراتي از كتاب " آثار عجم " از فرصت‌الدوله شيرازي، در وصف سخن شيرين سعدي (ص ۲۸۱).
 - ۱-۱۰. نقل بخشي از مقاله " نكاتي راجع به گلستان " از دكتور رضازاده شفق (صص ۲۸۵-۲۸۲). رك. مقاله ياد شده، در همين مجموعه.
 - ۱-۱۱. نقل بخشي از مقاله " گلستان سعدي " از جلال‌الدين همایي (صص ۲۹۰-۲۸۶). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۱۲. نقل عبارت‌هايي از كتاب " فارس‌نامه نصري " از ميرزا حسن فسايي درباره جاينگاه بلند سعدي (ص ۲۹۰).
 - ۱-۱۳. نقل بخشي از مقاله " فردوسي يا حافظ " از علي دشتي (صص ۲۹۲-۲۹۱). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۱۴. نقل بخشي از مقاله " بزرگ‌ترين شاعر ايران كيست " از سعيد نفيسي (صص ۲۹۴-۲۹۲). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۱۵. نقل عبارت‌هايي از كتاب " مكتب سعدي " از كشاورز صدر درباره عظمت سعدي و آثارش (صص ۲۹۸-۲۹۵). رك. كتاب ياد شده در بخش كتاب‌ها در همين مجموعه.
 - ۱-۱۶. نقل بخشي از مقاله " تربيت در سايه سعدي " از ابوالحسن فروغي (صص ۳۰۰-۲۹۸). رك. كتاب ياد شده در بخش كتاب‌ها در همين مجموعه.
 - ۱-۱۷. نقل چند عبارت از محمدحسين استخر شيرازي و محمد جناب‌زاده برگرفته شده از كتاب " شناسايي سعدي " از هزار شيرازي (صص ۳۰۱-۳۰۰). رك. كتاب ياد شده، در بخش كتاب‌ها، در همين مجموعه.
 - ۱-۱۸. نقل عبارت‌هايي از مقاله بلند " ممدوحين سعدي " از محمد قزويني (صص ۳۰۲-۳۰۱). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۱۹. نقل بخشي از مقاله " ذكر جمیل سعدي "، از مجتبي مینوي (صص ۳۰۶-۳۰۳). رك. مقاله ياد شده، در همين مجموعه.
 - ۱-۲۰. نقل بخشي از مقاله " سعدي در اروپا " از دكتور عبدالحسين زرین‌كوب (صص ۳۱۱-۳۰۶). رك. مقاله ياد شده، در همين مجموعه.
 - ۱-۲۱. نقل مقاله " گردشي در بوستان " از حبيب يغمایي (صص ۳۱۵-۳۱۲). رك. مقاله ياد شده در همين مجموعه.
 - ۱-۲۲. نقل مقاله " نظري درباره مثلثات سعدي " از دكتور كريم سنجابي (صص ۳۱۹-۳۱۶). رك. مقاله ياد شده، در همين مجموعه.
- ۲. منابع اصلي:** ۲-۱. منابع مختلفی كه در بخش مضامين اصلي معرفي شده است. (البته منابع اصلي مربوط به هر مقاله در بخش مربوط به همان مقاله نوشته شده است).
- ۳. رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. اين نوشته از مقاله‌هاي مختلف برگرفته شده است. رويکرد هر مقاله را به آثار سعدي، در همان مقاله نشان داده‌ايم.
- ۴. اشاره:** ۴-۱. اين نوشته بخش‌هايي از مقاله‌هاي مختلف است. اشاره هر مقاله را در بخش مربوط به خود آن مقاله آورده‌ايم و در اينجا براي پرهيز از درازي سخن تکرار نمي‌شود.
- ۵. تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. تأثيرات و پاسخ‌هاي هر مقاله در بخش مربوط به همان مقاله در اين كتاب آمده است.

ماده تاريخي تازه در وفات سعدي ، احمد سهيلي خوانساري، ارمغان، دوره چهل و يكم، شماره ۸، آبان ۱۳۵۱، ص ۵۶۰.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره‌اي به ماده تاريخ‌هايي كه براي درگذشت سعدي سروده‌اند.
- ۱-۲. نقل گفتاري از يك كتاب درباره تاريخ وفات سعدي: " نگارنده را مسالك‌المالكي است كه علي‌التقريب در اواخر قرن دهم تحرير يافته ... و چون آغاز و انجام ندارد، معلوم نيست تأليف كيست، لکن به قرينه مي‌توان دريافت كه كتاب اوایل قرن هشتم تأليف شده است.
- مصنف بعد از توصيف شيراز چنين مي‌نگارد: " و از متأخران شيخ مشرف‌الدين مصلح‌السعدي ... در تاريخ وفات او گفته‌اند: خداوند معاني شيخ سعدي كه بودش از هنر صد گنج مايه هم از نظم دلاويز روان‌بخش بر از هفتم سپهرش بود پايه مه ذي‌الحجه بود از عشر آخر سنه احدي و تسعين ستمايه اين قطعه تا كنون در جايي ديده نشده و گوينده آن بر ما مجهول است "
۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. يك نسخه خطي ناشناس.
۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۴-۱. هر چند اين نوشته در تأييد تاريخ مشهور وفات سعدي (ذي‌الحجه ۶۹۱) نوشته شده است، اما به دليل اينكه ارزش و صحت زماني نسخه مورد نظر روشن نيست، نمي‌توان بدان استناد جست.
۵. **تأثيرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدي را بشناسيد، علي‌نقي بهروز، كتاب‌فروشي معرفت شيراز، ۱۳۵۵، ص ۱۳، ۵-۲. نكاتي در سرگذشت سعدي، محمد محيط طباطبائي، ذكر جمیل سعدي، ج ۳، ۱۳۶۴، ص ۱۹۵، ۵-۳. گلستان سعدي، تصحيح و مقدمه محمد

محیط طباطبایی، به خط امیر فلسفی، ناشر: سیدعبدالله موسوی دیزکوهی، ۱۳۷۱، ص: بیست و شش. ۴-۵. سعدي سخن‌ساز است نه خیال‌پرداز، سیدمحمدرضا علوی، روزنامه خبر (نگاه پنج‌شنبه)، پنج‌شنبه ۹ اسفند ۱۳۷۵، ص ۸.

مباحث لغوي " بخش اول - سعدي " (۱) ، دکتر محمود نشاط، مجله وحید، سال سوم، شماره ۱۱، آبان ۱۳۴۵، صص ۹۲۵-۹۲۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره انگیزه نوشتن مباحث لغوي در مجله وحید و اشاره به شیوه عمل در این مباحث (صص ۹۲۴-۹۲۳).
- ۱-۲. توضیح درباره معانی مختلف " آب " در آثار سعدي، در این بخش واژه " آب " در پنج معنی زیر با نقل نمونه‌هایی از آثار سعدي بررسی شده است: اشک، عرق، شراب، دریا و آبرو (صص ۹۲۵-۹۲۴).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدي، محمدعلی فروغی.
۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. بوستان ۲ بار، غزلیات ۲ بار، گلستان ۲ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. رک. بخش دوم و پایانی مقاله.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. رک. بخش دوم و پایانی مقاله.

مباحث لغوي " بخش اول - سعدي " (۲) ، دکتر محمود نشاط، مجله وحید، سال چهارم، شماره ۲، بهمن ۱۳۴۵، صص ۱۳۸-۱۳۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و توضیح درباره ترکیبات زیر در کلیات سعدي: آب آزدن، آب آسمان، آب پشیمانی، آب تلخ، آب جو، آب چشم‌جام، آب حیات، آب در غربال کردن، آب دیده سرخ، آب رخ و آب رکن‌آباد (صص ۱۳۶-۱۳۸).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدي، محمدعلی فروغی.
۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. غزلیات ۷ بار، رسائل نثر ۲ بار، بوستان ۲ بار، گلستان ۱ بار، قصاید ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته که در دو شماره از مجله وحید به چاپ رسیده، آغاز پژوهشی است که برای بررسی معانی واژه‌ها در متون فارسی، صورت پذیرفته است. در این دو شماره درباره معانی واژه آب و برخی از ترکیبات آن در آثار سعدي، توضیحاتی داده شده. در برخی مواقع به میزان کاربرد آنها نیز اشاره شده است. چنانچه این نوشته ادامه می‌یافت، برای خوانندگان مجله خالی از فایده نبود.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدي، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۲۰۶.

مبانی و زمینه‌های مردم‌شناسی در گلستان سعدي، دکتر سید احمد حسینی کازرونی، فصلنامه جمعیت، شماره ۸، ۹، تابستان و پاییز ۱۳۷۲، صص ۸۴-۶۹. چاپ‌های دیگر: ۱. روزنامه ابرار، سه‌شنبه ۱۶ اسفند ۱۳۷۲، صص ۸-۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به ارزش گلستان از دیدگاه امور اجتماعی (صص ۷۰-۶۹).
- ۱-۲. یادکرد بخشی از نظر هانری ماسه، امرسون و محمدعلی فروغی درباره سعدي و گلستان (ص ۷۱).
- ۱-۳. بررسی مسئله " ازدواج و جلوه‌های آن در گلستان سعدي " با تأکید بر این مسئله که: " از تمثیلات و قصص مندرج در گلستان، به عنوان ابزاری مطمئن برای شناخت ویژگی‌های اجتماعی قرن هفتم، می‌توان بهره‌مند شد " (ص ۷۲). در این بخش حکایت‌های زیر بررسی شده است:
 - " یکی از ملوک را کنیزکی چینی آوردند ... " (صص ۷۳-۷۲).
 - " از صحبت یاران دمشق ... " (صص ۷۴-۷۳).
 - " پیرمردی لطیف در بغداد ... " (صص ۷۶-۷۵).
 - " یکی را زنی صاحب‌جمال ... " (صص ۷۸-۷۶).
 - " پیری را حکایت کنند ... " (ص ۷۸).
 - " پیرمردی را گفتند چرا ... " (ص ۸۰).
 - " فقیه‌ی دخترت داشت به غایت ... " (ص ۸۱).
 - " جوانی چست، لطیف، خندان، شیرین ... " (صص ۸۲-۸۱).
 - " جوانی پاکباز و پاکرو بود ... " (ص ۸۲).
- ۱-۴. استنتاج از مبحث ازدواج، از جمله: " در خلال قصص و تمثیلاتی که از سعدي و گلستان سعدي در این مبحث آوردیم، دیدیم که چگونه با مهارت و توانمندی، عیوب و نقایص و نارسایی‌های ازدواج را تصویر کرده است و جا دارد که مردم وطن ما برای سلامت و دوام زندگی خانوادگی، به این مسائل و آثار و تبعات آنها، آشنا باشند ... مهم‌ترین فایده‌ای که از این تحقیق، حاصل شد، این که آثار مکتوب بزرگان ما، مانند آیین‌های تابناکی هستند که ما خوبی و بدی و زشتی و زیبایی خود را در آنها مشاهده می‌کنیم و برای بهبود اوضاع فردی و اجتماعی و اخلاقی خود از این آثار مدد می‌گیریم ... " (ص ۸۳).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدي، محمدعلی فروغی.
- ۲-۲. زمینه جامعه‌شناسی، دکتر آریان‌پور.
۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۷ بار، غزلیات ۱ بار، قصاید ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخشی از یک پژوهش است که به بررسی " مبانی و زمینه‌های مردم‌شناسی در گلستان " پرداخته. این بخش به بررسی " ازدواج و جلوه‌های آن در گلستان " اختصاص یافته است. نگارنده با نقل چند حکایت به بررسی آنها از دیدگاه رفتاری پرداخته و این حکایت‌ها را مانند آیین‌های دانسته که اوضاع اجتماعی زمان سعدي را نشان می‌دهد. این گونه بررسی‌ها، علاوه بر این، نظریات خود سعدي را نیز، درباره موضوع مورد نظر، روشن می‌کند و از این دیدگاه هم سودمند است.
- ۴-۲. برخی از عبارات این نوشته در خدمت موضوع مورد نظر نیست و به ایجاز مقاله ضربه زده است. به عنوان نمونه:

الف: در ص ۷۴، نتیجه‌گیری شماره یک، درباره جنگ‌های صلیبی پیوندی با موضوع مورد بحث (ازدواج) ندارد و کمکی نیز به آن نمی‌کند و همچنین است شماره‌های دو و سه در همان صفحه.

ب: توضیحات ص ۷۶ که درباره وصلت با طبقه کاسبکار است، نتیجه قطعی حکایت مورد نظر نیست. به عبارتی دیگر از آن حکایت نمی‌توان به این نتیجه رسید که: " سعی خانواده بر این بوده است که دختر خود را به طبقه کاسبکار شوهر دهد که بی‌آزار و اهل مدارا هستند و به اصطلاح - الکاسب حبيب‌الله - درباره آنها می‌گویند ... " (ص ۷۶).

ج: در ص ۸۱ نتیجه‌گیری شماره یک: (شرایط اقتصادی و موازین فرهنگی موجب ...) هیچ ارتباطی با حکایت مورد نظر (فقیهی دختری داشت ...) ندارد.

د: در ص ۸۲، موارد شماره ۱ و ۲ و ۳ اصول ثابت و روشنی است که ارتباطی با مطالب نوشته، ندارد و شایسته نیست به عنوان " استنتاج از میث ازدواج " در این مقاله به شمار آید.

۲-۴. یادکرد نشانی نمونه‌های شاهد (حکایت‌های سعدی) و نیز نشانی مآخذ مورد استفاده به ارزش علمی مقاله افزوده است و شایسته بود در ص ۷۲، نشانی سخن دکتر زرین‌کوب و همچنین نشانی حکایت " یکی از ملوک را کنیزکی ... " هم نوشته می‌شد.

متن‌بی و سعدی، مهدی محقق، راهنمای کتاب، سال دوم، شماره دوم، شهریور ۱۳۲۸، صص ۲۲۸-۲۲۲.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب " متن‌بی و سعدی " و مضامین آن، از حسین‌علی محفوظ (ص ۲۲۳).

۱-۲. اشاره به اصل توارد و نقل مواردی از مضامین و سروده‌های همانند که دو شاعر، بدون اطلاع از همدیگر می‌آفرینند (ص ۲۲۴).

۱-۳. تأکید بر مضمون‌گیری و تأثیرپذیری سعدی از برخی متون پهلوی، از جمله اندرزنامه‌ها، که در ادبیات عرب هم نفوذ کرده‌اند (ص ۲۲۵).

۱-۴. نقد برخی از نظرات دکتر محفوظ در خصوص تأثیرپذیری سعدی از متن‌بی و نقل سروده‌هایی از سعدی که در کتاب " متن‌بی و سعدی " متأثر از متن‌بی دانسته شده و بازیافت مضامین آن سروده‌ها در منابع پیش از متن‌بی، از جمله در اندرز نامه‌های پهلوی و اشعار شاعران ایرانی و عرب (صص ۲۳۰-۲۲۶). با نتیجه‌گیری زیر: " با همین مختصر آشکار می‌شود که چگونه مضامین و معانی سیر کرده و در دست گویندگان مختلف می‌افتد. بنابراین مقدم را بر متأخر فخر و امتیازی نیست زیرا آن مقدم هم از مقدمی دیگر اخذ کرده و امتیاز از کسی است که با الفاظ و اسالیب بهتری بتواند معنی را بیان کند... بسیاری از مضامین متن‌بی که در اشعار فارسی یافت می‌شود همان مضامینی است که نویسندگان عرب تصریح کرده‌اند که متن‌بی از شاعران پیش از خود اخذ کرده و حتی برخی عنوان سرقت داده‌اند ... " (ص ۲۳۰).

۱-۵. نقل سروده‌هایی با مضامین مشترک از فارسی، عربی و فرانسه (صص ۲۳۲-۲۳۱).

۱-۶. نقل برخی از ضرب‌المثل‌های عربی با یادکرد پیشینه فارسی آنها (صص ۲۳۴-۲۳۳).

۱-۷. نقل برخی از سروده‌های شاعران ایرانی، بویژه ناصرخسرو به همراه مضامین مشابه آن در اشعار عربی، که در کتاب " متن‌بی و سعدی " به آنها اشاره نشده است (صص ۲۳۵-۲۳۴).

۱-۸. نقل برخی از سروده‌های سعدی و مضامین همانند آنها در آیات، احادیث و امثال عربی که در کتاب یاد شده، نیامده است (صص ۲۳۸-۲۳۷).

۱-۹. نقل برخی از اغلاط چاپی کتاب یاد شده (ص ۲۳۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. " متن‌بی و سعدی "، دکتر حسین‌علی محفوظ. ۲-۲. تیمه‌الدهر، ثعالبی نیشابوری. ۲-۳. اخلاق ایران باستان، دین شاه ایرانی. ۲-۴. الصناعتین، ابوهلال عسکری.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. گلستان ۱۲ بار، بوستان ۵ بار، غزلیات ۴ بار، رباعیات ۱ بار، قصاید ۱ بار، مثنویات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله از نوشته‌های ارزشمندی است که با تکیه بر منابع معتبر گذشته به نقد و بررسی برخی از نظرات مطرح شده در کتاب " متن‌بی و سعدی " پرداخته است.

دکتر محفوظ در کتاب یاد شده، بسیاری از سروده‌های سعدی را متأثر از سروده‌های متن‌بی دانسته، در حالی که مضامین بسیاری از آن سروده‌ها در آثار پیش از متن‌بی هم آمده است، بویژه آنکه برخی از این مضامین در آثار پهلوی و برخی در آثار سخن‌سرایان سده‌های اول اسلامی موجود است.

در این مقاله بیشتر موارد بالا به گونه‌ای علمی بررسی و کاویده شده است. بازیافت پیشینه برخی از این سروده‌ها (سروده‌های سعدی)، استفاده از منابع مختلف، ذکر نشانی مآخذ استفاده شده، نقد نظرات نویسنده کتاب مورد نظر و یادآوری برخی از مضامین همانند در آثار سعدی و آثار پیش از او، از ویژگی‌های ارزشمند این نوشته است.

نویسنده مقاله در پایان سخن مطلب زیر را، بجا و بایسته یادآوری کرده‌اند: " بحث درباره روابط اشعار و ابیات عربی و فارسی که فصلی از ادبیات تطبیقی به شمار می‌رود، از بحث‌های جالب و جذاب است و هر کس خواسته باشد این امر را به عهده گیرد، نخست باید متون پهلوی و ادبیات کهن ایران و همچنین ترجمه‌های عربی آن را از نظر بگذراند و سپس به مطالعه آثار شاعران عربی که ایرانی بوده‌اند، مانند بشار و ابو نواس بپردازد و بعداً دیگر دواوین شاعران عرب و همچنین دواوین شاعران فارسی را تحقیق کند تا سیر تاریخی مضامین و مفاهیمی که مشترک در عربی و فارسی است بر او آشکار گردد ... " (ص ۲۳۸).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. قلمرو سعدی، علی دشتی، انتشارات کیهان، ۱۳۳۸، ص ۹۳. ۵-۲. تأثیر قرآن و حدیث بر آثار سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۴، ص ۹۱۹. ۵-۳. شناختی تازه از سعدی ...، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، ص ۲۱۱. ۵-۴. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۰۱، ۲۲۸، ۲۴۸، ۲۹۴، ۵۵۴، ۵۵۸. ۵-۵. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۶۹. ۵-۶. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۸-۶۹. ۵-۷. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۷۲. ۵-۸. همه گویند ولی گفته سعدی دگر است، احمد مهدوی دامغانی، مجله ایران‌شناسی، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰، ص ۲۹. ۵-۹. در آرزوی خوبی و زیبایی - گزیده بوستان سعدی، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۲، ص ۵۷۱. ۵-۱۰. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، ص ۵۵۲. ۵-۱۱. سعدی معلم اخلاق، دکتر رضا مصطفوی، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ص ۱۴۸.

متن سخنرانی دکتر جروم رایت کلینتون، ذکر حمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۱۲۷-۱۱۳.

چاپ‌های دیگر: ۱. کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۲۸-۳۶ (با عنوان: نفوذ سعدی بر بزرگ‌ترین شاعران آمریکا در قرن نوزدهم میلادی).

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره آثار " رالف والدو امرسون " شاعر و نثرنویس آمریکایی و ارتباط او با ادب فارسی و آثار سعدی: " در سال ۱۸۴۷ میلادی مطابق با سال ۱۲۲۵ هجری شمسی رالف والدو امرسون ... اولین مجموعه شعر خود را در شهر بستون چاپ کرد. این مجموعه حاوی ترجمه ۲ غزل حافظ و یک شعر طولانی ۱۷۶ بیتی به نام سعدی نیز بود ... چاپ اولین ترجمه گلستان سعدی به انگلیسی در آمریکا با پیش‌گفتاری از امرسون منتشر شد و او تا پایان عمر خویش علاقه خود را به ادبیات ایران حفظ کرد." (ص ۱۱۵). ۱-۲. بیان عوامل ارتباط، آشنایی و علاقه امرسون به شعر فارسی و تمدن ایرانی (صص ۱۱۹ - ۱۱۶). ۱-۳. شرح توجه امرسون به سعدی (صص ۱۲۷ - ۱۱۹): " دو اثر امرسون به طور روشن‌تری برداشتش را از سعدی نشان می‌دهد. یکی، شعر طولانی " سعدی " که اول بار در مجله دیال (آفتاب‌نما) چاپ شد و دیگری، پیش‌گفتار او به اولین چاپ گلستان در آمریکا بود ... شعر سعدی او یکی از زیباترین شعرهای مجموعه است و عقاید مخصوص امرسون نیز در آن به طور واضح منعکس است، ولی چون به هنگام سرودنش امرسون، تنها دوره مقدماتی از تحقیقات خود نسبت به شعر فارسی را طی کرده بود، آن شاعری را که در این شعر می‌بینیم کمتر شباهتی به شیخ سعدی دارد و بیشتر شبیه به آن شاعری است که در ذهن امرسون مجسم شده است." (ص ۱۱۹).

۱-۴. نقل عباراتی از امرسون که در مقدمه ترجمه " گلدوین " از گلستان آمده است، از جمله: " سعدی از لحاظ تنوع موارد و اتفاقات و عمق تجربیات دست‌کم از کاردینال رتس در پاریس و دکتر جانسون در لندن ندارد ... ریشه بسیاری از داستان‌ها و ضرب‌المثل‌هایی که فعلاً سر زبان‌هاست و ما نسبت آن را به نویسندگان معاصر داده‌ایم به او برمی‌گردد، مانند داستان ابراهیم و آتش‌پرست که ما آن را به دکتر فرانکلین نسبت می‌دهیم (ص ۱۲۲) ... اگر چه سعدی شعرش از صفت غنایی به پایه حافظ نمی‌رسد، ولی بسیار نکته‌سنج است و دارای هوش و عقل سلیم و عادل و منصف می‌باشد. در او انگیزه تعلیم و تربیت مانند فرانکلین دیده می‌شود ... شاعر دوستی و عشق و گوشه‌نشینی و آرامش خاطر است ... در حقیقت سعدی یعنی خوشبخت ... سعدی به زبان فارسی تکلم می‌کند. ولی مثل هومر و سروانتس و شکسپیر و مونتین خطایش با همه ملل است و حرف او دائماً جنبه امروزی دارد ... (صص ۱۲۴ - ۱۲۲).

۱-۵. نقد و تحلیل برخی از نظرات امرسون درباره سعدی، از جمله: "جای تأسف است که در آن زمان عالم فاضلی در دانشگاه هاروارد نبود که بتواند امرسون را به درک بهتری از اسلام و قرآن راهنمایی کند (ص ۱۲۴) ... امرسون درک نکرد که سعدی می‌توانست هم قدرت مطلق خداوندی را قبول داشته باشد و هم مسؤولیت فردی را (ص ۱۲۵) ... برای ما نباید چندان شگفت‌آور باشد که بینیم امرسون نتوانسته است سعدی و دنیای او را به اندازه خواننده ایرانی و اسلامی بشناسد (ص ۱۲۶) ... اگر چه سعدی پیش‌گفتار امرسون آن شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی که ما می‌شناسیم نیست، ولی شباهتی به او دارد " (ص ۱۲۷).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. آثار امرسون از جمله پیش‌گفتار او بر ترجمه " گلدوین " از گلستان.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱ - رویکرد مستقیم ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. تازگی مطلب (معرفی امرسون، تبیین عوامل آشنایی امرسون به شعر و ادب فارسی و تمدن ایرانی و ذکر نظرات او درباره سعدی) و همچنین نقد و بررسی برخی از نظرات امرسون درباره سعدی (رک. ۵-۱ از همین مقاله) از نکات قوت این نوشته است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدی، روزنامه اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶، ۲-۵. گلستان سعدی با ترجمه ادوارد رهاتسک، محمود حکیمی، نشر قو، ۱۳۷۵، ص ۱۴.

متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی و گلستان و بوستان و مجالس، راهنمای کتاب، سال چهارم، شماره هشتم، آبان ۱۳۴۰، صص ۷۸۶-۷۸۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب " متن کامل دیوان شیخ اجل سعدی شیرازی ... به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت، ۱۳۴۰ " و تأکید بر ارزش فهرست‌های کتاب افزون بر مقدمه محققانه آن با یادکرد فهرست‌های متعدد کتاب یاد شده (صص ۷۸۶-۷۸۷). ۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کتاب یاد شده در بخش مضامین اصلی (۱-۱).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته تنها معرفی کوتاه کتاب یاد شده است و ارزش پژوهشی ندارد.

مثلثات سعدی ، محمدجعفر واجدشیرازی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار فسایی، امیر کبیر، ۱۳۷۵، صص ۳۶۲-۳۷۸.

* این مقاله برگرفته شده از کتاب " شرح و تصحیح مثلثات شیخ اجل سعدی " از محمدجعفر واجدشیرازی است. برای آگاهی بیشتر، رک. کتاب یاد شده در بخش کتاب‌ها، از همین مجموعه.

مثلثات سعدی ، حافظ و شاه‌داعی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، آینده، سال ششم، شماره ۵ و ۶، شهریور و مهر ۱۳۵۹، صص ۴۷۱-۴۷۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به مقاله پیشین نگارنده با نام " مثلثات سعدی، حافظ و شاه‌داعی " و ایراد امیری فیروزکوهی و حبیب یغمایی به قسمتی از آن مقاله با پاسخ مجدد به آن ایرادات. از جمله پاسخی مشروح به ایراد فیروزکوهی در خصوص بیت " خلیلی‌الهدی اشهی و اصلح ... " (صص ۷۲-۴-۴۷۱).

نگارنده مقاله با دفاع از نظر خویش مبتنی بر ناوارد بودن تصحیح قیاسی واجد شیرازی در مورد واژه " الهدی " در بیت مذکور و پس از شاهد آوردن از قرآن و منابع دیگر می‌نویسند: " سعدی با وقوف بر این معانی و حتی نظر مستقیم به این آیه و از آن روی که خود را در ارشاد و راهنمایی خلق برتر و شایسته‌تر از پیغمبر اکرم نمی‌داند، اندرزنامه را به این صورت آغاز می‌کند: خلیلی‌الهدی اشهی و اصلح ... " ای یاران من، هدایت و ارشاد دوست‌داشتنی‌ترین و شایسته‌ترین چیزهاست. اما من در این اندرزگویی که آغاز می‌کنم مدعی رهنمونی شما به رستگاری نیستم - بلکه آن کس رستگار خواهد شد که خداوند رهبریش فرماید " .

حالاً که استادان ملاحظه فرمودند که نه " ولکن " در ضبط اصلی بیت بی‌محل و بی‌جاست و نه سبک و خالی از مناسبت و این هر دو درست در جای خود نشسته‌اند، شایسته است توجه فرمایند که بیت مورد بحث، در ضبط اصلی و بی‌اختلاف نسخه‌ها، هم زیباترین براعت استهلال ... را دارد و هم تناسب لفظی (ارتباط در میان الهدی و هداه‌الله) و با تبدیل بی‌مورد " الهدی " به " الهوی " علاوه بر از دست دادن مقصود شاعر، بیت از این دو حسن که مسلماً مورد نظر شاعر بوده است، عاری می‌شود " (صص ۴۷۴-۴۷۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. مقاله " مثلثات سعدی، حافظ و شاه داعی"، دکتر جعفر مؤید شیرازی، یغما، آبان ۱۳۵۷، ص ۲۹۳. ۲-۳. احتجاجات و سؤالات ... خلیل الهوی، امیری فیروزکوهی، یغما، دی ۱۳۵۷، ص ۶۳۷. ۲-۴. مکاتب عبدالله قطب، خانقاه احمدی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۲-۱. مثلثات ۱ بار، شعر عربی ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. نگارنده این مقاله با استدلال و استناد به منابع معتبر از نظر خویش درباره تصحیح یکی از ابیات عربی مثلثات سعدی استنادانه دفاع کرده است.

ایجاز شایسته و استدلال‌های منطقی از دیگر ویژگی‌های این نوشته است. اما ارزش اصلی نوشته در این است که از یکی از بیت‌های عربی سعدی که مورد اختلاف بوده به گونه‌ای علمی رفع ابهام شده است. نوشته‌هایی از این دست برای دستیابی به متن درست اشعار سعدی بسیار ارزشمند هستند.

مثلثات سعدی، حافظ و شاه‌داعی (۱)، دکتر جعفر مؤید شیرازی، یغما، سال سی و یکم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۷، صص ۴۲۱-۴۱۷.

چاپ‌های دیگر: ۱. شناختی تازه از سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۶۸-۵۱. ۲. سیمای سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶، صص ۸۸-۴۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره نام‌گذاری آثار سعدی با شرح معنی مثلثات و نکو داشت اقدام واجد شیرازی در شرح مثلثات سعدی و معرفی کوتاه مثلثات سعدی، حافظ و شاه داعی (صص ۴۱۸-۴۱۷).

۱-۲. توضیح درباره ابهام در مثلثات سعدی با نقد کوتاه برخی از نظرات در این باره (صص ۴۱۹-۴۱۸).

۱-۳. اشاره‌ای به سیر آثاری که با گویش شیرازی به وجود آمده‌اند با یاد کرد نام صاحبان آثار و تأکید بر ارزش آثار شاه‌داعی و شمس‌پس‌ناصر در همین موضوع. (صص ۴۲۰-۴۱۹).

۱-۴. بیان کیفیت و ارزش ادبی مثلثات با بررسی وزن یکسان آنها و سابقه کاربرد این وزن در آثار محلی (صص ۴۲۱-۴۲۰).

۱-۴-۱. " از لحاظ ارزش ادبی، غزل مثلث حافظ را می‌توان در ردیف بهترین غزلیات او در اوج آثار ادبی قوم ایرانی دانست " (ص ۴۲۱).

۱-۴-۲. " مثلث شاه‌داعی شعری است با حال و عارفانه که مفاهیم معینی را دنبال می‌کند و اگر از ابیات شیرازی آن بگذریم، بقیه از لحاظ انسجام و دلنشینگی، مانند سایر کارهای این شاعر در ردیف سوم از آثار خوب ادب ما قرار دارد " (ص ۴۲۱).

۱-۴-۳. " بررسی مثلثات سعدی: " این شعر در آزادترین قالب شعر فارسی - قالب مثنوی - و به یکی از نرم‌ترین و مأنوس‌ترین وزن‌های موجود در ادب ما سروده شده است. موضوع آن هم پند و اندرز است که فن ویژه سعدی است. بنابراین انتظار می‌رود که مثلثات مانند سایر آثار این گوینده بزرگ از لحاظ ارزش هنری در اوج باشد. اما با شگفتی می‌بینیم که چنین نیست ... " (ص ۴۲۱).

بررسی چهار جنبه مختلف مثلثات یعنی قالب، موضوع، وزن و سه زبانی بودن این شعر برای روشن شدن موضوع، از جمله: " تنها وجود بوستان [به دلیل استواری و سختگی بی‌نظیر آن] کافی است که معتقد شویم هر گاه نارسایی‌هایی وجود داشته باشد، مسلماً از آن روی نیست که در قالب مثنوی سروده شده و موضوع آن وعظ و اندرز بوده است. " (ص ۴۲۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مجموعه مقالات دکتر نوابی. ۲-۲. مثلثات سعدی، محمد واجد شیرازی، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس، بی‌تاریخ.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. مثلثات (همه مقاله درباره مثلثات است، بدون رویکرد مستقیم).

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته قسمت نخست مقاله‌ای است که دنباله آن در شماره بعدی مجله یغما به چاپ رسیده است. ر.ک. بخش دوم و پایانی مقاله.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش دوم و پایانی مقاله.

مثلثات سعدی، حافظ و شاه‌داعی (۲)، دکتر جعفر مؤید شیرازی، یغما، سال سی و یکم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۷، صص ۴۹۵-۴۸۹.

چاپ‌های دیگر: ۱. شناختی تازه از سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۶۸-۵۱. ۲. سیمای سعدی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۷۶، صص ۹۵-۸۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. پی‌گیری مطالب بخش نخست مقاله با اشاره به وزن مثلثات: " از قالب که بگذریم، ناچار ذهن پژوهنده متوجه وزن مثلثات خواهد شد و این تردید در دلش راه خواهد یافت که شاید وزن کوتاه و سبک مثلثات مطبوع و مورد پسند سعدی نبوده ... اما تنها بررسی " گلستان " و قطعات کوتاهی که استاد شیرازی به این وزن - وزن فلهویات - در آن درج کرده، این تردید را مرتفع می‌سازد ... (ص ۴۸۹).

۱-۲. اشاره به چند زبانی بودن مثلثات و میزان ارتباط آن با سستی مثلثات نسبت به آثار دیگر سعدی: " چند زبانی بودن مثلثات هم بی‌تردید در این زمینه نمی‌تواند عاملی مؤثر تلقی شود، زیرا چیره‌دستی سعدی بزرگ را در پرداختن ملمعات، می‌شناسیم ... و ملمعاتش دوش به دوش سایر شاهکارهای او، تا روزگار ما از نهایت استقبال شاعران و ادیبان برخوردار بوده است " (ص ۴۸۹).

۱-۳. بیان دلیل اصلی ضعف مثلثات سعدی در مقایسه با آثار دیگر او: " اکنون که از این سو یعنی از سوی شعر و خصوصیات آن خاطر آسوده گشتیم، ناچار باید به سوی دیگر یعنی به سوی شاعر رویم ... و بی‌هیچ تردید بگوییم: مثلثات از آثار دوران بلوغ هنری سعدی نیست و آن را به روزگاری سروده که هنوز جوان بوده و به آن کمال حیرت‌انگیز که در آثار روزگار پختگی او تجلی دارد، دست نداشته است. " (ص ۴۹۰).

۱-۴. ذکر یک احتمال دیگر برای مثلثات و آن اینکه: " سعدی در سرودن مثلثات یکی از اندرزنامه‌های پیشین را فراروی داشته، مضامین آن را به نظم کشیده باشد " (ص ۴۹۰).

۱-۵. توضیح درباره اینکه تخلص " سعدی " در مثلثات و بیت‌های شاعرانه عربی در این اثر نشان می‌دهد: " نباید تصور کرد که شاعر در آن روزگار بسیار جوان بوده است ... سخن اصلی این بود که مثلثات از لحاظ ارزش هنری یک شاهکار نیست ... و مقصود این نیست که در این اثر سعدی می‌توان ضعف و فتوری چشمگیر یافت و بر نارسایی‌هایی ... مسلم انگشت نهاد. " (ص ۴۱۹).

۱-۶. ذکر دو بیت زیر از مثلثات که به گمان نویسنده مقاله می‌توان بر آن خرده گرفت و توضیح درباره خرده‌هایی که می‌توان گرفت (صص ۴۹۱-۴۹۲):

من استضعفت لا تغلظ علیه من استأسرت لا تکسر یدیه
منه گر عقل داری و تن و هوش اگر مردی ده و بخش و خور و پوش

۱-۷. ذکر ۱۰ بیت " از مثلثات که نمونه‌هایی از سخن دست بالای فارسی و تازی است و برخی از آنها به خاطر فصاحت خاص و نرمش ترکیب و بلندی معنی عملاً به حیطة امثال سائر راه یافته است " (صص ۴۹۲-۴۹۳) و توضیح کوتاه درباره برخی از وجوه امتیاز این ابیات.

۱-۸. توضیح درباره روش استاد واجد در تصحیح و توضیح مثلثات سعدی و ذکر این مطلب که: " ممکن است همه پژوهندگان بویژه آنان که با روش‌های امروزی‌تر تحقیق مانوس هستند، در تمام موارد با شادروان واجد هم‌سلیقه نباشند. در تصحیح متن از او ضبط و ربطی بیشتر متوقع باشند و احياناً برخی از تصحیحات قیاسی او را نپذیرند. این صاحب‌نظران نباید فراموش کنند که شارح مثلثات، تربیت یافته مکتبی است که صاحبان آن برای خود سنت‌ها و روش‌های ثابتی دارند، که به آسانی از آن در نمی‌گذرند و در همه حال اطلاعات سرشار و ایمان و امانت‌داری شدید بنیاد کارهایشان را تشکیل می‌دهد " (ص ۴۹۵).

۱-۹. انتقاد از یکی از تصحیحات و تصرفات واجد که مورد پسند نویسندگان مقاله نیست.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مثلثات سعدی، واجد شیرازی، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. مثلثات (همه مقاله درباره مثلثات سعدی است و بجز آن ۱۲ بار رویکرد مستقیم داشته است)، فصاید ۲ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش دوم و آخر مقاله‌ای است که بخش نخست آن در شماره پیشین مجله یغما (سال سی و یکم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۷) به چاپ رسیده است. از ویژگی‌های سودمند مقاله موارد زیر را می‌توان برشمرد:

۱. بررسی دلایل مختلف، برای یافتن علت این امر که چرا مثلثات سعدی هم‌سنگ دیگر آثار او نیست، به عنوان یک موضوع تازه،

۲. بررسی ویژگی و سیر وزن مثلثات سعدی، حافظ و شاه‌داعی،

۳. توضیح درباره روش و ارزش کار واجد شیرازی در تصحیح و شرح مثلثات،

۴. ذکر نشانی دقیق مأخذ مورد استفاده، در پاورقی.

۵. نقد و بررسی برخی از نظرات واجد.

نویسنده برای پاسداشت امانت، هنگامی که حتی از اصطلاحی بهره می‌برد، بلافاصله به مأخذ مورد استفاده خود اشاره می‌کند. (از جمله: رک. پاورقی شماره ۲ در ص ۴۸۹).

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. احتجاجات و سؤالات ... " خلیلی‌الطی اشهی ... "، امیری فیروزکوهی، یغما، سال سی‌ویکم، شماره دهم، دی ۱۳۵۷، صص ۴۳۶-۴۳۷. ۵-۲. مثلثات سعدی، حافظ و شاه‌داعی، دکتر جعفر مؤید شیرازی، آینده، سال ششم، شماره ۵ و ۶، شهریور و مهر ۱۳۵۹، صص ۴۷۵-۴۷۱.

مثلثات شیخ سعدی، ادیب طوسی، دانشکده ادبیات تبریز، سال هفتم، شماره دوم، آبان ۱۳۳۴، صص ۱۸۹-۱۷۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. سخنی کوتاه درباره مثلثات سعدی: " در آخر ملعمات سعدی قطعه‌ای است پنجاه‌وپنجاه بیت که ابیات آن به ترتیب به سه زبان عربی، فارسی و یک لهجه محلی سروده شده و همچو به نظر می‌آید که این لهجه کازرونی باشد (؟) چه، علاوه بر اینکه سعدی از طرف مادر کازرونی بوده و طبعاً به زبان مادری خود آشنایی داشته، آثار لهجه مزبور بخوبی در ابیات نامبرده هویداست " (ص ۱۷۵).

۱-۲. توضیحی درباره مأخذ مقاله و شیوه عمل‌کرد نویسنده: " دو نسخه مزبور [نسخه‌های مأخذ] عبارتند از:

۱. نسخه‌ای که در قرن هشتم نوشته شده و به شماره ۴۸۳۱ ضبط است.

۲. نسخه‌ای که در سال ۹۲۳ از روی خط شیخ سعدی استنساخ شده و بسیار پر ارزش است ... از مقایسه ابیات این دو نسخه با چاپ فروغی و تطبیق آن با چند نسخه چاپی دیگر تا اندازه‌ای صورت اصلی کلمات محلی را به دست آوردم ... مأخذ کار من در اینجا همان رونویس خط سعدی است، که اشکالاتش را به وسیله نسخه بدل‌های دیگر مرتفع کرده‌ام و بدین ترتیب تقریباً تمام ابیات خوانده شده و کمتر مورد نامفهوم و لاینحل است " (ص ۱۷۴).

۱-۳. نقل همه بیت‌های مثلثات و آوانگاری و توضیح بیت‌هایی که به زبان محلی سروده شده‌اند. با ذکر نسخه بدل‌ها در پاورقی (صص ۱۷۶-۱۸۲).

۱-۴. بررسی و شرح واژه‌های محلی مثلثات زیر عنوان " توضیحات لازم راجع به لغات " (صص ۱۸۲-۱۸۹) در این بخش ۹۳ مورد توضیح درباره واژه‌ها نوشته شده است.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. دو نسخه خطی کلیات سعدی (رک. ۱-۲). ۲-۲. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. مثلثات ۵۴ بار (همه مقاله شرح مثلثات است).

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته تمام بیت‌های مثلثات سعدی که به زبان محلی سروده شده، آوانگاری، بررسی واژگانی و معنی شده است (بجز بیت ۱۸ - آخرین بیت که معنی فارسی آن از قلم افتاده است).

نویسنده مقاله پیش از توضیح ابیات نوشته‌اند: مأخذ کار من در اینجا همان نسخه رونویس خط سعدی است که اشکالاتش را به وسیله نسخه بدل‌های دیگر مرتفع کرده‌ام و بدین ترتیب تقریباً تمام ابیات خوانده شده و کمتر مورد نامفهوم و لاینحل باقی مانده است

ارزشمندترین ویژگی این پژوهش در تقدم آن است و جای شگفتی است کسانی که پس از ادیب طوسی به بررسی مثلثات سعدی پرداخته‌اند، هیچ اشاره‌ای به این تحقیق مبسوط نکرده‌اند؛ از جمله:

- محمدجعفر واجد، شرح و تصحیح مثلثات شیخ اجل سعدی، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس.

- دکتر کریم سنجابی (یغما، سال بیستم، شماره هشتم، آبان ۱۳۴۶، صص ۴۱۸-۴۱۴).

- ماهیار نوابی (مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، ۱۳۵۲، صص ۴۴۷-۴۳۱).

- دکتر جعفر مؤیدشیرازی (یغما، سال سی‌ویکم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۷).

از دیگر ویژگی‌های ارزشمند این نوشته موارد زیر برشمردنی است:

- بررسی همه واژه‌های محلی مثلثات و بازیابی ریشه برخی از واژه‌ها در زبان پهلوی و گویش محلی جنوب فارس، شیرازی و کردی.

- ذکر نسخه بدل‌های مثلثات و بررسی و تحلیل آنها برای کمک به مقصود.

- آوانگاری واژه‌ها ...

گفتنی است که ضبط واژه‌های محلی مثلثات در متن این نوشته که بر اساس چند نسخه خطی سامان گرفته با متن مرحوم فروغی تفاوت زیادی دارد.

۴-۲. برگردان بیت‌ها اغلب با تعقید بیان شده است، به گونه‌ای که در بسیاری از موارد خود معنی بیت‌ها دوباره نیاز به شرح دارد و یکی از علت‌های این امر آن است که نویسنده خواسته است بیت‌ها را واژه به واژه به فارسی امروز برگرداند. سه نمونه را بنگرید:

- " که ای منعم بار به کول هیچ درویش مبر. کسی را که مشمع نیستی دمیل نیش مزن " (ص ۱۱۷).

- " این دهر دون را از جای دیگری تیر ببارد. نه همه تیر او که کسی را کشته از کمان بوده " (ص ۱۷۷).

- " که عارف باید نه مردار او را جامه‌پوسیده در کار یک جو منت کسی، بهتر است از نو " (ص ۱۸۰).

مثنوی و مثنوی‌گویان ایرانی، محمدعلی تربیت، مهر، سال پنجم، شماره ۱۱، فروردین ۱۳۱۷، صص ۱۰۶۶-۱۰۶۱.

۱. **مضامین اصلی:** * این نوشته، بخشی از یک نوشته طولانی است که به بررسی و معرفی مثنوی‌های فارسی و مثنوی سرایان پرداخته و سی و ششمین شماره آن به سعدی و مثنوی بلند آوازه او (بوستان) اختصاص یافته است.
 - ۱-۱. توضیح درباره بوستان سعدی و معرفی چاپ‌های نخستین آن (صص ۱۰۶۲-۱۰۶۱).
 - ۱-۲. اشاره به آثار مختلف سعدی، از جمله: پندنامه: "جناب شیخ در بحر متقارب، مثنوی دیگری (پندنامه) در حدود دویست بیت موزون فرموده ... " (ص ۱۰۶۲).
 - ۱-۳. معرفی چاپ‌های نخستین کلیات سعدی (ص ۱۰۶۲).
 - ۱-۴. اشاره به آثاری که به تقلید از گلستان نگاشته شده است (صص ۱۰۶۳-۱۰۶۲).
 - ۱-۵. معرفی برخی شرح‌ها و ترجمه‌های گلستان (صص ۱۰۶۴-۱۰۶۳).
 - ۱-۶. بازنویسی مطلبی از جنید شیرازی درباره سعدی، برگرفته شده از کتاب "شدالازار" (صص ۱۰۶۶-۱۰۶۵).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. در این نوشته کوتاه بیش از سی اثر چاپ شده یا ترجمه و شرح آثار سعدی به کوتاهی (در حد ذکر نام) معرفی شده است و چنانچه مأخذ اصلی نویسنده غیر از آثار یادشده باشد بدان اشاره‌ای نکرده است.
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۳ بار، قصاید ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخشی از یک نوشته بلند است که در آن نگارنده به معرفی مثنوی‌ها و مثنوی‌سرایان فارسی زبان پرداخته و در این بخش به بهانه بوستان سعدی، بیش از سی اثر از چاپ‌های مختلف آثار سعدی و ترجمه‌ها و شرح‌های آن را بر شمرده است. ارزش اصلی این نوشته در پیشینگی آن (۱۳۱۷ هجری) نسبت به نوشته‌های همانند آن است، و با آنکه آثار یاد شده نقد و بررسی نگردیده اما از نظر قدمت در کتاب‌شناسی آثار سعدی، مقاله‌ای سودمند است.

مجالس شیخ سعدی، صدرالدین محلاتی، مهر، سال یازدهم، شماره ۹، آذر ۱۳۴۴، صص ۵۵۷-۵۵۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره مفهوم مجلس: "مجلس در اصطلاح اهل وعظ و طبعه و عاظ عبارت از مطالبی است که فراز منبر گفته می‌شود و در حقیقت و به مقایسه عصر حاضر پیش‌نویس یا صورت کنفرانس است" (ص ۵۵۶).
- ۱-۲. اشاره به مجلس اول سعدی و توضیح درباره مفهوم "وقت و اعتنام فرصت" نزد عرفا و تأکید بر مفاهیم و مضامین عرفانی در "مجلس اول": "این مجلس اساسش همه مبتنی بر اصطلاحات و افکار صوفیان و عرفا است و آن چنان این هدف مقدس را نزدیک به فهم می‌کند که چون استادی شاگردان خود را تعلیم می‌دهد. محور سخن در این مجلس حدیث مستفیض و مقدس نبوی است ... " (ص ۵۵۷).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲ بار، مجالس ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه با تکیه بر مجلس اول از مجالس پنجگانه، بر باورهای عرفانی سعدی تأکید شده است. اما سخن تازه پژوهشی در آن به چشم نمی‌خورد.

محمدعلی فروغی، مجتبی مینوی، برگرفته شده از کتاب "نقد حال"، خوارزمی، ۱۳۵۱، صص ۵۵۰-۵۴۴.

۱. **مضامین اصلی:** * این نوشته متن سخنرانی مجتبی مینوی است که به یاد سی‌امین سالگرد وفات مرحوم فروغی در سال ۱۳۵۰ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران ایراد شده است.
 - ۱-۱. توضیح درباره چگونگی آشنایی نگارنده مقاله با محمدعلی فروغی و معرفی آثار مختلف او (صص ۵۵۰-۵۴۴). از جمله آثاری که معرفی شده کلیات سعدی به تصحیح فروغی است. مینوی ضمن معرفی این کلیات درباره ترتیب آثار سعدی در این کتاب گفته است: "گویا مرحوم فروغی متوجه نبوده است که این تقسیمات و دفترهای جداگانه کلیات سعدی، توسط خود سعدی، در اواخر عمر او ترتیب داده شده بوده و تا زمان ما هنوز نسخه‌های بسیار، چه قدیم و چه جدیدتر، یافت می‌شود که به همان شیوه مرتب است و حتی غزلیات هم در هر چهار مجموعه مختلف بر حسب ترتیب سرودن، ضبط و تدوین شده و رعایت ترتیب الفبایی بر حسب حروف قوافی در آنها نشده است. شاید اگر متوجه می‌شد که این ترتیب از خود سعدی است، نه از دیگران، از مبادرت در به هم‌زدن ترتیب کتاب‌ها و مخلوط کردن شعرهای دوره‌های مختلف با یکدیگر، خودداری می‌فرمود" (ص ۵۴۷).
 ۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.
 ۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.
 ۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته که متن یک سخنرانی است، درباره فروغی و آثار مختلف فرهنگی او توضیح داده شده است. آنچه در این نوشته با سعدی پیوند دارد، معرفی "کلیات سعدی" به تصحیح مرحوم فروغی و انتقاد از شیوه ترتیب آثار سعدی در این کلیات است. همان گونه که فروغی خود، در مقدمه غزلیات اشاره کرده است، ترتیب و توالی آثار بیست و چندگانه سعدی را در کلیات یاد شده بر هم زده و طرحی نو درافکنده، و دلایل عملکرد خود را در "مقدمه غزلیات" به گسترده‌گی بیان داشته است، بنیادی‌ترین دلیل او این است که: "این تقسیمات را نه می‌توان یقین داشت که خود شیخ کرده باشد، نه مبتنی بر مناسباتی است که بتوانیم، موجب قبول فرض کنیم، پس جایز دانستیم که آن را کنار بگذاریم ... " (کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۴۰۶).
- یادآوری این مطلب لازم است که ابوبکر بیستون، جامع نامدار کلیات سعدی، در مقدمه خود درباره ضرورت ترتیب الفبایی غزل‌های سعدی، برای بازجست آسان‌تر اشعار، تأکید ورزیده است. او پس از آنکه ترتیب الفبایی آغاز مطلع غزل‌ها را دچار اشکال یافته، می‌نویسد: "... یکی از دوستان گفت که اگر این فهرست که به حرف اول غزل‌هاست به حرف آخر بودی، آسان‌تر به آن دانستی رسیدن. اگر سعی کنی و بر حروف آخر هم به طریق تهجی فهرست بنهی، تو را یادگاری باشد و یاران را منتی تمام. بر ایجاب ملتمس ایشان مدتی سعی نمودم و بر حرف آخر هم از هر غزل به طریق حروف تهجی فهرستی نهادم و در آخر رجب سنه " اربع و ثلثین و سبعمائه " به اتمام رسید، تا خواننده را از آن حظی وافر باشد ... " (همان، صص ۹۲۵-۹۲۴).

مختصری از شرح حال و پایگاه علمی و اجتماعی سعدی، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان"، انتشارات نوید، ۱۳۶۳ (چاپ سوم)، صص ۲۱۱-۲۰۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره تولد، تخلص، تحصیلات، مسافرت‌ها، معاصران و مقلدان سبک ادبی سعدی (صص ۲۰۶-۲۰۲).
- ۱-۲. تأکید بر پایگاه بلند سعدی در ادبیات ایران و گسترش آثار او در سراسر جهان، از جمله روسیه و سوریه (ص ۲۰۹-۲۰۶).
- ۱-۳. توضیح درباره مضمون آثار سعدی، از جمله: " گلستان سعدی برای خود دنیایی است، یا دست‌کم تصویری درست و زنده از دنیاست (ص ۲۱۰).
- او شاعر آدمیت است، که عشق و اخلاق، مایه افتخار اوست. او نه خیال‌باف است، نه واقع‌گرای خشک. راه او، راه میانه‌ای است که حزم و دوراندیشی یک خردمند جهان‌دیده برمی‌گزیند و از گمراهی و درماندگی می‌رهزد ... سعدی در صفای روح و کمال آدمیت، به جایی رسید که بجز خدا نمی‌دید ... " (ص ۲۱۱).
- ۱-۴. نقل بیست و چهار عبارت کوتاه مثل‌گونه از سعدی (ص ۲۱۲).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۲۸ بار، غزلیات ۷ بار، بوستان ۲ بار، قطعات ۱ بار، قصاید ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته بر ارزش‌های کلی شخصیت و آثار سعدی و گسترش و نفوذ او در جهان تأکید شده اما سخن تازه پژوهشی در آن دیده نمی‌شود.

مدعیان سعدی - در جستجوی جای پای شیر، دکتر محمود کامیار، رنگین‌کمان، شماره ۴۸، پنجشنبه ۱۴ فروردین ۱۳۴۸، صص ۲۲-۲۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اعتراض شدید به شعر نو و تمسخر آن (صص ۲۲-۲۳)، از جمله: " شعر نو ما بعد از تقریباً سی سال هنوز توجه مردم عادی را جلب نکرده و شاید هم هرگز چنین موفقیتی به دست نیاورد. جماعت معدودی نیز که اشعار نو را می‌خوانند، بدون شکسته‌نفسی اعتراف می‌کنند که چیزی از آن را در نمی‌یابند (ص ۲۲)... اگر در زمان ما بعضی‌ها معانی لطیفی را به وسیله شعر بیان می‌دارند قطعاً باید شعر خود را موزون بسازند، زیرا کلمات مقطع و بریده و عبارات جویده فقط به نسل میمون [!] تعلق دارد ... " (ص ۲۳).
- ۱-۲. تأکید بر اصل فصاحت و بلاغت در شعر با تکیه بر کلام سعدی (ص ۲۳).
- ۱-۳. اشاره به زندگی سعدی بر اساس آثار او، از جمله: " مدعیان سعدی از هر دسته‌ای که باشند اگر داستان جدال وی را با مدعی به دقت مطالعه می‌کردند، این معنی را درمی‌یافتند که با متفکر سرد و گرم چشیده‌ای سر و کار دارند و انتقاد از وی کار ساده‌ای نیست ... غیر از قصاید و مراثی که به علت تطبیق با دوره حکومت امرا و شاهزادگان و مستوفیان، تاریخ آنها معین است، برای سایر گفته‌های سعدی تاریخی نمی‌توان قائل شد. ولی اگر تاریخ سرودن و تصنیف حکایات بوستان و گلستان علی‌الخصوص داستان‌هایی که در آنها اشارات خاصی آمده، معین شود، کمک بزرگی به توضیح بیوگرافی سعدی خواهد بود... فقط از همین داستان‌هاست که می‌توان تصویر مبهمی از بیوگرافی سعدی به دست آورد... " (ص ۲۷).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است).
۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۴ بار، غزلیات ۱ بار، مثنویات ۱ بار، بوستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. متن نوشته با عنوان آن هماهنگی لازم را ندارد، بیش از سه چهارم این نوشته در واقع اعتراض‌نامه‌ای تمسخرآمیز است به شعر نو و ارتباطی با سعدی ندارد. و عصبانیت نگارنده از شعر نو هر عبارتی را بر زبان او جاری کرده است، از جمله: "...علی‌الخصوص که فواصل عبارت طوری باشد که کاغذ گران‌بها را بیشتر ضایع کند و دیگر اینکه به شکل خط زاپنی از بالا به پایین بنویسد... علاوه بر همه این مزایا قدری پشمالو [!] هم باشد و... سبیل آویزانی هم داشته باشد... فقط عده قلیلی ریش می‌چینانند و معلوم نیست که ایشان هم حقیقتاً شعر نو را می‌فهمند یا خود را به فهمیدن می‌زنند (ص ۲۲). کلمات مقطع و بریده و عبارات جویده فقط به نسل میمون تعلق دارد... عبارتهای ساده و بریده به دوره‌های اسب‌چرانی تعلق دارد... " (ص ۲۷).
- ۴-۲. در بخش پایانی مقاله که درباره سعدی عباراتی نوشته شده، سخن تازه‌ای مطرح نشده است. و اگر چه در پایان مقاله جمله " ادامه دارد " نوشته شده " موضوع مقاله نگارنده در شماره بعدی مجله (شماره ۴۹، پنجشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۴۸) چیز دیگری است با عنوان " از سخنان سعدی چه دانی " ۴-۳. نشانی نمونه‌های شاهد از آثار سعدی مشخص نشده است.

مدیحه‌های سعدی، دکتر سید جعفر شهیدی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، اسفند ۱۳۶۴، صص ۳۷۵-۳۶۵.
چاپ‌های دیگر: ۱. یغمای سی و دوم (بادنامه حبیب یغمایی)، گردآوری ایرج افشار با همکاری قدرت‌الله روشنی، انتشارات ایران، ۱۳۷۰، صص ۱۱۵-۱۰۷. ۲. روزنامه اطلاعات، سه‌شنبه ششم آذر ۱۳۶۳، ص ۱۵ (زیر عنوان " سعدی، گستاخ در ادای سخن حق ").

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره مفهوم مدیحه و چگونگی مدیحه‌های سعدی، از جمله:
 - ۱-۱-۱. " مقصود از مدیحه در این بحث، قصیده‌ها و منظومه‌هاست که سعدی در آن خداوندان قدرت - شاهان و یا حاکمان - عصر خود را ستوده‌است " (ص ۳۶۷).
 - ۱-۱-۲. " مدیحه به‌خودی‌خود ناپسند نیست ولی اگر ستایش از حد بگذرد و به گزافه و یاوه‌سرایی بکشد به شعر و شاعر خواهند خندید (ص ۳۶۷). مقیاس‌های ما برای سنجش موضوع‌های اخلاقی و اجتماعی، نباید معیاری برای گذشته باشد " (ص ۳۶۸).
 - ۱-۱-۳. " در بین شاعران پیشین، تنها سعدی است که گرد مدیحه‌سرایی بیجا نگشته، بلکه مدیحه‌کسان نگفته و آنچه سروده اندرزنانه است، نه قصیده مدحی " (ص ۳۰۷).
- " سعدی در بوستان، گلستان و قصیده‌ها بیش از پانزده تن از قدرتمندان زمان را مدح گفته است " (ص ۳۷۱). " ستایشی که سعدی از سعدین‌ابی‌بکر سعد می‌کند بسیار ساده و بی‌پیرایه است کسی مانند او رویاروی پادشاهان و حاکمان، سخن حق را چنین گستاخانه به زبان نیاورده است " (صص ۳۷۳-۳۷۱). " می‌توان یکی از علت‌های تن زدن سعدی از رعایت سنت مدیحه‌سراییان را، میانه‌روی او در زندگی و وارستگی او دانست. سعدی پس از پشت‌سرگذاشتن دوران جوانی و مسافرت‌های فراوان و علم‌اندوزی، از این و آن، بدین خوی انسانی زیور یافت " (ص ۳۷۴).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدي، دکتر مظاهر مصفا، ۲-۲. دیوان انوري و عنصري (نشاني مآخذ مشخص نیست).

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. قصاد ۳ بار، نصیحة الملوک ۷ بار، رساله انکیانو ۳ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته درباره مدیحه‌های شاعران ایرانی و کیفیت مدح سعدي است و در آن همه مدح‌های سعدي مورد تأیید و تأکید قرار گرفته است. تفاوت این مقاله با مقاله‌هایی که به موضوع مدیحه‌های سعدي پرداخته‌اند این است که بیشتر مثال‌ها از رسائل نثر (نصیحة الملوک و رساله انکیانو) انتخاب شده‌اند و این موضوع به تازگی مطالب کم‌کرده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گزیده قصاد سعدي، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۶۹، صص ۷۷-۷۸.

مرکز سعدي‌شناسي و حافظ‌شناسي ... ، علي‌نقي بهروزي، یغما، سال بیست و هفتم، شماره دوازدهم، اسفند ۱۳۵۲، شماره مسلسل ۳۱۸، صص ۷۴۲-۷۴۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به سخن محمدعلي فروغي در نوشته " ادای تکلیف نسبت به شیخ سعدي " درباره طرح کتابخانه ویژه سعدي و حافظ (ص ۷۴۲).

۱-۲. توضیح درباره تشکیل مرکز سعدي‌شناسي و حافظ‌شناسي به همت اداره کل فرهنگ و هنر فارس و فهرست مدارک و اسناد گردآوری شده (صص ۷۴۲-۷۴۲).

۱-۳. توضیح حبیب یغمایي و اظهار خرسندي او از گشایش مرکز سعدي‌شناسي و حافظ‌شناسي (ص ۷۴۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته کوتاه گزارش ایجاد مرکز سعدي‌شناسي و حافظ‌شناسي است، که از اقدامات بایسته و شایسته زنده‌یاد علي‌نقي بهروزي بوده است. اما متأسفانه فعالیت‌های این دو مرکز در همان آغاز کار متوقف شده و تنها اندکی از آن آثار و اسناد باقی مانده است. گفتنی است که از سال ۱۳۷۵ مجدداً این دو مرکز زیر نظر اینجانب باز گشایی شده و هم‌اکنون بسیاری از اسناد، مدارک و مقاله‌ها و کتاب‌های مربوط به سعدي و حافظ گردآوری، فهرست‌نویسی و تنظیم شده و روزانه بسیاری از پژوهشگران از این امکان فراهم آمده بهره می‌برند.

مشرف‌الدین مصلح‌بن عبدالله سعدي شیرازي در چین، جان خوئین، ذکر جمیل سعدي، ج ۱، کمیسیون ملي یونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۲۴۵-۲۳۵.

چاپ‌های دیگر: ۱. کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدي)، شماره ۱۰، ۱۳۶۲، صص ۲۵-۲۴ (با عنوان " سعدي در چین ").

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره مقام ادبی سعدي: " سعدي شیرازي، نه تنها ستاره درخشان آسمان ادب فارسي بوده، بلکه مایه افتخار ادبیات جهانی می‌باشد ... سعدي شیرازي را بی‌اغراق می‌توان شاعری نوآور و راهگشای يك عصر جدید در تاریخ رشد و تکامل ادبیات فارسي نامید (ص ۳۳۷). مردم چین همواره، برای سعدي شیرازي و آثارش ارزش فراوانی قائل هستند ... این شاعر بزرگ ایران نه تنها به دفعات از چین به زبان تحسین‌آمیزی یاد کرده، بلکه در مسیر طولانی سفر خود در جوانی، در سرزمین کاشغر سینکیان چین قدم گذارده است ... آثار سعدي شیرازي، ۷۰۰ سال قبل وارد چین گردیده، از قرن چهاردهم به بعد، گلستانش جزو کتب درسي مسلمانان چین واقع شده است " (ص ۳۳۸).

۱-۲. اشاره به نوشته ابن بطوطه که از دهان يك آوازخوان چینی سرودی از سروده‌های سعدي را می‌شنود (ص ۳۳۸).

۱-۳. تشریح چگونگی استفاده از آثار سعدي در چین: " در عصر حاضر کسی که شیخ سعدي را به عنوان یکی از شعراي نامي و ادبای برجسته ایران به مردم معرفی کرده است، يك ادیب مشهور چین است، به نام "جن‌جین‌دو" ... در سال ۱۹۴۸، یکی از مسلمانان چین به نام " وانگ جین‌جای " برای اولین بار گلستان را به زبان چینی ترجمه کرده است ... در سال ۱۹۵۸ ترجمه دیگری از گلستان در چین به چاپ رسید ... این ترجمه از زبان انگلیسی به چینی بود ... و مترجم آن آقای " شوئی‌جیان‌فو " (ص ۳۳۹). در مدارس عالی چین، در کلاس‌های ادبیات جهانی، سعدي را همواره به عنوان یکی از شعراي جهانی معرفی می‌کنند " (ص ۳۳۹).

۱-۴. مقایسه افکار کنفوسیون و سعدي و بیان اشتراکات آنها. (صص ۳۴۴-۳۴۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدي، محمدعلي فروغي، با مقدمه عباس اقبال. ۲-۲. مکالمات کنفوسیون، گردآورنده لیوبائونان. ۲-۳. سفرنامه ابن بطوطه (ترجمه فارسي).

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۵ بار، بوستان ۳ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله با بررسی مختصری به وضعیت آشنایی مردم چین با آثار سعدي و پیشینه ورود آثار سعدي به چین پرداخته و سپس باورهای مشترك سعدي و کنفوسیون را برشمرده است ذکر دقیق نشانی مثال‌ها و نقل قول‌ها در بخش منابع و مآخذ (ص ۲۴۵) آمده است.

۴-۲. در بخش مقایسه افکار سعدي و کنفوسیون نظر غربی ارائه گردیده که علاوه بر اینکه برای نخستین بار این نظر مطرح می‌شود با حقیقت باورهای سعدي نیز ناسازگار است: نویسنده مقاله معتقد است که اگر سعدي با مردم همدردی می‌کند و به آنها توجه دارد و اگر گاهی حاکمان را مورد تنقید قرار می‌دهد، نیت اصلی او حفظ و حراست حکومت وقت بوده است، نه دلسوزی با مردم: " باید خاطرنشان ساخت هم سعدي و هم کنفوسیوس نیت اصلی توجهات و همدردیشان نسبت به مردم، همان حفظ و حراست حکومت وقت و نظام موجود بوده است ... آنها بدان علت پا دشاهان ظالم و جابر را مورد تنقید قرار می‌دادند که نگران بودند سیاست‌های شوم و ناعادلانه‌شان مبادا مردم را به شورش برینگیزد و مردم علیه این پادشاهان دست به مبارزه بزنند " پس از آن، دو بیت از بوستان را برای شاهد سخن خود نمونه می‌آورند:

خرابی کند مرد شمشیر زن نه چندان که دود دل پیرزن

چراغی که بیوه‌زنی بر فروخت بسی دیده باشی که شهری بسوخت

(ص ۳۴۴)

چگونه می‌توان درباره بوستان که يك دوره حکمت عملي است و باورهای آرمانی سعدي را به زیبایی نشان می‌دهد، چنین داوری کرد، که آن را " برای حفظ و حراست نظام حاکم و از ترس شورش مردم علیه پادشاه " سروده است! توصیه‌های مکرر سعدي به راستی، درستی،، تواضع، عدالت، نیک‌اندیشی و ... بی‌گمان برای اصلاح اخلاق و رفتار جامعه است نه از ترس قیام مردم بر علیه نظام حاکم.

مشکل عشق از نظر سعدي و حافظ ، ع. دستغيب، پيام نوين، سال چهارم، شماره ۱۰، تير ۱۳۴۱، صص ۱۲-۱۰.
چاپ‌هاي ديگر: ۱. درباره حافظ چه مي‌گويند، به كوشش جمشيد مهرپويا، انتشارات جان‌زاده، آبان ۱۳۷۷، صص ۴۹۱-۴۷۹.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضيح درباره معنای عشق از نظر برخي اندیشمندان غربي و سخن‌سرایان ایرانی (صص ۳-۱) با این نتیجه‌گیری: " از آنچه گذشت چنین بر می‌آید که توضیح عشق بسیار مشکل است از زندگانی انسان که در آن رنگ پیوستگی و انفعال شدیدتر است و اما يك چیز را می‌توان درباره عشق به وضوح تمام گفت و آن این است که عشق حالتی است از زندگانی انسان که در آن رنگ پیوستگی و انفعال شدیدتر است و آن را با سود و زیان و عاقبت‌اندیشی رابطه‌ای نیست " (ص ۳).
۱-۲. تأکید بر عشق معنوی به عنوان عاملی در مردان بزرگی چون بودا، افلاطون، ارسطو، بوعلی‌سینا و ... برای تأثیرگذاری آنها در جوامع بشري (ص ۵).

۱-۳. بررسی مفهوم عشق در آثار سعدي و حافظ (صص ۹-۶)، از جمله: " سعدي و حافظ هر دو در وصف عشق اعجاز کرده‌اند ... بگذار به طور مبالغه‌آمیزی بگوییم اگر تمام شعراي جهان جمع شوند، هرگز نخواهند توانست چنین شعر بگویند که سعدي و حافظ گفته‌اند ... اگر شرط اصلي هر هنري را هماهنگی و شورانگیزی بدانیم، به طور شگفت‌انگیزی این امر، در غزلیات سعدي رعایت شده (ص ۶) توصیف عشق در زبان سعدي بیشتر با تمایلات جنسي مربوط است (ص ۷). سعدي وقتی از زیبایی معشوق سخن می‌گوید کاملاً نشان می‌دهد که توصیف وی واقعی و دقیق است، این توصیف زیبایی و یا وصف حالات معشوق گاهی با کامیابی شاعر و زمانی با هجران و ناکامیابی او قرین و همراه است، ولی از ابیات وی جرقه‌های شادي و طرب بیشتر از شعله‌های دردناك غم به چشم می‌خورد. اما در بیان حافظ چنین نیست و درست به عکس است. حافظ شوریده و شیداست و حتی هنگام وصل هم ناله می‌کند ... حافظ با " غم عشق " سر و کار دارد و سعدي با " خود عشق " (ص ۸) ... عشق با اینکه در زبان و شعر سعدي و حافظ پیوستگی معشوق به عاشق و عاشق به معشوق است، معهداً هر کدام از این دو مرد آن را به نحوی خاص دریافته‌اند " (ص ۹).

۱-۴. بیان تفاوت‌های حافظ و سعدي در موضوع عشق (صص ۱۳-۹).

" اولاً حافظ عارف و رندي است متفکر و هر جا که زیبایی و حسني سراغ می‌کند، به آن بسنده نکرده و جویای حقیقت کلي و زیبایی ابدي و همیشگی و طالب دیدار جمال (حسن جاویدان) او می‌گردد ... سعدي مردی است اهل عمل و دنیا دیده ... به عکس حافظ (ص ۹) ... این اختلاف بینش و مسلک خواه ناخواه در اشعار سعدي و حافظ وارد شده و رنگ خاصی به اشعار هر کدام از آنها داده است. سعدي از آنجا که هم با مردم عادي و عامی و هم با خواص سر و سر دارد، ظاهر شرع را از دست نداده و در مقوله تفکر دینی باقی مانده، چنانکه در سومنات هندوی مزدور را به چاه انداخته ... (ص ۱۰) پناه به دیوان اشعار حافظ حتی در منتهای رنج و درد ممکن است. از آنجا که افکار حافظ از سعدي و دیگر پیشینیان آزادتر و دانیایی‌اش ژرف‌تر و تخیلاتش به شرایط زندگانی انسانی نزدیک‌تر است، رنگ عشق نیز در اشعارش برجسته‌تر و روشن‌تر و پسندیده‌تر است ... در غزل‌های سعدي رنگ احساس و عاطفه بیشتر و در غزل‌های حافظ رنگ اندیشه شدیدتر است " (ص ۱۱).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. غزلیات حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. غزلیات ۱۴ بار، بوستان ۵ بار، گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته، موضوع عشق در آثار سعدي و حافظ کاویده و با نقل شواهدی از آثار آنها باز نموده شده است. استناد به آثار سعدي و حافظ، پرهیز از انشاپردازی و درازگویی و ذکر نشانی دقیق مأخذ نقل‌قول‌ها از ویژگی‌های این نوشته است، چنانچه نشانی نمونه‌های شاهد نیز نوشته شده بوده، بر ارزش علمی مقاله افزوده می‌شد. در اندک مواردی، داوری نگارنده در محل تأمل است، از جمله: در ص ۷، آنجا که پس از نقل ابیاتی از سعدي نتیجه گرفته‌اند که: " از این چند نکته، چنین برمی‌آید که توصیف عشق در زبان سعدي بیشتر با تمایلات جنسي مربوط است ... " آیا واقعاً از سروده‌هایی مانند ابیات زیر که شاهد نگارنده بوده‌اند، می‌توان به این نتیجه رسید که عشق سعدي حتماً مربوط به تمایلات جنسي است؟
روز وصلم قرار دیدن نیست شب هجرانم آرمدن نیست

تا نه تصور کنی که بی تو صورم گر نفسي می‌زنم باز پسین است

تو شبی در انتظاری ننشسته‌ای چه دانی که چه شب گذشت بر منتظران ناشکیب ...

۴-۲. عنوان مقاله هم اندکی توهم‌آمیز است، اگر در عنوان مقاله به جای " مشکل عشق ... "، " موضوع عشق از نظر سعدي و حافظ " آمده بود، توهم مورد نظر زوده می‌شد همین مسئله موجب شده است که نویسنده در پاورقی صفحه نخست مقاله، ناچار به توضیح واژه "مشکل" باشد ...

مصلح‌الدین سعدي شیرازی ، اسدالله شعبانی، آیش (جنگ ادبی کودکان و نوجوانان)، شماره ۲، آذر ۱۳۶۲، صص ۳۶-۲۹.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. اشاره به تولد، کودکی، تحصیلات و مسافره‌های سعدي (ص ۳۶).

۱-۲. معرفی کوتاه آثار سعدي، از جمله: " بوستان و گلستان سعدي، از شاهکارهای ادبیات فارسی است، با این حال شهرت سعدي، بیشتر در غزلسرایي بوده است. چرا که سعدي در غزلسرایي قدرت شگرفی دارد. او لطیف‌ترین معانی را در ساده‌ترین و کامل‌ترین کلمات بیان می‌کند. در سخن او اغلب مفاهیم جدي و طنز می‌آمیزد و با ظرافت و قوت بیان می‌شود ... " (ص ۳۷).

۱-۳. نقل يك غزل و دو قطعه شعر از بوستان سعدي (صص ۳۹-۳۸).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. بوستان ۴ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته، سعدي، با زبانی ساده و به کوتاهی برای مخاطبان نوجوان مجله معرفی شده است، و به همین جهت این نوشته نکته تحقیقی تازه‌ای را شامل نیست.

در پایان مقاله، سه قطعه شعر از سعدي نقل شده است، اما به جای اینکه برای مخاطبان نوشته، مشخص کنند این سروده‌ها از کدام آثار سعدي انتخاب شده‌اند، زیر هر شعر بی‌هیچ ضرورتی تنها نوشته‌اند " سعدي شیرازی ".

۴-۲. در صفحه ۳۷ نیز شایسته بود صورت درست بیت بوستان را که در اغلب نسخه‌های معتبر، از جمله نسخه‌های فروغی و یوسفی آمده است (آورند - برند به جای آورم - برم) می‌نوشتند:

به دل گفتم از مصر قند آورند بردوستان ارمغاني برند ...
ص ۲۸، ب ۴: " از سرو روان " نادرست و " اي سرو روان " درست است.

مضامين مشترك ، ابوالقاسم حبيب‌اللهي (نويد)، برگرفته شده از كتاب " ارمغان نويد "، به كوشش دكتور محمد حبيب‌اللهي، انتشارات ميثم تمار، ۱۳۶۲، صص ۷۹-۱.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. يادکرد نمونه‌هاي مختلفي از سروده‌هاي عربي و فارسي كه داراي مضمون مشتركند. از جمله شاعران عرب كه سروده‌هايشان به عنوان نمونه شاهد آورده شده مي‌توان از افراد زير نام برد: متنبي، زهير بن ابي سلمی، ابي‌تمام، مجنون، عباس بن احنف، ابوالعنايه، ابن‌رومي و ... و از جمله شاعران فارسي افراد زير برشمردني هستند: سعدي، فردوسي، حافظ، مولوي، سنائي، خيام، خاقاني، انوري و

۲. منابع اصلي: ۲-۱. در اين نوشته از منابع متعدد عربي و فارسي بهره گرفته شده است. با توجه به فراواني اين نمونه‌ها از يادکرد نام اين منابع استثنائاً، چشم مي‌پوشم و تنها كليات سعدي، تصحيح محمدعلي فروغي به عنوان يكي از منابع اصلي مقاله، يادآوري مي‌شود.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۳۶ بار، غزليات ۲۳ بار، بوستان ۶ بار، قصايد ۵ بار، رباعيات ۲ بار، مثنويات ۱ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. با آنكه موضوع اصلي اين مقاله صرفاً مربوط به سعدي نيست و همه شعر فارسي را شامل است، به دليل استفاده فراوان از سروده‌هاي سعدي (بيش از هفتاد مورد) و بازجست سروده‌هاي عربي همانند آنها، اين نوشته ارزشمند در اين مجموعه مورد توجه قرار گرفت.

گسترده‌گي پژوهش و استفاده فراوان از منابع مختلف، از ويژگي‌هاي ارزشمند اين مقاله است و چنانچه اين نمونه‌ها با يك بررسي مختصر، از نظر ارزش ادبي با هم مقايسه مي‌شدند، بر ارزش مقاله افزوده مي‌شد.

ديگر آنكه شايبسته‌تر بود، اين سروده‌ها به گونه‌اي موضوعي دسته‌بندي مي‌شدند، آقاي حبيب‌اللهي خود بر اين نقص اعتراف کرده‌اند؛ و جبران آن را به وقتي ديگر و انباده‌اند: " در مقالاتي كه تاكنون تحت عنوان " مضامين مشترك در فارسي و عربي " براي درج در مجله فرستاده‌ام، به هيچ وجه مراعات نظم و ترتيب معيني نشده است، اينجانب مایل بودم كه مضامين مزبور را تحت ابواب و فصول مشخصي درآورم ... اميدوارم اگر اين مقالات، بعدها به صورت كتابي جداگانه تجديد طبع شود، ابواب و فصول آن مشخص و معين گردد " (ص ۲۱).

۴-۲. بيشتري نمونه‌هايي كه براي همانندي مضمون سروده سعدي با سروده شاعران عرب مثال آورده شده در كتاب " متنبي و سعدي " از حسينعلي محفوظ نيز آمده است.

۵. تأثيرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گلستان سعدي، تصحيح و توضيح دكتور غلامحسين يوسفی، خوارزمي، ۱۳۶۸، صص ۲۲۸، ۲۲۸، ۲۴۹، ۲۵۴، ۲۵۴، ۲۷۰، ۲۸۳، ۲۸۴، ۲۹۴، ۳۱۶، ۳۲۸، ۳۵۶، ۴۰۸، ۴۱۵، ۴۱۹، ۴۶۲، ۴۷۸، ۵۱۶، ۵۲۳.

مضمون‌گيري سعدي از شاعران عرب ، دكتور جعفر مؤيدشيرازي، گوهر، سال اول، شماره ۹، مهر ۱۳۵۲، صص ۸۲۱-۸۱۱.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. شناختي تازه از سعدي ... ، دكتور جعفر مؤيدشيرازي، انتشارات نويد، ۱۳۶۲، صص ۲۸-۱۳. ۲. سيماي سعدي، دكتور جعفر مؤيدشيرازي، انتشارات دانشگاه شيراز، ۱۳۷۶، صص ۲۳-۸ (با اندكي تغيير).

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. توضيح درباره صورت‌هاي اخذ و اقتباس در متون ادبي و اشاره به منابع اندیشه سعدي: " قسمت اعظم معارف سعدي را فرهنگ گسترده اسلامي تشكيل مي‌دهد كه از زبان و ادبيات عرب بر صفحه پذيراي ذهن وي نقش بسته و با سرشت متعالي و هنريذير و هنرپرداز او در هم آميخته است ... تاروزي كه حد درگيري سعدي با زبان و ادبيات تازي و معارف اسلامي و اندازه دقيق تأثر وي از اين عوامل به دقت مورد بررسي قرار نگرفته ... به هيچ روي نمي‌توان نقدها و ارزيايي‌ها را جدي گرفت ... و درباره اين شگرف‌ترين پديده فرهنگ فارسي و مانوس‌ترين سيماي زبان دري به داوري و قضاوت نشست " (ص ۸۱۱).

۱-۲. اشاره به برخي از پژوهش‌هايي كه با موضوع شعر عربي سعدي و تأثر او از ادبيات عرب انجام پذيرفته است و نقد برخي از اين پژوهش‌ها (ص ۸۱۲).

۱-۳. معرفي كتاب " المتنبي و سعدي " نوشته دكتور حسينعلي محفوظ و داوري درباره آن: " اگر چه اين محقق عراقي زحمت فراواني را متحمل شده و انصاف را خدمت شاياني به زبان و ادبيات ما انجام داده، اما به دو دليل هر كس مي‌تواند بر نقايب و ناروايي‌هاي كتابش آگاهي يابد. اول اينكه بي‌غرضي و بي‌طرفي محققانه، آن گونه كه لازم است از طرف مؤلف رعايت نشده، ديگر اينكه در بازشناسي پاره‌اي از حقايق بينش كافي به كار نرفته و گفتارها در همه جا متكي به مدارك و منطق كافي نيست ... در هيچ يك از اين فصول نيست كه خواننده هوشيار با زياده‌روي‌ها و انحرافات و احياناً غرض‌ورزي‌هاي مؤلف مواجه نشود " (صص ۸۱۲-۸۱۳).

۱-۴. بررسي و بازنمود پاره‌اي از لغزش‌هاي دكتور محفوظ در فصول " مآخذ سعدي من الشعراءالعرب " و " مآخذ سعدي من معاني‌المتنبي ". در اين بخش هشت مورد از لغزش‌هاي متنبي باز نموده شده است. در همه موارد تأكيد شده است كه مضمون سخن سعدي علاوه بر ظرافت پرداخت، مضموني شايع است و در سخن شاعران پارسي‌زبان پيش از سعدي نيز يافت مي‌شود (صص ۸۱۶-۸۱۲).

۱-۵. بررسي برخي از نظرات علامه قزويني درباره تأثيرپذيري سعدي از شاعران عرب و نقد و رد اين نظرات (صص ۸۱۷-۸۱۶).

۱-۶. چكيده و نتيجه‌گيري مباحث گذشته:

" ۱. اقتباس يك شاعر از ديگري عملي است كاملاً طبيعي و معقول كه هرگز نه عرف و نه شرع شاعري را با آن مياينتي مي‌تواند بود.

۲. بازشناسي حدود و شيوه اقتباسات يك شاعر اگر تحت ضوابط و اصول نقد منطقي صورت گيرد، مي‌تواند تا حد زيادي در ارزيايي هنر وي مفيد واقع شود.

۳. كساني كه درباره اخذ و اقتباس سعدي اظهار نظر کرده‌اند، اغلب قضاوتشان دقيق نبوده و از روي عمد يا سهو دچار زياده‌روي‌هايي شده‌اند " (صص ۸۱۷-۸۱۸).

۱-۷. " طرح و بررسي چند مورد از اخذ و اقتباس واقعي سعدي " در اين بخش ابيايي از غزليات سعدي كه با برخي مضامين شعر عرب همانندي دارد باز نموده شده است (صص ۸۲۰-۸۱۸).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. المتنبي و سعدي، حسينعلي محفوظ، ۱۳۷۷ قمری. ۲-۲. ديوان برخي از شاعران عرب: ابي‌تمام، مجنون، عمر بن ابي ربيعه، ابي‌نواس و

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. غزليات ۱۳ بار، گلستان ۴ بار، بوستان ۲ بار، قطعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. این مقاله به دور از حشو و زواید و با پرهیز از انشاپردازی‌های درازدامن مرسوم به نقد و بررسی آرای برخی از نویسندگان درباره تأثر سعدی از شاعران عرب پرداخته است. و بررسی نظرات حسینعلی محفوظ در کتاب متن‌بی و سعدی به گونه‌ای جدی‌تر مورد توجه بوده است. بازنمود برخی از این لغزش‌ها با تحلیل منطقی آنها (صص ۸۱۷-۸۱۲)، همچنین معرفی برخی از پژوهش‌هایی که با موضوع مورد نظر پرداخته شده‌اند (ص ۸۱۲) به ارزش علمی و انتقادی مقاله افزوده است. و برای روشن‌نگری در مسیر سعدی‌پژوهی سودمند است.

۲-۲. نویسنده برخی از آرای علامه قزوینی را نیز نقد کرده، اما مآخذ برگرفته‌های خود را ننمایانده است. در این باره، تنها، گفته است: "تحقیقات قزوینی درباره شعرهای عربی سعدی و احیاناً روابط و تأثرات وی از ادبیات عرب برای ما باقی نمانده است. اما چون در یادداشت‌های پراکنده این محقق به مواردی برمی‌خوریم که از مضامین مقتبس سعدی سخن گفته است ... به بررسی آنها می‌پردازیم." (ص ۸۱۶) شایسته بود نشانی همین یادداشت‌های پراکنده نیز در مقاله مشخص می‌شد.

۲-۲. نشانی برخی از مثال‌های شاهد - بویژه سروده‌های سعدی - مشخص نشده است.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. گلستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۱۸، ۲۵۲، ۵۰۲. همه گویند ولی گفته سعدی دگر است، احمد مهدوی دامغانی، مجله ایران‌شناسی، سال سوم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۰، ص ۲۹.

معرفی چند مورد از منابع اشارات سعدی، محمود امیدسالار، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی)، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۶۷، صص ۲۶۴-۲۶۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل حکایت "سالی محمد خوارزمشاه... " از گلستان و اشاره به اینکه مضمون "دعوی عمر و زید در برخی از متون متقدم آمده است" و یادکرد ابیاتی از کتاب "عقدالفرید" از ابن عبد ربه و "بهجةالمجالس و ... " از ابی عمر یوسف بن عبدالله ... که در آن اشعار اشاره به دعوی عمر و زید شده است (صص ۲۶۲-۲۶۱).

۱-۲. نقل عباراتی از "کتاب الحیوان" جاحظ و "عیون الاخبار" ابن قتیبه دینوری که در آن عبارات، مضمون این بیت سعدی: (عاقبت گرگ زاده گرگ شود - گرچه با آدمی بزرگ شود) آمده است (صص ۲۶۳-۲۶۲).

۱-۳. نقل یک حدیث نبوی از دو منبع (الجامع الکبیر سیوطی و الجلیس الصالح الکافی ... ابوالفرج معافی ...) برای تأیید این ضبط از شعر سعدی "بنی آدم اعضای یک پیکرند ... " (ص ۲۶۳).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. بهجةالمجالس و انس‌المجالس، القرطبی ابی‌عمر یوسف بن عبدالله، قاهره، ۲-۲. العقدالفرید، ابن عبد ربه، به تحقیق محمد سعید عربان، قاهره، ۲-۳. گلستان سعدی، به کوشش خلیل خطیب‌رهبر، صفی‌علی‌شاه.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. گلستان ۳ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. در این نوشته کوتاه به پیشینه دو مورد از مضمون‌های گفتار سعدی با یادکرد نشانی مآخذ اشاره شده است، که هر دو مورد از مضامین شایع است.

بازیافت پیشینه حکایت‌ها و مضامین آثار سعدی از پژوهش‌های بسیار ضروری در امر سعدی‌پژوهی است که تا حال آن گونه که بایسته است - جز در مواردی اندک - انجام نپذیرفته است. در این مقاله نیز تنها به دو مورد از این موارد که گونه ضرب‌المثل یافته، اشاره شده است.

۲-۲. یادکرد کامل مآخذ، ایجاز در گفتار (جز نقل کامل حکایت "سالی محمد خوارزمشاه ... " - صص ۲۶۲-۲۶۱ - که شایسته‌تر بود تنها با اشاره‌ای از آن می‌گذشتند) و تازگی بازیافت پیشینه دو مورد یاد شده از سخن سعدی، از ویژگی‌های این نوشته است.

معرفی کتاب قلمرو سعدی از علی دشتی، عبرت، سال پنجم، شماره ۱۰، آبان ۱۳۳۹، صص ۴۶-۴۰.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل عبارتی درباره کتاب "قلمرو سعدی" بدون ذکر نام و نشانی مآخذ (ص ۴۰).

۱-۲. معرفی کتاب "قلمرو سعدی" و بخش‌های مختلف آن، با ذکر برخی از مطالب کتاب و داوری بسیار مختصری درباره آن که این داوری‌ها در جهت تأیید نظریات دشتی است، از جمله: "کتاب قلمرو سعدی، تازه‌ترین اثر دشتی است. کسانی که با آثار و نوشته‌های دشتی، آشنا هستند، به خوبی می‌دانند که این نویسنده توانا با قدرت قلم خود مشکل‌ترین مطالب را برای خواننده سهل‌التناول می‌سازد (ص ۴۰). از فصل چهارم تا فصل دهم از جالب‌ترین فصول کتاب می‌باشد، نویسنده، سعدی را با شاعران پیش از خود، مانند خاقانی، انوری، ناصر خسرو، جمال‌الدین عبدالرزاق و همچنین با ادبای معاصر سعدی مقایسه کرده. این‌گونه مقایسه در ادب فارسی کمتر صورت گرفته است. این مقایسه کاملاً دقیق بوده و می‌توان گفت فصل تازه‌ای را در ادبیات آغاز کرده است" (ص ۴۱).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. قلمرو سعدی، علی دشتی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. غزلیات ۹ بار، بوستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. در این نوشته تنها به معرفی کتاب "قلمرو سعدی" از علی دشتی پرداخته شده و مطالب آن نقد و بررسی نشده است. داوری نویسنده این مقاله در حد مطالبی است که در بخش ۱-۲ نوشته شد.

۲-۲. نشانی نقل‌قول‌ها و نمونه‌های استفاده شده نیز مشخص نشده است.

معنای بیتی از سعدی، محمد فرزانه، مقالات فرزانه، تهران، ۱۳۵۶، صص ۴۳۱-۴۲۹.

* این مقاله پاسخی است به پرسشی از آقای احمد احمدی، که در سال ۱۳۳۷ در بخش احتجاجات مجله یغما به چاپ رسیده است، برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله "احتجاجات و ... معنای بیتی از سعدی، احمد احمدی و سید محمد فرزانه، یغما، سال یازدهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۳۷، صص ۲۸۲-۲۸۱، در همین مجموعه.

معنی بیتی از بوستان، دکتر مظاهر مصفا، گوهر، سال اول، شماره ۸، شهریور ۱۳۵۲، صص ۷۶۵-۷۶۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقل بیت

"مکن، بر کف دست نه هرچه هست که فردا به دندان بری پشت دست"

و طرح چند نظر درباره معنی " مکن " در این بیت از قول دیگران. و نقد و رد آن نظرها با استناد به کاربردهای مشابه این فعل در آثار سعدی و سخن دیگران (صص ۷۶۵-۷۶۱).

۱-۲. انتقاد از کسانی که از فهرست تعبیرها و ترکیبها ... فراهم آمده در کلیات سعدی به تصحیح خود نگارنده، بدون ذکر مأخذ استفاده می‌کنند (ص ۷۶۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، به کوشش دکتر مظاهر مصفا.

۲-۲. کلیات شمس، تصحیح فروزانفر.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۸ بار، بوستان ۷ بار، قصاید ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. نقد نظر دیگران در شرح بیت مورد نظر از بوستان با استناد به کاربردهای مشابه در ۱۳ مورد از آثار سعدی، ۴ مورد از غزلیات شمس و ۲ مورد از نثر سمک عیار، با یادکرد نشانی کامل مثال‌های شاهد، برای دریافت درست بیت و اطمینان از آن دریافت کارساز و سودمند است.

۴-۲. نگارنده، مأخذ نظراتی را که در صص ۷۶۱-۷۶۲ به آنها اشاره شده، مشخص نکرده‌اند (احتمالاً برای رعایت احترام).

معنی بینی از بوستان شیخ اجل سعدی شیرازی، غلامعلی حقیقی راد، گوهر، سال چهارم، شماره ۱۰، دی ۱۳۵۵، صص ۸۸۵-۸۸۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب بوستان سعدی با شرح و تفسیر محمدعلی ناصح و طرح ایراد بر توضیح یکی از بیت‌ها: " [این کتاب] مجموعه‌ای است نفیس و دایرةالمعارفی مفید که خواندن آن برای علاقه‌مندان به شعر و ادب ضروری و واجب است. ولی در مواردی نادر، به نظر می‌رسد که در معنی پاره‌ای لغات و تفسیر بعضی ابیات مسامحت و زلتی روی داده است یا به نظر این بنده می‌آید، از آن جمله در صفحه ۳۷۵ این بیت آمده است:

سمیلان چو می برنگیرد قدم وجودی است بی‌منفعت چون عدم ... "

(ص ۸۸۵)

- نقل توضیحات محمدعلی ناصح درباره واژه سمیلان - که آن را به " چو ثهلان " تصحیح کرده‌اند - و رد آن نظر: " ثهلان که به معنی کوهی بزرگ است ... نمی‌تواند تنها به استناد عدم تحرک، وجودی بی‌منفعت مانند عدم باشد و شیخ اجل سعدی آن را به چنین وصفی در شعر خود بیاورد ... بنابراین به نظر بنده در شعر مزبور معنی سمیلان همان است که شادروان محمدعلی فروغی پذیرفته و معنی کرده است ... " (ص ۸۸۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، محمدعلی ناصح، بنیاد نیکوکاری نوریانی.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. درباره واژه سمیلان در بیت یاد شده از بوستان نظرات گوناگونی مطرح شده است. نگارنده این مقاله با رد نظر مرحوم محمدعلی ناصح و توضیح درباره دلیل خود، توضیح محمدعلی فروغی را پذیرفته و تأیید کرده‌اند.

به نظر می‌رسد تبدیل " سمیلان " در بیت یادشده به " چو ثهلان " از نظر معنا آنقدر قوت ندارد که پذیرفتنی باشد. برای توضیح بیشتر این واژه، رک. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، صص ۳۰۸-۳۰۷.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. معنی بینی از بوستان شیخ اجل سعدی شیرازی، غلامعلی حقیقی راد، گوهر، سال پنجم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۶، ص ۴۱۲. ۵-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، ص ۳۴۰.

معنی بینی از بوستان شیخ اجل سعدی شیرازی، غلامعلی حقیقی راد، گوهر، سال پنجم، شماره ۵، مرداد، ۱۳۵۶، صص ۴۱۲-۴۱۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بررسی معنی بیت زیر از بوستان با نقد و رد نظر آقای محمدعلی ناصح در شرح آن بیت مندرج در مجله گوهر، دی ماه ۱۳۵۵:

عبایی بلیلانه در بر کنند به دخل حبش جامه زر کنند

نتیجه اینکه: " شیخ می‌فرماید: مردم دو رو با نشان دادن زهد و پرهیزکاری خود به ظاهر مانند بلال عبای کهنه می‌پوشند ولی در باطن از راه نادرست جامه زرتار که برابر خراج حبشه! ارزش دارد به دست می‌آورند."

۱-۲. بیان اختلاف ضبط این بیت در نسخه‌های مختلف و پذیرش يك وجه با ذکر دلیل (ص ۴۱۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. معنی بینی از بوستان ... ، محمدعلی ناصح، گوهر، دی ماه ۱۳۵۵. ۲-۲. بوستان، عبدالعظیم قریب.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته در واقع نقدی است بر نوشته آقای محمدعلی ناصح در شرح بیت مورد نظر که نویسنده با ذکر دلیل و یادکرد نظر دیگران این بیت را کاوبده است.

۴-۲. در ص ۴۱۴ اشاره‌ای به نظر " دکتر کاسمی " شده، ولی نشانی مأخذ مشخص نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. معنی بینی از بوستان شیخ اجل سعدی شیرازی، غلامعلی حقیقی راد، گوهر، سال پنجم، شماره ۵، مرداد ۱۳۵۶، ص ۴۱۲. ۵-۲. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، ص ۳۴۰.

مقاله دو غزل از حافظ با غزل‌هایی از سعدی، عطار، خواجو و کمال خجندی، پرویز خائفی، برگرفته شده از کتاب مقاله‌ها و مقابله‌ها - حافظ در اوج (۲)، انتشارات اداره کل فرهنگ و هنر فارس، آبان ۱۳۵۶، صص ۱۸۱-۱۸۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقابله دو غزل هموزن و هم‌قافیه از حافظ و سعدی و مقایسه آن با غزلی همانند از عطار (صص ۱۸۲-۱۸۴).

۱-۲. مقایسه غزلی از حافظ با دو غزل از خواجوی کرمانی و غزلی از کمال خجندی (صص ۱۸۶-۱۸۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. غزلیات حافظ، سعدی، عطار، خواجو و کمال (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. در پیوند با سعدی در این نوشته کوتاه، جز مقابله غزلی از او با غزلی از حافظ، مطلبی وجود ندارد. برای مقایسه این دو غزل نیز هیچ بررسی و تحلیلی انجام نگرفته است. دانسته نیست چرا در فهرست مطالب آغاز کتاب، عنوان این نوشته " غزل حافظ - غزل سعدی " نوشته شده است. همچنین دانسته نیست چرا این دو غزل در مقاله " اقتفای حافظ از سعدی " در همین کتاب (صص ۹۶-۱۱۰)، نیامده است (هر چند مقاله اخیر متن سخنرانی بوده است).

مقام سعدی ، پژمان بختیاری، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۲۲-۴۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش سخن سعدی و تکریم مقام او (صص ۳۵-۳۳).

۱-۲. اشاره به چگونگی مدح سعدی: " روش تقریباً همیشگی سعدی در مداحی آن بود که نخست از بی‌مهری روزگار و تغییر احوال زمانه سخن رانده، ممدوح را به اشاعه دادگری و پاس رعیت از ستم و ستم‌پیشگان دعوت نموده، ضمناً قناعت و بی‌نیازی خویش را توضیح کند تا ثنای خود را چنانکه خواهد، خاتمه بخشد. " (ص ۳۵) " شیخ اجل در میان ممدوحان خود، پس از خواجه شمس‌الدین صاحب‌دیوان و برادرش عطاملک جوینی، نسبت به امیرانکیانو علاقه خاصی داشت. می‌توان دریافت که سعدی مداح طامع نیست و گذشته از آنکه هر چکامه‌اش مجموعی از نصایح و حکم و رهبری است، صریحاً اعلام بی‌نیازی و قناعت کرده ... (ص ۳۷) سعدی اندکی خودستا و بسیار فروتن است، اما اگر احساس نماید که فروتنی او جنبه مذلت یافته و مدیحه‌سرایبی، او را به سوی شکست و سقوط می‌راند لحن سخن را دگرگون می‌سازد. " (ص ۳۹).

۱-۲. اشاره به دوستی و پیوند سیف فرغانی و شیخ سعدی: " میان وی [فرغانی] و شیخ اجل باب دوستی مفتوح بوده و با یکدیگر نظاماً مکاتبه داشته‌اند. دریغ که از آن مراسلات در کلیات شیخ چیزی باقی نمانده است و ظاهراً دوستی آنان از موقعی شروع شد که شیخ در کشور سلاجقه روم تفرج می‌فرموده و از ولایات و شهرهای لبنان، دمشق و ... دیدن می‌کرده است " (صص ۴۱-۴۰).
۱-۲. ارائه منتخب چهار قصیده از قصاید سیف فرغانی که در وصف سعدی سروده شده است (صص ۴۵-۴۱).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. دیوان سیف فرغانی، به سعی ذبیح‌الله صفا.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. قصاید ۸ بار، بوستان ۵ بار، گلستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. بخش نخستین این مقاله، حاوی سخن تازه‌ای نیست و تکرار گفته‌های دیگران است، نقطه قوت این مقاله گزیده قصاید سیف فرغانی است که برای سعدی نوشته است و نشان دهنده درجه دوستی و پیوند این دو شاعر است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، ص ۳۰.

مقام سعدی در ادبیات غرب ، مهین اولیایی، ذکر جمیل سعدی، ج ۱، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۲۰۱-۱۹۵.

* این مقاله، بخش نخست مقاله‌ای است که آقای جلال ستاری به نام " مقام سعدی در ادبیات فرانسه "، سال ۱۳۴۳ در مجله مهر به چاپ رسانده‌اند. (ر.ک. مجله مهر، سال دهم، شماره ۴، تیر ۱۳۴۳، صص ۴۱۳-۴۰۹ - همچنین ر. ک. مقاله یاد شده در همین مجموعه).

تفاوت این نوشته با مقاله آقای ستاری تنها در حد تغییر برخی فصل‌ها یا جایگزینی واژه‌هایی چون " مغرب‌زمین " به جای " غرب " و " قیافه " به جای " چهره " است.

اگر اشتباه چاپی نباشد، اتفاق شگفتی است، چگونه عین یک مقاله، ۲۰ سال پس از انتشار، یک بار دیگر، به نام شخص دیگری، در کنگره‌ای ارائه می‌شود و در مجموعه مقاله‌های آن کنگره هم به چاپ می‌رسد و اعتراضی را برنمی‌انگیزد.

مقام سعدی در ادبیات فرانسه (۱) ، جلال ستاری، مهر، سال دهم، شماره ۴، تیر ۱۳۴۳، صص ۴۱۳-۴۰۹ چاپ‌های دیگر: مجله هنر و مردم، شماره ۸۲، شهریور ۱۳۴۸، صص ۲۴-۲۱ و شماره ۸۴، مهر ۱۳۴۸، صص ۶۷-۶۲ و شماره ۹۲، خرداد ۱۳۴۹، صص ۲۰-۱۵ و شماره ۹۵، شهریور ۱۳۴۹، صص ۲۵-۲۱ (این مقاله در مجله مهر در هفت قسمت و در مجله هنر و مردم در چهار قسمت به چاپ رسیده است).

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش سخن سعدی و دلایل گسترش آن در غرب، از جمله: " مضامینی چون ترویج مردمی و اصل عدالت و انسانیت، ملک مشاع جمله آزادگان و خیراندیشان جهان است. از این رو مردم مغرب‌زمین نیز شیخ شیراز را به گرمی پذیره آمده‌اند. فطرت مدارا پسند، فکر مثبت، طبیعت آرام و مستقر، طبع معتدل و سازشگر و مایل به انتظام، خوی نرم و صلح‌جو، قیافه مسالمت‌آمیز و خیراندیش و روح منصف سعدی، حکمت معتدلی پرداخت که در شرق و غرب ستایشگر و دوستدار یافت (ص ۴۰۹). در واقع آنچه بیش از همه [از] غریبان دل‌برده و آنان را مجذوب ساخته، تعالیم اخلاقی سعدی است که انگیزه‌ای جز بشردوستی و بزرگداشت آدمیت و حیثیت و شرف انسانی ندارد " (ص ۴۱۰).

۱-۲. نقل سخنانی از ادوارد براون، دکتر غنی و علی دشتی درباره ارزش کلام سعدی و تفاوت او با سخن‌سرایان دیگر (صص ۴۱۱-۴۱۰).

۱-۳. توضیح درباره نظر خاورشناسان نسبت به سعدی و هدف مقاله حاضر: " شباهت‌هایی که محققان اروپایی مابین سعدی و گویندگان اندیشه‌گر فرنگی از لحاظ لفظ و معنی یافته‌اند، بسیار است و قصد ما در اینجا نمودن این همانندی‌ها از خلال گفته‌ها و نظرات مستشرقین درباره سعدی است ... آثار و افکار سعدی تقریباً یک قرن پیش از همه شعرای ایرانی در اروپا ترجمه شده و خواننده داشته است ... به سال ۱۶۳۴ یعنی سی‌صد سال پیش از این، نخستین ترجمه منتخب گلستان به زبان فرانسه توسط آندره دوریر Andre de Reyer در پاریس به چاپ رسید. از این رو فرانسه در مقام شناساندن سعدی به مردم مغرب فضل تقدم را داراست ... اما تحفه سخن شیخ اجل فقط در آن دیار دست به دست نرفته است. به تصدیق روبنلوی: معروفیت و شهرت سعدی شیرازی در انگلستان، همچنانکه در ایران و هند، بیش از دیگر شعرا و نویسندگان فارسی بوده است ... امرسون نویسنده و متفکر معروف آمریکایی ... کتاب گلستان را یکی از اناجیل و کتب مقدسه دیانتی جهان می‌داند ... " (صص ۴۱۳-۴۱۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. قلمرو سعدی، علی دشتی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. این نوشته بخش نخستین یک مقاله بلند است که دنباله آن در شماره‌های بعد مجله به چاپ رسیده است. برای اشاره این نوشته ر.ک. بخش پایانی مقاله (مقام سعدی در ادبیات فرانسه - ۷).

مقام سعدي در ادبیات فرانسه (۲) ، جلال ستاري، مهر، سال یازدهم، شماره ۲، خرداد ۱۳۴۴، صص ۱۱۶-۱۲۵. چاپ‌های دیگر: ۱. هنر و مردم، شماره ۸۴، مهر ۱۳۴۸، صص ۶۷-۶۲.

۱. مضامین اصلی: * ادامه بخش نخست مقاله که در شماره ۲ سال دهم (تیر ۱۳۴۳) مجله مهر به چاپ رسیده بود.

۱-۱. نقل نگره برخی از خاورشناسان درباره سعدي و ادب و عرفان فارسي، مانند: سیلوستر دوساسي، دارمستتر، باریبه‌دومنار، ارنست‌رنان، شارل‌دفرمري، ارنست‌هاملن، آندره دوریر، از جمله: "سیلوستر دوساسي شیفته اعتدال سعدي است. تعادل و توازن قوای معنوي، گواه عقل‌سلیم و منطق روشن‌بین و واقع‌نگر اندرزگویی است که آدمیان را از افراط و تفریط و زیاده‌روی در هر کاری بر حذر می‌داشته است. این اعتدال ممیزه سخن و اندیشه سعدي است" (ص ۱۱۶).

"باریه دومنار می‌نویسد: از تمام گویندگان شرقی، سعدي تنها شاعری است که می‌تواند مورد درك و دریافت اروپاییان قرار گیرد ... علت این اعتبار و افتخار این است که سعدي در گلستان جامع جمیع صفات و مواهبي است که جمال‌شناسی نوین خواستار آنهاست (ص ۱۱۹) ... منظور سعدي از نگاشتن گلستان و بوستان پراکندن و ترویج دستورات اخلاقی است ... هیچ نویسنده شرقی نزدیک‌تر از سعدي به شعر و ادب ما نیست" (ص ۱۲۲).

"ارنست‌رنان منقد هوشیار و صاحب‌نظر فرانسوي در همین معنی می‌گوید: سعدي واقعاً یکی از گویندگان ماست. ذوق سلیم و تزلزل‌ناپذیر او لطف و جاذبه‌ای که به روایتش روح و جان می‌بخشد، لحن سخریه‌آمیز و پرعطوفتی که با آن معایب و مفسد بشریت را ریشخند و طعن می‌کند، این همه اوصاف که در نویسندگان شرقی بندرت جمع می‌آید او را در نظر ما عزیز می‌دارد. وقتی آثار سعدي را می‌خوانیم، گویی با يك نویسنده اخلاقی و حکمت‌آموز رومي یا يك منتقد بذله‌گو و شوخ‌طبع قرن شانزدهم سر و کار داریم" (صص ۱۲۲-۱۲۳).

"ارنست هاملن، در مقدمه ترجمه گلستان به لجه پروانسال ... می‌نویسد: ... گلستان کتاب اخلاقی و عملی و یا دستورالعمل زندگانی است و اگر اندیشه تنظیم و تدوین مجموعه‌هایی به این سیاق و عنوان (اخلاقی عملی) که در مدارس قدیم ما به صورت کتب درسی معمول بود، از گلستان سعدي اخذ نشده باشد، قدر مسلم این است که در خاطرات دور دست کودکیمان خاطره مبهم اخلاق عملی کلاسیکی را می‌یابیم که در حکایات شرقی آن با حکایات سعدي، شباهت فراوانی داشته‌اند ... تعالیم اخلاقی که به سادگی از نوشته‌های او استنتاج و مستفاد می‌شود، به خوبی معرف هوش مردی است که ارزش واقعی هر چیز را در این جهان بازشناخته و بدون قطع علاقه از امور دنیوي در اوج فکر و دوره رفعت اندیشه، احکام سرنوشت را به دیده تسلیم و رضا نگریسته است ... سعدي در پیشگاه ولتر شأن و مقامی بس جلیل داشت. فیلسوف داستان خود به نام Zadig را در پناه نام سعدي و به صورت ترجمه یکی از نوشته‌های او منتشر کرد ... وقتی که سعدي کارنو Saddi Carnot به ریاست جمهوری فرانسه رسید، نام نیمه شرقی او کنجاوی مردم را برانگیخت. برخی می‌پنداشتند که سعدي نام پدر اوست و کارنو آن را به اسم خود افزوده، از این رو نام او را "سعدي - کارنو" می‌نوشتند. بحث در باب این وجه تسمیه کم‌کم به کوچه و بازار کشید و در افواه عام افتاد ... او و زنی که ترجمه گلستان به خامه دوریر کتاب بالینی آنان بود سعدي را نخست گرامی می‌داشتند و به سبب این علاقه نخستین پسر آنان سعدي نام گرفت و از آن پس این نام بر آن خاندان بماند" (صص ۱۲۳-۱۲۵).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. مقدمه ترجمه گلستان به فرانسه، از دفرمري. ۲-۲.

Garcin de Tassy: la poesie philosophique et religieuse chez les persans d'apres.

۲-۳.

de Bostan ou verger de Saddi, traduit par A. CB. de Meynard Paris ۱۸۸۰.

۲-۴. قلمرو سعدي، علی دشتی.

۲. رویکرد به آثار سعدي: ۲-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش دوم يك مقاله بلند است که دنباله آن در شماره‌های بعد مجله مهر به چاپ رسیده است. رك. بخش پایانی مقاله (مقام سعدي در ادبیات فرانسه-V).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. رك. بخش پایانی مقاله (مقام سعدي در ادبیات فرانسه-V).

مقام سعدي در ادبیات فرانسه (۳) ، جلال ستاري، مهر، سال یازدهم، شماره ۶، شهریور ۱۳۴۴، صص ۲۵۲-۲۴۹. چاپ‌های دیگر: ۱. مجله هنر و مردم شماره ۲، خرداد ۱۳۴۹، صص ۲۰-۱۵.

۱. مضامین اصلی: * ادامه بخش دوم مقاله که در شماره دوم، سال یازدهم (خرداد ۱۳۴۴) مجله مهر به چاپ رسیده بود:

۱-۱. نقل برخی از سخنان هانری ماسه درباره سعدي، از جمله: "هانری ماسه درباره احوال و افکار سعدي، رساله محققانه‌ای پرداخته است که بسیاری از مطالب آن در متن این بحث جای می‌گیرد. به عقیده او دستورات اخلاقی سعدي که مشحون به ملاحظت و نرمی است، بر روی دو اصل بنیان یافته: نخست اعتدال و میانه‌روی و دیگر مدارا و مماشات و تسامح در زمینه مذهب و معتقدات و این جمله از طبع خندان و لحن پر عطوفت او رنگ و مایه گرفته است ... اخلاق سعدي نخست اخلاق عملی است ... سعدي پیش از آنکه آدمی را فی‌حد ذاته و بالنفسه ملاحظه و مطالعه کند، به رفتار و کردار و سلوک اجتماعی او می‌نگرد و چون عیوب و نقائصی یافت به جای آنکه به تلخی و تندبی زبان به انتقاد بگشاید - سعدي بندرت به هجو پرداخته - کوشاست تا راه و رسم نکوتری بنماید ... (ص ۲۴۹) سعدي انزوا و زیستن در کنج عزلت را توصیه می‌کند، اما نه به علل عرفانی و به شیوه صوفیان واقعی که جامعه را منبع جرایم و فساد و جهان را عدم محض می‌دانستند. بلکه به این سبب که گوشه‌گیری و کناره‌جستن عاقبت امر تنها وسیله آسوده زیستن است ... تنها لکه‌ای که بر اخلاق اجتماعی سعدي افتاده، اندیشه مجاز دانستن قصاص و مشروع شمردن انتقام و خونخواهی است. ولی از یاد نباید برد که سعدي در قرن سیزدهم میلادی می‌زیسته و ندانسته تحت تأثیر اصول کهنسال عقاید سامی بوده است ... این اشعار را می‌توان از سعدي دانست: عقل کامل و سالم از هر افراط و تفریطی روی‌گردان است. البته این اعتدال و ملایمت که صفت ممیزه سعدي است با بخشایش و احسان توصیف‌ناپذیر مسیحی که از تعالیم اخلاقی انجیل می‌تراود تفاوت دارد، هر چند که گراف Graf آن دو را برابر دانسته است (صص ۲۵۱-۲۵۰).

طبع خندان، عقل سلیم و فهم مستقیم و لحن طنزآمیز و پر عطوفت سعدي، همه جا نمایان است، با این همه بسان Ronsard و Racan و دیگران بر عمر تلف شده تأسف می‌خورد و از ناپایداری عشق و جوانی و رنج زندگی و بیهودگی تلاش آدمی می‌نالند" (ص ۲۵۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش سوم يك مقاله بلند است که دنباله آن در شماره‌های بعد مجله مهر به چاپ رسیده است. برای اشاره این نوشته: ر.ک. بخش پایانی مقاله.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش پایانی مقاله (مقام سعدی در ادبیات فرانسه-۷).

مقام سعدی در ادبیات فرانسه (۴) ، جلال ستاری، مهر، سال یازدهم، شماره ۷، مهر ۱۳۴۴، صص ۴۱۱-۴۰۸ چاپ‌های دیگر: ۱. مجله هنر و مردم، شماره ۹۲، خرداد ۱۳۴۹، صص ۲۰-۱۵.

۱. **مضامین اصلی:** * ادامه بخش سوم مقاله که در شماره ششم سال یازدهم (شهریور ۱۳۴۴) مجله مهر به چاپ رسیده بود.
۱-۱. ادامه نقل برخی از سخنان هانری ماسه درباره سعدی، از جمله: " سعدی از طبیعت فی‌حد ذاته سخن نمی‌گوید بلکه آن را به مثابه منبعی که الهام‌بخش تشبیهات و تمثیلات ادبی است به کار می‌برد و خصوصاً همیشه با احساس دیگری مثلاً ستایش خدا، ناتوانی انسان، گذشت زمان و یا عشق ملازم می‌کند. عشق از دیدگاه سعدی لطف و شیرینی جهان و یکی از موجبات اساسی و شاید تنها موجب ادامه بقاست ... اگر سعدی در شعر و شاعری به پایه شاعری حماسی چون فردوسی، گوینده‌ای غنایی چون حافظ و سراینده‌ای عرفانی چون جلال‌الدین محمد نمی‌رسد بالعکس از لحاظ دقت و ظرافتی که در مطالعه اجتماع معاصر خویش به کار برده برتر از هر سه آنهاست (ص ۴۰۸). گرچه سعدی اهل استدلال و تعقل برهان است، اما باز در ردیف حکمای اخلاق جای می‌گیرد ... گلستان در قرن هفده به زبان‌های فرانسه، آلمانی، لاتینی و هلندی ترجمه شد ... گوته در پرداختن دیوان شرقی و غربی خویش (۱۸۱۹) از سعدی مدد و بهره گرفت، Ruckert سعدی را به شعر آلمانی برگرداند. پیش از آنان سن‌لامبر Saint - Lambert در قرن هیجدهم (فرانسه) به منظومه خود [اشاره به سعدی داشت] . دیدرو مقاله‌ای را به گلستان اختصاص داد ... مادام‌رولان Roland به او استشهاد کرد رمانتیک‌ها نیز از همان آغاز کار او را پذیره شدند، چه نام سعدی در شرفیات هوگو آمده بود ... اساساً سبک رسا و توانا و شیرین و بی‌تکلف سعدی او را به غربیان نزدیک می‌کند ... شباهت و قرابت سعدی با هراس نه به علت وجود يك دو خصلت جزئی مشترک مابین آنهاست بلکه به سبب همانندی و یگانگی فکری و روحی آن دو است (ص ۴۱۰-۴۰۹). برخی از نویسندگان غربی در مورد بخشی از اخلاق سعدی که رنگ این‌الوقتی دارد مبالغه کرده و آن را بسیار بزرگ جلوه داده‌اند. براون گوید: همان طور که عطار و رومی نمایندگان عرفان پرشور و تعبدی‌اند سعدی نیز معرف آن قسمت از خوی حيله‌گر ایرانی است که هم دنیوی است و هم اخروی بی‌گمان وجود وجوه مشابه و مشترک مابین سعدی و هراس قسمتی از شهرت و محبوبیت او را در مغرب زمین موجب شده است ... اما سعدی فاقد مزیتی است که به ادبیات غرب شور و حیات می‌بخشد و آن را از ادبیات شرقی اسلامی برتر می‌دارد و آن تصویر پیکار و مبارزه انسان با خویشتن و با حوادث روزگار است " (ص ۴۱۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱.

Henri Masse, Essai sur le poete Saddi, Paris ۱۹۱۹.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش چهارم يك مقاله بلند است که دنباله آن در شماره‌های بعد مجله مهر به چاپ رسیده است. برای اشاره این نوشته: ر.ک. بخش پایانی مقاله (مقام سعدی در ادبیات فرانسه-۷).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش پایانی مقاله.

مقام سعدی در ادبیات فرانسه (۵) ، میرجلال‌الدین (جلال) ستاری، مهر، دوره یازدهم، شماره ۹، آذر ۱۳۴۴، صص ۵۷۴-۵۷۱ چاپ‌های دیگر: ۱. مجله هنر و مردم، شماره ۹۵، شهریور ۱۳۴۹، صص ۲۵-۲۱.

۱. **مضامین اصلی:** * ادامه بخش چهارم مقاله که در شماره ۷ سال یازدهم، (مهر ۱۳۴۴) مجله مهر به چاپ رسیده بود.
۱-۱. توضیح درباره تأثیر سعدی در ادبیات فرانسه: " شاید سخن گفتن از تأثیر سعدی در شعر و ادب فرانسه، اندکی گزافه‌گویی باشد، اما در این سخن جای بحث نیست که برخی از گویندگان بزرگ فرنگ که ذوق و طبع آنان به قریحه و اندیشه سعدی نزدیک بود و یا گرایش داشت از این منبع فیض الهام گرفته‌اند و کلام سحرانگیز سعدی در برانگیختن عواطف و احساسات آنان کارگر افتاده است ... " (ص ۵۷۱).

۱-۲. اشاره به برخی از ترجمه‌های آثار سعدی در فرانسه و بعضی از تأثیرپذیری‌ها از این آثار (مأخذ اولیه این گفته‌ها رساله هانری ماسه است)، از جمله: " آندره دوریر منتخبی از گلستان را به زبان فرانسه ترجمه کرد و به سال ۱۶۳۴ تحت عنوان " گلستان یا کشور گل‌ها " در پاریس به چاپ رسانید ... در همان قری که دوریر ترجمه منتخبی از گلستان را به چاپ رسانید، ترجمه‌های آن به زبان‌های آلمانی، لاتین و هلندی انتشار یافت. يك سال پس از طبع ترجمه فرانسوی، " فریدریش اکسن باخ " آن را به زبان آلمانی برگرداند. در ۱۶۵۱ Jentius آن را برای شاهزاده ساکسن به لاتین ترجمه کرد و در ۱۶۵۴ اولناریوس دوباره آن را به آلمانی درآورد. در ۱۷۷۴ منتخبی از گلستان به وسیله استفن سالیوان به زبان انگلیسی ترجمه شد ... از همان زمان که نخستین ترجمه‌های گلستان در اروپا به طبع و نشر رسید، گویندگان فرنگ از این منبع سرشار الهام گرفتند. ریشه و زادگاه برخی از حکایات حکمت‌آمیز و نظرات داستان‌سرایان و شعرا و فیلسوفان اروپایی را در نوشته‌های سعدی باید جست ... در مجموعه آثار منظوم زاندرولافونتن که ظاهراً بیش از همه به این گنج شایگان دست یافت، قصه‌هایی وجود دارد که به تصدیق سخن‌سنجان مقتبس از سعدی است: داستان " رؤیای مغول " ... داستان " گوش خرگوش " و قصه " بخیلی که زرش را بردند و سنگ جای آن نهادند "، قصه آن ستاره‌شناس که به چاه اندر افتاد، وی را گفتند: تو که پیش پای خویش نیاری دید، بر فراز سر خود چه توانی خواند، [ملهم از نوشته‌های سعدی در گلستان است]

Senece (۱۷۵۷-۱۶۴۲) یکی دیگر از نویسندگان این عصر، نیز از سعدی ملهم و متأثر است ... (صص ۵۷۳-۵۷۱).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱.

Henri Masse, Essai sur le poete saddi, Paris ۱۹۱۹

۲-۲. روزنامه اخبار ایران، پنجشنبه ۳۰ دی ۱۳۳۸، مقاله سعدی در اروپا.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۶ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش پنجم يك مقاله بلند است که دنباله آن در شماره‌های بعد مجله مهر به چاپ رسیده است. برای اشاره این نوشته: ر.ک. بخش پایانی مقاله (مقام سعدی در ادبیات فرانسه-۷).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. ر.ک. بخش پایانی مقاله.

مقام سعدي در ادبيات فرانسه (٦) ، ميرجلال‌الدين (جلال) ستاري، مهر، سال يازدهم، شماره ١٠، دي ١٣٤٤، صص ٦٢٢-٦٢٠.
چاپ‌هاي ديگر: ١. مجله هنر و مردم، شماره ٩٥، شهريور ١٣٤٩، صص ٢٥-٢١.

١. **مضامين اصلي:** * ادامه بخش پنجم مقاله که در شماره ٩ دوره يازدهم (آذر ١٣٤٤) مجله مهر به چاپ رسیده بود.
١-١. نقل عباراتي از رساله خانم نيره صمصامي درباره همانندي معتقدات حکما و گویندگان اخلاقي ايران با نظرات فلاسفه فرانسوي قرن هيجدهم و تأکید بر شباهت انگاره‌هاي سعدي و ولتر " (صص ٦٢١-٦٢٠). ٢-٢. معرفي نويسندگان و شاعران ديگري که به آثار سعدي توجه داشته‌اند، از جمله: سن‌لامبر Lambert - Saint ... مادام رولان M. Roland ، هردر Herder ، ... Pignotti ایتالیایی ...
La chbaussiere فرانسوي ... گوته ... Ruckert آلماني ... ویکتور هوگو ... بالزاک ... و آلفرد دوموسه (صص ٦٢٢-٦٢١).
٢. **منابع اصلي:** ٢-١.

Henri Masse, Essai sur le poete Sadi Paris, ١٩١٩.

٢-٢. رساله‌اي از خانم نيره صمصامي با نام: "L' Iran la litterature Franceies"
٣. **رويکرد به آثار سعدي:** ٢-١. گلستان ١ بار.
٤. **اشاره:** ٤-١. اين نوشته بخش ششم يك مقاله بلند است که دنباله آن در شماره‌هاي بعد مجله مهر به چاپ رسیده است. براي اشاره اين نوشته: ر.ک. بخش پایاني مقاله (مقام سعدي در ادبيات فرانسه - ٧).
٥. **تأثيرات و پاسخ‌ها:** ٥-١. ر.ک. بخش پایاني مقاله.

مقام سعدي در ادبيات فرانسه (٧) ، ميرجلال‌الدين (جلال) ستاري، مهر، سال يازدهم، شماره ١٢، اسفند ١٣٤٤، صص ٨٠٠-٨٠١
چاپ‌هاي ديگر: ١. مجله هنر و مردم، شماره ٩٥، شهريور ١٣٤٩، صص ٢٥-٢١.

١. **مضامين اصلي:** * ادامه بخش ششم مقاله که در شماره ١٠ دوره يازدهم (دي ١٣٤٤) مجله مهر به چاپ رسیده بود.
١-١. ادامه نقل برخي از نظرات خانم نيره صمصامي درباره سعدي:
١-٢. توضيح درباره پيوند برخي از نويسندگان و شاعران غرب با سعدي - با استفاده از نوشته خانم نيره صمصامي: " خانم دبور - والمور چون ویکتور هوگو به سعدي که از دیدگاه هر دو حساس‌ترين و عنايتي‌ترين گوینده ایراني است علاقه و عنايتي خاص داشت و او را بر ديگر شعراي پارسي ترجيح مي‌داد ... در آثار سعدي و دبور والمور جوش و خروش عشقي پرشور و شريار ... پيدااست، منتهي دبور والمور فقط از زبان غزليات گوینده ایراني سود جسته و الهام گرفته و به معني و مفهوم عرفاني آن توجه و اعتنايي نداشته است ... تئوفيل گوتيه، لوکنت دوليل، کنتس دونوای و موريس بارس به صور مختلف از سعدي و فردوسي رنگ گرفته و تأثير پذيرفته‌اند ... اوژن مانوئل، شاعر متأخر فرانسه که ملهم و متأثر از سعدي است، در کتاب: اشعار خانه و دبستان " آن حکايت شيخ را که در کودکی در خدمت پدر نشسته و همه شب دیده بر هم نبسته و ... اقتباس کرده و به خود بسته است ... " (صص ٨٠٠-٨٠١).

٢. **منابع اصلي:** ٢-١. رساله‌اي از خانم نيره صمصامي با نام " L' Iran la litterature Franceies "

٢. **رويکرد به آثار سعدي:** ٢-١. گلستان ١ بار.

٤. **اشاره:** ٤-١. اين نوشته هفتمين و آخرين بخش از يك مقاله بلند است که در هفت شماره از مجله مهر به چاپ رسیده است و چهار سال بعد يك بار ديگر در ٤ بخش در مجله هنر و مردم چاپ شده است (هنر و مردم، دوره جديد، شماره ٨٢، شهريور ١٣٤٨، صص ٢٤-٢١ و شماره ٨٤، مهر ١٣٤٨، صص ٦٧-٦٢ و شماره ٩٢، خرداد ١٣٤٩، صص ٢٠-١٥ و شماره ٩٥، شهريور ١٣٤٩، صص ٢٥-٢١).
جالب توجه و گفتني است که بخش نخست اين مقاله ٢٠ سال پس از انتشار در مجله مهر، يك بار ديگر در جلد نخست کتاب " ذکر جميل سعدي " (صص ٢٠١-١٩٥) به نام خانم مهين اوليايي به چاپ رسیده است. در ذکر جميل سعدي تنها برخي از جمله‌ها حذف و برخي از واژه‌ها تغيير کرده است. (براي آگاهي بيشتري، ر.ک. مقاله " مقام سعدي در ادبيات غرب "، مهين اوليايي، ذکر جميل سعدي، ج ١، کميسيون ملي يونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ١٣٦٤، صص ٢٠١-١٩٥ و همچنين مقاله ياد شده در همين مجموعه).
٤-٢. اغلب مطالب اين مقاله از رساله پژوهشي هانري ماسه است که در سال ١٩١٩ م. در پاریس منتشر شده و دکتر زرين‌کوب نيز در مقاله " سعدي در اروپا " بسياري از آنها را بازنموده است (يادداشت‌ها و اندیشه‌ها، چاپ چهارم، صص ١٨٢-١٧٧).
رساله هانري ماسه در سال ١٣٦٤ با نام " تحقيق درباره سعدي " به دست دکتر غلامحسين يوسفی و دکتر محمدحسن اردبيلي به فارسي برگردانده شد.

٤-٣. اگر چه پيش از انتشار اين مقاله درباره تأثير سعدي در ادبيات غرب نوشته‌هايي منتشر شده، اما نوشته حاضر گسترده‌ترين نوشته‌اي است که تا زمان انتشار آن، به بيان ترجمه و نفوذ آثار سعدي در فرانسه پرداخته است. نقل بسياري از انگاره‌ها و نگره‌هاي خاورشناسان، شاعران و نويسندگان در فرانسه درباره سعدي و آثار او از ارزشمندترين ويژگي‌هاي اين نوشته است.
نشاني بيشتري نقل قول‌ها در مقاله نمايانده شده است و نويسنده براي رعايت امانت مأخذ برخي از اشاره‌هاي خود را نيز در پاورقي مشخص کرده‌اند، از جمله در بخش اول، ص ٤٠٩ چند صفت را براي سعدي برشمرده‌اند و در پاورقي نوشته‌اند: " اين تعاريف از قلمرو سعدي آقاي علي دشتي گرفته شده است " (البته گفتني است متأسفانه اين تذکر در چاپ ديگر اين مقاله حذف شده است - مجله هنر و مردم، دوره جديد، شماره ٨٢، شهريور ١٣٤٨، ص ٣١).
با اين همه، نشاني دقيق برخي از نقل قول‌ها مشخص نشده است، از جمله: نظرات امرسون در عبارات پایاني بخش نخست (ص ٤١٣).

برخي از توضيحات حاشيه‌اي موجب درازي نوشته شده است. از جمله نظر دارمستتر درباره ابوسليک گرگاني و ابوسعيد (بخش دوم، صص ١١٩-١١٧) و نظر دومنار و دوتاسي درباره تصوف و عرفان (صص ١٢٠-١١٩).
٤-٤. اگر از رسم‌الخط قديمي مقاله هم چشم بپوشيم از اشتباهات فراوان چاپي در اين نوشته نمي‌توان چشم پوشيد؛ از جمله: بخش اول، ص ٤١٠، س ١: بيش از همه غربيان (بيش از همه از غربيان). بخش دوم، ص ١١٨، س ٢٢: نوشته (توشه) و ص ١٢٠، س ٢٤: اسرار (اسرار را) و ص ١٢١، س ٣١: دومتار (دومنار) و ص ١٢٣، س ١: مفاصد (مفاصد) و ص ١٢٤، س ١٩: نيفاده (نيفتاده) و ص ١٢٤، س ٢٨: زينرو (از اين رو) و بخش سوم، ص ٢٥٠، س ١٩: انشهاگر (اندیشه‌گر) و بازنمايند (بازنمايند) و ص ٣٥١، س ١٠: دوويسان

درويشان) و ص ۲۵۲ س ۱: سست حقيقي اخلاقي بيان مي‌کند (نخست اصلي اخلاقي را بيان مي‌کند) و بخش ششم ص ۴۰۹ س ۲۲: بحققان (محققان) و ...

۵. تأثيرات و پاسخ‌ها: ۱-۵۰. گلستان سعدي، تصحيح و توضيح دكتور غلامحسين يوسفی، خوارزمي، ۱۳۶۸، صص ۲۰۴، ۳۲۷.

مقام سعدي در حيات مدني تاجيکستان، رحيم هاشم تاجيکستاني، ذکر جميل سعدي، ج ۳، کميسيون ملي يونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۲۹۸-۲۹۵.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. کيهان فرهنگي (ويژه هشت صدمين سالگرد تولد سعدي)، شماره ۱۰، دي ۱۳۶۳، صص ۳۱-۳۰.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره به نفوذ کلام سعدي در تاجيکستان: " کلام سعدي در بين مردم تاجيک، چه عالم و چه عامي، ورد زبان‌ها بوده و حکمت‌هاي وي براي مردم اين سرزمين درس اخلاق گرديده است ... امروزه صدها نسخه خطي از اين اثر گرانمايه شيخ اجل را در محل‌هاي تاجيک‌نشين مي‌توان ديد ... گلستان و بوستان از زمان‌هاي خيلي قديم در مکتب‌هاي ما جزو کتب درسي بوده‌اند ... بوستان و گلستان منتخب غزليات سعدي، با الفباي امروزه تاجيک بارها چاپ شده و در دسترس خوانندگان مي‌باشد ... استاد ادبيات امروزه تاجيک " صدرالدين عيني " در يادداشت‌هاي چهار جلدي‌اش و نثرنويسان امروزه ما " فضل‌الدين محمدي " و ديگران در نوشته‌هاي خود، درباره آثار گرانقدر سعدي مطالب فراواني نوشته و مي‌نويسند ... تحقيقات دانشمند معتبر تاجيک " استاد صدرالدين عيني " از اعتبار خاصي برخوردار است ... " (صص ۲۹۸-۲۹۷).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اين نوشته که خالي از جنبه‌هاي پژوهشي و تحقيقي است تنها يك اشاره کوتاهي است به ارتباط مردم تاجيک با آثار سعدي.

مقام سعدي در شعر نازي و راهي امن براي آثار عربي وي، دكتور جعفر مؤيدشيرازي، گوهر، سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۳، صص ۹۸۱-۹۷۲.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. شناختي تازه از سعدي، دكتور جعفر مؤيدشيرازي، انتشارات نويد، ۱۳۶۲، صص ۸۸-۶۹. ۲. سيماي سعدي، دكتور جعفر مؤيدشيرازي، دانشگاه شيراز، ۱۳۷۶، صص ۷۸-۵۹ (با عنوان " جاگه سعدي در شعر نازي ").

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. اشاره به شعر عربي سعدي و آراي مختلف درباره آن: " شايد در زمينه هيچ يك از نمودهاي شخصيت هنري سعدي به اندازه زمينه شعر عربي‌اش آراي ضد و نقیض و عقايد متشکست گفته و شنیده و نوشته و خوانده نشده باشد. برحسب اين آرا به راستي مقام سعدي از بزرگ‌ترين شاعر زبان نازي تا کسي که آثار عربي‌اش داراي هيچ گونه ارزش و مقداري نيست تعيين شده و سپس تغيير يافته است ... (ص ۹۷۳).

فارسي زباناني که قرن‌ها حد کمال هر چيز را در چهره سعدي مجسم کرده‌اند ... هميشه گفته و پذيرفته‌اند و شايد بعد از اين نيز خواهند گفت که استاد شيرازي همچنان که در سخن پارسي برتري خود را نسبت به همه گويندگان مسلم کرده است، در ميان شعراي عرب نيز مردافکني بلامنازع و سخن پردازي بي‌رقيب است که پایه سخن را از همه معني‌پردازان برتر نهاده است. اين عقیده ساده‌ترين طبقات شعردوست و صادق‌ترين و خيال‌پردازترين هواخواهان سعدي است، عقیده‌اي که منطق هيچ نقاد و سخن‌شناسي نمي‌تواند در آن دگرگوني ايجاد کند ... " (ص ۹۷۴).

۱-۲. مقايسه سعدي و بهايي در پاسخ به اظهار عقیده‌اي درباره آن دو (صص ۹۷۵-۹۷۴).

۱-۳. نقل نظر دكتور قاسم تويسرکاني، جميل صدقي‌زهاوي، دكتور حسين‌علي محفوظ و نقد کلي آنها: " شك نيست که اين اريزيابي‌هاي مختصر و عجولانه اگر زايده بي‌اطلاعي و احياناً غرض‌ورزي معتقدانش نباشد، مسلماً نتيجه عدم تحقيق و تتبع کافي و صداقت آنان است " (ص ۹۷۵).

۱-۴. اشاره به تلقي خود سعدي درباره آثار عربي‌اش: " بي‌شك شاعري بزرگ چون سعدي که از مرحله خودفريبي‌ها و خودنمايي‌هاي ابتدائي در گذشته و به کمال و جوهر هنر دست يافته است، داراي طرز تلقي خاصي از کار خویش مي‌باشد که در بازشناسي آن مي‌تواند يکي از مطمئن‌ترين راه‌هاي اريزيابي هنر وي باشد ... بايد ديد سعدي خود چگونه به نقد عملي نيروي نازي‌سرايي و قبول يا رد شعرهاي عربي خویش برخاسته است ... " (ص ۹۷۵).

سعدي دوران جواني و دانشجويي خود را در بلاد عربي گذارنده و با دواوين شعر عرب محشور و مانوس بوده است. و کدام طلبه باذوق و صاحب قريحه پارسي‌گوي را مي‌توان نشان داد که به شعر عربي آشنائي حاصل کرده و طبع خود را در آن زبان نيازموده باشد ؟ ... ما معتقديم که بيشتر گرايش سعدي به عربي‌سرايي مربوط بلکه منحصر به دوران توقفش در کشورهاي عربي بوده است و اين عقیده را استدلال‌هايي استوار همراه هست. مي‌دانيم که سعدي تعداد زيادي از ابیات عربي خود را از خلال قضايد و غزلياتي که در بخش عربي ديوانش موجود است، بيرون کشيده و در گلستان تضمين کرده است ... و مي‌دانيم که سعدي گلستان را پس از بازگشت به ايران و کمي توقف در شيراز، در سال ۶۵۶ به رشته تحرير کشيده است. پس لازم مي‌آيد که حداقل شعرهايي که ابياتي از آنها مورد تضمين قرار گرفته، قبل از اين تاريخ ساخته شده باشد. يعني به روزگار توقف سعدي در کشورهاي عربي ... از سوي ديگر، در خلال آثار عربي استاد، ابياتي وجود دارد که مي‌رساند سعدي آنها را هنگام دوري از وطن و توقف در ديار تازيان سروده است ... " (صص ۹۷۷-۹۷۶).

" البته دلایلي موجود است که پاره‌اي از مهم‌ترين آثار عربي استاد در شيراز سروده شده است اما اين حقيقت نيز خللي در حکم ما وارد نمي‌سازد ... حال اگر در نظر بگيريم که جمع ابیات غزليات و قطعاتي که شاعر در آنها از غربت نالیده است، ۲۸ بيت و جمع شعرهايي که ابياتي از آنها در گلستان تضمين شده است ۶۴ بيت مي‌باشد، مي‌توانيم مجموع ابياتي را که مولود توقف شاعر در کشورهاي عربي شناختيم، ۹۲ بيت بدانيم و اگر جمع سطرهاي قضايد و قطعاتي که از روي اضطرار در شيراز به عربي سروده شده، جمعاً ۱۲۷ سطر، به اين مقدار افزوده گردد، رقم ۲۱۹ را خواهيم داشت. آن وقت مي‌توان گفت که سعدي از ۳۹۷ بيت، که مجموع شعر عربي‌اش را تشکيل مي‌دهد، ۲۱۹ بيت آن را يا زمان توقف در بلاد تازيان يا تأثر از محيط و به قصد طبع‌آزمائي به زبان عربي سروده و يا براي آفرينش آنها به زبان عربي اضطرار و اجباري داشته است و چون اين مقدار را کنار گذاريم، فقط کمي شعر، يعني ۱۷۸ بيت به عربي باقي خواهد ماند و اگر دليلي نداريم که اين ۱۷۸ بيت باقي مانده، قبل از بازگشت سعدي به شيراز ساخته شده باشد و يا آفرينش آنها از اضطرار و الزامي منبعث باشد هيچ حجتی هم که خلاف آن را ثابت کند در دست نيست " (ص ۹۷۹).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي، محمدعلي فروغي.

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. شعر عربي ۱۸ بار (برخي از موارد با گلستان مشترك است)، قضايد ۶ بار، گلستان ۲ بار، غزليات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۲. بررسی و بازشناسی علمی، دقیق و مستدل مقام سعدی در شعر عربی برای شناخت شخصیت ادبی سعدی بسیار سودمند است. در این مقاله نویسنده، ضمن نقد آرای برخی از صاحب‌نظران با ارائه آمار از اشعار عربی سعدی و تفکیک موضوعی و زمانی آنها به روشنگری در این امر پرداخته و این روش را راهی امن برای رسیدن به مقصود دانسته است. با این همه در پایان مقاله، نظر روشن نویسنده درباره سطح اشعار عربی سعدی و ارزش ادبی آنها ابراز نشده است. خواننده مقاله در پایان هر چند درباره زمان سرایش اغلب اشعار عربی سعدی و انگیزه سرایش برخی از آنها به نتایج می‌رسد، اما اصلی‌ترین پرسش خود را - که عنوان مقاله نیز هست - همچنان بی‌پاسخ می‌بیند که: مقام ادبی سعدی در اشعار تازی در چه پایه‌ای است؟ نویسنده نشانی مأخذ خود را در پاورقی بیان داشته و بیان نقل شفاهی زیر، درجه امانت‌داری او را می‌نمایاند: "این اظهار عقیده نقل قولی است شایع و مشهور از شادروان دکتر لطفعلی صورتگر که مسأله را برای زهاوی طرح کرده است و نگارنده آن را از دکتر علی‌محمد مزده و دکتر نورانی‌وصال استادان دانشگاه پهلوی شنیده است" (ص ۹۸۱). اما مأخذ نظری که درباره "شیخ بهایی و سعدی" در ص ۹۷۴ آمده، مشخص نشده است.

مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی، جلال متینی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۷۳۲-۷۰۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. نقد مطالب برخی از تذکره‌ها و تأکید بر بی‌اعتباری بعضی از آنها (ص ۷۰۵).
۱-۲. اشاره به پژوهش‌های اروپاییان درباره تاریخ و ادب ایران و روند تکاملی تحقیقات ایرانی (ص ۷۰۶).
۱-۳. یادکرد برخی از داورهای و نگره‌هایی که درباره سعدی بیان شده است، از جمله نظر کسانی چون: ادوارد براون، هرمان‌اته، یان ریپکا، علی دشتی، عبدالعظیم قریب و اشاره به نادرستی برخی از این داورهای (صص ۷۰۹-۷۰۸).
۱-۴. گفتاری زیر عنوان "درباره اسلوب نگارش گلستان" و یادکرد نظرات عبدالعظیم قریب، عباس اقبال، بدیع‌الزمان فروزانفر، محمدعلی فروغی، ملک‌الشعراي بهار، حسین خطیبی، محمد معین، فارس ابراهیمی حریری درباره شیوه نگارش گلستان و همانندی آن با مقامات (صص ۷۱۱-۷۰۹) و نتیجه اینکه: "خلاصه مطالبی که این دسته از صاحب‌نظران بخصوص درباره گلستان نوشته‌اند، آن است که هدف سعدی، از تألیف گلستان، "مقامه‌نویسی" بوده است، یعنی آنچه در درجه اول مورد توجه سعدی بوده است، سخن‌آرایی و کمال دقت در نمودن جمال کلام، ابتکار و چابکدستی و صنعت‌گری در سخن، به کار گرفتن الفاظ نغز آراسته و تألیف کتابی به نثر شاعرانه و خیالی بوده است، برای طرح نصایح و اندرزها و مطالب حکمی و اجتماعی" (ص ۷۱۱).
- طرح چند پرسش اساسی درباره مطالب دیباچه گلستان (ص ۷۱۳).
۱-۵. توضیح درباره مفهوم مقامه و مقامه‌نویسی (صص ۷۱۵-۷۱۳).

۱-۶. توضیح درباره مقامات قاضی حمیدالدین بلخی و همانندی‌های گلستان سعدی با آن مقامات: "سعدی کار قاضی حمیدالدین و مقامه‌نویسی را با هنرمندی تمام و به صورتی دیگر در زبان فارسی دنبال کرد. با تغییراتی آن چنان ظریف و هنرمندانه که در نظر اول، خواننده کمترین تشابهی بین گلستان سعدی و "مقامات" نمی‌بیند. سعدی ... در گلستان، از اسلوب مقامه‌نویسی، آنچه را که با طبیعت زبان فارسی و پسند فارسی‌زبانان سازگار می‌دانسته، اقتباس نموده و بقیه را رها کرده..." (ص ۷۱۷).
۱-۷. یادکرد تفاوت حکایت‌های گلستان با مقامات حمیدی (صص ۷۱۸-۷۱۷).

۱-۸. بیان شیوه بررسی حکایات گلستان: "سعدی گلستان را بر اساس الگوی مقامات نوشته است نه به صورت خاطرات روزانه، یا کتاب اعترافات و یا دستورالعملی برای اخلاق و تربیت. در حالی که به راستی از هر یک از این موضوع‌ها نیز در آن مطالبی می‌توان یافت.

اکنون که روشن گردید گلستان کتابی است از نوع مقامه، پس آن را باید با ضوابط خاص "مقامات" مورد بررسی و نقد و ارزیابی قرار داد نه با میزانی دیگر ... " (ص ۷۱۹).

۱-۹. گفتاری زیر عنوان "مقامه‌ای منظوم به زبان فارسی" و اشاره به حکایتی از بوستان به عنوان مقامه‌ای منظوم: "به نظر نگارنده این سطور، سعدی در بوستان، نیز حداقل، مقامه‌ای منظوم به نظم سروده و در این کار در چهارچوب فن مقامه‌نویسی توفیق یافته است" (ص ۷۱۹).

۱-۱۰. بررسی و نقد حکایت "بت سومنات" در بوستان، از جمله: "بررسی حکایت سفر هندوستان و ضلالت بت‌پرستان در باب هشتم بوستان، روشن می‌سازد که سعدی در این حکایت نیز یکی از وقایع زندگی خود را به رشته نظم نکشیده است، بلکه وی به تقلید مقامه‌نویسان و حداقل به شیوه و اسلوب دو حکایت دراز مقامه مانندش در گلستان، به تجربه‌ای دیگر دست زده است ... به نظر نگارنده این سطور، سعدی در حکایت سفر هندوستان نیز، همانند مقامه‌نویسان، نخست به خلق داستانی دست زده و قصدش از این کار آن بوده است که برای خوانندگان کتابش، حکایتی گیرا و جالب توجه و سرگرم کننده و حتی پرهیجان بنویسد ... آنچه را که سعدی در این حکایت، برای اثبات مدعای خود و محکومیت بت‌پرستان آورده است، اگر با ضوابط مقامه‌نویسی مورد نقد و بررسی قرار نگیرد، از نظر محققان عاری از ضعف‌ها، نقیضه‌ها و تناقض‌گویی‌هایی نیست ... " (ص ۷۲۱).

- طرح تناقضات و اشکالات فراوانی که در صورت واقعی بودن حکایت بت سومنات بر این حکایت و سراینده آن وارد است (صص ۷۲۷-۷۲۲) و پاسخ‌گویی یک جا به همه این تناقضات: "همچنان که قبلاً گفته‌ایم، قصد سعدی در حکایت بت‌سومنات، سرودن مقامه‌ای منظوم بوده است و در نتیجه هیچ یک از خرده‌گیری‌های احتمالی محققان که به آن اشاره نمودیم، درباره او صادق نیست. چه سعدی نه به هند و بتکده سومنات رفته است و نه بت‌سومنات را بوسیده است و نه مهین برهمن سومناتی را کشته است، زیرا وی این حکایت را به شیوه مقامه‌نویسان خلق کرده است" (ص ۷۲۸).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. بوستان سعدی (سعدی‌نامه) به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، ۱۳۵۹. ۲-۲. گلستان، به تصحیح و مقدمه عبدالعظیم قریب. ۲-۳. مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن، فارس ابراهیمی حریری، ۱۳۴۶. ۴-۲. کلیات سعدی، تصحیح محمدعلی فروغی، با مقدمه عباس اقبال، ۱۳۴۰. ۵-۲. سبک‌شناسی نثر، محمدتقی بهار، ۱۳۳۷. ۶-۲. قلمرو سعدی، علی دشتی، ۱۳۵۶. ۷-۲. تاریخ ادبیات فارسی هرمان‌اته. ۸-۲. تاریخ ادبیات ایران، یان ریپکا. ۹-۲. تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون. ۱۰-۲. مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، ۱۳۵۲.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. گلستان ۱۶ بار، بوستان ۱۲ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. بخش نخست این مقاله بیشتر یادکرد نگره‌های صاحب‌نظران و سعدی‌شناسان است درباره سعدی و بویژه گلستان و مقایسه آن با مقامات. هر چند این بخش مقاله از پرداخت و انسجام خوبی برخوردار است اما سخن تازه‌ای در آن بیان نشده است. و همان‌گونه که نویسنده - بنا بر خصلت امانت‌داری خود - اشاره کرده، بیشتر مطالب مربوط به مقایسه شیوه نثر گلستان با نثر مقامات حمیدی را از کتاب "مقامه‌نویسی در ادبیات فارسی و تأثیر مقامات عربی در آن" برگرفته است.

۴-۲. در بخش دوم نوشته که موضوع اصلی مقاله است، نویسنده به بررسی دقیق و ظریف حکایت "بت‌سومنات" - از باب هفتم بوستان - پرداخته و علاوه بر خرده‌گیری‌های دیگران بر این حکایت، اشکالات دیگری نیز وارد آورده و در آخر، به همه این خرده‌گیری‌ها

يكجا پاسخ داده و آن را از گونه داستان‌هاي بر ساخته مقامه‌اي دانسته است. در مورد مقامه و ویژگی‌هاي آن و انطباق حکایت‌هاي سعدي با شیوه مقامه‌نویسی توضیحات دیگری لازم است.

۴-۳. شیوایی نثر، بهره‌جویی از نظرات دیگران و یادکرد دقیق نشانی مآخذ و نمونه‌هاي شاهد از ویژگی‌هاي مفید این مقاله است، اما توضیحات دراز دامن ابتدای مقاله موجب تطویل کلام شده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. تأملی بر صناعت روایت در گلستان، حمید دباشی، مجله ایران‌شناسی، سال ششم، شماره ۱، بهار ۱۳۷۲، صص ۱۰۰، ۱۱۳، ۵-۲. در جستجوی خودانگاره سعدي، فاطمه کشاورز، ترجمه افسانه منفرد، مجله چیستا، سال سیزدهم، شماره ۴ و ۵، دي و بهمن ۱۳۷۴، صص ۳۲۲، ۳۲۳.

مقایسه افکار متنبی و سعدي، دکتر امیرمحمد انوار، ذکر جمیل سعدي، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۴۰۳-۳۴۵.

۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. بیان مقدمه‌اي درباره شعر عرب و سیر آن تا زمان متنبی و سعدي. در این بخش مفاهیم شعر دوره جاهلی در مقایسه با دوره اسلامي تشریح شده است. (صص ۳۵۱-۳۴۷).

۱-۲. بحث درباره مقام شعري متنبی و سعدي و مقایسه آنها: "متنبی شاعري است که از شاعران پیشین بسیار متأثر شده و بر شاعران بعد از خویش در حوزه ادب اثر نهاده است ... تألیف کتاب‌هاي چون "متنبی و سعدي" گرچه از نظر تحقیق دارای ارزش است، بر آنم داشت تا این نکته را روشن کنم که ورود بعضي از مضامین شعر عرب بخصوص مضامین شعر متنبی در اشعار سعدي نه تنها بر ضعف سعدي دلالت نمی‌کند، بلکه بالعکس بر قدرت او می‌افزاید و وسعت معلومات و نیروی استفاده او را از فرهنگ گذشته می‌رساند." (ص ۲۵۲).

۱. در بعضي موارد سعدي به مقابله و طبع‌آزمایی رفته است و خواسته مضمون بیت عربي را بهتر و شیواتر و رساتر در لفظ و معنی بیان کند.

۲. در برخی موارد معنای شعر عربي، ادبی و مادی است و معنای شعر سعدي عرفانی و الهی.

۳. در بعضي موارد شعر عربي معنای کفرآمیز و ایراد بر فیض رحمانی یا رحیمی پروردگار است، در حالی که بیت سعدي حمد است و شکر و بیان جبروت ...

۴. بعضي از معانی جنبه توارد و تبادر دارد.

۵. بعضي از مضامین اصلاً دینی و اخلاقی و انسانی است و به زمان و دوره‌اي و شاعر یا شاعرانی و ملت یا مللی اختصاص نداد ...

۱-۲-۱. نقد بخشی از نوشته‌هاي دکتر حسین‌علي محفوظ در کتاب "متنبی و سعدي" که در آنجا دکتر محفوظ بعضي از سروده‌هاي سعدي را به دلیل اشتراك مضمون برگرفته از سروده‌هاي متنبی دانسته است.

در این بخش نویسنده سه نمونه از مثال‌هاي کتاب متنبی و سعدي را نقل و نقد کرده و برای پیشینه مضمون مورد نظر مثال‌هاي را از شاعران پیش از متنبی بیان نموده است (صص ۳۶۲-۳۵۵).

۱-۳. مقایسه افکار سعدي و متنبی و دوری میان دو شاعر: "شعر و مفاهیم شعري شرق تا متنبی اوج ادبی والا یافت ... سعدي از واحه‌هاي متنبی‌ها و ابوتامرها و فرزدها و جریرها و حسانها درگذشت و با طی مراحل و مقامات عالی عرفانی و اجتماعی به کعبه مقصود رسید (ص ۳۶۳). آری متنبی به معارضه با قرآن کریم سخنانی کریم می‌سازد، چون در سر نخوت ادیبان مادی دارد و سعدي به ارادت و پیروی از قرآن مجید گلستان و بوستان باقی است، چه گلستان و بوستان نوعی تفسیر بر آیات قرآنی و افکار بلند فرقانی و آئینه احادیث گهر بار نبوی و سخنان درر بار مرتضوی است (ص ۳۶۵). از آن هنگام که شعر متنبی به بازار ادب عرب درآمد و برادیان عرضه شد، چون فهم و درک بیشتر ابیات آن دشوار بود و بعضي از لغات و ترکیبات آن از نظر صرف و نحو و معانی و بیان و نیز فکر و اندیشه قابل بحث و اشکال، صرفی و نحوی و لغوی و شارحان ... درباره آن به قیل و قال پرداختند و علت اصلي این بود که شعر متنبی از آن سادگی و روانی کافی برخوردار نبود که مردم یکسان، با اختلاف مراتب اما صحیح، معنای آن را درک کنند ... اما حال شعر سعدي و ادب او این گونه نبوده است و معنای بلند ادبی و عرفانی به دست شعر او چون موم نرم گشته و قابل استفاده و درک برای هر طبقه و دسته‌اي و حد همین است سخندانی و زیبایی را (صص ۳۷۲-۳۷۱).

قسمت اعظم دیوان [متنبی] مدح مخلوق است برای دریافت صله و عطا و آنچه مدح نیست جانب اعظمش هجا است به خاطر رسیدن یا دیر شدن صله ... (ص ۳۷۵) اما مدایح سعدي در برابر اشعار دیگر او ناچیز است و در آن مدایح کم نیز سعی کرده است ممدوح را به حق و انصاف و مردی و جوانمردی و خصال نیک انسانی بیشتر آگاه کند و خدانشناس گرداند و به سوی کمال پیش برد (ص ۳۷۸). متنبی در مدایح خود، مدح را با ریشخند به هم در آمیخته و عتاب را با ملاطفت و ستایش را با نکوهش و این اگر چه از يك سو بر هنرمندی شاعر دلالت می‌کند، از جانب دیگر از نفاق و دورویی نا بهنجاری پرده برمی‌دارد ... چه در مدایح، خود را مساوی بلکه برتر از ممدوح قرار داده و پای بر سر ممدوح نهاده تا از نرده بام شهرت و افتخار بالا رود (ص ۳۸۱). اما سعدي مدح را وسیله ریشخند یا خودنمایی نمی‌کند و از آن پند و اندرز می‌جوید (ص ۳۸۲) متنبی شاعري است بدبین و از زمانه خود تصویری زشت ارائه می‌دهد. (ص ۳۸۲). ولی سعدي را نه با زمانه سر جنگ است و نه اهل زمانه (ص ۳۸۳) متنبی در فخر و هجا راه جاهلی رفته است و گذشتگان خود را "فخر عرب و ناطقان بالصاد دانسته ... سعدي با این گونه فخر و خودستایی یا آن گونه هجا و بدگویی آشنایی ندارد (ص ۳۸۴) روحیه متنبی روحیه قدرت‌طلبی و اقدام و سرکشی است (ص ۳۸۴) اما سعدي بر آن است که پریشانی‌ها و بی‌سامانی‌ها و جور و ستم‌ها را به صلاح آورد و عدل و داد را برقرار بیند (ص ۳۸۵) متنبی بر مردم به دیده تحقیر می‌نگرد (ص ۳۸۷) اما سعدي به مردم با دیده احترام می‌نگرد." (ص ۳۸۸).

۱-۴. نتیجه‌گیری نهایی: "اگر متنبی شاعر عرب است، سعدي شاعر اسلام است. اگر متنبی شاعر عراق و شام است، سعدي شاعر جهان است. اگر متنبی شاعر خودخواهی و خونریزی و جاه‌طلبی است، سعدي شاعر انسانیت و مردمی و جوانمردی است. متنبی مدح امیران کند تا به مال و منالی برسد و سعدي مدح امیران کند تا ایشان را از ظلمی بازگرداند. اگر متنبی بعد از سعدي می‌بود بی‌شک چنان استفاده‌اي از سعدي می‌کرد که هزاران بیت در حکمت بر آبیانش افزوده می‌گشت ..." (ص ۳۸۹).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. قرآن کریم. ۲-۲. نهج البلاغه. ۲-۳. کلیات سعدي، محمدعلی فروغی، علمی. ۲-۴. گلستان سعدي، دکتر خطیب رهبر. ۲-۵. تاریخ الادب العربی، حنا الفاخوری، ترجمه عبدالحمید آیتي. ۲-۶. معلقات امرؤالقیس، عنتره، طرفه‌بن‌العبد، عمروبن‌کلثوم، لید و ... ۲-۷. شرح دیوان متنبی، عکبری و برقوقی. ۲-۸. متنبی و سعدي، دکتر حسین‌علي محفوظ. ۲-۹. الرساله الموضحة فی ذکر سرقات ابی‌الطیب‌المتنبی، دکتر محمد یوسف نجم‌دار صادر. ۲-۱۰. الوساطه بین‌المتنبی و خصومه، قاضی‌علي‌بن‌عبدالعزیز جرجانی. ۲-۱۱. مجانی الحدیثه، فؤاد افرام البستانی.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۱۹ بار، غزلیات ۱۵ بار، قصاید ۱۲ بار، بوستان ۷ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. باز یافت پیشینه مضامین برخی از سروده‌هاي سعدي و نقد نظر کسانی چون دکتر حسین‌علي محفوظ نویسنده کتاب متنبی و سعدي، که منشأ آن مضامین را از متنبی دانسته‌اند (صص ۳۶۰-۳۵۵) از ویژگی‌هاي سودمند این مقاله است.

۴-۲. بررسی و مقایسه افکار متنبی و سعدی با استناد به آثار هر دو شاعر، که مقصود اصلی این مقاله بوده، برای شناخت بیشتر آنها خالی از لطف نیست اما نویسنده برای رسیدن به مقصود، علاوه بر انشاپردازی‌ها و تعارفات، تنها به عیوب متنبی و محاسن سعدی اشاره دارد. و تحلیل برخی از ویژگی‌های سخن متنبی از داورهای جانبدارانه به دور نمانده است، نویسنده از جمله در مورد مدایح متنبی می‌نویسد: "در مدایح خود، مدح را با ریشخند به هم آمیخته و عتاب را با ملاطفت و ستایش را با نکوهش ... چه در مدایح، خود را مساوی بلکه برتر از ممدوح قرار داده و پای بر سر ممدوح نهاده تا از زنده بام شهرت و افتخار بالا رود ... (ص ۳۱۸). این گونه از مدح (که مشابه آن را در مدایح خاقانی هم می‌بینیم) نشانه افتدار و بلندی طبع شاعر است، نه نفاق و دورویی او. سعدی نیز در هنگام مدح ابوبکرین سعدبن‌زنگی بعد از بیتی چون: چنوبی خردمند فرخ نهاد ندارد جهان تا جهان است یاد می‌سراید:

"هم از بخت فرخنده فرجام توست که تاریخ سعدی در ایام توست"
۴-۳. توضیحات بخش یادداشت‌ها همراه با ذکر نشانی مراجع، نقل قول‌ها و شواهد مثال (صص ۴۰۳-۳۹۰) بر غنای مقاله افزوده است. صرف‌نظر از مواردی اندک (چون ص ۴۰۰، ش ۱۷۸ که مربوط است به کتاب مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، دکتر منصور رستگار و ص ۴۰۳ شماره ۲۵۶) که نشانی نوشته شده، ناقص است.
۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۳، ص ۱۹۵.

مقایسه بین شعر سعدی و حافظ، ادیب طوسی، وحید، دوره نهم، شماره پنجم، مرداد ۱۳۵۰، صص ۶۹۵-۶۷۵. چاپ‌های دیگر: ۱. حافظ‌شناسی، ج ۱، فروردین ۱۳۶۴، صص ۶۵-۴۷.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بیان شرایطی برای مقایسه دو شعر (صص ۶۷۶-۶۷۵).
۱-۲. بیان سه نمونه از غزل‌های هم وزن و هم قافیه سعدی و حافظ با اشاره به تقدم صدساله سعدی بر حافظ و استادی او در انواع سخن (صص ۶۷۷-۶۷۶).
۱-۳. مقایسه غزل‌های سعدی و حافظ.
۱-۳-۱. از نظر وزن و قافیه، از جمله: "از ۱۰۰ غزل حافظ تقریباً ۹۶ غزل مردف است و غالباً ردیف‌ها دو و سه هجایی است، در حالی که از ۱۰۰ غزل سعدی تقریباً ۳۱ غزل مردف است و غالباً ردیف‌ها یک هجایی و دو هجایی است" (ص ۶۷۸).
۱-۳-۲. از نظر لفظ، محل اجزای جمله، ترکیب‌های شاعرانه لغات و عبارات بیگانه، کلمات عامیانه، حشو، حذف و صنایع لفظی " (صص ۶۸۴-۶۷۹).
۱-۳-۳. از نظر معنی، صراحت و سادگی بیان، انتخاب اصلح، به کار بردن کلمه در معنی خود و صنایع معنوی (صص ۶۹۱-۶۸۴).
۱-۳-۴. از لحاظ شیوه بیان یا لحن (صص ۶۹۳-۶۹۱).
۱-۳-۵. از نظر مضمون (صص ۶۹۵-۶۹۳).
۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. غزلیات حافظ (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۴۲ بار.
۴. اشاره: ۴-۱. عظمت و شکوه سعدی و حافظ به عنوان دو قله بلند شعر فارسی، همواره توجه صاحب‌نظران را به خود جلب کرده و مقایسه آن دو موجب شده است که نوشته‌های فراوانی پدید آید.
این مقاله یکی از بهترین مقاله‌هایی است که با استناد به سروده‌های هر دو شاعر، آنها را با هم سنجیده است، تقدم این نوشته نسبت به بسیاری از نوشته‌های دیگری که با همین موضوع فراهم آمده‌اند، از دیگر ویژگی‌های این مقاله است.
یکی دیگر از گفتنی‌های این مقاله این است که چیره‌دستی و تسلط شگرف این دو شاعر، باعث نشده است تا، نگارنده قدرت و ذوق انتقادی خود را از دست بدهد، و به همین دلیل همواره با یک نگاه نقادانه آثار مورد نظر را کاویده است. هر چند در مواضع مختلف بر مبنای ذوق خود حافظ را برتر از سعدی نشانده است.
۴-۲. نگارنده در ابتدای مقاله شرایطی را برای مقایسه دو شعر لازم دانسته‌اند که شرط چهارم پذیرفتنی نمی‌نماید، نوشته‌اند: "در هر مقایسه شعری شرایطی لازم است - و حداقل این شرایط این است که ... نکته چهارم که باید رعایت شود یکی بودن زبان [یا زمان] دو شعر است. بدین معنی که مثلاً هر دو در سبک خراسانی یا عراقی یا هندی باشند. زیرا فاصله زمانی به مرور زمان اثراتی در زبان می‌گذارد که موجب تغییر لغات و تعبیرات و طرز جمله‌بندی می‌گردد. بنابر این نمی‌شود یک غزل رودکی را با یک غزل سعدی یا حافظ مقایسه نمود و به نتیجه صحیح قضاوت اعتماد پیدا کرد" (ص ۶۷۶).
پی‌تردید با در نظر گرفتن شرایط زمانی و سبکی، همواره می‌توان دو سروده را با هم سنجید و به نتیجه مطلوب هم رسید. و این شرط نمی‌تواند مانع از سنجش سروده‌های مختلف شود.
۴-۳. علاوه بر وجود اشتباهات چاپی از جمله: ص ۶۸۱، س ۲۴ مومسوس (موسوس)، ص ۶۸۳، س ۵: دیگر (دگر)، ص ۶۸۹، س ۲۲، هرس سروشی آمد (اهرمن، سروش آمد) و ... رسم‌الخط این نوشته هم کهنه است، از جمله: ص ۶۷۷، س ۱۹: به بند یک نفس ای ... (بند یک نفس ای ...) و ص ۶۲۸، س ۱۲: درد دل غرغا برا (درد دل غرغاب را)، صواب‌گویان را (صواب‌گویان را)، ص ۶۸۸، س ۱۶، به بستیم (ببستیم) و ...
۴-۴. نویسنده در این مقاله به پیشینه این پژوهش اشاره‌ای نداشته و مأخذ مورد استفاده خود را هم معرفی نکرده است.

مقایسه‌ای بین شیخ اجل سعدی شیرازی و خواجه بزرگوار حافظ، ابوالقاسم حبیب‌اللهی، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدی، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوی، ۱۳۵۲، صص ۶۹-۵۲. چاپ‌های دیگر: ۱. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد، سال هفتم، شماره سوم، پاییز ۱۳۵۰، صص ۵۷۲-۵۵۹. ۲. درباره حافظ چه می‌گویند (مجموعه مقالات)، به کوشش جمشید مهریویا، انتشارات جان‌زاده، آبان ۱۳۶۷، صص ۳۶۶-۳۵۵. ۳. ارمغان نوید، اصفهان، ۱۳۶۳، صص ۲۸۳-۳۶۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تکریم و تعظیم دو شاعر (ص ۵۲).
۱-۲. بیان وجوه اختلاف سعدی و حافظ:
۱-۲-۱. مسافرت‌های فراوان سعدی و سکونت ممتد خواجه در شیراز (ص ۵۲).
۱-۲-۲. "از روی آثار سعدی به چگونگی زندگی او می‌توان پی برد اما از اشعار حافظ به این نتیجه نمی‌توان رسید. از جمله این که صوفی بودن سعدی با توجه به آثار او و به اسناد نوشته کسانی چون صاحب "شدالزار" و ابن بطوطه و جامی مسلم است ولی در

مورد حافظ نمی‌توان به این نتیجه صریح رسید زیرا از یک طرف با آشنایی کامل به علوم و معارف و عقاید و رسوم صوفیان، عقاید و افکار آنها را به زیباترین شکل در اشعار خود آورده است و از طرف دیگر در اشعار خود مکرراً به صوفیه می‌تازد. (صص ۵۸-۵۴).
۱-۲-۳. "شیخ اجل چنانکه از گفتار و اشعار و کردار او آشکار است اعتقادی راسخ و ایمانی کامل به آنچه در دین اسلام آمده است، داشته" و مضمون "علیکم بدین العجائز" را به کار می‌بسته اما خواجه بزرگوار، در مسموعات خویش به زود باوری شیخ نبوده است و بر خلاف شیخ که بنا به ادعای خودش در سومنات، بت را شکسته و بت‌پرست را کشته است، خواجه جنگ هفتاد و دو ملت را عذر می‌نهد و می‌گوید: "چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند." (صص ۵۹-۵۸).

۱-۲-۳-۱. نقد نظر کسانی چون کسروی، جلال همایی، علی محمد بامداد درباره شرایخواری حافظ، ملامتی بودن او و ... (صص ۶۵-۶۰).
۱-۲-۴. "شک نیست که از حیث کمیت، تنوع و تفنن در اسالیب مختلف شعر، خواجه بزرگوار به پایه شیخ نمی‌رسد ... اما راجع به غزل اگر بنا باشد، غزل را به معنی لغوی آن یا به معنی اصطلاحی که نزد قدما معمول بوده است، بگیریم ... در این صورت باید سعدی را همان‌طوری که حافظ اعتراف نموده، استاد غزل بدانیم." (ص ۶۵).

۱-۲-۵. "وحدت موضوع از ویژگی غزل‌های سعدی است به طوری که به راحتی می‌توان غزل‌های عارفانه را از غزل‌های عاشقانه او جدا کرد، ولی راجع به خواجه بزرگوار این مطلب مقدور نیست. یعنی اگر بخواهیم غزلیات عاشقانه او را از غزلیات عارفانه جدا کنیم بجز در موارد معدودی امکان‌پذیر نیست. زیرا خواجه در بسیاری از غزلیات خود در یک غزل از موضوعات مختلفی سخن گفته است. با همه آنچه گفتیم تصور نشود که همه غزلیات خواجه از این قبیل است، بلکه باید گفت: که در دیوان او غزلیاتی که در آنها وحدت موضوع کاملاً رعایت شده است، کم نیست." (صص ۶۸-۶۵).

۱-۲-۶. "غزلیات شیخ هر چند در عمق و اندیشه و باریکی خیال و ظرافت کاری به غزلیات حافظ نمی‌رسد، لکن از حیث انسجام و روانی و سلاست بیان و فصاحت در درجه اعلا از شعر می‌باشد." (ص ۶۸).

۱-۲-۷. "اما راجع به قصاید، قصاید خواجه نه از حیث کمیت و نه از حیث کیفیت به پای قصاید شیخ نمی‌رسد." (ص ۶۸).
۱-۲. تأکید بر صراحت و درشتی سخن سعدی به حاکمان وقت در قصاید او و یادآوری دو قصیده معروف او که بیانگر کمال استغنا و علو طبع شیخ است (ص ۶۹).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی. ۲-۲. شدالازار، معین‌الدین جنید شیرازی. ۲-۳. سفرنامه ابن‌بطوطه. ۲-۴. نجات‌الانس جامی. ۲-۵. حافظ چه می‌گوید، کسروی.

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۶ بار، قصاید ۲ بار، قطعات ۱ بار، بوستان ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. این مقاله از نظر یافتن وجوه اختلاف سعدی و حافظ با استناد به آثار آنها مقاله‌ای سودمند است، اما از نظر ذکر نشانی مآخذ دچار نقصان است. از جمله می‌نویسد: "چنانکه مرحوم علامه قزوینی متذکر شده است ... "یا: "جامی نیز نام شیخ را جزء متصوفه آورده است ... "یا: "این داستان را جلال همایی در خطابه‌ای تکذیب نموده ... "یا: "علی‌محمد بامداد در کتابی که راجع به حافظ نوشته است چنین مدعی شده است ... "و در هیچ کدام از این موارد، نشانی اثر مورد استفاده ذکر نمی‌شود.

۴-۲. در صفحه ۵۹ می‌نویسد: "[سعدی] در اشعار خود مکرر جبر مطلق و محض را برای انسان ثابت کرده است ... اما خواجه بزرگوار در مسموعات خویش به زودباوری شیخ نبوده است و ... در صورتی که اگر در دیوان سعدی شواهدی بر "جبرگرایی" او دیده می‌شود، نمونه‌هایی که بیانگر باور او به "اختیار" باشد، نیز فراوان است و البته در دیوان حافظ نیز این دوگانگی را می‌توان باز نمود و نمی‌توان از این نظر سعدی و حافظ را در مقابل هم نهاد.
۴-۳. نشانی ابیات شاهد مشخص نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. سعدی و فلسفه زندگی، دکتر حیدر رقابی، ذکر جمیل سعدی، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۱۲۸. ۵-۲. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۷۶.

مقایسه‌ای میان "گلستان" و "اخلاق ناصری" در شیوه آموزش فضایل اخلاقی، دکتر غلامعلی حداد عادل، ذکر جمیل سعدی، ج ۳، کمیسیون ملی یونسکو و وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۴، صص ۴۱۵-۴۰۵.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. مقایسه بین آثار ساخته شده در زمان گذشته و حال از دیدگاه سودمندی و هنر و اشاره به سخن سعدی در ارتباط با همین موضوع (صص ۴۰۸-۴۰۷). "سعدی اخلاق و حکمت عملی را با حفظ سودمندی آن، زیبا بیان کرده است. هنر سعدی آن بوده که بر قامت حکمت عملی، جامه زیبایی از ادب فارسی پوشانده است." (ص ۴۰۸).

۱-۲. معرفی کوتاه اخلاق ناصری و خواجه نصیرالدین طوسی و ذکر مختصر اختلافات او با سعدی (صص ۴۱۰-۴۰۹). "خواجه متفکری است شیعی مذهب و مشایبی مشرب و اشراقی ماب ... و سعدی مذهب دیگر دارد که از نظر فکری بر خلاف خواجه، اشعری مذهب است ... خواجه با لحن فلسفی خود بیانی دارد که از نظر ادبی اگر چه استوار و فصیح است، لطیف و دلنشین نیست. اما بیان سعدی مرکب از شعر و نثر است. شعری که از روانی به نثر و نثری که از لطافت به شعر می‌ماند ... " (ص ۴۱۰).

۱-۳. مقایسه پنج نمونه از آموزش فضایل اخلاقی در اخلاق ناصری و گلستان سعدی (صص ۴۱۴-۴۱۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. اخلاق ناصری، خواجه نصیرالدین طوسی. ۲-۲. گلستان سعدی (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۲. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۵ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. تازگی موضوع (مقایسه گلستان و اخلاق ناصری از نظر روش بیان حکمت عملی) با ذکر نشانی منابع از ویژگی‌های این مقاله است. اما این مقایسه تنها در پنج مورد و بسیار کوتاه و گذرا، انجام گرفته است.

مقایسه سبک‌شناسانه غزلی از حافظ و سعدی (۱)، دکتر سیروس شمیسا، رشد آموزش ادب فارسی، سال ششم، شماره ۲۵، تابستان ۱۳۷۰، صص ۵۳-۵۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل دو غزل هم‌وزن و هم‌قافیه از سعدی و حافظ برای مقایسه سبک‌شناسانه، با این توضیح که: "هدف از این مطالعه این است که بدون توجه به معلومات قبلی، بیشتر از خود شعرها، تفاوت سبکی آنها را دریابیم. از تنها معلومات قبلی که استفاده می‌کنیم این است که حافظ متأخر از سعدی است و بعید نیست که غزل خود را به اقتفای غزل سعدی ساخته باشد" (ص ۵۰).

۱-۲. بررسی سطح آوایی یا سبک‌شناسی آواها در غزل سعدی (چه فتنه بود که حسن تو در جهان انداخت ...) و بازنمود صنایع لفظی بدیعی در آن غزل (صص ۵۲-۵۱).

۱-۳. بررسی سطح آوایی یا سبک‌شناسی آواها در غزل حافظ (خمی که ابروی شوخ تو در کمان انداخت ...) و بازنمود صنایع لفظی بدیعی در آن غزل با اشاره به نتیجه‌های آن، از جمله: "وزن غزل [حافظ] همان وزن غزل سعدی است، اما هیچ جا در حشو شعر به جای دو هجای کوتاه، هجای بلند نیاورده است، یعنی شعر او برخلاف شعر سعدی سکنه ندارد ... بسامد هم‌حروفی در غزل حافظ

نسبت به غزل سعدی بسیار بالا است. [با بررسی وضع هجاها] می‌توان نتیجه گرفت که غزل حافظ از نظر موسیقایی، قوی‌تر از غزل سعدی است " (ص ۵۲).

۱-۴. بررسی سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه در غزل سعدی (صص ۵۲-۵۳).

۱-۵. بررسی سطح لغوی یا سبک‌شناسی واژه در غزل حافظ (ص ۵۲) با این نتیجه که: " به طور کلی می‌توان گفت که در سطح واژگان تفاوت چندانی بین این دو غزل نیست " (ص ۵۲).

۱-۶. بررسی سطح نحوی یا سبک‌شناسی جمله در غزل سعدی (ص ۵۳).

۱-۷. بررسی سطح نحوی یا سبک‌شناسی جمله در غزل حافظ (ص ۵۲). با این نتیجه‌گیری که: " جملات او [حافظ] هم بیشتر در بیت تمام می‌شود و گاهی در یک مصراع. اما فرق آن با جملات سعدی در این است که در بسیاری از موارد، منطق نثری در آنها وجود ندارد ... به طور کلی زبان حافظ جدیدتر از سعدی است ... " (ص ۵۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی، تصحیح حبیب یغمایی. ۲-۲. غزلیات حافظ، تصحیح علامه قزوینی و غنی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱ بار (البته یک غزل بررسی شده و بیت‌های آن بارها مورد استناد قرار گرفته است).

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله است برای اشاره رک. بخش دوم و پایانی مقاله (رشد آموزش ادب فارسی، سال هفتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۷۰، صص ۲۳-۲۸).

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. رک. بخش دوم و پایانی مقاله.

مقایسه سبک‌شناسانه غزلی از حافظ و سعدی (۲)، دکتر سیروس شمیسا، رشد آموزش ادب فارسی، سال هفتم، شماره ۲۷، زمستان ۱۳۷۰، صص ۲۳-۲۸.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. ادامه بخش نخست مقاله و بررسی سطح فکری (معنوی). غزل سعدی: " غزل سعدی، شعر غنایی از نوع عاشقانه (Love lyric) است و شاعر عشق خود را به کسی وصف می‌کند. معشوق زمینی است، البته نه معشوق حقیر تغزل بلکه معشوقی که مقام بسیار والایی دارد، اما هنوز مانند معشوق شعر حافظ خیالی و اساطیری نیست ... " (ص ۲۸).

۱-۲. بررسی سطح فکری (معنوی) غزل حافظ: " شعر حافظ هم غنایی است، اما عاشقانه صرف نیست، بلکه مضامین عارفانه هم دارد. یعنی معشوق او هم در زمین است و هم در آسمان ... معشوق او هم معبود است و هم معشوق و هم ممدوح و غزل او به این اعتبار، آمیزه و نقاوهای از دو شیوه غزل عاشقانه و عارفانه است ... "

در سطح فکر، بین غزل سعدی و حافظ فرقی بین است. حافظ به مقتضای عصری که در آن می‌زید، قاطعیت فکری و صراحت ندارد و شعر او در هاله‌ای از ابهام و ابهام فرو رفته است ... " (ص ۲۹).

۱-۳. بررسی سطح ادبی در غزل سعدی در حوزه " ابزار بیانی " و " صنایع معنوی " (ص ۲۹).

۱-۴. بررسی سطح ادبی در غزل حافظ در حوزه " ابزار بیانی " و " صنایع معنوی " (صص ۲۹-۳۰).

" سطح ادبی در حافظ خیلی پیچیده و متکامل و هنری است و فی‌الواقع اختلاف عمده سبکی در همین جاست، یعنی بسامد شیوه‌های بیانی و صنایع معنوی در حافظ بسیار بالاست " (ص ۲۹).

۱-۵. گفتاری زیر عنوان " سنن ادبی " با بررسی و توضیح و تفسیر بیت بیت غزل حافظ (صص ۳۱-۳۰) با این نتیجه: " این گزارش ساده از این غزل پیچیده بی‌کرانه بود. معنی ابیات سعدی در هر مصراع یا نهایتاً بیت تمام می‌شود. اما در آغاز و پایان هر مصراع حافظ باید نقطه‌چینی گذاشت ... " (ص ۳۱).

۱-۶. گفتاری زیر عنوان " مشابهت " و " سنجشی دیگر بین دو غزل مورد نظر: " عجیب است که حافظ بسیار کم از لغات و قوافی و ترکیبات سعدی استفاده کرده است. در قافیه بجز " در میان انداختن " و " جهان " از قوافی سعدی استفاده نکرده است ... پس در حقیقت فقط وزن و آهنگ و موسیقی این دو غزل به هم شبیه است ... اما وجوه افتراق، بیشتر از وجوه اشتراک است. هم در زمینه سبک و هم در زمینه اقتفا. در زمینه سبک باید هم‌چنین باشد، چون هم حافظ و هم سعدی هر دو از شاعرانی هستند که به سبک شخصی رسیده‌اند. اما در زمینه اقتفا کاملاً پیداست که حافظ به این غزل سعدی توجهی نداشته است و باید به دنبال غزل دیگری که همین وزن و قافیه را داشته باشد، باشیم " (ص ۳۱).

۱-۷. نتیجه: چکیده آنچه در طول مقاله گفته شده، از جمله: " بزرگ‌ترین فرق این دو غزل در سطح ادبی است. اگر غزل سعدی در کل و مجموعاً ادبی است غزل حافظ در اجزا نیز ادبی است ... در غزل حافظ در هر بیت با تابلوی بدیعی مواجهیم و او با تعلیل‌های جدید شعری، مناظر قدیم را به صورت نوینی دوباره نقش زده است. فرق سعدی در مقام یک استاد با شاعران دیگر این است که علاوه بر موسیقی عادی شعر که همان وزن باشد، در هر مصراع و بیت موسیقی دیگری را نیز درج کرده است ... " (ص ۳۲).

۱-۸. نقل چند غزل هم‌قافیه و هم‌وزن با غزل‌های بررسی شده و مقایسه آنها با غزل حافظ (صص ۲۳-۲۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. غزلیات سعدی، تصحیح حبیب یغمایی. ۲-۲. غزلیات حافظ، تصحیح علامه قزوینی، غنی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱ بار (البته یک غزل بررسی شده و بیت‌های آن بارها مورد استفاده قرار گرفته است).

۴. اشاره: ۴-۱. این مقاله که در دو بخش و دو شماره از مجله رشد آموزش ادب فارسی به چاپ رسیده است، با روشی تازه و با دقت در جزئیات، دو غزل از غزل‌های سعدی و حافظ را از نظر سبکی با هم مقایسه کرده است.

بررسی واژگانی و دقت در جزئیات یک اثر (ویژگی‌های آوایی، بدیعی، لغوی، نحوی و ...) در شناخت درست آن اثر بسیار مؤثر است. خصیصه ارزشمند این نوشته، همین دقت در جزئیات و بررسی واژه به واژه ابیات دو غزل مورد نظر و تفکیک موضوعات مورد بررسی است.

پرهیز از کلی‌گویی و انشاپردازی‌های معمول بر ارزش علمی این مقاله افزوده است. همچنین همه مطالب نوشته شده در خدمت موضوع مقاله است. این شیوه از بررسی و نقد متن، برای نویسندگان تازه‌کار نیز بسیار کارگشاست.

۴-۲. این مقاله با همه ارزش‌های ویژه خود از یک نظر قابل تأمل است و آن این که با مقایسه تنها دو غزل نمی‌توان به داوری مسلمی دست یافت. بویژه آنکه نگارنده گفته‌اند، همه معلومات پیشین خود را درباره این دو شاعر در این مقایسه وانهاده‌اند. برای رسیدن به یک قضاوت واقع‌گرا، بهتر است دست‌کم تعدادی از این سروده‌ها با هم مقایسه شود. زیرا نتیجه مقایسه در غزل‌های دیگر این دو شاعر، همیشه یکسان نیست. از دیگر مطالب گفتنی این‌که نویسنده مقاله، فراوانی آرایه‌های ادبی را در شعر حافظ - نسبت به سعدی - تلویحاً امتیازی برای او دانسته‌اند، در حالی که برآستی عظمت سعدی در این است که بدون توسل به آرایه‌ها و زینت‌های صوری، کلامی بلند و دست‌نیافتنی آفریده است و ویژگی مشهور " سهل و ممتنع " بی‌جهت برآزنده سخن سعدی نشده است.

آیا کدام یک از آرایه‌ها و صنایع مورد تأکید در این مقاله بیت زیر را این همه تأثیرگذار، هنری و جاودان کرده است:

گفته بودی چو بیای غم دل با تو بگویم چه بگویم که غم از دل برود چون تو بیایی

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. تأملی در یک مقایسه سبک‌شناسانه، محمدتقی رادشهیدی، رشد آموزش ادب فارسی، شماره ۳۰-۲۹، صص ۴۷-۴۴.

مقایسه سعدی و حافظ از نظر غزل‌سرایی و سبک، دکتر حسن صدر حاج سیدجوادی، حافظ‌شناسی، جلد نهم، بهار ۱۳۶۷، صص ۵۲-۲۲.

* این مقاله چکیده‌ای از مطالبی است که با همین عنوان و در قالب یک کتاب در اردیبهشت ۱۳۳۲، از سوی نگارنده یادشده منتشر شده است. برای آگاهی بیشتر رک. کتاب "مقایسه سعدی و حافظ از نظر غزل‌سرایی و سبک"، ح. صدرحاج سیدجوادی ...، در بخش کتاب‌ها از همین مجموعه.

مقایسه شعری از آندرو مارول و سعدی، مهرانگیز اوحدی، گلچرخ، شماره ۸، ۹، بهمن و اسفند ۱۳۷۲، صص ۶۲-۶۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیحی کوتاه درباره شعر دلپذیر "به محبوب شرمگین" از مارول و ترجمه آن شعر و مقایسه همانندی‌ها و اختلافات آن با سروده‌های سعدی (صص ۶۳-۶۱).

نویسنده درباره اختلاف اساسی سروده آندرومارول و سعدی می‌نویسد: "هر چند در نخستین نگاه، این قطعه شعر عاشقانه، یادآور غزلیات سعدی است، لیکن ژرف ساخت نگاه شاعر انگلیسی نسبت به عشق (و طبعاً نسبت به معشوق) با دیدگاه سعدی، بسیار متفاوت است. آنچه شاعر انگلیسی از معشوق می‌خواهد، وصال، آن هم وصال جسمانی است، نه پیوند معنوی ... و این از آن روست که سعدی بر این باور است که "عشق‌بازی دگر و نفس‌پرستی دگر است ..." (ص ۶۳).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، به اهتمام بهاء‌الدین خرمشاهی، امیرکبیر، ۱۳۶۷. ۲-۲. A Book of English Poetry Penguin Books, ۱۹۳۷.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۲۴ بار، بوستان ۱ بار، قطعات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته شعر مشهور آندرومارول با سروده‌های سعدی سنجیده شده است. البته نمونه‌های همانندی که از سعدی در برابر پاره‌های شعر مارول نهاده شده است، در سروده‌های دیگر شاعران، بویژه شاعران سبک عراقی، هم دیده می‌شود. و این شیوه مخصوص سعدی تنها، نیست.

با این حال، سنجش و تطبیق این سروده‌ها و بویژه تأکید بر اختلاف نگرش به معشوق با استناد به نمونه‌های شعر فارسی، از دیدگاه ادبیات تطبیقی سودمند است.

۴-۲. یادکرد نشانی مآخذ در پاورقی مقاله به جنبه پژوهشی آن افزوده است.

مقدمه‌ای بر اندیشه سیاسی و اجتماعی سعدی، دکتر فرهنگ رجایی، کیهان فرهنگی، سال پنجم، شماره ۲، ۱۳۶۷، صص ۲۳-۲۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. شرح موضوعات اجتماعی آثار سعدی: آثار سعدی چون کارهای دیگر بزرگان علم، ادب، فرهنگ، تاریخ، فلسفه، سیاست و غیره، بازتابی است از کشاکشی که جامعه‌اش درگیر آن بوده، یا راه حل و پاسخی است برای آن ... البته سعدی نه عمق فلسفی خواجه نصیرطوسی را دارد، نه اطلاعات دست اول خواجه نظام‌الملک را در اداره مملکت و نه آگاهی گسترده کیکاوس‌بن وشمگیر را از مسائل اجتماعی، اما دریافت عمیق و استوار او از گوهر آدمی ... حیران این کمبودها را می‌کند و کارش را که تا به حال بیشتر به جنبه ادبی آن توجه می‌شد به یک اثر اجتماعی و یا فلسفه سیاسی تبدیل می‌کند ... سعدی "مهندس اجتماعی محال اندیش" (utopian) نیست که یک جامعه آرمانی طرح و تبیین کند، بلکه چون فیلسوفان مکتب مهندسی تدریجی اجتماعی می‌کوشد کژرفتاری‌ها را به حداقل برساند ... بنیان فلسفه اجتماعی او بر تسلیم به قضا و قدر و بی‌نقشی انسان بنا شده است ... بررسی باریک‌بینانه‌تر نشان می‌دهد که سعدی برداشت بسیار پیچیده‌ای از نقش انسان در اجتماع دارد، او معتقد است که انسان آزاد است و حق تصمیم‌گیری دارد (ص ۲۰). سه مقوله عدالت، واقع‌بینی، اعتدال‌گرایی مهم‌ترین اصول اندیشه سیاسی او را تشکیل می‌دهند ...

۱-۲. تأکید بر موضوع عدالت در آثار سعدی: "سعدی عدالت را یکی از عوامل تعیین کننده در زندگی اجتماعی و سیاسی می‌داند، به نظر او قدرت سیاسی بدون عدالت به استبداد و قهرآ به نابرابری و دلمردگی می‌انجامد، در حالی که عدالت بدون قدرت سیاسی به هرج و مرج، درهم ریختگی و قهرآ به نابودی زندگی اجتماعی ... تکراری‌ترین تعریف سعدی از عدالت "حق به حق‌دار رساندن" یا عدالت توزیعی است ... (ص ۲۱). اگر عدالت بنیان ساختمان اجتماع است، واقع‌بینی، آجرها و اعتدال‌گرایی، ملاط آن است ..." (ص ۲۱).

۱-۳. تأکید بر موضوع واقع‌بینی و جگونگی آن در آثار سعدی (ص ۲۲). ۱-۴. تأکید بر موضوع اعتدال‌گرایی در آثار سعدی (ص ۲۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیر کبیر، ۱۳۵۶.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱۴ بار، گلستان ۱۱ بار، قطعات ۵ بار، رسائل نثر ۵ بار، قصاید ۴ بار، مفردات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله برخی از ویژگی‌های اجتماعی سروده‌ها و سخنان سعدی باز نموده شده و بر سه جنبه از مسائل اجتماعی این آثار تأکید شده است: عدالت، واقع‌بینی و اعتدال‌گرایی و ۴۰ مورد از گفته‌ها و سروده‌های سعدی برای تأیید گفتار مورد استشهاد بوده است. تفاوت این مقاله با مقالات دیگری که با همین موضوع فراهم آمده‌اند این است که در این نوشته بجز بوستان و گلستان، آثار دیگر سعدی از جمله رسائل نثر هم مورد توجه بوده‌اند. با وجود آنکه بسیاری از مطالب این نوشته تکرار نوشته‌های پیشین است اما هیچ اشاره‌ای به پژوهش‌های پیشین نشده است. برای آگاهی بیشتر از مقاله‌هایی که در این موضوع نوشته شده، رک. فهرست مقاله‌ها در همین مجموعه.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. گزیده غزلیات سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۲. ۵-۲. گزیده قصاید سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۶۲-۶۱. ۵-۳. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۵۸. ۵-۴. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۳۱، ۱۹۸.

مقدمه بوستان، محمدعلی فروغی، برگرفته شده از مقالات فروغی، ج ۲، انتشارات یغما، صص ۱۵۹-۱۵۲. چاپ‌های دیگر: ۱. مقدمه کتاب "بوستان سعدی"، محمدعلی فروغی، ۱۳۱۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به ارزش بوستان و شرح روش کار در کتاب حاضر: " ... در ترتیب این نسخه هم تقریباً، همان روش تنظیم گلستان را به کار برده‌ایم، با این تفاوت که چون بوستان مانند گلستان در دست و پای همه کس نیفتاده و مقید به قیود شعری

بوده است، کمتر دستخوش تحریف و تصرفات عمدی گردیده است و به این واسطه مجبور نبودیم يك نسخه را اصل و مینا قرار دهیم و نسخه‌بدل‌ها از نسخه‌های مخصوص برای آن اختیار نماییم، نسخه‌های متعدد از قدیم و متوسط و جدید در پیش گذاشتیم و از سه چهار نسخه که کهنه‌تر از همه بودند متابعت کردیم، و اختلافاتی را که قابل ذکر دانستیم، در ذیل صفحات آوردیم، و آنچه از ذوق و سلیقه خود تصرف جایز دانستیم این بود که در نسخه‌های کهنه موجود، آنچه را با ذوق خود موافق‌تر یافتیم، متن قرار دادیم و باقی را در نسخه‌بدل‌ها یاد کردیم، جز در جاهایی که مورد اتفاق یا اکثریت نسخه‌های کهنه معتبر بود که در آن موارد، ذوق خود را حکم نساخته، از آن نسخه‌ها کاملاً متابعت نمودیم ... " (صص ۱۵۴-۱۵۳).

۱-۲. معرفی برخی از نسخه‌هایی که برای تهیه و تنظیم کتاب مورد استفاده بوده است، از آن جمله است: " نسخه متعلق به لردگرینوی (تاریخ کتابت: ۷۲۰ هجری)، کلیات متعلق به آقای دکتر محمدحسین لقمان ادهم (تاریخ کتابت: ۷۱۸ هجری)، نسخه کتابخانه هند انگلستان که در لندن عکس‌برداری شده است (تاریخ کتابت: ۷۲۸ هجری) کلیات سعدی متعلق به کتابخانه آقای حاج حسین آقا ملک (تاریخ کتابت معلوم نیست)، کلیات آقای عبدالحسین بحرانی که به وسیله وزارت معارف به آرامگاه سعدی اهداء کرده‌اند (تاریخ کتابت معلوم نیست)، کلیات آقای صادق انصاری (تاریخ کتابت: ۷۹۴ هجری) و ... (صص ۱۵۷-۱۵۵).

۱-۳. توضیحی درباره اختلاف نسخ بوستان: " از مراجعه دقیق به این نسخه‌ها، چنین استنباط می‌شود که در آغاز که شیخ اجل بوستان را سروده، نسخه‌هایی از آن استنساخ کرده‌اند و انتشار یافته، سپس خود او در این کتاب تجدید نظر فرموده و بعضی از اشعار و کلمات را تغییر و تبدیل داده است، و چنین می‌نماید که نسخه‌های قدیمی معتبر که در دست ماست ... از روی دو نسخه اصلی استنساخ شده، با فرض این که نسخه دوم بوستان، پس از تجدید نظر شیخ بزرگوار انتشار یافته باشد، و نسخه لردگرینوی و نسخه آقای دکتر لقمان ادهم، نماینده این دو تحریر بوستان می‌توانند بود و اگر آنها را اصل و در دو طرف قرار دهیم، بیشتر نسخه‌های دیگر با یکی از این دو نسخه موافقت دارند ... " (ص ۱۵۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. چندین نسخه خطی بوستان (رک. ۱-۲ مضامین اصلی).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد (درباره نسخه‌های بوستان است).

۴. اشاره: ۴-۱. کتاب بوستان دومین کتابی است که پس از گلستان، به دست مرحوم محمدعلی فروغی با مقابله نسخه‌های مختلف خطی و چاپی، سامان یافته و منتشر شده است. این کتاب نیز مانند دیگر تصحیحات مرحوم فروغی از آثار سعدی، همواره مورد استفاده سعدی‌خوانان و سعدی‌پژوهان بوده است.

بازیافت نسخه‌های خطی کهن، بررسی اعتبار آنها برای دستیابی به متنی که هرچه بیشتر به نوشته اصل سعدی نزدیک شود، از ارزشمندترین اقدامات در مسیر سعدی‌پژوهی است. این چاپ از بوستان با آنکه از عیب و نقص خالی نیست، کاربردی‌ترین و شایع‌ترین نسخه بوستان است که تاکنون به چاپ رسیده و بیشتر پژوهش‌های انجام گرفته مربوط به بوستان، از همین کتاب بهره‌مند بوده‌اند.

بی‌گمان امتیاز تقدم این کتاب بر تصحیحات دیگر بوستان همواره محفوظ خواهد بود. معرفی نسخه‌های خطی مورد استفاده و ارزیابی برخی از این نسخه‌ها، بر ارزش این مقدمه افزوده است. اما دخالت ذوق مصحح در انتخاب نسخه‌بدل‌ها موجب شده که از ارزش علمی این کار کاسته شود و نبود نام و نشانی مراجع نسخه‌بدل‌ها در پاورقی، این اشکال را تشدید کرده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. نسخه بوستان چاپ فروغی و مقدمه آن از کاربردی‌ترین نسخه‌ها بوده است. و به دلیل گستردگی تأثیرات آن در آثار پس از خود و استفاده‌های فراوان از این چاپ، استثنائاً از یادکرد تأثیرات و پاسخ‌های آن چشم می‌پوشیم.

مقدمه سعدی‌نامه یا بوستان ، بدیع‌الزمان فروزانفر، مجموعه مقالات و اشعار، به کوشش عنایت‌الله مجیدی، ۱۳۵۱، صص ۲۸۴-۲۸۲.

*** این نوشته، قبلاً به عنوان مقدمه‌ای بر کتاب " سعدی‌نامه یا بوستان، تصحیح رستم علی‌یف " به چاپ رسیده است. برای آگاهی بیشتر، رک. کتاب یاد شده در بخش کتاب‌ها، از همین مجموعه.**

مقدمه غزلیات ، محمدعلی فروغی، برگرفته از کتاب "مقالات فروغی" ، ج ۲، انتشارات یغما، شهریور ۱۳۵۵، صص ۱۷۴-۱۶۰.

چاپ‌های دیگر: ۱. مقدمه کتاب " غزلیات سعدی "، محمدعلی فروغی.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به چاپ گلستان و بوستان که به دست خود فروغی سامان یافته است و توضیح درباره روش کار در تنظیم غزلیات سعدی: " ... آنچه از غزلیات و رباعیات و قطعات را که صورت مغالزه دارد، در يك مجلد گرد آوردیم و آن همین کتابی است که فعلاً به نظر خوانندگان می‌رسد و قاصد را که اکثر مشتمل بر بند و اندرز است با غزل‌هایی که صرف حکمت و موعظه است و رباعیات و قطعاتی که این حال را دارند، به مجلد دیگر - که اگر توفیق انجام آن را یافتیم جلد آخر کلیات خواهد بود - محول می‌داریم ... تصرف مهم دیگر ما این است که در تدوین غزل‌ها و قطعات از پیروی ترتیب معمول که آنها را به چندین مجموعه به نام طیبیات و بدایع و خواتیم و غزلیات قدیم و ملمعات و صاحبیه قسمت کرده‌اند، صرف نظر کردیم و مجموعه غزل‌های معاشقه را در يك رشته به ترتیب حروف قوافی منتظم نمودیم و از قطعات و رباعیات هم آنچه بر این منوال بود دنباله آنها قرار دادیم ... " (صص ۱۶۱-۱۶۰).

۱-۲. توضیح درباره نام‌گذاری غزلیات سعدی و بررسی این موضوع که آیا این نام‌گذاری از سوی خود سعدی انجام گرفته یا خیر (صص ۱۶۵-۱۶۱).

" ... تقسیمات را نه می‌توان یقین داشت که خود شیخ کرده باشد، نه مبنی بر مناسباتی است که بتوانیم موجب قبول فرض کنیم، پس جایز دانستیم که آن را کنار بگذاریم، ولیکن برای کسانی که بخواهند بدانند غزلی در نسخه‌های چاپی و در نسخ متأخره جزء چه مجموعه‌ای قرار داده شده، در صدر غزل پهلوی شماره علامت " ط " و " ب " و " خ " و " ق " و " م " گذاشته‌ایم که اولی اشاره به طیبیات و دومی به بدایع و سومی به خواتیم و چهارمی به غزلیات قدیم و پنجمی به ملمعات است... " (ص ۱۶۵).

۱-۳. توضیح درباره نحوه تنظیم غزل‌ها در نسخ مختلف و شیوه تنظیم این غزل‌ها در کتاب حاضر (صص ۱۶۸-۱۶۶).
" ... در مجموعه‌های دیگر معمولاً حرف آخر قافیه یا ردیف غزل‌ها را گرفته آنها را به ترتیب حرف هجا مرتب نموده‌اند، ضمناً حرف اول مصراع اول غزل را نیز در ترتیب رعایت کرده‌اند، ما در ترتیب غزل‌ها به حرف آخر اکتفا نکردیم و بعد از حرف آخر ما قبل آخر و پس از حرف قبل از او را هم منظور داشتیم، به این ترتیب، محل هر غزل را در مجموعه بهتر و زودتر می‌توان پیدا کرد ... " (ص ۱۶۸).

۱-۴. توضیح درباره روش مقابله نسخ و تنظیم نهایی متن: " روش ما در تصحیح غزلیات همان روشی است که در تصحیح بوستان به کار برده‌ایم، یعنی چند نسخه بسیار قدیم معتبر را که در دست داشتیم پیش گذاشتیم و متن کتاب را بر طبق آنها مدون ساختیم، به این وجه که در مورد اختلاف آنچه از آن نسخه‌های معتبر پسندیده‌تر یافتیم اختیار نمودیم و اختلافاتی را که قابل توجه دانستیم نسخه بدل قرار دادیم ... " (ص ۱۶۹).

۱-۵. معرفی نسخه‌های استفاده شده در کتاب حاضر، از آن جمله است: نسخه متعلق به آقای محمد دانش خراسانی تاریخ کتابت آن در پایان رساله عقل و عشق بدین عبارت است: " و کتبه العبد عبدالصمدین محمدین محمود اصلح الله شأنه و غفرله و لوالدی فی شهر رمضان سنه احدی و عشرین و سبعمائه " ... این نسخه بسیار معتبر و صحیح است و به قدری مورد توجه و اعتماد ما بوده که در واقع آن را اصل و متن قرار داده‌ایم ... نسخه دیگر متعلق به آقای بدیع‌الزمان فروزانفر ... است، که آن نیز اعتباری بسزا دارد ... نسخه آقای بزرگزاد ... غزلیات سعدی از وایت‌کینگ ... نسخه دیگری از کتابخانه ... حاج حسین آقا ملک ... " (صص ۱۷۲-۱۷۰).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. چندین نسخه خطی (رک. ۱-۵ مضامین اصلی).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۱۸ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. انتشار غزلیات سعدی با مقابله برخی از نسخه‌های خطی، از اقدامات ارزشمند مرحوم فروغی است. این کتاب سومین کتاب از آثار سعدی است، که به اهتمام فروغی سامان یافته و به چاپ رسیده است. عمده تحقیقات و مطالعاتی که تا کنون بر روی غزلیات سعدی انجام گرفته، بر اساس همین اثر بوده است و امتیاز تقدم این اثر بر آثار مشابه خود، همواره برای این کتاب محفوظ خواهد بود.

شیوه مناسب تنظیم غزل‌ها در این کتاب (بر اساس حروف قافیه بدون تفکیک بدایع و طیبات و ...) کار بازیابی غزل‌ها را ساده‌تر کرده است و اطلاعات ارزشمندی درباره نسخه‌های مختلف خطی مورد استفاده در مقدمه کتاب به خواننده داده شده است. اما دخالت ذوق مصحح در انتخاب نسخه‌بدل‌ها موجب شده که از ارزش علمی این کار کاسته شود و نبود نام و نشانی مراجع نسخه‌بدل‌ها در پاورقی، این اشکال را تشدید کرده است.

مقدمه گلستان سعدی ، محمدعلی فروغی، برگرفته شده از مقالات فروغی، ج ۲، انتشارات یغما، شهریور ۱۳۵۵، صص ۱۵۱-۱۲۹.

چاپ‌های دیگر: ۱. مقدمه کتاب گلستان، تصحیح محمدعلی فروغی.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به ارزش کاربردی گلستان و تصرفات و تحریفاتی که از همان ابتدا در نسخه‌های مختلف آن به وجود آمده است (ص ۱۳۹).

۱-۲. تأکید بر ضرورت دستیابی به نسخه‌ای که کمتر دچار تصرف و تحریف شده باشد، با معرفی نسخه‌ای از گلستان که به وسیله عبدالعظیم قریب گرکانی، منتشر شده است: " ... شك نیست که این گلستان صحیح‌ترین نسخه‌ای است که تا کنون به چاپ رسیده و با آن مقدمه نفیس و توضیحات، همیشه باید مورد استفاده دانش‌طلبان باشد. ولیکن... چنین به نظر می‌رسد که آن نیز کاملاً مطابق با نسخه اصل گلستان نیست ... " (صص ۱۴۱-۱۴۰).

۱-۳. معرفی برخی از نسخه‌های گلستان که مورد استفاده مصحح بوده است، با بیان روش تصحیح کتاب: " ... آگاه شدم که در کتابخانه ملی پاریس نسخه‌ای از کلیات سعدی موجود است که در سال ۷۶۸ نوشته شده و بالنسبه صحیح است ... آقای قزوینی لطف فرموده از آن گلستان برای من عکس برداشتند ... عاقبت در اصفهان يك نسخه یافت شد که به ذوق خود این جانب و به تصدیق بسیاری از اهل بصیرت می‌توان آن را صحیح‌ترین نسخه‌ای که تا کنون به نظر آمده دانست. هزار افسوس که يك نقص و يك عیب بزرگ دارد: نقص آن اینکه در چند جا چند صفحه از آن افتاده ... و عیب آن اینکه دارندگان این کتاب ... در بسیاری از مواضع کلمات و عبارات را تراشیده و به سلیقه خود درست کرده‌اند، یا جمله‌هایی بر آن در متن یا حاشیه افزوده‌اند... .

از این دو سه فقره عیب و نقص که بگذریم، این کتاب، بهترین نسخه‌های گلستان به نظر می‌رسد ... نسخه اصفهان [متعلق به آقای ابوالحسن بزرگزاد] که وصف آن کرده آمد، اصل و متن قرار داده شده و کاملاً از آن تبعیت نمودیم، مگر در مواضعی که غلط بودن آن را یقین کردیم و در این موارد تجاوز از آن را جایز بلکه واجب شمردیم و آنچه از روی نسخه‌های معتبر دیگر یافتیم، به جای آن گذاشتیم ... (صص ۱۴۲-۱۴۳) از این موارد گذشته، تخلف از نسخه‌ای که آن را اصل قرار داده‌ایم، جایز نشمردیم. هر چند گاهی نسخه‌های دیگر می‌دیدیم که به نظر بهتر می‌آمد و با آن که بعضی از دوستان، از این جهت تأسف می‌خوردند، بلکه سرزنش می‌کردند، از شیوه خود دست برنداشتیم ... " (ص ۱۴۴).

- اشاره به برخی از نسخ دیگر مورد استفاده به ترتیب ارزش آنها: نسخه متعلق به آقای مجدالدین نصیری، نسخه‌ای که در ۷۹۴ نوشته شده و آقای صادق انصاری در اختیار مصحح گذاشته است، نسخه‌ای است که از کتابخانه سلطنتی، نسخه متعلق به لردگرینوی و نسخه متعلق به کتابخانه اداره هند (صص ۱۴۸-۱۴۷).

" نسخه لردگرینوی از نسخ گلستان که تاریخ کتابت معلوم است [۷۲۰ هجری] ، کهنه‌ترین نسخه‌ای است که تا کنون به نظر این جانب رسیده و هر چند نه خالی از غلط کتابتی است و نه اطمینان می‌توان داشت که از تحریف و تصرف عمدی بری بوده باشد، از جهت نزدیک بودن به قلم شیخ سعدی، تقریباً در عرض نسخه آقای بزرگزاد است... " (ص ۱۴۹).

۱-۴. توضیح درباره شیوه نگارش و رسم‌الخط کتاب (صص ۱۵۰-۱۴۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. نسخه‌های خطی گلستان (رک. ۱-۳ مضامین اصلی).

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. اقدام مرحوم محمدعلی فروغی در تصحیح گلستان بر اساس برخی از نسخ خطی، یکی از ارزشمندترین اقداماتی است که در دهه دوم سده چهارده انجام گرفت، و متن مصحح ایشان، کاربردی‌ترین متنی است که تا کنون مورد استفاده سعدی‌پژوهان بوده است. این نسخه بارها و بارها به اشکال گوناگون چاپ شده است. محمدعلی فروغی در این مقدمه با تأکید بر ضرورت تصحیح متن گلستان ضمن معرفی نسخه‌های خطی مورد استفاده خود، روش کار را نیز در تصحیح این متن شرح داده است. بی‌گمان، همان گونه که بسیاری از سعدی‌پژوهان هم تا کنون اشاره کرده‌اند، این متن از گلستان سعدی، دچار ضعف و نقصان فراوان است، اما با توجه به اینکه - در این کتاب، برای نخستین بار برخی از نسخه‌های خطی کهن مقابله شده و با حروف چینی و چاپ جدید (و نه چاپ سنگی) منتشر شده است، همواره امتیاز تقدم برای این کتاب محفوظ خواهد بود. مرحوم فروغی، خود، درباره این کتاب گفته‌اند: " کتابی را که به نظر خوانندگان می‌رسد، نسخه صحیح گلستان، چنان که از قلم شیخ سعدی به در آمده است، معرفی نمی‌کنیم و اصلاً نمی‌دانیم به چنین آرزویی می‌توان رسید یا نه ... همواره باید امیدوار بود که نسخه‌های بهتر و صحیح‌تر به دست آید و هر کس ما را به چنین چیزی رهبری کند، که از این پس بتوانیم این نسخه را بهبودی دهیم و تکمیل کنیم، مایه امتنان، و به ادبیات فارسی خدمتی بسزا خواهد بود ... " (ص ۱۴۵).

۴-۲. شایسته بود نسخه اساس (نسخه اصفهان متعلق به آقای ابوالحسن بزرگزاد)، دقیق‌تر معرفی می‌شد، (از نظر تاریخ کتابت، نوع خط و ...) درباره نسخه اساس (بجز اشاره‌ای که به نقص و عیب آن شده است) تنها نوشته‌اند: " به ذوق خود اینجانب و به تصدیق بسیاری از اهل بصیرت می‌توان آن را صحیح‌ترین نسخه‌ای که تاکنون به نظر آمده دانست". اما این دلایل قضاوت معلوم نیست. - چنانچه نسخه‌بدل‌ها در پاورقی با نام و نشانی نسخه مأخذ مشخص شده بود، بر ارزش علمی کتاب افزوده می‌شد.

مقدمه مواعظ (قصاید فارسی و عربی، غزلیات عرفانی، کتاب نصیحة الملوك و غیره)، محمدعلی فروغی، برگرفته از مقالات فروغی، ج ۲، انتشارات یغما، صص ۱۸۴-۱۷۵.
چاپ‌های دیگر: ۱. مقدمه کتاب "مواعظ سعدي - قصاید فارسی و عربی و ..."، محمدعلی فروغی.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. معرفی کتاب‌های سعدي که در کلیات او جمع‌آوری شده و شامل بیست‌ودو یا سه کتاب و رساله است (صص ۱۷۶-۱۷۵).

۱-۲. اشاره به اختلاف نسخه‌ها در تنظیم و ترتیب آثار سعدي در کلیات و بیان شیوه تنظیم و ترتیب این آثار به وسیله فروغی در کتاب حاضر (صص ۱۷۹-۱۷۶).

۱-۳. توضیح درباره رسائل شش‌گانه که در کلیات آمده، با تأکید بر اینکه از این رسائل، "نصیحة الملوك"، "رساله عقل و عشق" و "رساله انکیانو" از سعدي است، "مجالس پنج‌گانه" اگر هم از سعدي باشد، در مجلسی تقریر فرموده و دیگران به نگارش در آورده‌اند و "تقریرات ثلاثه" را دیگران در احوال شیخ نوشته‌اند و تنها اشعاری که در این رسائل گنجانده شده، از شیخ است و "ملحقات رسائل" که عبارت است از مقدمه منسوب به بیستون و دیباچه‌ای که بر کلیات شیخ نوشته‌اند بدون تردید از دیگران است... (صص ۱۸۱-۱۷۹).

۱-۴. تأکید بر این موضوع که چون ترتیب قرار گرفتن آثار سعدي در کلیات به وسیله خود او انجام نگرفته تغییر و تصرف در آن ترتیب‌ها نیز عمل خلافی نیست (ص ۱۸۲).

۱-۵. توضیح کوتاه درباره هزلیات، خبیثات و چند اثر منسوب به سعدي، "هزلیات عبارت است از سه مجلس به نثر و مشتمل بر مطالبی ناپسند و رکیک که حکایاتی به نام "المضاحك" به این سه مجلس افزوده شده. این کتاب در نسخه‌های قدیم که در دست ماست، نیست، ولی نمونه‌ای از آن در نسخه پاریس که تاریخ کتابت آن در سال ۷۶۸ هجری است، دیده می‌شود.

"خبیثات" عبارت از حکایات و قطعاتی است منظوم که هرچند زندگی دارد، ولی طرز بیان می‌نماید که از شیخ است و در نسخه‌های قدیم هم وجود دارد. به هر حال خواه این دو کتاب از شیخ باشد یا نباشد ما چاپ آنها را شایسته ندانستیم... دیگر از گفتنی‌ها این که در بعضی نسخه‌های چاپی، مثنوی به بحر متقارب در اخلاق، شامل دو بیت و یک بیت به سعدي نسبت داده شد، که به "کریم" معروف است. این ابیات سست و ناچیز در هیچ یک از نسخ خطی قدیم و جدید که در دست داریم، دیده نمی‌شود و به ظن نزدیک به یقین از شیخ اجل نیست... (صص ۱۸۴-۱۸۳).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. چند نسخه خطی از آثار سعدي. ۲-۲. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته که در واقع مقدمه‌ای است بر آثار باقی‌مانده سعدي که مرحوم فروغی با مقابله نسخه‌ها سامان داده‌اند، علاوه بر معرفی آثار سعدي، درباره اختلاف ترتیب و تنظیم این آثار در نسخه‌های مختلف توضیح داده شده است. ضمناً درباره صحت انتساب برخی از رساله‌ها و کتاب‌های منسوب به سعدي نیز داوری کرده‌اند، که شامل اطلاعات ارزشمندی است...
مرحوم فروغی با آنکه مطالب کتاب "خبیثات" را از سعدي می‌دانسته‌اند اما آن را به همراه "هزلیات" از کلیات چاپ خود خارج کرده و شایسته چاپ ندانسته‌اند.

این چهارمین کتابی است که فروغی، از آثار سعدي با روش خود سامان داده و به دست چاپ سپرده است. این کتاب نیز مانند سه کتاب دیگری که به کوشش او منتشر شده، همواره مورد استفاده سعدي‌خوانان و سعدي‌پژوهان بوده و عمده تحقیقات و مطالعاتی که بر روی آثار سعدي انجام گرفته بر اساس همین آثار بوده است.

امتیاز تقدم این آثار بر موارد مشابه خود برای مرحوم فروغی محفوظ خواهد ماند و اشکالات، نقایص و ضعف‌های موجود در آن خدشه‌ای در آن امتیاز وارد نمی‌کند.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. نسخه قصاید و ... چاپ فروغی و مقدمه آن از کاربردی‌ترین نسخه‌ها بوده است. و به دلیل گستردگی تأثیرات آن در آثار پس از خود و استفاده‌های فراوان از این چاپ استثنائاً از یادکرد تأثیرات و پاسخ‌های آن چشم می‌پوشیم.

مقلدان گلستان سعدي در دوره قاجار، دکتر ولی‌الله ظفری، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، سال ۲۷، شماره ۲ و ۳، پاییز و زمستان ۱۳۶۸، صص ۲۵۷-۲۴۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح درباره دو نسخه خطی از کتاب "شکرستان" (صص ۲۴۳-۲۴۱).

۱-۲. نقل عبارت‌هایی از "پریشان" قانّی و مقایسه آن با سعدي (ص ۲۴۴)، از جمله: "از نظر لفظی و معنوی نظم و ترتیبی در سیاق نظم و نثر پریشان نمی‌بینیم و به توصیف خود نویسنده، واقعاً پریشان است. هنوز وزن قطعه‌های شعری در ذهن خواننده متمکن نگردیده که بلافاصله نظم قطع می‌شود و جمله‌های کوتاه نثری، نظم خاطر وی را می‌گسلد و حال آن که گلستان سعدي این چنین نیست. سعدي دنباله مطلب را آنگاه به نظم می‌پردازد که طبع خواننده را از عبارات نثری ملول و رمان ببیند و چون به نظم می‌پردازد، باز هم در دنباله مطلب و یا تأکید همان نکته نثری است و بندرت به تنظیر و دوباره‌گویی پرداخته است... در پریشان... حکایت‌ها گاهی نتیجه اخلاقی منطقی ندارد... در بیشتر حکایت‌ها عفت زبان را رعایت نکرده... (ص ۲۴۵).

۱-۳. نقل عبارت‌هایی از کتاب "شکرستان" نگاشته علی‌محمد منشی، و مقایسه آن با پریشان قانّی و گلستان سعدي (صص ۲۴۷-۲۴۶)، از جمله: "علی‌محمد منشی اگر چه ریزه‌خوار درگاه‌های فاسد بوده، اما دریست از سنخ مردمان بی‌عار و دردی چون قانّی نبوده، بلکه مفاسد را لمس نموده و بالاخره جرأت و جسارتی در بیان آنها داشته است... نویسنده به عکس قانّی پرگو و پاره‌گو نیست، بلکه ضمن توجه به صنایع لفظی - همانند سعدي - از حد معینی فراتر نرفته و با حالتی بین ایجاز و اطناب جنبه زیبایی لفظ و لطافت معنی را رعایت نموده و هیچ‌گاه معنی را فدای لفظ ننموده است... اشعار را مناسب و به دنبال عبارات نثری آورده. ولی باید گفت در این آزمایش به گرد سعدي نرسیده است، چه بعضی از آنها سست و ناهنجار است و روی هم رفته باید گفت هنری که در نثر نشان داده، در شعر و شاعری بروز نکرده و در این زمینه شاعری درجه سوم است... (ص ۲۴۷).

۱-۴. یادکرد تأثیر برخی از مضامین گلستان در "پریشان" قانّی "شکرستان" علی‌محمد منشی و "انجمن دانش" از وقار شیرازی (صص ۲۵۵-۲۴۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. گلستان سعدي، چاپ مجلس، ۱۳۱۹. ۲-۲. پریشان، چاپ سنگی، تهران، ۱۳۰۲ ق. ۲-۳. شکرستان، نسخه خطی.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱۲ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته "پریشان" قانّی و "شکرستان" علی‌محمد منشی با گلستان مقایسه شده و برخی از تأثیر و تأثرات آنها باز نموده شده است. با آنکه پیش از این مقاله نیز درباره تأثیرگذاری گلستان بر آثار یاد شده، نوشته‌هایی پدید آمده، اما این مقاله با گستردگی بیشتر و با یادکرد نمونه‌های افزون‌تری همراه است. و چنانچه "انجمن دانش" از وقار و "گلشن خیال" از وصال شیرازی نیز بررسی و مقایسه شده بودند، مقاله کامل‌تر می‌شد.

۲-۴. با آنکه نشانی نمونه‌های مورد استشهاد مشخص شده، اما در نقل این نشانی‌ها، رعایت یکدستی نشده است، به عنوان مثال: حکایت دوم در ص ۲۵۱ (سالی از بلخ ...) بدون نشانی است و برای عبارت آغازین ص ۲۴۸ تنها واژه " گلستان " نوشته شده، ولی نشانی برخی دیگر از مثال‌ها با ذکر نام مأخذ، سال انتشار و شماره صفحه است.

مکتب عرفان سعدي (۱) ، صدرالدين محلاتي، مهر، سال يازدهم، شماره ۱، فروردین ۱۳۴۴، صص ۲۰-۲۵.

۱. **مضامين اصلي:** ۱-۱. تأکید بر سير و سلوك سعدي: " [سعدي] يکي از افراد شاخص و برجسته‌اي است که حقايق عرفاني را به خوبي درک کرده و مقامات سير و سلوك پويندگان راه حق را گام به گام پيموده و از مقامي به مقام ديگر قدم نهاده و تا تمکن و استقرار در مقامي را نيافته به مقام ديگر نگراييده و به جد و جهد و رياضت به مرحله کمال رسیده و سپس جذبه عشق و نغمه رباني او را در ربوده و به عنوان شيخ طريقت به دستگيري و ارشاد خلق و طلاب حق شناخته شده، يعني زمره سالکين الهي‌الله و مجذوبين جمال محبوب ازلي در آمده است ... " (ص ۲۵).

" يکي از جهات خفاء حقايق عرفاني شيخ در آثارش از آن جهت است که حلاوت و شيريني ظواهر آثارش آن چنان ذائقه طبع و روح را به خود جذب کرده که مجالي براي درک معاني وراء ظواهر الفاظ و استغذاء طبع از لذائذ غذاي روحاني باقي نگذاشته " (ص ۲۶).

۱-۲. بيان سه راه براي اثبات سير و سلوك عرفاني سعدي: " اول: شرح حال و ترجمه احوال وي ... دوم: نظر معاصرین و تذکره نويسان و ارباب دانش درباره او. سوم: از طريق تحقيق و بحث در افکار و آثار وي " (ص ۲۷).

۱-۳. تأکید بر ارتباط مريد و مرادي سعدي با شيخ شهاب‌الدين سهروردي به عنوان راه اول اثبات سلوك سعدي (صص ۳۰-۲۷).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۴ بار، بوستان ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ر.ک. اشاره بخش سوم (بخش پایانی) همین مقاله.

مکتب عرفان سعدي (۲) ، صدرالدين محلاتي، مهر، سال يازدهم، شماره ۵، مرداد ۱۳۴۴، صص ۲۶۲-۲۶۳.

۱. **مضامين اصلي:** * این نوشته بخش دوم يك مقاله سه بخشی است که بخش اول آن در شماره اول از سال يازدهم مجله مهر (فروردین ۱۳۴۴) چاپ شده است.

۱-۱. ادامه بخش اول و بيان راه دوم تحقيق در مقام عرفاني شيخ سعدي که عبارت بود از " نظر معاصرین سعدي درباره او " (صص ۲۶۲-۲۶۳).

در این بخش از مقاله، نویسنده با طرح سؤال منظوم يکي از معاصران سعدي (شخصي به نام سعدالدين) و با استناد به مضامين آن سؤال نتیجه مي‌گيرد که: " این اشعار نمونه نظر معاصرین شيخ به او است، يعني مي‌رساند که شيخ در نظر معاصرین چگونه شخصيتي داشته است. هم او را سالک سير و سلوك و عرفان مي‌شناخته‌اند و هم او را يگانه دهر ... " (ص ۲۶۳).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزليات ۳ بار، رسائل نثر ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. ر.ک. " اشاره " بخش سوم (بخش پایانی) همین مقاله.

مکتب عرفان سعدي (۳) ، صدرالدين محلاتي، مهر، سال يازدهم، شماره ۷، مهر ۱۳۴۴، صص ۲۹۷-۲۹۹.

۱. **مضامين اصلي:** * این نوشته بخش سوم از يك مقاله سه بخشی است که بخش دوم آن در شماره پنجم از سال يازدهم مجله مهر (مرداد ۱۳۴۴) چاپ شده است

۱-۱. ادامه بخش دوم و بيان راه سوم تحقيق در مقام عرفاني شيخ سعدي که عبارت بود از " مطالعه در آثار و افکار وي، نثرأ و نظماً ". ۱-۱-۱. توضیح درباره مجالس سعدي و تفاوت آن با نثر گلستان و طرح پاسخ سعدي در رساله عقل و عشق به سؤال منظوم " سعدالدين " و تأکید بر تفکرات عرفاني سعدي با نقل يك غزل (صص ۲۹۷-۲۹۹).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي (نشانی مأخذ مشخص نشده است).

۳. **رويکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. رسائل نثر ۵ بار (اشعار مورد استناد در رساله عقل و عشق در بوستان و گلستان نیز آمده است)، غزليات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش سوم مقاله‌اي است که براي اثبات و تأکید بر سير و سلوك عرفاني سعدي نگاشته شده است. و مقاله " مجالس شيخ سعدي " (از همین نویسنده، مهر، سال يازدهم، شماره ۹، آذر ۱۳۴۴، صص ۵۵۷-۵۵۶) اگر چه با عنوان " مکتب عرفان سعدي " نیست اما از نظر مضمون دنباله همین مقاله است.

البته نگارنده مقاله، این نوشته‌ها را گسترش داده و به شکل يك کتاب (مکتب عرفان سعدي، انتشارات دانشگاه شیراز، مهر ۱۳۴۶). منتشر کرده و يك بار ديگر گوشه‌اي از آن را با عنوان " تجلي عرفان در غزل‌هاي سعدي " در کنگره جهانی سعدي و حافظ (هفتم تا دوازدهم اردیبهشت ۱۳۵۰) ارائه داده است (ر.ک. مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، انتشارات دانشگاه پهلوي، ۱۳۵۲، صص ۲۹۵-۲۸۵) و همه این نوشته‌ها براي شناخت بيشتري سعدي بسيار سودمند بوده و مورد استفاده بسياري از پژوهشگران است.

۲-۴. نویسنده براي اثبات سير و سلوك عرفاني سعدي، در این مقاله سه قسمتي سه راه در پيش گرفته و براي هرکدام نمونه‌اي بيان داشته است. براي راه اول (شرح حال و ترجمه احوال سعدي) بر ارتباط او با شيخ شهاب‌الدين سهروردي تأکید کرده و آن را دليلي بر سلوك عرفاني سعدي دانسته است.

ارتباط احترام‌آمیز سعدي با شهاب‌الدين سهروردي و حتي عنوان " پير داناي مرشد شهاب " دليل روشني است بر شخصيت والا و محترم شهاب‌الدين در نزد سعدي، اما دليل روشني براي سير و سلوك سعدي و ارتباط مريد و مرادي او نیست، به گونه‌اي که نویسنده مقاله گفته‌اند: " [سعدي] مقامات سير و سلوك پويندگان راه حق را گام به گام پيموده و از مقامي به مقام ديگر قدم نهاده و تا تمکن و استقرار در مقامي را نيافته به مقام ديگر نگراييده و به جد و جهد و رياضت به مرحله کمال رسیده و سپس جذبه عشق و نغمه رباني او را در ربوده و به عنوان شيخ طريقت به دستگيري و ارشاد خلق و طلاب حق شناخته شده يعني در زمره سالکين الهي‌الله و مجذوبين جمال محبوب ازلي در آمده است ... " (قسمت ۱، ص ۲۵) بديع‌الزمان فروزانفر در این باره نوشته‌اند: " بي‌هيچ شباهت، شيخ سعدي به معني مصطلح، مريد شهاب‌الدين نبوده است و دليل ما آن است که نظر شيخ سعدي در قسمتي از مباني اخلاق و روش زندگي با عقايد سهروردي مخالف است ... " (سعدي‌نامه، به اهتمام حبيب يغمايي، چاپ خودکار و ايران، ۱۳۱۶، ص ۸۸).

۴-۳. نویسنده سؤال منظوم آغاز رساله عقل و عشق را به عنوان دلیل دوم خود (نظر معاصران شیخ درباره او) مطرح ساخته‌اند. این سؤال نشان می‌دهد که سعدی در نزد فرد پرسنده (سعدالدین) "سالک راه خدا، پادشاه ملک سخن و جامع عقل و عشق ... " است، اما با توجه به اینکه شخصیت علمی و عرفانی فرد پرسنده چندان روشن نیست، گفته او نیز دلیل چندان متقنی برای ادعای مطرح شده نیست. اگر از زبان معاصران شناخته شده و نامدار سعدی (که تعداد آنها بسیار است) چنین دلیلی مطرح می‌شد، می‌توانست دلیلی استوارتر باشد.

۴-۴. بررسی آثار سعدی و بازیافت باورهای عرفانی او در این آثار، همان گونه که نویسنده مقاله نیز اشاره کرده‌اند، شایسته‌ترین، مناسب‌ترین و بهترین راه‌های رسیدن به مقصود است.

اما در این مقاله تنها تکیه بر رساله عقل و عشق بوده و از آثار دیگر سعدی استفاده شایانی نشده است.

۴-۵. این نوشته از غلط‌های چاپی بر کنار نمانده است. برای پرهیز از تطویل کلام تنها به چند نمونه از بخش اول اشاره می‌شود: ص ۲۵، س ۳؛ اوراق فامر (ازرق فامر را) و ترک (شرك). ص ۲۵، س ۲۹؛ ما پر پروانه‌ایم (ما پروانه‌ایم) و ص ۲۶، س ۵؛ کمتر از عیسی یک است (کمتر از عیسی یک امشب) و ص ۲۷، س ۱۹؛ دو مرحله (در مرحله) و ...

مکتب عرفان سعدی ، ارمغان، سال پنجاه و هفتم، دوره چهل و چهارم، شماره ۸ و ۹، آبان و آذر ۱۳۵۴، صص ۵۴۰-۵۳۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر مقام والای سعدی و ارزش آثار او (ص ۵۳۹).

۱-۲. معرفی مختصر کتاب "مکتب عرفان سعدی" نگاشته صدرالدین محلاتی (صص ۵۴۰-۵۳۹)؛ از جمله: "از تحقیقات جامع و مورد توجهی که مخصوصاً از جنبه‌های عرفانی و راه و رسم سعدی در طریقت در سال‌های اخیر به عمل آمده و مورد توجه و استفاده دانشمندان و دانش‌پژوهان قرار گرفته، تحقیق و تتبع بسیار دقیقی است که به وسیله دانشمند گرانمایه آقای صدرالدین محلاتی شیرازی انجام پذیرفته و از طرف دانشگاه پهلوی که حقاً در چاپ و انتشار کتب مفیده فارسی همواره پیش‌قدم بوده، در سال ۱۳۴۶ چاپ و منتشر گردیده...". ۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مکتب عرفان سعدی، صدرالدین محلاتی، دانشگاه پهلوی، ۱۳۴۶.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته کوتاه تنها به معرفی مختصر کتاب "مکتب عرفان سعدی" پرداخته و سخن تازه‌ای ندارد.

مکر پیرزن و تدبیر شیخ سعدی ، زین‌الدین محمود واصفی، سخن، دوره هفدهم، شماره ۱، فروردین ۱۳۴۶، صص ۸۷-۸۶.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. نقل داستانی از کتاب "بدایع الوقایع" (تألیف زین‌الدین محمود واصفی) درباره تزویج سعدی با یک پیرزن بغدادی و رهایی شیخ از دست پیرزن با تدبیری ویژه (صص ۸۷-۸۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بدایع الوقایع، زین‌الدین محمود واصفی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. درباره سعدی، داستان‌های بسیاری ساخته شده است. حکایت مورد نظر نیز یکی از همان داستان‌های ساختگی است که نه اعتبار تاریخی دارد و نه ارزش ادبی.

ملاحظات پیرامون بوستان سعدی (چاپ دکتر یوسفی)، قادر فتحی قاضی، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، سال بیست و ششم، شماره سوم و چهارم، شماره مسلسل ۱۰۲-۱۰۳، پاییز و زمستان ۱۳۷۲، صص ۱۰۱۶-۱۰۱۳.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش تحقیقی بوستان سعدی به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی و بررسی توضیحات هفت بیت از اثر یاد شده با افزودن توضیحاتی بر آنها.

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی (سعدی‌نامه) به تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۷ بار، ترجیحات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته به کوتاهی و بدون انشایردازی ملال‌آور چند مورد از توضیحات دکتر یوسفی بر ابیاتی از بوستان سعدی، با ذکر دقیق نشانی، بررسی شده و نگارنده مقاله علاوه بر تأیید برخی از توضیحات دکتر یوسفی بر نظر متفاوت خود در برخی از این توضیحات، اشاره کرده است، هرچند در موارد بررسی شده، هیچ کدام از توضیحات دکتر یوسفی مردود نیست.

ممدوحین شیخ سعدی ، محمد قزوینی، سعدی‌نامه به اهتمام حبیب یغمایی، چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۹۸-۱۷۲.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۷۹۱-۷۱۲. ۲. مقالات قزوینی، گردآورنده ع. حریزه‌دار، ج ۳، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۳، صص ۶۷۷-۵۴۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. "... فصول ذیل راجع به ممدوحین شیخ بزرگوار پس از مطالعه و تتبع دقیق جمیع آثار شیخ از نظم و نثر، از پاره‌ای کتب متفرقه و مأخذ مختلفه معاصر یا قریب‌العصر یا شیخ از قبیل جامع‌التواریخ رشیدالدین فضل‌الله و تاریخ و صاف و نظام‌التواریخ قاضی ناصرالدین بیضاوی و حوادث الجامعه فوطی بغدادی و تاریخ گزیده حمدالله مستوفی و شیرازنامه احمدین ابی‌الخیر شیرازی و ... فراهم آورده تقدیم [می‌کنم] (ص ۹۹).

۱-۲. مقاله در سه فصل فراهم آمده است: "فصل اول، در ذکر ممدوحین شیخ از ملوک سلغریان فارس و وزرای ایشان فصل دوم، در ذکر ممدوحین شیخ از حکام و ولات فارس از جانب دولت مغول فصل سوم، در ذکر ممدوحین شیخ از ملوک و اعیان خارج از مملکت فارس" (ص ۱۰۰).

۱-۲-۱. "فصل اول، در ذکر ممدوحین شیخ از ملوک سلغریان فارس و وزرای ایشان.

۱-۲-۱-۱. اتابک مظفرالدین سعدین زنگی‌بن مودود سلغری، پنجمین پادشاه از سلسله سلغریان فارس - گرچه در تمام کلیات شیخ از گلستان و بوستان و قصاید عربی و فارسی و طبیات و بدایع و غیرها تا آنجا که راقم این سطور تتبع نموده مطلقاً و اصلاً مدحی یا مرثیه‌ای از او در حق سعدین زنگی یافت نمی‌شود، ولی چون شیخ معاصر با این پادشاه بوده... و حتی بعضی نیز... تخلص سعدی را

از نام این پادشاه مأخوذ دانسته‌اند لهذا ما نیز او را بالتبع در این عنوان ذکر کردیم (ص ۱۰۱). شیخ در سنین اوایل عمر خود مقداری از سنین اواخر سعد زنگی را درک کرده بوده است و در چند موضع از بوستان ذکر او بر زبان سعدي رفته است. (ص ۱۰۴).

۱-۲-۱-۲. " اتابك مظفرالدين ابوبكرين سعد زنگي - ششمين و معروف‌ترين پادشاهان سلسله سلغريان - اغلب اشعار و آثار شيخ بزرگوار مشحون به مدح همين پادشاه كامكار است و قبل از او ... مدح احدي از ملوك اين سلسله در اشعار شيخ موجود نيست و گلستان و بوستان هر دو موشح به نام اوست " (ص ۱۰۶).

۱-۲-۱-۳. " اتابك مظفرالدين سعدبن ابوبكرين سعدبن زنگي - چنانچه از تاريخ گزيده و مزارات شيراز مستفاد مي‌شود شيخ از بستگان و منتسبان اين شاهزاده بوده و همانا تخلص وي نيز از نام او مأخوذ است. در گلستان، غزليات و قصايد نام او مذکور است. " (صص ۱۱۰-۱۱۵).

۱-۲-۱-۴. " اتابك مظفرالدين يا عضالدين محمدبن سعدبن ابوبكرين سعدبن زنگي - ايام دولت اتابك محمد چندان امتدادي نيافته پس از دو سال و هفت ماه سلطنت به سبب سقوط از بام قصر از منزل فاني به منزل باقي نقل كرد. سعدي در بوستان، غزليات و قصايد از او ياد کرده است. " (صص ۱۱۹-۱۱۵).

۱-۲-۱-۵. " ترکان خاتون - دختر اتابك قطب‌الدين محمودشاه و خواهر اتابك ركن‌الدين علاءالدوله از سلسله اتابكان يزد. در حق ترکان خاتون ... دو مديحه است كه گرچه نام ممدوح در هيچيك از آنها مذکور نيست ... از سياق خود اشعاردر كمال وضوح آشكار است كه در مدح ترکان خاتون است. " غزلي با مطلع:

چه دعا گويمت اي سايه ميمون همای يارب این سايه بسی بر سر اسلام بپاي
و مديحه ديگر شيخ در حق ترکان خاتون عبارت است از قصيده‌اي با عنوان " در مدح ترکان خاتون" با مطلع:

اي بيش از آنكه در قلم آيد ثنائي تو واجب بر اهل مشرق و مغرب دعاي تو
(صص ۱۲۴-۱۱۹)

۱-۲-۱-۶. اتابك مظفرالدين سلجوق‌شاه بن سلغور شاه بن سعدبن زنگي - برادر اتابك محمدشاه سابق‌الذکر - مدت سلطنت او به روايت اكثر مورخين پنج ماه و يه روايت وصاف هفت ماه بود و با قتل سلجوق شاه در حقيقت استقلال مملكت فارس و سلطنت سلسله سلغريان هر دو خاتمه يافت. شيخ را در حق اين سلجوق‌شاه چندين مديحه است از قصيده و غزل (صص ۱۲۷-۱۲۴).

۱-۲-۱-۷. اتابك ابش خاتون بنت اتابك سعدبن ابوبكرين سعدبن زنگي - شيخ را در مدح ابش خاتون غزلي است در طبيبات با مطلع:

" فلک را این همه تمکين نباشد فروغ مهر و مه چندين نباشد "
(صص ۱۳۰-۱۲۷)

۱-۲-۱-۸. " اميرفخرالدين ابوبكرين ابونصر حوايجي - از وزراي اتابك ابوبكرين سعدبن زنگي، در مقدمه گلستان از اين امير ياد شده است (صص ۱۳۱-۱۳۲).

۱-۲-۲. " فصل دوم - در ذکر ممدوحين شيخ از حکام و ولات و عمال فارس از جانب دولت مغول

۱-۲-۲-۱. اميرانكيانو - در سنه شش‌صدوشصت‌وهفت اميرانكيانو از امراي مغول از جانب اباقابن هولاکو به حکومت کل مملکت فارس منصوب گشت و او اميري بود عظيم مهيب و به غايت کافي و عادل و با ذکا و فطنت و کفايت و کياست.

شيخ را در مدح امير انكيانو چندين قصيده است كه تمام آنها از ابتدا تا انتها عبارت است از پند و اندرز و وعظ و نصيحت ... و به كلي خالي از تشبيب و تغزلات معموله شعر است " (صص ۱۳۶-۱۳۴).

۱-۲-۲-۲. " امير محمد بيك - از شحنگان دارالملک شيراز بود، در نسخ قديم كليات دو قصيده با عناوين " در مدح امير محمد بيك" و " في تهنيه قدوم امير محمد بيك" مذکور است " (صص ۱۳۹-۱۳۷).

۱-۲-۲-۳. " شمس الدين حسين علكاني - از طرف خواجه شمس‌الدين جويني دبیر محاسبات فارس بوده است. شيخ سه قصيده در مدح او سروده است " (صص ۱۴۳-۱۳۹).

۱-۲-۲-۴. " ملك شمس‌الدين تازيكو - ملك شمس‌الدين محمدبن مالك مشهور به شمس‌الدين تازيكو از مشاهير، متمولين و اعظام تجار بود. در سنه شش‌صدوهفتادوشش در عهد سلطنت " اباقا " ممالك فارس را به طريق مقاطعه از دولت مغول به عهده گرفت. در كليات شيخ مديحه‌اي از او در حق اين شمس‌الدين تازيكو نيافتم ولي حكايه معروفی راجع به برادر شيخ و اينكه او از قرار مذکور در شيراز بر در خانه اتابك دكان يقالي داشته و ديوانيان به او و ساير بقالان خرما به بهاي گران به طرح داده بودند و وساطت شيخ نزد اين ملك شمس‌الدين تازيكو در رفع آن غايله و فرستادن قطعه‌اي نزد ملك مذکور است كه مطلع آن اين است:

ز احوال برادرم به تحقيق دانم كه تو را خبر نباشد "
(صص ۱۴۶-۱۴۳)

۱-۲-۲-۵. " مجدالدين رومي - مجدالدين اسعد رومي به تصريح صاحب " شيرازنامه" در سنه شش‌صدوهشتادوشش به حکومت شيراز منصوب شد و تا سنه شش‌صدوهشتادوهشت در آن وظيفه باقي بود. شيخ را در مدح مجدالدين رومي قصيده‌اي است كه مطلع آن اين است:

جهان برآب نهادست و زندگي بر باد غلام همت آنم كه دل بدو نهاد "
(صص ۱۴۷-۱۴۶)

۱-۲-۲-۶. " نورالدين بن صياد - در عموم نسخ خطي و چاپي كليات در عنوان يكي از قصايد عربي شيخ كه مطلع آن اين است:

مادام منسرح الغزلان في الوادي احذر يفتوك صيد يا بن صياد
مرقوم است " في مدح‌الصدر نورالدين بن صياد " يا عبارتي شبیه به اين بدون هيچ شك و شبهه مراد نورالدين احمدبن الصياد تاجر است كه يكي از عمال دولت مغول بوده " (صص ۱۴۹-۱۴۸).

۱-۲-۲-۷. " قاضي ركن‌الدين - شيخ را در بدايع غزلي است در مدح يكي از قضاة كه از او فقط به " ركن‌الدين " تعبير مي‌نمايد با نعت قاضي و مطلع آن غزل اين است:

بسا نفس خردمندان كه در بند هوا ماند در آن صورت كه عشق آيد خردمندی كجا ماند
و اين قاضي ركن‌الدين بدون هيچ شك و شبهه و به نحو قطع و يقين هيچ كس ديگر نمي‌تواند باشد جز قاضي القضاة ركن‌الدين ابومحمد يحيي بن مجدالدين اسماعيل بن نيكروزين فضل‌الله ابن الربيع الفالي السيرافي از قضاة خانواده معروف فاليان " (صص ۱۵۲-۱۴۹).

۱-۲-۳. " فصل سوم - در ذكر ممدوحين شيخ از ملوك و اعيان خارج از مملكت فارس.

۱-۲-۳-۱. مستنعم بالله آخرين خلفاي بني عباس - شيخ را در مرثيه او و تحسر بر واقعه بغداد و انقراض خلافت بني عباس دو قصيده غراست، يكي به عربي و ديگري به فارسي " (ص ۱۵۳).

۱-۲-۳-۲. " ايلخان يعني هولاکو - شيخ را قصيده‌اي است در مدح يكي از اعظام پادشاهان مغول ايران كه از او فقط به لفظ " ايلخان " تعبير مي‌كند، بدون تعيين اسم با مطلع:

اين منتي بر اهل زمين بود و آسمان وين رحمت خدای جهان بود بر جهان
و اصلاً و ابداً جای هيچ شك و شبهه نيست كه ممدوح شيخ در اين قصيده قطعاً هولاکو است نه اباقان يا تكودار يا ارغون " (صص ۱۵۵-۱۵۴).

۱-۲-۳-۳. "شمس الدین محمد جوینی صاحب دیوان، وزیر معروف هولاکو - شیخ را در مدح این شمس‌الدین جوینی صاحب دیوان و برادر او علاءالدین جوینی صاحب دیوان مدایح غراست" (صص ۱۵۷-۱۵۵).

۱-۲-۳-۴. "علاءالدین عطاملک جوینی صاحب دیوان، برادر شمس‌الدین جوینی و مؤلف تاریخ جهانگشای جوینی معروف - وی در تمام عمر خود معاصر بوده است با شیخ بزرگوار، این معاصرت و قرب جوار به علاوه سنخیت فضل و ادب بدون شک همه از اسباب و مقربیات مناسبات خصوصی بوده که مابین این دو برادر فاضل هنردوست با شیخ بزرگوار، همواره برقرار بوده است. شیخ را در مدح علاءالدین جوینی نیز چند قصیده غراست و همچنین غزل بسیار معروفی از بدایع با مطلع: من از آن روز که در بند توام آزادم پادشاهم چو به دست تو اسیر افتادم" (صص ۱۶۰-۱۵۸)

۱-۲-۳-۵. "فخرالدین منجم - در بعضی از نسخ قدیم عنوان یکی از قصاید عربی به نام "فخرالدین منجم" است و نام فخرالدین در اثناء خود قصیده نیز مذکور است ولی با فحص بلیغ هیچ‌گونه اطلاعی راجع به این فخرالدین به دست نیامد" (صص ۱۶۲-۱۶۱).

۱-۲-۳-۶. "عزالدین احمدبن یوسف - در نسخه قدیمی پاریس مورخه ۷۶۷ در عنوان یکی از قصاید مراثی مرقوم است "در مرثیه عزالدین احمدبن یوسف" [ولی] با فحص شدید هیچ‌گونه معلوماتی در خصوص این عزالدین احمدبن یوسف نیز نتوانستم به دست بیاورم" (صص ۱۶۲-۱۶۱).

۱-۲-۳-۷. "شیخ شهاب‌الدین سهروردی - او جزو ممدوحین شیخ نیست و شیخ را درباره او مدحی یا مرثیه‌ای نیست ولی چون با شیخ معاصر بوده و شیخ نام او را در بوستان برده است، بی‌مناسبت ندیدیم که در اینجا ذکر کنیم. شیخ شهاب‌الدین سهروردی از مشاهیرمشایخ صوفیه و مؤلف کتاب مشهور عوارف‌المعارف است. از حکایتی در اوایل باب دوم بوستان که با این بیت شروع می‌شود: مقالات مردان به مردی شنو نه سعدی که از سهروردی شنو

واضح می‌شود که شیخ سعدی با شیخ شهاب‌الدین سهروردی در یک کشتی سفر دریا نموده است و شیخ شهاب‌الدین در آن وقت بدون شک مردی بسیار مسن و معمر بوده است" (صص ۱۶۴-۱۶۲).

۱-۲-۳-۸. "ابوالفرج‌بن جوزی - حکایت هجدهم از باب دوم گلستان این قسم شروع می‌شود: "چندانکه مرا شیخ ابوالفرج‌بن جوزی رحمة‌الله ترک سماع فرمودی ..."

از این عبارت در اولین وهله عالم و واعظ مشهور بغداد، جمال‌الدین ابوالفرج عبدالرحمن‌بن جوزی صاحب تاریخ منتظم به ذهن متبادر می‌شود ولی به دلیل فاصله زمانی سن این ابوالفرج و سعدی، این فقره عموم فضا و ادبای فارسی‌زبان را تا کنون دچار اشکالات عدیده لاینحل نموده و برای تخلص از این اشکالات نظرهای متفاوتی اظهار داشته‌اند.

این اشکال همچنان لاینحل مانده بود تا آنکه در چند سال قبل کتاب نفیس "الحوادث الجامعه و التجارب النافعة فی المائة السابعة" به طبع رسید و معلوم شد که یکی از نوادگان ابن‌الجوزی که محتسب بغداد و مدرس مدرسه مستنصریه بوده، عیناً و بدون کم و زیاد دارای همان اسم و همان لقب و همان کنیه و همان نسبت جد خود ابن‌الجوزی معروف بوده. باری فوراً معلوم شد که بدون هیچ شک و شبهه مراد شیخ در حکایت مزبور همین ابوالفرج بن جوزی دوم نواده ابوالفرج‌بن جوزی اول بوده است، که درست معاصر شیخ بوده است" (صص ۱۶۸-۱۶۴).

۱-۲-۳-۹. "اغلمش - حکایت پنجم از باب اول گلستان بدین نحو شروع می‌شود: "سرهنگ زاده‌ای بر در سراي اغلمش دیدم ... " اغلمش مذکور در این حکایت یکی از ممالیک ترک اتابک ابوبکر بن محمد بن ایلدگز از اتابکان آذربایجان است. ولی چون اغلمش در اوایل ۶۱۴ به قتل رسیده و در آن تاریخ شیخ بزرگوار ظاهراً هنوز در سن طفولیت یا به‌کلی در اوایل دوره جوانی بوده، هنوز شروع به سفرهای دور و دراز نکرده بوده، به احتمال بسیار قوی، مضمون حکایت مزبور که شیخ خود ادعای مشاهده می‌کند در حیات خود اغلمش روی نداده بوده، بلکه مدت‌ها بعد از عصر او ظاهراً وقوع یافته و بنابراین "سرای اغلمش" لابد نام قصری از اغلمش یا دارالحکومه او بوده که بعد از او نیز نامدتی به همان اسم او مشهور بوده" (صص ۱۷۰-۱۶۸).

۱-۲-۳-۱۰. شیخ عبدالقادر گیلانی - دولت‌شاه سمرقندی در تذکرةالشعرا و رضاقلی‌خان هدایت در مجمع‌الفصحا هر دو تصریح کرده‌اند که شیخ اجل سعدی، شیخ عبدالقادر گیلانی، عارف مشهور را ملاقات کرده است ... و ملاقات شیخ سعدی با شیخ عبدالقادر گیلانی مطلقاً از محالات و ممتنع است و به هیچ تأویلی و توجیهی و حیل و تدبیری محتملی برای آن نمی‌توان تراشید، زیرا اگر هم فرضاً بر طبق افسانه مذکور شیخ سعدی صدویست سال عمر کرده واضح است که در این صورت تولد او یا در سنه ۵۷۰ خواهد بود یا در سنه ۵۷۱ و یا در سنه ۵۷۴ یعنی به اول تقدیرات ولادت او نه سال بعد از وفات شیخ عبدالقادر گیلانی خواهد بود. و منشأ این اشتباه، غلطی است که در بعضی از نسخ گلستان در حکایت دوم باب دوم راه یافته و به جای فعل "دیدند" در عبارت "عبدالقادر گیلانی را رحمة‌الله علیه دیدند در حرم کعبه ... فعل" دیدم" نوشته شده است" (صص ۱۷۲-۱۷۰).

۱-۲. توضیح در خصوص ملک سلیمان - درین گفتار پیشینه منابعی که فارس را به عنوان ملک سلیمان و حاکمان فارس را به عنوان وارثان ملک سلیمان نامیده‌اند معرفی شده است. از آن جمله به آثار سعدی نیز استناد شده است (صص ۱۷۵-۱۷۳).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی. ۲-۲. از منابع مختلف استفاده شده است، از جمله: نظام‌التواریخ، تاریخ وصاف، شیرازنامه، مزارات‌شیراز، تاریخ گزیده، روضة‌الصفاء، حبیب‌السیر، تاریخ جهانگشای جوینی، فارسنامه ناصری، ابن‌اثیر، سفرنامه ابن‌بطوطه، مجمع‌الفصحا، ریاض‌العارفین ... تذکره دولت‌شاه و ...

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۲. قصاید فارسی ۴۶ بار، بوستان ۱۲ بار، غزلیات ۱۰ بار، گلستان ۸ بار، قصاید عربی ۵ بار، رسائل نثر ۳ بار، ترجیعات ۱ بار، قطعات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. این مقاله که مفصل‌ترین مقاله مجموعه مقالات سعدی‌نامه است (۷۶ صفحه) ارزشمندترین و عالمانه‌ترین مقاله مجموعه نیز می‌باشد.

علامه قزوینی آن گونه که شایسته و سزاوار اوست این مقاله را با وسواس و دقت فراوان فراهم آورده است و علاوه بر اینکه به نسخه‌های مختلف آثار سعدی (خطی و چاپی) مراجعه کرده، برای اطمینان از صحت دریافت‌های خود بیش از سی مرجع مهم تاریخی را نیز بررسی کرده و به آنها استناد جسته است، از جمله: جامع‌التواریخ، تاریخ وصاف، نظام‌التواریخ، تاریخ گزیده، شیرازنامه، مزارات‌شیراز، روضة‌الصفاء، حبیب‌السیر، تاریخ ابن‌اثیر، حوادث‌الجامعه، سفرنامه ابن‌بطوطه و ...

۴-۲. قزوینی با درایت ویژه خود به برخی از اشتباهات تاریخی متون چون تاریخ گزیده، روضة‌الصفاء، حبیب‌السیر، تذکرةالشعرا پی برده و آنها را با دلایل کافی نقد و رد کرده است. از جمله: رد قول ابن‌اثیر درباره ارتباط سعد و تکل (ص ۱۰۲). نقد و رد جهان‌آرا و تاریخ گزیده در مورد سال مرگ سعد زنگی (ص ۱۰۳) رد قول صاحب روضة‌الصفاء و حبیب‌السیر در فهم عبارت وصاف، در پیوند با توقیعی که به پسر سعدین زنگی نسبت داده‌اند (ص ۱۰۵) رد قول صاحب‌السیر و جهان‌آرا و هدایت درباره تخلص سعدی (ص ۱۱۰) رد قول جامی در سلسله‌الذهب در مورد مدح سعد زنگی و ... (ص ۱۱۱) در این مقاله ۱۲ اشکال و غلط تاریخی و نسخه‌ای بررسی گردیده و پاسخ داده شده است.

۴-۳. گره گشایی‌های تاریخی و ادبی علامه قزوینی که همواره چراغ راه پژوهشگران بعد از او بوده، همیشه با امانت‌داری او گره خورده است. از جمله در همین مقاله هنگامی که ابن‌جوزی را معرفی می‌کند و به یکی از اشکالات تاریخی برخی از مورخان پاسخ می‌دهد، بلافاصله می‌نویسد: "گمان می‌کنم که دوست فاضل من آقای عباس اقبال آشتیانی اولین کسی بودند که ملتفت این نکته شدند و مقاله‌ای در این خصوص در جریده "ایران" در سنه ۱۳۱۱ شمسی نشر کردند" (ص ۱۶۷).

۴-۴. همان‌گونه که از عنوان مقاله برمی‌آید نویسنده در این مقاله به نکات تاریخی و معرفی ممدوحین و معاصران سعدي (که در آثار او از آنها نامی برده شده) پرداخته و از جنبه‌های صوری آثار سعدي و ویژگی‌های سبکی او سخنی به میان نیاورده است.

۴-۵. علامه قزوینی بر این مقاله تکمله‌ای نوشته با عنوان "توضیح در خصوص ملك سلیمان" و در آنجا پیشینه منابعی که حاکمان فارس را به عنوان وارثان ملك سلیمان نامیده‌اند معرفی شده است. در این تکمله به آثار سعدي نیز استناد جسته است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. سعدي شیرازی، محمدحسین رکن‌زاده، آدمیت، دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ج ۲، انتشارات کتابخانه خیام، ۱۳۳۹، ص ۱۰۶. ۲-۵. متن کامل دیوان شیخ سعدي شیرازی، به کوشش مظاهر مصفا، کانون معرفت تهران، ۱۳۴۰، صص ۱۲۱۹، ۱۲۲۱ و مقدمه: صص ۷، ۹، ۱۱. ۳-۵. گلستان سعدي، به اهتمام دکتر محمدجواد مشکور، انتشارات اقبال، ۱۳۴۲، صص ۲۱۵، ۲۱۹، ۲۲۸. ۴-۵. کلیات سعدي شیرازی، تصحیح و مقدمه محمدحسین رکن‌زاده، آدمیت، تصحیح و مقدمه محمدحسین رکن‌زاده، انتشارات کتاب‌فروشی اسلامیة، ۱۳۴۳، ص ۳. ۵-۵. دوش به دوش گلستان و بوستان، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۱۲، شنبه ۲۹ تیر ۱۳۴۷، ص ۱۰. ۶-۵. بیوگرافی سعدي، دکتر محمود کامیار، رنگین کمان، شماره ۴۴، پنجشنبه ۸ اسفند ۱۳۴۷، ص ۱۹. ۷-۵. هفت‌صدمین سال وفات سعدي، محمد محیط طباطبایی، یغما، سال ۲۲، شماره ۶، شهریور ۱۳۴۹، ص ۳۲۵. ۸-۵. چرا سعدي را سعدي خوانده‌اند، محمد محیط طباطبایی، وحید، دوره نهم، شماره ۲، اردیبهشت ۱۳۵۰، ص ۱۷۷. ۹-۵. جهان‌بینی در نظر سعدي [۱]، محمد جناب‌زاده، سالنامه کشور ایران، سال بیست و هشتم، ۱۳۵۲، صص ۲۵۰-۲۴۹. ۱۰-۵. شناسایی سعدي، نورالله ایران‌پرست، مقالاتی درباره زندگی و شعر سعدي، دکتر منصور رستگار، دانشگاه شیراز، ۱۳۵۲، ص ۲۷. ۱۱-۵. مقام سعدي در شعر تازی و راهی امن برای آثار عربی او، دکتر جعفر مؤید شیرازی، گوهر، سال دوم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۲، ص ۹۸۱. ۱۲-۵. سالشمار سفرهای سعدي، جان بویل، ترجمه اوانس اوانسیان، راهنمای کتاب، سال هجدهم، شماره ۱۲-۱۰، دی و اسفند ۱۳۵۴، ص ۷۹۵. ۱۳-۵. سیف فرغانی و سعدي، ضیاءالدین سجادی، جشن‌نامه پروین، محمد پروین گنابادی، توس، ۱۳۵۴.

ص ۲۲۷. ۱۴-۵. حکمت سعدي، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، ص ۲۵. ۱۵-۵. اتابک ابوبکر سعدبن زنگی (۱)، دکتر سیدحسین سادات ناصری، گوهر، سال چهارم، شماره ۴، تیر ۱۳۵۵، صص ۳۱۲، ۳۱۴ و شماره ۵، مرداد ۱۳۵۵، صص ۳۸۴، ۳۸۵. ۱۶-۵. شناختی تازه از سعدي، دکتر جعفر مؤید شیرازی، انتشارات نوید، ۱۳۶۲، صص ۱۲۴، ۱۲۵. ۱۷-۵. نظری به شخصیت سعدي و بعضی عوامل مؤثر در آن، محمود صناعی، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی - آمریکا)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۵۸۶-۵۸۵. ۱۸-۵. سعدي شاعر اخلاق، رضا داوری، ذکر جمیل سعدي، ج ۲، ۱۳۶۴، ص ۱۵. ۱۹-۵. گلستان سعدي، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، صص ۲۰۹، ۲۲۲، ۲۲۴، ۲۲۵، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۸۲، ۳۲۲، ۳۲۹، ۴۴۷، ۵۵۶. ۲۰-۵. شکوه سعدي در غزل، گزیده و شرح عبدالمحمد آیتی، انتشارات هیرمند، ۱۳۶۹، ص ۱. ۲۱-۵. گزیده قصاید سعدي، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، صص ۲۴، ۲۴، ۹۳-۹۳، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۴، ۱۱۷، ۱۳۳، ۱۳۳. ۲۲-۵. دامنی از گل - گزیده گلستان سعدي، انتخاب و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات سخن، ۱۳۷۰، ص ۴۷۳. ۲۳-۵. گزیده گلستان سعدي، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۲۴. ۲۴-۵. گزیده گلستان سعدي، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، ص ۲۱. ۲۵-۵. ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۲، صص ۳۷، ۶۰، ۱۹۷. ۲۶-۵. سعدي و رمز و رازش، دکتر محمدعلی اسلامی ندوشن، فصلنامه هستی، تابستان ۱۳۷۴، ص ۹۶. ۲۷-۵. آیا سعدي یک جهانگرد بود، ناصر پورپیرار، ایران فردا، شماره ۲۹، دی ۱۳۷۵، ص ۵۶. ۲۸-۵. گزیده بوستان سعدي، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۱۱، ۱۷، ۱۹۹. ۲۹-۵. بوستان سعدي، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، انتشارات خوارزمی، ۱۳۷۵ (چاپ پنجم)، صص ۲۲۳، ۲۲۴. ۳۰-۵. سعدي‌شناسی، دکتر اسماعیل آذر، نشر میترا، ۱۳۷۵، ص ۱۴.

من از شر بکت به سعدي پناه بردم ، مهدي علي‌محمدی، تلاش، سال دهم، شماره ۵۶، اسفند ۱۳۵۴، صص ۳۳-۳۰.

۱. **مضامین اصلی:** * این نوشته متن یک مصاحبه است.
- ۱-۱. پرسش و پاسخ‌هایی درباره زندگی مصاحبه شونده، تاتر، بازی‌گری و کارگردانی (صص ۳۱-۳۰).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. ندارد.
۴. **اشاره:** ۴-۱. همه این مصاحبه - علی‌رغم نام آن - درباره تاتر و بازی‌گری و کارگردانی است که خانم نسرین نادرشاهی (پرسشگر) با آقای مهدي علي‌محمدی انجام داده است. تنها در پاسخ به یکی از پرسش‌ها، سخنی از سعدي، مولانا، عراقی و فردوسی به میان آمده است: پرسشگر می‌پرسد: آیا به کارهای " بکت " اعتقاد دارید؟ پاسخ: " متأسفانه به هیچ وجه. چند کتاب از او خواندم ولی چیزی نفهمیدم. به خاطر دشمنی با او برای هزارمین بار [!] گلستان سعدي را مطالعه کردم تا لذت نثر مطبوع سعدي تلخی بکت را از ذهن من بزدايد و این جای بسی تأسف است که نسل جوان ما به جای بهره‌گیری از آثار سعدي، مولانا، عراقی و بخصوص فردوسی به بکت و امثال او روی می‌آورند." (ص ۳۱).

منت خدای را ... ، فریدون تقی‌زاده طوسی، نامه آستان قدس، دوره هشتم، شماره اول و دوم، ۱۳۴۸، صص ۸۳-۷۷.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش آثار سعدي و گستردگی آنها که متأثر از جهان‌دیدگی اوست (صص ۷۸-۷۷).
- ۱-۲. اشاره به چند مضمون مشترک در آثار سعدي و مولوی، از جمله، برخورد آنها با واقعه سقوط بغداد و شکرگزاری نعمت حق تعالی (صص ۷۸-۸۳).
۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. کلیات سعدي، چاپ اقبال ۱۳۱۷.
- ۲-۲. مثنوی، چاپ بروخیم.
۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. بوستان ۴ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۲ بار، اشعار عربی ۱ بار.
۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته سخن تازه‌ای نیست و موارد همانند مطرح شده در این مقاله آنقدر کلی است که در نهایت نتیجه تازه‌ای را به دست نمی‌دهد.

مواظ و حکم سعدي ... ، ع. روح‌بخشان، نشر دانش، سال هفتم، شماره سوم، فروردین و اردیبهشت ۱۳۶۶، صص ۴۸-۴۷.

۱. **مضامین اصلی:** * این نوشته معرفی کوتاهی است از کتاب "مواعظ و حکم سعدي در بوستان و گلستان" از ابراهيم شکورزاده.

۱-۱. تأکید بر نبوغ سعدي در فصاحت کلام و محتوای آثارش (ص ۴۷).

۱-۲. اشاره به برخی از ترجمه‌های گلستان و بوستان (صص ۴۷-۴۸).

۱-۳. توضیح کوتاهی درباره محتوای کتاب مورد نظر: "... اما نکات برجسته و پرمعناي گفته‌هاي او [سعدي] تاکنون کمتر در يك جا گردآوری شده است. و لذا این کار به خودي خود ارجمند و ستودني است، زیرا این گفته‌ها عموماً حاوي دستورالعمل‌هايي براي انسان و راه‌هايي براي رویارويي او با سختي‌هاي زندگي و سرشار از مواعظ اخلاقي است. اما مهم‌تر از گردآوری این نکات برجسته، یافتن معادل‌هاي آنها در يك زبان زنده جهاني همچون فرانسه است. و لذا ارزش کتاب حاضر در این است که این هر دو را یکجا دارد ... اما اهمیت اصلی کتاب در این است که در شرایطی منتشر می‌شود که زبان فرانسه با آن همه سابقه طولاني و عمیق در کشور ما و اکثر کشورهای دیگر رو به واپس‌نشینی دارد ... " (ص ۴۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مواعظ و حکم سعدي در بوستان و گلستان، ابراهيم شکورزاده، انتشارات آستان قدس، ۱۳۶۵.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. گلستان ۶ بار، بوستان ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته معرفی کوتاه کتاب مورد نظر است. با این حال نیمی از نوشته درباره ارزش کلام سعدي و ترجمه‌هاي آثار اوست و در نیمه دوم آن به يکي دو مورد از ویژگی‌هاي مثبت آن کتاب اشاره شده است.

مولوي و سعدي ، سيد محمد محيط طباطبائي، راهنمای کتاب، جلد نوزدهم، شماره ۶-۴، تیر تا شهریور، ۱۳۵۵، صص ۲۸۳-۲۹۳.

* این مقاله با تفاوتی بسیار اندک با نام "سعدي و مولوي" در مجله گوهر، اردیبهشت ۱۳۵۲، صص ۱۰۸-۱۱۴ به چاپ رسیده است. برای اطلاع بیشتر به آن مأخذ (در همین مجموعه) مراجعه شود.

میزان تأثر سعدي از متنبی ، دکتر مهدي محقق، ذکر جميل سعدي، ج ۳، کمیسیون ملي یونسکو و وزارت ارشاد اسلامي، ۱۳۶۴، صص ۱۸۴-۱۷۵

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. ذکر سه احتمال برای مضامین مشابهی که به وسیله دو شاعر بیان می‌شود:

الف: "توارد خاطرن به این معنی که هر دو شاعر تحت شرایطی واحد عامل خارجی و يك احساس، شعري سروده‌اند، که مضامین هر دو يکي می‌باشد." (ص ۱۷۶).

ب: "هر دو شاعر از مضامین شایع زمان خود استفاده کرده و مضامین شبیه به هم را به صورت شعر درآورده" باشند (ص ۱۷۸).

ج: شاعر مضمون جالبی را در شعر دیگری یافته آن را با تعبیر بهتر و اسلوبی جالب‌تر عرضه کند (ص ۱۷۸).

۱-۲. تأکید بر اینکه مضامین مشابه سعدي و متنبی از دو نوع اخیر هستند و بسیاری از مضامین سروده‌هاي سعدي را که متأثر از شاعران عرب دانسته‌اند از مضامین شایع در زبان فارسي و فرهنگ ایرانی بوده است و همچنین "گذشته از مضامین ایرانی که در اختیار شاعران عرب و عجم بوده و سعدي از آنها استفاده کرده، مضامیني نیز می‌یابیم که از طریق مسیحیت و یونانی وارد زبان عربي شده و شاعران عرب و همچنین شاعران ایرانی از جمله سعدي از آنها استفاده کرده‌اند (ص ۱۸۰). شاعران عرب و ایرانی از تعبیرات اخلاقي که در کتب یونانی موجود بوده و ترجمه‌هاي عربي آن در اختیار مسلمانان بوده است، استفاده کرده‌اند. متنبی و سعدي هر دو این مضامین را در اشعار خود به کار برده‌اند، بنابراین به دشواری می‌توان گفت که سعدي در این مضامین تحت تأثیر متنبی بوده است" (ص ۱۸۱).

۱-۳. بیان نمونه‌هایی از سروده‌هاي سعدي و مضمون‌هاي مشابه آن در گفته‌هاي ارسطو، طغرایي اصفهانی، ابوشکور بلخي، اسدي، حنظله بادغیسی و ... برای رد نظر کسانی که این گونه از سروده‌هاي سعدي را متأثر از متنبی دانسته‌اند "و بالاخره: "اگر فرضاً مضمونی را بیابیم که در همه امم و ملت‌ها بی‌سابقه بوده و فقط متنبی آن را به کار برده و سپس سعدي از او اقتباس کرده، موجب فضیلتی برای متنبی و نقصانی برای سعدي نمی‌شود." (ص ۱۸۳).

۱-۴. نتیجه‌گیری: "بیشتر مواردی که ادعا می‌شود که سعدي در آن ابتکاری نداشته و از مضامین ادب عربي اقتباس کرده است، مضامین رایج و شایع بوده و در اختیار همه شاعران و نویسندگان از عرب و عجم قرار داشته است و به سهولت می‌توان اثبات کرد که در بسیاری از آن موارد سعدي سخن را در قالب بهتری در آورده" (ص ۱۸۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. در متن نوشته یا حاشیه آن به مأخذ مورد استفاده هیچ اشاره‌ای نشده است. اما نویسنده از کلیات سعدي، دیوان متنبی، کتاب اندرز آذربادمهر، کتاب بغداد ابن‌طیفوري و گفته‌هاي ارسطو، قدامه‌بن جعفر، ابوهلال عسکري، سعدالدین تفتازانی و ... بهره‌مند بوده است.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۳-۱. غزلیات ۴ بار، بوستان ۳ بار، گلستان ۲ بار، قصاید ۱ بار، مثنویات ۱ بار، رباعیات ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. بازیافت برخی از مضامین سروده‌هاي سعدي در متون کهن فارسي، از جمله اندرزنامه آذربادمهر و نیز بیان مضامین مشابه برخی از سروده‌هاي سعدي با آثار کسانی چون ارسطو و نقد نظر کسانی که این مضامین را برگرفته از سروده‌هاي متنبی می‌دانند از ویژگی‌هاي سودمند این مقاله کوتاه است.

۴-۲. با آنکه در این نوشته از نظرات مختلفی استفاده شده و برخی از آنها نقل و یا نقد شده، اما نشانی هیچ کدام از این مراجع و نقل‌قول‌ها بیان نشده است. بی‌گمان یکی از مراجعی که مورد توجه نویسنده بوده و به نمونه‌هایی از مثال‌هاي آن کتاب هم اشاره شده، کتاب "متنبی و سعدي" از حسین‌علي محفوظ است که حتی اشاره کوتاهی هم به آن نشده است.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. بحث درباره آثار سعدي ... ، اطلاعات، پنجشنبه ۲۸ آذر ۱۳۶۳، ص ۱۶.

ناتورالیسم سعدی ، سعید نفیسی، مجله کیوتر صلح، سال دوم، دوره سوم، شماره ۲، تیر ۱۳۳۱، صص ۲۲-۱۹.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. بررسی سیر ادب گذشته از دیدگاه مکاتب اروپایی (سمبولیسم، رئالیسم، ناتورالیسم و...) و نتیجه اینکه: "همچنان که رمانتیسم در اروپا مدت‌ها پیش از ویکتور هوگو وجود داشته و نه تنها در آلمان، بلکه در فرانسه هم شاعران رمانتیک بوده‌اند و با این همه پهلوان رمانتیسم هوگو را می‌دانند، در سبک ناتورالیسم زبان فارسی هم با آنکه چندین تن پیش از سعدی ابتکار کرده‌اند، باید بحق سعدی را پهلوان این سبک دانست... در این ۶۸۰ سالگی که تا امروز از مرگ سعدی می‌گذرد هیچ کس نتوانسته است که در سبک او به پای او برسد، یعنی هیچ شاعر ناتورالیسم به نیروی وی در زبان فارسی لب به سخن نگشوده است" (صص ۱۹-۲۰).

۱-۲. معرفی آثار نثر و نظم سعدی با اشاره‌ای به مثنوی "کریم" که در هند منسوب به سعدی است و بارها چاپ و منتشر شده و تأکید بر کمال سخن سعدی در گلستان، بوستان، قصاید و غزلیات در مقایسه با سخنوران دیگر زبان فارسی. (صص ۲۰-۱۲).

۱-۳. تأکید بر ناتورالیسم سعدی: "ممتازترین شاهکارهای سعدی که قطعاً در زبان فارسی نظیر ندارد و در ضمن، بهترین معرف سبک ناتورالیسم اوست غزلیات وی را باید دانست... سعدی قطعاً یکی از استادترین شاعران ناتورالیست جهان است (ص ۲۱). ناتورالیسم سعدی بیشتر متوجه احساسات و به اصطلاح اروپایی اشعار لیریک است. به همین جهت است که سعدی بیشتر به مغالزه و بیان احساسات شاعرانه پرداخته... و احساساتی که وی در شعر خود وصف کرده مشترک در میان همه جهانیان است" (ص ۲۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار، کریم ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. اگر چه بیشتر سخنان سعدی با ویژگی‌های مکتب ناتورالیسم هم‌سویی دارد، اما با توجه به اینکه این مکاتب در سده‌های اخیر و بر اساس ادبیات اروپایی تعریف شده و شکل گرفته‌اند، نمی‌توان آثار سعدی را با قواعد این مکتب منطبق کرد. این نوشته از نظر تازگی موضوع جالب و سودمند است اما در طول تمام نوشته تنها یک مثال (یک بیت از غزلیات) برای تأیید سخن استفاده شده، شایسته بود نویسنده به جای پرداختن به مسائل کلی، از جمله معرفی همه آثار سعدی و اشاره‌های مکرر به کمال سخن سعدی، با استناد مستقیم به آثار سعدی، نمونه‌هایی از سروده‌های او را که با قواعد مکتب ناتورالیسم هماهنگی دارد کاویده و باز نمایند. توضیح درباره مثنوی منسوب به سعدی (کریم) نیز خالی از فایده نیست.

ناگفته‌های ادب فارسی ، دکتر محسن شاملو، وحید، سال پنجم، شماره مسلسل ۵۲، فروردین ۱۳۴۷، صص ۲۵۴-۲۴۸.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به نظر کسانی که سعدی و حافظ را مقید به مشرب و مذهب می‌دانند و "در تلاش آنند که سعدی را از آزادگی و حافظ را از رندی در بیاورند و قید مشرب را به پای این و بند مذهب را به گردن آن بیندازند" و نظر کسان دیگری که "سعدی را وارسته‌ای خدانشناس و آزاده‌ای حقیقت‌جو می‌شمارند..." (صص ۲۴۹-۲۴۸) و اعتراض نسبت به گروه نخستین که به جای کاوش در هنر سخن‌سرایی این بزرگان در پی بازشناسی عقاید مذهبی آنها هستند، از جمله: "این همه تلاش و کوشش و تحقیق و تتبع برای شکافتن درون سعدی و حافظ و یافتن کیش و آیین این دو سخنور نامی برای ادب فارسی چه سود و بهره‌ای دارد و کدام کمبود گنجینه این زبان را جبران می‌کند؟ (ص ۲۵۱). ... آیین‌تراشی برای هنرمندان و سخنوران جز آنکه تعصبات دینی را برانگیزد و احساسات مذهبی را برافروزد و موجب کشمکش گردد، نتیجه‌ای ندارد" (ص ۲۵۲).

۱-۲. پیشنهاد چند موضوع برای تحقیقات ادبی، همچون گردآوری ضرب‌المثل‌ها از درون متون گذشته، بررسی سبک نویسندگی آنها و... (ص ۲۵۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. ندارد.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. غزلیات ۱ بار، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته تنها یک تذکر است، که نگارنده بر اساس سلیقه خود به پژوهشگران گوشزد کرده است. هر چند پرداختن به سبک سخن این سخنوران و بازنمایی زیبایی‌های هنری در این آثار بویژه در کلام سعدی، مناسفانه کمتر مورد توجه بوده و بایسته است این ویژگی ارزشمند آثار سعدی، به گونه‌ای شایسته بازنگری و کاویده شود، اما شناخت باورها و عقاید آنها برای تبیین درست جهان‌بینی ایشان امری غیر ضروری نیست. باید همواره توجه داشت که سعدی و حافظ، هم دو هنرمند چیره‌دست هستند و هم دو اندیشمند والامقام.

۴-۲. نشانی شواهد مثال و مآخذ مشخص نشده است.

نام بلند سعدی ، سید فخرالدین شادمان، سعدی‌نامه، به اهتمام حبیب یغمایی ، شرکت چاپ خودکار و ایران، اسفند ۱۳۱۶، صص ۶۴-۵۴.

چاپ‌های دیگر: ۱. مجله تعلیم و تربیت، سال هفتم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۱۶، صص ۶۸۰-۶۷۰. ۲. روزنامه عصر آزادی، دهم مرداد ۱۳۱۷. ۳. شناسایی سعدی، م. هزار شیرازی، ۱۳۱۷، صص ۲۰۳-۱۹۸. نویسنده "شناسایی سعدی" بخشی از مقاله "نام بلند سعدی" را به نقل از روزنامه عصر آزادی، دهم مرداد، ۱۳۱۷ در این کتاب آورده است. ۴. مکتب سعدی، کشاورز صدر، چاپخانه کاویان، ۱۳۲۸، صص ۱۵۲-۱۴۲. ۵. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، برگرفته شده از کتاب "شیراز، شهر جاویدان"، ۱۳۲۳، صص ۲۷۸-۲۷۵ (بخشی از آن مقاله است).

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. "در کلام سعدی روی و ریا و خشکی نیست. از همه شعرای ایران طبیعی‌تر، روشن‌تر و خوب‌تر از او کسی با دل ما حرف زده است" (ص ۵۷).

۱-۲. "گویندگان دیگر ایران را حکیم و فیلسوف بخوانید، اما برای خدا سعدی را غیر از شاعر نامی ندهید که راستی او خداوند یکتای شعر فارسی است، شوریده تر و شورانگیزتر از او در میان شاعران ایران کیست؟ از همه سخن‌آوران کشور ما تنها اوست که شعرش در روانی به نثر می‌ماند و نثرش درگیرندگی به شعر" (ص ۵۸) و "خدایا این چه زبانی‌ست؟ خداوند این چه شعری است؟ نمی‌گویم که تا زبان فارسی هست این شعر خواهد ماند، می‌گویم که تا چنین شعری هست زبان فارسی پاینده خواهد بود" (ص ۵۹).

۱-۳. " تنها کلمات گیرای سعدي گلستان را به این نام و مقام نرسانده است. اگر فکر روشن او به صورت هزاران گل خوشبوي خوشرنگ در این دفتر حقایق نمایان نبود، ذوق خوبی پسند ایرانی آن را نمی پذیرفت. " (ص ۶۱).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. کلیات سعدي.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. غزلیات ۶ بار، گلستان ۴ بار، قصاید ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این مقاله، برای اثبات مقام بلند سعدي، تنها به انشاپردازی و تمجید و توصیف از سعدي پرداخته شده است. ۴-۲. نویسنده، اگر چه در پایان مقاله دیگران را به بررسی انتقادي و موشکافانه آثار سعدي فرا می خواند ولي خود در این مقاله هیچ گونه "بررسی انتقادي و موشکافانه" نکرده است. ۴-۳. نشانی شواهد مثال نیز مشخص نیست.

۵. **تأثیرات و پاسخها:** ۵-۱. شناسایی سعدي، م.ر. هزار شیرازی، ۱۳۱۷، ص ۱۹۸. ۵-۲. مکتب سعدي، کشاورز صدر، چاپخانه کاویانی، ۱۳۳۸، صص ۱۵۲-۱۴۲. ۵-۳. حکمت سعدي، کیخسرو هخامنشی، امیرکبیر، ۱۳۵۵ (چاپ دوم)، ص ۱۶. ۵-۴. گزیده قصاید سعدي، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوري، انتشارات علمي، ۱۳۶۹، ص ۷۳.

نامه‌ای از عالم ارواح ، یغما، سال بیست و هفتم، شماره نهم، آذر ۱۳۵۳، صص ۵۰۱-۴۹۷.

۱. **مضامین اصلي:** * این نوشته پاسخي است خیالي، از طرف روح سعدي به " نامه سرگشاده به تربت مقدس ... سعدي شیرازی " از حبیب یغمایی (یغما، سال بیست و هفتم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۳، صص ۲۸۳-۳۶۹).

۱-۱. اعتراض روح سعدي به نامه حبیب یغمایی، از جمله: " نامه سرگشاده خنده آور بود. اما بدبختانه ما نمی توانیم بخندیم. ابزار خنده و گریه را در خاکدان شما به جای گذاشتیم ... من هنگامی سعدي بودم که بر سطح کره زمین می زیستم ... " (ص ۴۹۷).

نامه سرگشاده‌ات بنیاد عقلانی نداشت، زیرا از من راهنمایی در باب تدوین غزلیاتم می خواست. شعر و موسیقی، ادبیات و مقوله‌هایی از این دست، زاینده انفعالات و تأثرات است. آرزوها، امیدها، حسرت‌ها، حرمان‌ها، کامیابی‌ها و خلاصه سوداهای گوناگون، شاعری را به سرودن می کشاند.

همه این عوارض که از کیفیات جسم زنده آدمی است با مرگ از بین می رود ... بنابراین برای من که روح سعدي هستم، کلیات یا دیوان غزلم به هر شکلی تدوین شود و به دست مردم برسد بی تفاوت است ... " (صص ۴۹۸-۴۹۷).

۱-۲. اشاره به مطالب نامه حبیب یغمایی و پاسخ به آنها (صص ۵۰۱-۴۹۹)، چکیده پاسخها چنین است:

- تنظیم و ترتیب سروده‌های شاعران معمولاً به وسیله دیگران (و نه خود شاعر) صورت می پذیرد.

- کاتبان نسخه‌ها به تناسب میزان امانت‌داری، ذوق و معرفتشان در نسخه‌ها تأثیر می گذارند.

- استناد و اعتماد به اقدم نسخ سودمند است ولي باید ذوق و سلیقه سالم ادبی را به یاری خواست و ...

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. نامه سرگشاده به تربت مقدس ... سعدي شیرازی، حبیب یغمایی.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. غزلیات ۲ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. مرحوم حبیب یغمایی در قالب يك نامه خیالی به تربت سعدي، درباره چگونگی تنظیم و تصحیح کلیات، پرسش‌هایی را مطرح کرده بودند (رك، یغما، سال بیست و هفتم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۳، صص ۳۸۳-۳۶۹). انتشار این نامه، پاسخ‌هایی را از طرف برخی از خوانندگان مجله یغما در پی داشت (رك، تأثیرات و پاسخ‌های مقاله یاد شده، در همین مجموعه) نوشته حاضر، که نام نویسنده آن مشخص نشده، یکی از آن پاسخ‌هاست که از طرف روح سعدي به حبیب یغمایی نوشته شده و پرسش‌های او را به درستی جواب گفته است.

نامه‌ای از قزوینی به تقی زاده ، محمد قزوینی، برگرفته شده از کتاب " نامه‌های قزوینی به تقی زاده " به کوشش ایرج افشار، انتشارات جاویدان، مرداد ۱۳۵۳، صص ۱۴۴-۱۳۶.

۱. **مضامین اصلي:** ۱-۱. این نوشته پاسخي مشروح است به یکی از نامه‌های تقی زاده که در آن درباره چند موضوع ادبی و تاریخی توضیح داده شده است، آنچه به سعدي مربوط است از ص ۱۳۲ آغاز می شود و شامل موضوعات زیر است:

- توضیح درباره ابن جوزی با این نتیجه گیری که: " از این نسخه قدیمی معلوم می شود که مقصود سعدي شمس‌الدین ابن جوزی ... نبوده است، بلکه همان جمال‌الدین ابوالفرح بن الجوزی معروف متوفی سنه ۵۹۷ بوده است. ولي اشکال ثانی سرکار بتمامه و کماله باقی است و حل آن ممکن نیست، مگر به فرض اینکه سعدي اقلماً ۱۱۰ سال عمر کرده بوده است و در حدود سنه ۵۸۰ متولد شده بوده و در سن ۱۷ یا ۱۸ سالگی در همان سال آخر یا یکی دو سال آخر عمر ابن جوزی با او معاصر و ملاقی بوده است ... و ما به دلایل دیگر تقریباً مجبوریم که سعدي را اقلماً همین قدرها عمر بدهیم، یعنی بگوئیم در حدود ۵۸۰ هجری متولد شده بوده است " (ص ۱۳۴).

- اشاره به حکایت " سالی محمد خوارزمشاه ... " برای تأیید عمر بیش از صدساله سعدي، با این نتیجه گیری: " پس اگر فرض کنیم که ورود سعدي به کاشغر در حدود ۶۱۲-۶۱۰ بوده است، باز این مستلزم این است که سعدي در حدود ۵۸۵-۵۸۰ متولد شده باشد، یعنی در وقت ورود به کاشغر جوانی به سن ۲۵ الي ۳۰ ساله بوده است و شعرش با این جوانی از فارس به کاشغر رسیده و در آنجا مشهور شده بوده است " (ص ۱۳۷).

- ادامه توضیح درباره ابن جوزی و معرفی ابن جوزی چهارم - شرف‌الدین عبدالله بن جوزی (صص ۱۴۰-۱۳۷).

- اشاره به این مطلب که سعدي پیش از تألیف نهایی آثار خویش، آنها را در طول مدت زندگی خود یادداشت برداری کرده بوده است (صص ۱۴۱-۱۴۰).

۱-۲. توضیح درباره موضوعات دیگر، از جمله ضعف علمی نوشته‌های ماسه، اثری از ابوالمؤید بلخی، کتاب سلم‌السموات و ... (صص ۱۴۴-۱۴۱).

۲. **منابع اصلي:** ۲-۱. گلستان سعدي. ۲-۲. بسیاری از متون تاریخی و ادبی.

۳. **رویکرد به آثار سعدي:** ۲-۱. گلستان ۴ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته میسوط که بخشی از آن در پیوند با سعدي است، مانند دیگر نوشته‌های علامه قزوینی مبتنی بر دقت فوق‌العاده و باریک‌بینی عجیب علمی است.

ارزش این نوشته وقتی آشکارتر می شود که یادآوری شود این نوشته يك نامه خصوصی است و وسواس شدید علمی نگارنده - آن هم در نامه خصوصی - او را به شخصیتی نادرالوجود و منحصر به فرد، تبدیل کرده است. الحق نوشته‌های تحقیقی بسیاری از صاحبان نام و آوازه گاهی به قدر همین يك نامه، ارزش علمی و ادبی و تاریخی ندارد.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. معرفی چند مورد از منابع اشارات سعدی، محمود امید سالار، ایران‌نامه، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳. ۵-۲. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۲، ص ۴۵.

نامه‌ای از قزوینی به تقی‌زاده، محمد قزوینی، برگرفته شده از کتاب "نامه‌های قزوینی به تقی‌زاده" به کوشش ایرج افشار، انتشارات جاویدان، مرداد ۱۳۵۳، صص ۱۵۱-۱۴۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. بحث اصلی این نامه مربوط به تاریخ وفات سعدی است. نگارنده پس از گفتاری خصوصی با مخاطب نامه خود در پاسخ به نوشته او مبنی بر تاریخ وفات سعدی می‌نویسد: "در خصوص تاریخ وفات که سرکار احتمال می‌دهید که ۶۷۱ باشد به جای ۶۹۱، این احتمال بسیار قوی نزدیک به واقعی است، و بنده از مدت‌هاست که باطناً به همین عقیده دلم می‌خواهد باشم، (ص ۱۴۶) ولی بدبختانه به نظرم این خرق اجماع مورخین باشد (ص ۱۴۷)". نگارنده با نقل نظر برخی از مورخین که وفات سعدی را ۶۹۰ یا ۶۹۱ دانسته‌اند، می‌افزاید: "اکنون یک اجماع، خواه حقیقی، خواه مصنوعی، مابین مورخین از اهل شرق و مستشرقین در خصوص وفات سعدی درست شده است و تا کسی تتبع دقیق در خود کتب سعدی ننماید و اشخاصی را که نام برده است، تمام اسامی آنها را یک فهرستی از آنها بر ندارد و سپس آنها را با کتب تاریخ مانند جامع‌التواریخ و وصاف و غیرهما مقایسه دقیق نکرده، آخرین واقعه تاریخی را که در سعدی ذکر شده است از روی این طریق به برهان قاطع محقق ننماید که کدام است، یک مرتبه خرق اجماع کردن و بیست سال وفات سعدی را عقب بردن، هیچ مورد قبول کسی نمی‌شود ... " (ص ۱۴۸).

۱-۲. ذکر دو دلیل تاریخی دیگر (حکایت "شمس‌الدین تازی‌کوی" و ارتباط "محمد سلطان‌بن سلطان غیاث‌الدین بلبن" از سلاطین هند با سعدی) که احتمال وفات سعدی را در سال ۶۷۰ ضعیف می‌کند (صص ۱۵۱-۱۴۹).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. برخی از متون تاریخی از جمله: تاریخ گزیده، شدالازار، ...، حبیب‌السیر، مجالس‌المؤمنین، تقویم‌التاریخ، تاریخ وصاف، تاریخ فرشته و

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. ندارد.

۴. اشاره: ۴-۱. دقت نظر و توجه علمی علامه قزوینی همیشه مثال زدنی است. در این نوشته هم که نامه‌ای خصوصی بوده برای روشن شدن مطلب مورد نظر با باریک‌بینی ویژه خود، همچنان به استدلال‌های محکم تاریخی پرداخته است. آموختنی‌ترین مطلب این نوشته آن است که نگارنده با آنکه خود مایل است سال ۶۷۱ را تاریخ وفات سعدی بداند، اما به دلیل موانع تاریخی برای این پذیرش، به جای تأکید بر میل خویش و توجیه آن نظر، به چند استناد تاریخی علیه آن نیز متوسل می‌شود و احتمال صحت آن نظر را تضعیف می‌کند.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. معرفی چند مورد از منابع اشارات سعدی، محمود امید سالار، ایران‌نامه، سال هفتم، شماره ۲، ۱۳۶۷، ص ۲۶۳. ۵-۲. سعدی، ضیاء موحد، طرح نو، ۱۳۷۲، ص ۴۵.

نامه سرگشاده به تربت مقدس ... سعدی شیرازی، حبیب یغمایی، یغما، سال بیست و هفتم، شماره هفتم، مهر ۱۳۵۳، صص ۲۸۲-۲۶۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. این نوشته به شکل نامه‌ای به تربت مقدس سعدی نوشته شده و با این عبارات آغاز می‌شود: "به پیشگاه سرور عارفان و افصح شاعران، مرشد شفیق و راهنمای طریق، عارف زاهد، زاهد عارف، کمترین بندگان، حبیب یغمایی با کمال بی‌حیایی و شوخ‌چشمی و خیرگی و گستاخی و حسارت این عریضه را به آستان مقدس تقدیم می‌دارد ...".

نگارنده سپس به عنوان گله و شکوه شخصی از اینکه معنی درست برخی از سخنان سعدی را نمی‌داند و نیز از اینکه سعدی دیوان خود را به امثال شیخ صفی‌الدین اردبیلی عرضه داشته گله می‌کند (صص ۲۷۰-۳۶۹).

۱-۲. معرفی پنج نسخه قدیمی از غزلیات سعدی، با این مقدمه که: "اگر حضرت عالی در سال ۶۹۴ ... از این سرای خاکی به اعلی‌علین شتافته باشید، قدیم‌ترین نسخه‌هایی که از آن به بعد به دست ما رسیده پنج نسخه است که مشخصات هر یک معروض می‌افتد ... " (ص ۳۷۱).

۱-۳. پیشنهاد سه راه برای تنظیم غزلیات سعدی، جهت چاپ آنها (صص ۳۷۴-۳۷۳). در پایان نامه آمده است: "از تربت مقدس و از روح پاک حضرت استمداد می‌شود که به چاکران و فدویان و بندگان خود به هر واسطه که می‌دانید الهام فرمایید از این سه راه کدام یک انتخاب شود ... " (ص ۳۷۴).

۱-۴. تصویر صفحاتی از برخی نسخه‌های خطی غزلیات سعدی (صص ۳۸۱-۳۷۵).

۱-۵. نقل غزل "خرما نتوان خوردن ... " با یادکرد نسخه‌های آن غزل (صص ۳۸۲-۳۸۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. چند نسخه خطی از غزلیات سعدی.

۲. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. غزلیات ۶ بار، گلستان ۲ بار، بوستان ۲ بار، قصاید ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته در واقع معرفی چند نسخه خطی و پیشنهاد سه راه برای مقابله و تصحیح غزلیات سعدی است، که در قالب یک نامه به سعدی نوشته شده است. آقای حبیب یغمایی که خود از دستیاران مرحوم فروغی در فراهم آوردن و چاپ آثار سعدی بوده است، با مقابله برخی از نسخ خطی و چاپی، غزلیات سعدی را منتشر کرده‌اند.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. پاسخ حضرت سعدی به نامه سرگشاده، سید مجتبی کیوان، یغما، سال بیست و هفتم، شماره هشتم، آبان ۱۳۵۳، صص ۴۵۴-۴۵۱. این نوشته به نظم و در قالب دو بیت پیوسته است. ۵-۲. نامه‌ای از عالم ارواح، یغما، سال بیست و هفتم، شماره نهم، آذر ۱۳۵۳، صص ۴۹۷-۵۰۱.

نامه قزوینی به فروغی، محمد قزوینی، آموزش و پرورش، سال چهاردهم، شماره هشتم، آبان ۱۳۲۳، صص ۴۰۴-۴۰۱.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. توضیح کوتاه مجله در باره این نوشته: "در ضمن نامه مفصلی که آقای قزوینی در جواب مرحوم فروغی نوشته‌اند، در باب کلمه "عتابی" تحقیقاتی دقیق فرموده‌اند که درج آن را مغتنم می‌شماریم" (ص ۴۰۱).

۱-۲. نقل بیت "ابلهی صد عتابی خارا - گر بپوشد خری است عتابی" و توضیح در باره معنی عتابی به نقل از فرهنگ‌ها و منابع قدیم (صص ۴۰۳-۴۰۱) و نتیجه اینکه: "شیخ سعدی کلمه عتابی را به هر دو معنی اصلی و منقول، یعنی هم به معنی جامه مخطوط و هم به معنی zebre [نوعی خر وحشی با رنگ پوست مخطوط] در این یک بیت استعمال کرده است ... و مقصود او این است که اگر

ابلهي صد جامه عتابي خارا (يعني ابريشمي). هم بپوشد از خريت او چيزي کم نمي‌شود. منتهي رنگ جامه‌اش عوض شده است و نخواهد بود جز خري عتابي." (ص ۴۰۳).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. فرهنگ‌ها و متون قدیم از جمله " ذیل قوامیس عرب " از dozy ، مفردات از ابن‌البيطار، المسالك والممالك از اصطخري، معجم‌البلدان ياقوت، راحة‌الصدور راوندي و

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۲-۱. فصايد ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته تنها بخشی از يك نامه است که براي توضیح معني يك بيت نگاشته شده است. مرحوم قزويني به عادت هميشگي خود براي شرح درست بيت مورد نظر به منابع مختلفی استناد جسته و نظر خود را با اشاره به این منابع مستند و محکم کرده است.

نامه وارده ، پیمان یغمایي، ارمغان، سال پنجاه‌وپنجم، دوره چهل و دوم، شماره ۱، فروردین ۱۳۵۲، ص ۵۳.

۱. مضامین اصلي: ۱-۱. اشاره به اشکالي که آقاي دکتر حريري بر نظر آقاي پیمان یغمایي وارد آورده‌اند. اختلاف دکتر حريري و پیمان یغمایي درباره معني بيت زیر و وجود حشو در آن است:

که سعدي راه و رسم عشق‌بازي چنان داند که در بغداد تازي

آقاي یغمایي در دفاع از نظر خود نوشته‌اند: " حشو بيت " که سعدي راه و رسم عشق‌بازي - چنان داند که در بغداد تازي " مورد بحث، فقط و فقط در کلمه " در " است، نه کلمات بغداد و تازي - کلمه " در " مانند کلمات " از " و " تا " (که بدو و ختم را نشان مي‌دهند) از کلمات ربط شمرده مي‌شود - و در هر جا که نشست، ایجاد انحصار مي‌کند - وقتي که گفتيم زيد در خانه است - پيدااست که جاي ديگر نيست و نمي‌تواند باشد.

اگر مفهوم این مصراع را عشق‌بازي بگيريم، شامل همه بغداديان مي‌شود، نه يك نفر خاص، و این معنا به شوخي و طعن و طنز شبیه‌تر است تا به منظور اصلي شاعر ... اصل گفته سعدي همان است که عرض شد:

که سعدي راه و رسم عشق‌بازي چنان داند که بغدادی و تازي " .

۲. منابع اصلي: ۲-۱. مقاله کار نابکاران، دکتر علي‌اصغر حريري، ارمغان، دوره چهل و یکم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهمن و اسفند ۱۳۵۱.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. در این نوشته کوتاه آقاي پیمان یغمایي بر نظر پيشين خود درباره معني بيت مورد نظر تأکید کرده است. اما همچنان که آقاي جمالزاده توضیح داده‌اند (رک. تذکري به گستاخي آميخته، یغما، دوره چهل و دوم، سال پنجاه‌وپنجم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۲، صص ۱۵۳-۱۴۵) مصرع دوم این بيت بلاغت هميشگي سعدي را ندارد و تصحيح آقاي پیمان یغمایي نیز نه تنها گره‌ي را از بيت باز نگشوده، بلکه آن را پیچیدتر هم کرده است.

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۵-۱. تذکري به گستاخي آميخته، محمدعلي جمالزاده، ارمغان، دوره چهل و دوم، سال پنجاه‌وپنجم، شماره سوم، خرداد ۱۳۵۲، صص ۱۵۳-۱۴۵.

نسخه‌هاي مصور گلستان و بوستان ، دکتر محمدعبدالله جغتايي، ترجمه ايران تاج، مجله هنر و مردم، سال دوازدهم، شماره صدوچهل‌وسوم، شهریور ۱۳۵۳، صص ۵۹-۴۸.

۱. مضامین اصلي: ۱-۱. اشاره به شخصیت برجسته سعدي و دو کتاب ارزشمند بوستان و گلستان (ص ۴۸).

۱-۲. معرفي دو نسخه مصور از بوستان و گلستان با چاپ تصاویر آن و توضیح درباره هر تصویر (صص ۵۹-۴۸).

" نسخه مصور گلستان و بوستان در اوایل پادشاهي شاه جهان در اگر (اگره) پایتخت پادشاه مغول نوشته شده است که اتفاقاً کاتب آن حکیم رکن مسعود کاشي ایرانی است و از نسخه‌هاي فوق‌العاده نادر به شمار مي‌رود. این نسخه بهترین شاهکار فن نقاشي و خط (تحریر) زمان مغول است. نسخه گلستان در چيستريتي لندن بوده و يك نسخه از بوستان، امروز هم در موزه بریتانیاي لندن موجود است. ولي افسوس که نام نقاشان آنها ذکر نشده است. نسخه گلستان چيستريتي در ماه جمادي‌الاول ۱۳۰۸ هجري و نسخه بوستان در ۲۶ ربيع‌الاول ۱۰۳۹ هجري نوشته شده است ... " (ص ۴۹).

آنچه معلوم است، این نسخه‌هاي مصور گلستان و بوستان در اگر تهیه شده، ولي محرك اصلي آن ایرانی است، همچنین باید در نظر داشت که تمام نقاشي‌ها مربوط به آداب و رسوم ملي در دوره مغول بوده است. اهمیت این دو نسخه در این است که نقاش برای ترسیم نقاشي و تهیه تابلوهاي خود از مطالب گلستان و بوستان استفاده کرده است" (ص ۵۹).

۲. منابع اصلي: ۲-۱. دو نسخه خطي و مصور از بوستان و گلستان مذکور در مضامین اصلي.

۳. رويکرد به آثار سعدي: ۳-۱. گلستان ۹ بار، بوستان ۶ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته بلند معرفي دو نسخه خطي مصور از گلستان و بوستان است و با توجه به معرفي کامل و چاپ چند تصویر از آن نسخه‌ها، از دیدگاه نسخه‌شناسي از نوشته‌هاي ارزشمند است.

نظر برخي از سياحان اروپايي درباره سعدي و حافظ، نوش‌آفرين انصاري (محقق)، مقالاتي درباره زندگي و شعر سعدي، به کوشش دکتر منصور رستگار، دانشگاه پهلوي، ۱۳۵۲، صص ۲۵-۱۴.

چاپ‌هاي ديگر: ۱. درباره حافظ چه مي‌گویند (مجموعه مقالات)، به کوشش جمشید مهربوي، انتشارات جان‌زاده، آبان ۱۳۶۷.

صص ۴۷۷-۴۶۷. ۲. یغما، سال بیست و چهارم، شماره دهم، دي ۱۳۵۰، صص ۵۹۷-۵۹۰.

۱. مضامین اصلي: ۱-۱. توضیحي درباره اصل مقاله: " این گزارش نه جنبه تحقیق دارد و نه جنبه ادب بلکه احساس شخصي است " و مي‌افزاید: " گفتار حاضر شمه‌اي از احساس دوازده تن از این مسافران [مسافران خارجي] درباره این دو تن ایرانی بزرگ است که خاطرات سفر خود را به زبان انگلیسي یا فرانسه نوشته‌اند ... گروه مورد بحث مانند توریست‌هاي دوربین به دست کارت‌پستال‌نویس زودگذر امروزي نبوده‌اند، اینان کنجکاو و ذوق مقایسه داشته‌اند ... هر کدام از آنها به مزار سعدي و حافظ رفته‌اند ولي چنین به دست مي‌آید که آنان سعدي را بهتر مي‌فهمند و بهتر مي‌شناسند و حافظ را به خاطر معرفیت محلي یاد مي‌کنند و فقط يکي دو تن حافظ را بر سعدي ترجیح مي‌دهند " (صص ۱۶-۱۴).

۱-۲. ترجمه آزاد نوشته دوازده تن از سياحان اروپايي و معرفي آنها به ترتيب تاريخ چاپ آن نوشته‌ها به شرح زیر:

- " ۱. تارونیه ژان باپتیست - مسافرت به ایران - او با خونسردی می‌نویسد که در شیراز مسجد کهنی است که در آن سعدی مدفون است. روزی بی‌شک بسیار زیبا بوده و مدرسه‌ای در کنار آن داشته ولی امروز مانند بسیاری از بناهای شهر به صورت ویرانه‌ای درآمده ... " (ص ۱۶).
- " ۲. لویدین کرنی - مسافرت‌ها - او می‌گوید مزار یکی از اولین شعرای ایران در اطراف شیراز است و منظورش سعدی است. او می‌نویسد که سعدی خود این مزار را بنا کرده. " (ص ۱۷).
- " ۳. موریه جیمز - سفری به ایران، سفر دوم به ایران - او می‌نویسد: خشکی زیبایی دور مزار سعدی را گرفته و دورنمای نیم حلقه کوه نوعی هراس‌انگیز است سنگ قبر و وضع آن اسف‌انگیز است و این احساس که یادبود کسی که نبوغش در افق آسیا هنوز شادمانی می‌آفریند به این روز افتاده است، نفرت‌آور است. " (صص ۱۷-۱۸).
- " ۴. پورتر، سربریت‌کر - سفر به گرجستان، ایران، ارمنستان - بعد از وصف کوتاهی از آرامگاه حافظ می‌نویسد: به آرامگاه سعدی، دو مین افتخار شیراز سر زدم وضع آرامگاه او از آرامگاه حافظ هم تأسف‌انگیزتر بود. ساختمان‌های محقر و نیمه خراب با چند درخت ... " (ص ۱۸).
- " ۵. باکینگام، ج. س. - مسافرت به آشور و ماد و ایران ... بعد از وصف آرامگاه حافظ، به شرح حال سعدی می‌پردازد، مزارش را زیارت می‌کند و فقط جمله‌ای دارد حاکی از آن که عمارتی است آجری و فقیرانه و بر سنگ مرمر آن به عربی و کوفی سنه ۶۹۱ کنده‌گری شده است. " (ص ۱۹).
- " ۶. فلاندن، اورژن - مسافرت به ایران - او می‌نویسد: راه مزار سعدی بسیار سخت و خشک است، در دهکده‌ای قرار دارد که اسم شاعر بر آن نهاده شده است ... اگر چه عظمت نویسنده گلستان جاودانی است، ولی تأثرانگیز است که سنگ قبر او در حال از بین رفتن است. پس از آن آرامگاه حافظ را نیز توصیف می‌کند. " (صص ۲۰-۱۹).
- " ۷. گوینو، کنت دو - سه سال در آسیا اشاره‌ای به سعدی و حافظ ندارد. " (صص ۲۱-۲۰).
- " ۸. ویلز، س. ج. - سرزمین شیر و خورشید یا ایران نو بعد از وصف آرامگاه حافظ، می‌نویسد: کمی دورتر از آنجا [آرامگاه حافظ] قبر سعدی قرار دارد ... سعدی اثری عمیق‌تر بر افراد جامعه دارد ولی با مشاهده زیارت کنندگان قبر حافظ چنین به نظر می‌آید که او بیشتر مورد توجه است. " (ص ۲۱).
- " ۹. سایکس، سرپرسی - ده هزار میل در ایران - او اشاره‌ای به وضع اسفناک آرامگاه‌های سعدی و حافظ می‌کند و در کتاب خود بسیاری از اشعار حافظ و امثال سعدی را می‌آورد. " (ص ۲۱).
- " ۱۰. کروش، ویلیام - عبور از ایران - او می‌گوید: شیراز دو شاعر بزرگ را در خود پرورانده ولی متأسفانه چون شخصی همچون فیترجرالد نبود که آن دو را معرفی نماید، ناشناخته مانده‌اند. " (ص ۲۲).
- " ۱۱. برادلی، برت - ایران از خلیج تا دریای خزر - او می‌گوید: سعدی دور از سر و صدای شهر، در محلی آرام و سرسبز خوابیده است، در باغی کوچک که دیوارهای بلند دارد. قبر سعدی در اتاق سفیدی است که بر آن لکه‌ای نیست و در آن برگ گل و شکوفه ریخته شده است. " (ص ۲۲).
- " ۱۲. نورتن، هرمان - در زیر آسمان ایران - او بعد از وصف آرامگاه حافظ می‌نویسد: مقبره سعدی در عمارتی قرار دارد و چراغی بر آن روشن است و قاری، قرآن می‌خواند. نزدیک آرامگاه سعدی مدرسه پسرانه‌ای است که در آن قرآن می‌آموزند. " (ص ۲۳).
- ۱-۳. ارزیابی کوتاهی از نوشته‌های این دوازده تن: " آنچه هر دوازده سیاح بر آن هم‌داستانند این است که آرامگاه این دو شاعر وضع محقر و نامناسبی دارد ولی با این وصف این دو تن در اعماق دل ایرانیان زنده مانده‌اند. " (ص ۲۴).
- ۱-۴. تأکید بر ضرورت تأسیس مرکزی برای تحقیق و تتبع درباره افکار و اندیشه‌های سعدی و حافظ (صص ۲۵-۲۴).

۲. منابع اصلی:

۱. Tavernier, Jean - Baptiste. Voyages en Perse Paris, Collectio Voyage et Decouverte, S. D.
۲. Le Bryr, Coorneili. Voyages. Rouen, G. Terraud, ۱۷۲۴.
۳. Morier Jomes. Aourney through Persia ... London, Longman ۱۸۱۲ ,.
- ۳ a. Morier, James. A second Journery through Persia ... London ,Longman, ۱۸۱۸.
۴. Porter: sir Robert, Travels in Goergia Persia, Armenia, ancient Baby Ionia ... London, Longmor, ۱۸۲۲.
۵. Buckingham J. S. Travels in Assyria, Media and Persia London, H. Colburn, ۱۸۲۹.
۶. Flandin, E. et P. Coste. Voyages. en Perse, Paris, Baudry, ۱۸۵۱.
۷. Gobineou, conte de Trois en Asie ... Paris. B. Grasset, ۱۹۲۳.
۸. Wills, c.u. Land of the Lion and Sur, or modern Persia. London ,Ward. Lock, ۱۸۹۱.
۹. Iran. London, J. Murray, ۱۹۰۲ Sykes, P. M. Ten thousand miles in Persia or eight years in
۱۰. Grawshoy, William E. Across Persia. London, Arnold. ۱۹۰۷.
۱۱. Badley - Birt, F.B. Throug Persia, from the Gulf caspian to London, Smith ۱۹۰۹
۱۲. Norten, Herman Under Persian Skies ... London, Withr by ۱۹۲۸

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۲. ندارد (مربوط به آرامگاه سعدی است).

۴. اشاره: ۱-۴. برای نقد درست این مقاله باید اصل آثاری که ترجمه شده‌اند، باز بینی شود. اما گردآوری نظریات مختلف در یک جا، امکان مقایسه و توجه جدی به آنها را آسان‌تر می‌کند و این مقاله، دست کم، به جهت ایجاد تنوع در میان مقاله‌های ارائه شده به کنگره بزرگداشت سعدی و حافظ، ارزشمند است.

۲-۴. از بین نوشته‌های این دوازده تن، نوشته "گویینو کنت دو" که در شماره ۷ مطرح شده است، ارتباطی با سعدی و حافظ ندارد و به همین دلیل باید از این مجموعه حذف می‌شد.

۳-۴. در نوشته ویلز، س. ج. با عنوان "سرزمین شیر و خورشید یا ایران نو" نیز یک داوری نادرست مشاهده می‌شود؛ از قول ایشان در ص ۲۱ نوشته‌اند: "بیشتر ایرانیان درس خوانده، حافظ را یک تخیل کننده بیش نمی‌پندارند و معتقدند که او در نوشته‌هایش بدآموزی دارد" [!]

۵. تأثیرات و پاسخ‌ها: ۱-۵. گزیده قصادی سعدی، انتخاب و شرح دکتر جعفر شعار، با مقدمه دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۶۹، ص ۳۳. ۲-۵. گزیده گلستان سعدی، مقدمه و شرح دکتر حسن انوری، انتشارات علمی، ۱۳۷۱، صص ۳۲، ۳۷. ۳-۵. گزیده بوستان سعدی، انتخاب و شرح دکتر حسن انوری، نشر قطره، ۱۳۷۵، صص ۱۵، ۱۶، ۱۸.

نظریات تربیتی سعدی در سیستم جدید آموزش و پرورش، محمدحسین سروری، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی تبریز، سال بیستم، شماره چهارم، زمستان ۱۳۴۷، صص ۴۹۶-۵۰۴.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. طرح دو بیت از سعدی که بر محور "ناکس به تربیت نشود ای حکیم کس" می‌چرخد و نقد آن نظر: "با این عقیده سعدی ... نمی‌توان موافق بود. زیرا امروز به سادگی در پرتو درخشان و نافذ تربیت و موازین اخلاقی، تربیت‌پذیری و قابلیت تغییر این "ناکسان" ثابت شده است ... مطالعه تاریخ ادیان و ظهور پیامبران بزرگ و کتب آسمانی و مساعی آنان در راه رستگاری خلق بهترین دلیل برای رد عقیده سعدی است" (ص ۴۹۷).

۲-۱. تأکید بر تربیت‌پذیری افراد از دیدگاه اندیشمندان مختلف: در مقابل سخن سعدی که می‌گوید: "پرتو نیکان نگیرد هر که بنیادش بد است": "امروزه در نتیجه تحقیقات و آزمایش‌های روان‌شناسان و علمای تعلیم و تربیت به اثبات رسیده که صفات و حالات و عادات انسان اکتسابی است و هیچ عادت و خوبی فطری و مادرزاد نیست. جمله معروف روسو که می‌گوید: عادت کنید که به هیچ چیز عادت نکنید مؤید این معنی است" (صص ۵۰۱-۵۰۰).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. ندارد.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. گلستان ۳ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. بررسی آرای سعدی درباره تعلیم و تربیت از موضوعات بسیار شایع در سعدی پژوهی است. علاوه بر مقاله‌های متعددی که در این باره نوشته شده، دو کتاب مستقل نیز با همین نام فراهم آمده و دیدگاه‌های مختلف سعدی در آن دو کتاب به گونه‌ای گسترده کاویده شده است (رک. ۱. تعلیم و تربیت در نظر سعدی، محمد جناب‌زاده، ۱۳۱۷ و ۲. تعلیم و تربیت از دیدگاه سعدی، محمدکریم آزادی، ۱۳۷۳).

نگارنده این مجموعه در بخش مربوط به کتاب‌ها هر دو کتاب را معرفی و بررسی کرده است.

نویسنده این مقاله بدون اینکه به آثار مختلف سعدی مراجعه کند، دو نمونه شعر تنها از میان یک حکایت (باب اول گلستان) برگزیده و براساس آن شیخ را محکوم کرده است. گفتنی است که:

۱. این دو سروده مشهور از حکایت "طایفه‌ای دزدان عرب بر سرکوهی نشسته بودند ... برگرفته شده و هر دو از قول ملک با مناظره وزیر است و نه نظر خود سعدی - اگر چه پایان داستان به گونه‌ای است که در عمل، گفته‌های ملک به واقعیت می‌انجامد.

در همان حکایت از قول وزیر سخنی نقل شده است که نه تنها آدمی را تربیت‌پذیر می‌داند که بسیار مؤثرتر از آن حتی سگ را هم بر اثر تربیت و هم‌نشینی تا مقام مردمی بالا می‌برد:

با بدان یار گشت همسر لوط خاندان نبوتش گم شد

سگ اصحاب کهف روزی چند پی نیکان گرفت و مردم شد

"گلستان سعدی، تصحیح و توضیح غلامحسین یوسفی، خوارزمی، ۱۳۶۸، ص ۶۲."

۲. برای داوری درباره نظرات سعدی باید همه آثار او را کاوید، بویژه آثاری که سعدی مستقیماً نظر خود را (بدون اینکه از زبان شخصیت‌های داستان باشد)، بیان کرده است. نمونه‌های سروده‌های سعدی که در آنها بر اختیار و تربیت‌پذیری به روشنی، تصریح شده است، آنقدر فراوان است که تنها فهرست آنها مجال بسیاری می‌طلبد و با شیوه عملکرد ما ناساز است. نمونه‌هایی چون:

در صحبت رفیق بدآموز همچنان کاندر دشمن آهخته خنجری
راهی به سوی عاقبت خیرمی‌رود راهی به سوء عاقبت اکنون مخیری
"کلیات سعدی، محمدعلی فروغی، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۷۵۴"

برای اطلاع بیشتر، رک. دو کتابی که در بالا معرفی شد.

نظری به احادیث و اخبار در آثار سعدی، ناصر باقری بیدهندي، مشکوۀ، شماره ۲۵، زمستان ۱۳۶۸، صص ۱۶۸-۱۵۲.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر عظمت سخن سعدی (صص ۱۵۳-۱۵۲).

۱-۲. ذکر دو دلیل برای جاودانگی برخی از اشعار (ص ۱۵۳).

۱-۳. توضیح درباره الهام سعدی از قرآن و احادیث: "در آثار بر جای مانده از سعدی خاصه در بوستان و گلستان متجاوز از دویست مورد را می‌توان ارائه داد که سعدی از قرآن و روایات الهام گرفته و یا ضمن بیان مطلب یا حکایتی، به متن یا مضمون گفتار آسمانی، توجه کرده است که در این دفتر کوشش شده، تا مضمون برخی از احادیثی که شاعر به صورت "اقتباس" یا "درج" یا "حل" در آثار زنده و جاوید خود آورده، جمع شود. این کار انجام شد و از میان آنچه فراهم آمد، چهل حدیث ... انتخاب، تا ضمن عمل به این قبیل احادیث معتبر و انتفاع از اجر و پاداش اخروی این اقدام، خدمتی به ادب اسلامی شده باشد" (ص ۱۵۳).

۱-۴. یادکرد ۴۷ مورد از سخنان و سروده‌های سعدی که متأثر از آیات، احادیث و روایات هست و بازنمود احادیث و آیات مربوط به آنها (صص ۱۶۴-۱۵۳).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. شرح بوستان خزائلی. ۲-۳. کتب و منابع حدیث از جمله: بحارالانوار، غررالاحکم، میزان الحکمه، وسائل‌الشیعه، نهج‌الفصاحه، اصول‌کافی، نهج‌البلاغه، مائة کلمه و ...

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۲. بوستان ۲۰ بار، گلستان ۲۰ بار، قصادی ۵ بار، رباعیات ۱ بار، غزلیات ۱ بار، مثنویات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. بازیافت سرچشمه‌های اندیشه سعدی و بررسی تأثیرپذیری او از قرآن و حدیث، از دیر باز مورد توجه سعدی پژوهان بوده و مقاله‌های بسیاری با همین موضوع فراهم آمده است. در این نوشته نیز، همین ویژگی آثار سعدی کاویده شده و مضمون مشابه نزدیک به ۵۰ مورد از سخنان و سروده‌های سعدی با بیش از ۷۰ مورد از احادیث و آیات (با ذکر نشانی آنها در بخش یادداشت‌ها) باز نموده شده است.

از همه کسانی که موضوع مورد نظر را در آثار سعدی کاویده‌اند تنها به حسین‌علی محفوظ و دکتر خزائلی اشاره شده است. اطلاعاتی که در بخش یادداشت‌ها (۱۰۶ مورد) افزوده شده، به ارزش علمی مقاله کمک کرده است، اما این بخش نیز خالی از اشکال نیست. از جمله مواردی که به شماره صفحه کلیات سعدی اشاره شده، معلوم نیست از کدام کلیات استفاده شده است و این موارد نیز یکدست نیست، از جمله: شماره ۱۱، ۱۵ و ۱۷ به سه گونه مختلف بیان شده است: یک مورد بدون ذکر صفحه، یک مورد با ذکر صفحه و یک مورد با ذکر صفحه و شماره باب. همین گونه است شماره ۲۲، ۱۶، ۹۰ و ... همچنین مأخذ شماره ۲۳ معلوم نشده است.

و ...

نظری به شخصیت سعدی و بعضی عوامل مؤثر در آن، محمود صناعی، ایران نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۵۸۱-۵۵۹.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. مقدمه - اشاره‌ای کوتاه به تولد، زندگی و مرگ سعدی و تأکید بر مقام والای او در ادب فارسی (صص ۵۶۰-۵۵۹).

۱-۲. بررسی تأثیر عوامل فطری در شخصیت ادبی سعدی (صص ۵۶۳-۵۶۰)، از جمله: "... نشان می‌دهد که جوهر دانایی در او به میزان زیاد هست و از این نعمت و موهبت ارثی بهره فراوان دارد. این که خاندان او همه اهل علم بوده‌اند، و شاید قطب‌الدین شیرازی فیلسوف و متکلم معروف دایی او بوده است، مؤید این نکته است که در خاندانی هوشمند و با استعداد زاده شده است ... سعدی بسیاری از تشبیهات و استعارات خود را از شاعران گذشته گرفته است، ولی آنها را به صورت نوینی به کار برده و در موارد بسیار آنچه از تشبیه و تضاد می‌بیند، ناشی از ادراک خود اوست (ص ۵۶۱) بحث تفصیلی از هنر سعدی خارج از موضوع این گفتار است. علم بلاغت از قبیل معانی و بیان، چنان که می‌شناسیم، در شناخت هنر سعدی و سخنوران طراز اول ما ناقص است و باید علم بلاغت نوینی به وجود آید ... در سعدی، بخصوص چنان که از غزل‌های او بر می‌آید، نیروی عاطفی بسیار قوی است. هم عشق را شدیدتر احساس می‌کند و هم فراق را ... " (صص ۵۶۳-۵۶۲).

۱-۳. بررسی تأثیر عوامل محیطی در شخصیت سعدی، از جمله: محیط طبیعی کودکی او، محیط خانوادگی او در کودکی و محیط تربیتی او در نوجوانی (صص ۵۶۷-۵۶۳).

- توضیح درباره تأثیر فقه مذهب شافعی و تربیت استادانی چون ابوالفرج بن جوزی و سهروردی بر سعدی (صص ۵۶۷-۵۶۶).

- توضیح درباره سعدی و مسئله جبر و اختیار و میزان تأثیر آن در تربیت از نظر سعدی (صص ۵۷۲-۵۶۹).

- بررسی تأثیر تصوف در سعدی با اشاره به پیشینه تصوف در ایران (صص ۵۷۵-۵۷۳)، از جمله: " سعدی به تصوف تشکیلاتی متعلق نیست. سرسپرده هیچ پیری نشده و زندگی خانقاهی را نپذیرفته است ... برخلاف پارسایان تارک دنیا، بشر را با تمام عیوب و نقص‌هایش دوست دارد ... می‌خواهد در میان جامعه باشد و آن را از درون اصلاح کند ... " (ص ۵۷۴).

- اشاره به نظر سعدی درباره موسیقی و سماع (صص ۵۷۶-۵۷۵).

- توضیح درباره اوضاع اجتماعی زمان سعدی و نشانه‌های آن در آثار او (صص ۵۸۱-۵۷۷).

۱-۴. بررسی تصویر کلی شخصیت سعدی و یادکرد ویژگی‌های شخصیتی او از جمله هوش بالا، تربیت درست، ذوق فراوان، برون‌گرایی، تعلقات مذهبی، خوشخویی، مردم‌گرایی و شور و شوق به زندگی با لذت بردن از زیبایی‌ها (صص ۵۸۴-۵۸۱).

۲. منابع اصلی: ۱-۲. کلیات سعدی (نشانی مأخذ مشخص نشده است). ۲-۲. سعدی نامه، حبیب یغمایی. ۲-۳. کیمیای سعادت، امام محمد غزالی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۱-۳. غزلیات ۲۶ بار، بوستان ۲۴ بار، گلستان ۱۰ بار، قصاید ۴ بار، قطعات ۲ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. در این نوشته، نگارنده از دیدگاه روان‌شناسی عوامل مؤثر در شخصیت سعدی را بدرستی برشمرده و بر مبنای آثار او، آنها را بازنموده است، گذشته از برخی توضیحات که حذف آنها به اصل مقاله ضربه‌ای نمی‌زند، نویسنده در بیان نهایی مقصود خود در این نوشته موفق است. البته سخن تازه‌ای - افزون بر آنچه دیگران پیش از انتشار این مقاله گفته‌اند - در آن بیان نشده است. نویسنده مقاله با یک اشاره بجا، قطعیت داورهای خود را - با آنکه اغلب مستند به آثار خود سعدی است، متواضعانه در محل تردید نهاده است: " آنچه می‌گوییم استنباطی است که پس از هشتصد سال، با نداشتن اطلاعات دقیق، درباره عوامل مؤثر در او از راه آثار خود او می‌کنیم و پیداست آنچه می‌گوییم باید همه با قید " محتمل است " ذکر گردد و طبیعی است که در چنین اوضاع و احوال دانش ما قطعی و یقینی نیست " (ص ۵۶۳).

۴-۲. چنانچه نشانی نمونه‌های شاهد از سخن سعدی، نوشته می‌شد، بر ارزش علمی مقاله می‌افزود.

نظری درباره مثلثات سعدی، دکتر کریم سنجایی، یغما، سال بیستم، شماره هشتم، آبان ۱۳۴۶، صص ۴۱۸-۴۱۴. چاپ‌های دیگر: ۱. ما خود درباره سعدی چه می‌گوییم، علی سامی، برگرفته شده از کتاب " شیراز، شهر جاویدان "، ۱۳۶۳،

صص ۳۱۹-۳۱۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به مقاله ایرج افشار در مورد نسخه مکشوفه جنگ شمس حاجی، استاد حافظ و صفحاتی از مثلثات سعدی که در آن نسخه هست و اظهار نظر درباره زبان سوم مثلثات: "همان‌طور که آقای افشار توجه فرموده‌اند، ضبط این نسخه با معرب بودن عده‌ای از کلمات و نزدیکی به عصر سعدی و شیرازی بودن کاتب اصح نسخ موجود است. لهجه سوم مثلثات، پی‌شک زبان بومی مردم شیراز و یا شاید قسمت مهمی از ایالت فارس بوده است ... درک معانی این اشعار با تحریفات عظیمی که بر آن وارد آمده و متروک ماندن لهجه مذکور خالی از اشکال نیست. خوشبختانه نسخه مکشوفه بسیاری از این مشکلات را حل کرده ولی اصل معما هنوز به جای خود باقی است." (ص ۴۱۴).

۱-۲. ذکر رابطه لهجه سوم مثلثات با زبان کردی: " بر حسب استدرک اینجانب، لهجه مذکور چه از جهت دستور زبان و ترتیب صرف افعال و چه از جهت تلفظ لغات به کردی بسیار نزدیک است." (ص ۴۱۴).

۱-۳. بیان عوامل نزدیکی لهجه سوم مثلثات با زبان کردی، از جمله سکونت و حکومت قبایل بزرگی از کردان بر فارس (ص ۴۱۵).

۱-۴. ذکر پنج بیت از مثلثات سعدی و توضیح درباره آنها و مقابله واژگانی آنها با زبان کردی (صص ۴۱۸-۴۱۵).

۱-۵. نتیجه‌گیری: " غرض از تحریر سطور فوق، بیان ارتباط مسلم مثلثات سعدی با زبان کردی بود و نه تحقیق و استقصا درباره مثلثات مذکور که کار محققان و زبان‌شناسان است." (ص ۴۱۸).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. مثلثات سعدی، واجد شیرازی، ۲-۲. نسخه خطی " جنگ شمس حاجی".

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۲-۱. مثلثات ۵ بار (تمام نوشته درباره مثلثات است).

۴. **اشاره:** ۴-۱. باز یافت و بازنمود اشتراکات و همانندی‌های زبان کردی با لهجه سوم مثلثات سعدی، ضمن تازگی موضوع، برای دریافت درست‌تر این بخش از سروده‌های او، سودمند است. نویسندگان این مقاله پنج بیت از مثلثات را بر اساس ضبط نسخه‌ای مکشوفه از "جنگ شمس حاجی" نگاشته و واژه‌های آن را با واژه‌های زبان کردی مقابله کرده است که در پنج بیت مذکور، هم ضبط واژه‌ها و هم معنی به‌دست آمده با آنچه محمدجعفر واجدشیرازی نوشته‌اند متفاوت است.

نفوذ افکار سعدی در فلسفه کانت (۱) ، محمد قدیرخان تره‌کی، ارمغان، سال هفدهم، فروردین ۱۳۱۵، صص ۲۴-۲۰.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. تأکید بر ارزش و تأثیر افکار اجتماعی سعدی: " به همان اندازه نفوذ و رسوخی که افکار فلسفی ابن‌سینا و فارابی و ابن‌الرشد در فلسفه مشائیه و طب اروپا دارند و اروپای امروز کم و بیش از فیض‌یافتگان این داهیان علم و فلسفه‌اند، همچنان افکار متین و صائب سعدی علیه‌الرحمه در اکثری از رشته‌های عمیق و دقیق اجتماعی ... مباحث عمیق و مهمی نوشته و آن را به ذریعه آثار مخلص خود به یادگار گذاشته است ... " (صص ۲۲-۲۱).

- اشاره به همانندی نظرات کانت و سعدی و توضیح درباره مقام کانت در فلسفه (صص ۲۴-۲۲).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. آثار کانت (نشانی مآخذ مشخص نشده است).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. ندارد.

۴. **اشاره:** ۴-۱. این نوشته بخش نخست مقاله است. برای اشاره رک. بخش دوم و پایانی مقاله.

۵. **تأثیرات و پاسخ‌ها:** ۵-۱. رک. بخش دوم و پایانی مقاله.

نفوذ افکار سعدی در فلسفه کانت (۲) ، محمد قدیرخان تره‌کی، ارمغان، سال هفدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۳۱۵، صص ۱۳۰-۱۲۵.

چاپ‌های دیگر: ۱. نشریه کابل، سال پنجم، شماره هشتم، ۱۳۱۴، صص ۱۱-۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. توضیح درباره نظریه‌های تربیتی در دنیای معاصر از جمله نظریه " جون لوك " " ژان ژاک روسو "، " کانت " و " شوپنهاور " (صص ۱۲۷-۱۲۵).

۱-۲. اشاره به نظریه تربیتی سعدی و نقل حکایت " طایفه دزدان عرب بر سر کوهی ... " برای تبیین نظریه او (صص ۱۳۰-۱۲۸) و نتیجه اینکه: " روی هم رفته مزیت دیگری که در افکار زرین سعدی علیه‌الرحمه وجود دارد، این است که اکثرآ قضایا را از دو جنبه نقیض هم بحث می‌کند، که این شیوه هم شبیه است به تساوی نقیضین کانت ... در اینکه کانت فکری شبیه به فکر سعدی علیه‌الرحمه اظهار کرده است و عصر سعدی زاید از پنج قرن قبل از زمان زندگی کانت می‌باشد، موضوعی است قابل دقت. چه معلوم کردن این مسئله که کانت مستقیماً از افکار سعدی در این زمینه استعانت نموده یا طوری که گفته شد، خلق غیرارادی او بوده در بین این دو نابغه فکر توارد ذهنی روی داده است، سؤالی است که محتاج یک سلسله تحقیقات عمیقی می‌باشد ... " (ص ۱۳۰).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. گلستان سعدی (نشانی مآخذ مشخص نیست).

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. بررسی نظریه‌های جدید در امور تربیتی و سنجش آنها با نگره‌های سعدی، برای شناخت بیشتر او سودمند است، اما در این نوشته به کوتاهی و به گونه‌ای گذرا و شتاب‌زده به این مسئله اشاره شده و عنوان نوشته مناسب با متن نوشته نیست، زیرا درباره " نفوذ افکار سعدی در فلسفه کانت " که عنوان مقاله است، بررسی و تحلیلی انجام نگرفته است و در پایان مقاله نیز اعتراف شده که این مسئله "محتاج یک سلسله تحقیقات عمیقی می‌باشد و شاید درک این حقیقت که در نزد ما به علت فقدان وسایل لابنجل جلوه می‌کند، در برابر اطلاعات دقیق متبعین کار دشواری نباشد " (ص ۱۳۰).

۴-۲. گذشته از شیوه کهنه نثر و نگارش قدیمی مقاله، مآخذ گفتار جون لوك، روسو، شوپنهاور و ... مشخص نشده است.

نفوذ بوستان در شاهنامه ، جلال خالقی مطلق، ایران‌نامه (مجله تحقیقات ایران‌شناسی)، سال سوم، شماره ۴، تابستان ۱۳۶۴، صص ۶۳۶-۶۲۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به وجه تسمیه مقاله حاضر با یادکرد چکیده‌ای از داستان ایرج در شاهنامه و نقل دو بیت زیر از شاهنامه چاپ کلکته که در بوستان سعدی نیز آمده است:

میازار موری که دانه کش است که جان دارد و جان شیرین خوش است

سیاه اندرون باشد و سنگدل که خواهد که موری شود تنگدل

(ص ۶۵۴)

- بررسی ضبط‌های مختلف بیت نخست در چهار نسخه از نسخ خطی شاهنامه و نتیجه‌گیری اینکه: " در وضعیت فعلی باید چنین نتیجه گرفت که ضبط اصلی ضبط دستنویس فلورانس است و به احتمال بسیار، سعدی در بوستان در بیت فردوسی تصرف کرده است و سپس هر چه از زمان سعدی دورتر می‌شویم و به موازات آن به شهرت آثار او افزوده می‌گردد، صورتی که او گفته بوده شهرت عام می‌یابد و کم‌کم به دست کاتبان، جاننشین بیت فردوسی می‌شود. نخست یکی از دو مصراع و سپس همه بیت. و باز سپس‌تر در دستنویس‌های جوان‌تر ... یک بیت پس از آن را هم از بوستان گرفته و درون شاهنامه کرده‌اند ... " (ص ۶۳۶).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. بوستان سعدی، تصحیح و توضیح دکتر غلامحسین یوسفی، تهران، ۱۳۵۹، ۲-۲. چند نسخه خطی از شاهنامه فردوسی.

۳. **رویکرد به آثار سعدی:** ۳-۱. بوستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. در این نوشته کوتاه نگارنده اندیشمند با دقت و تیزبینی و با بررسی پژوهش‌گرانه نسخه‌های شاهنامه، به درستی پرده از روی یک واقعیت ادبی تاریخی برداشته و بیتی را که سروده سعدی است و به دست کاتبان، در شاهنامه‌های متأخر راه یافته بازشناخته و آن را با ذکر دلیل بازنموده است.

ایجاز شایسته، توجه به منابع لازم، دقت در بازیابی حقیقت، تازگی موضوع و نتیجه‌گیری مناسب از ویژگی‌های این نوشته است.

نفوذ سعدی بر بزرگ‌ترین شاعران آمریکا در قرن نوزدهم میلادی، دکتر جروم رایت کلینتون، کیهان فرهنگی (ویژه هشت صدمین سالگرد تولد سعدی)، شماره ۱۰، دی ۱۳۶۳، صص ۲۸-۳۶.
*** این مقاله در جلد سوم کتاب ذکر جمیل سعدی (صص ۱۲۷-۱۱۳) با عنوان " متن سخنرانی دکتر جروم رایت کلینتون " چاپ شده است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده، در همین مجموعه.**

نقد و بررسی درباره پاره‌های موزون گلستان، سعید پورکیا، نامه فرهنگستان، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۷۵، صص ۱۴۳-۱۳۶.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. اشاره به مقاله " پاره‌های موزون گلستان " از ابوالحسن نجفی و احمد سمیعی گیلانی و پانزده توضیح درباره مطالب آن مقاله. در بیشتر این موارد آقای پورکیا، با بازیافت مثال برای نمونه‌هایی از اوزان مطرح شده در مقاله مورد نظر، بر توضیحات آن افزوده و در چند مورد نیز توضیحات آن مقاله را اصلاح کرده است (صص ۱۴۱-۱۳۶).
- تذکر چند مورد اشتباه چاپی (ص ۱۴۱).

۱-۲. رسم جدولی که در آن، آمار پاره‌های موزون استخراج شده از نظر شمار هجای بکار رفته، تعداد اوزان و بسامد آنها نشان داده شده است. با يك نتیجه‌گیری: " در این پاره‌ها ۱۰۶ وزن به کار رفته که ۱۱۸ وزن آن (حدود ۷۴ درصد) حداکثر ده هجایی‌اند. جالب‌تر آن که بسامد این اوزان هم بالنسبه بسیار زیاد، یعنی ۳۱۵ پاره از کل ۲۸۸ پاره (حدود ۸۱ درصد) است. از سوی دیگر، از تنوع بسیار اوزان شعر فارسی که بگذریم، در حدود ۹۹ درصد اشعار فارسی در ۳۰ وزن سروده شده‌اند. پس می‌توان گفت این ۳۰ وزن تقریباً همه سروده‌های شاعران پارسی را شامل می‌شود. اما این ۳۰ وزن، جز یکی، همگی بیش از ۱۰ هجا دارند و بیشترین تراکم در اوزان ۱۱ و ۱۶ هجایی است. به عبارت دیگر، می‌توان ادعا کرد که هیچ تناسبی بین اوزان شعر فارسی و پاره‌های موزون استخراج شده از نظر تعداد هجا موجود نیست ... " (ص ۱۴۲).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. پاره‌های موزون گلستان، ابوالحسن نجفی، احمد سمیعی گیلانی، نامه فرهنگستان، ۲-۲. برخی از کتاب‌های عروض. ۲-۳. شعر برخی از شاعران معاصر.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. گلستان ۴ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. این نوشته به بررسی کوتاه مقاله " پاره‌های موزون گلستان " پرداخته و برخی مطالب آن مقاله را نقد کرده است. بیشتر مطالب این نوشته در واقع توضیح تکمیلی است برای مقاله مورد نظر.

آمار پایانی مقاله و نتیجه‌گیری آن نیز بر ارزش علمی مقاله افزوده است. تنها باید افزود: با آنکه به قول نگارنده مقاله " تناسبی بین اوزان شعر فارسی و پاره‌های موزون استخراج شده از نظر تعداد هجا موجود نیست. " اما ترتیب هجاها در پاره‌های موزون، موجب خوش‌آهنگی و گوش‌نوازی این پاره‌هاست و تناسب واقعی نیز در همین‌جاست.

نقد و بررسی شرح سودی بر بوستان، ولی‌الله درودیان، نگین، سال دهم، شماره مسلسل ۱۲۰، سی‌ویکم اردیبهشت ۱۳۵۴، صص ۵۸-۵۵.

۱. مضامین اصلی: ۱-۱. تأکید بر ارزش والای سخن سعدی و نام بلند او در ادب فارسی (ص ۵۵).

۱-۲. اشاره به بوستان سعدی و توضیح درباره شرح سودی و ترجمه فارسی دکتر اکبر بهروز از آن کتاب با انتقاد از مقدمه دکتر منوچهر مرتضوی در آغاز آن: " ... آقای دکتر مرتضوی نوشته‌اند: " به اعتقاد نگارنده این سطور ... بی‌تردید شرح سودی بر دیوان حافظ و بوستان سعدی، مفیدترین شرح‌هایی است که بر این دو اثر ادبی بی‌نظیر نوشته شده ... " از مطالعه این شرح بخوبی برمی‌آید که آقای دکتر مرتضوی شرحی را که بر آن مقدمه نوشته‌اند، اصلاً نخوانده‌اند ... امیدوارم روزی این شیوه مقدمه‌نویسی متروک گردد. چرا که مقدمه‌نویسان ما - به دلایلی که هر چه باشد، نمی‌تواند کردارشان را توجیه کند - متنی را که بر آن مقدمه می‌نویسند، گاهی به نیم نگاهی نمی‌نوازند (!) ... " (ص ۵۶).

اما مرحوم سودی در طی این شرح که از دیدگاه زبان و بیان و محتوا، هرگز با دیوان حافظ قابل مقایسه نیست، دچار اشتباهات فراوانی شده است که در سراسر این شرح ۱۵۵۱ صفحه‌ای حتی يك بار نه از طرف آقای دکتر مرتضوی و نه از سوی آقای دکتر بهروز به آن اشاره‌ای نشده است. مرحوم سودی در آنجا که نیاز به تحقیق و تدقیق بوده، با بی‌حوصلگی از کنار مشکلات گذشته و یا با نوشتن عبارتهای " العهد علی الراوی " و " العلم عندالله " شانۀ از زیر بار تعهد و مسؤولیت خالی کرده است ... " (ص ۵۶).

۱-۳. انتقاد از مترجم با ذکر چند ایراد، پیش از بیان ایرادات نوشته‌اند: " بیشترین سعی و تلاش آقای دکتر بهروز صرف تهیه يك متن انتقادی شده، که باید بگویم در این راه توفیق نیافته‌اند. برای نشان دادن اشتباهات آقای دکتر بهروز، به ذکر چند نمونه بسنده می‌کنیم. .. " (ص ۵۷).

۱-۴. نقل چند نمونه از انتقاداتی که سودی بر شرح‌های سروری و شمعی نوشته است (ص ۵۸).

۱-۵. اشاره به " چاپ پاکیزه، کاغذ خوب و حروف درشت " کتاب مورد نظر (ص ۵۸).

۲. منابع اصلی: ۲-۱. شرح سودی بر بوستان، ترجمه دکتر اکبر بهروز، کتاب‌فروشی حقیقت، ۱۳۵۲. ۲-۲. بوستان سعدی، محمدعلی فروغی.

۳. رویکرد به آثار سعدی: ۳-۱. بوستان ۲۴ بار.

۴. اشاره: ۴-۱. شرح‌هایی که مرحوم سودی به زبان ترکی بیش از چهار قرن پیش بر متون فارسی نوشته، با توجه به زبان و زمان شارح ارزش ویژه خود را دارد، اما امروز می‌توان و بایسته است چنین آثاری را ضمن احترام به فضل تقدم آنها، نقد و بررسی کرد. ترجمه شرح سودی بوستان از اقدامات ارزشمندی است که برای نخستین بار به دست آقای دکتر اکبر بهروز انجام گرفته و در سال ۱۳۵۲ منتشر شده است.

نگارنده این مقاله آقای ولی‌الله درودیان، با طرح برخی از اشکالات شرح سودی، بر مترجم محترم آن کتاب نیز ناخسته و از اینکه اشتباهات سودی را در ترجمه خود یادآوری نموده از او انتقاد کرده است.

همچنان که منتقد محترم تأکید کرده‌اند، شرح سودی دچار اشکالات فراوان تاریخی و ادبی است که باید نقد و بررسی شود و آنچه در این مقاله آمده تنها نمونه‌ای از آنهاست.

اما آیا تنها امتیاز این ترجمه " چاپ پاکیزه، کاغذ خوب و حروف درشت " است، که در پایان مقاله در يك سطر بدان اشاره شده است؟! در بخشی از این مقاله منتقد بر مترجم کتاب در ضبط برخی از بیت‌ها اشکال گرفته و صورت شیواتر بیت را بر اساس نسخه فروغی

یادآور شده‌اند (ص ۵۷). مبنای انتقاد این است که چرا مترجم کتاب، ضبط فروغی را در موارد یاد شده که خوش آهنگ‌تر و شیواتر است، در متن نیاورده‌اند، اما در همه موارد تذکر داده شده، ضبط سودی تنها زیباتر نیست - نه اینکه غلط است - و ثانیاً منتقد محترم عبارتی را که خود از قول مترجم در ص ۵۶ آورده‌اند و نشان‌دهنده روش کار مترجم است، فراموش کرده‌اند. آن عبارت این است: "بیت‌ها را از روی نسخه سودی نقل کرده‌ام و با دو نسخه تصحیح مرحوم فروغی و تصحیح رستم علی‌یف تطبیق کرده، نسخه بدل‌ها را در زیر صفحه نشان داده‌ام. اگر کلمه یا کلمه‌هایی در نسخه سودی غلط چاپ شده و شارح صحیح آن کلمه یا کلمه‌ها را در متن شرح داده، من صحیح آن را از روی نسخه فروغی و علی‌یف آورده‌ام ...". اضافه می‌نماید که هر جا متن سودی دچار اشکال بوده است، مترجم ضبط نسخه‌های دیگر را جایگزین کرده و ضبط متن را در پاورقی یادآور شده است، و در بسیاری از صفحه‌ها به این روش عمل شده است، نمونه‌های زیر تنها برخی از آن موارد است: ص ۱۰۰ (اندوه)، ص ۱۰۲ (نوشروان)، ص ۱۰۷ (دارت)، ص ۱۱۵ (تو در پادشاهی خویش)، ص ۱۱۷ (زبان‌آوری)، ص ۱۲۰ (اخترت)، ص ۱۴۸ (نوشروان)، ص ۱۶۴ (نفعی)، ص ۱۸۲ (به فرمان بر آن)، ص ۱۹۲ (دیدۀ ترک)، ص ۲۰۱ (نخندید)، ص ۲۰۳ (واری)، ص ۲۲۱ (به قول) و ...

۲-۴. آقای درویدیان در ص ۵۶ درباره بوستان محمدعلی فروغی که یکی از مآخذ مترجم بوده است، نوشته‌اند: "... اما بوستان سعیدی به تصحیح محمدعلی فروغی که مشخصات آن را ذکر نکرده‌اند، اولین بار توسط انتشارات بروخیم چاپ و منتشر شد و فعلاً ناپاب است و ..."

شایسته بود ایشان تا پایان کتاب را ورق می‌زدند و در فهرست مآخذ کتاب (پایان جلد دوم) مشخصات بوستان را که همان چاپ اولیه (۱۳۱۶ شمسی) است، می‌دیدند.

نقد و بررسی کتاب "شکوه سعیدی در غزل"، حسین جنتی مهر، رشد آموزش ادب فارسی، سال هفتم، شماره مسلسل ۳۱، زمستان ۱۳۷۱، صص ۵۸-۶۱.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. معرفی کتاب "شکوه سعیدی در غزل" به انتخاب و شرح عبدالمحمد آیتی "و نقد و رد برخی از توضیحات این کتاب (صص ۵۸-۶۱).

۱-۲. تذکر این مطلب که "شارح محترم به معنی واژگانی پرداخته است که روشن و واضح هستند، مانند بحر، عطار و ... یا اینکه چند بار معنی واژه‌های را تکرار کرده است ... و دیگر آن که بیت‌هایی که نیاز به شرح دارند، شارح از پرداختن به آنها به آسانی گذشته است ...".

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. شکوه سعیدی در غزل، به انتخاب و شرح عبدالمحمد آیتی، هیرمند، ۱۳۶۹.

۳. **رویکرد به آثار سعیدی:** ۳-۱. غزلیات ۲۱ بار، بوستان ۲ بار، گلستان ۱ بار.

۴. **اشاره:** ۴-۱. نقد و بررسی کتاب‌ها و مقاله‌ها - بویژه اگر با رعایت انصاف و عدل باشد - از اقدامات ارزشمندی است که به دلیل برخورد آرا و اندیشه‌ها، موجب رشد، شکوفایی و کشف حقیقت می‌شود.

در این نوشته، منتقد - بدون اشاره به جنبه‌های مثبت کتاب مورد نظر خود - برخی از توضیحات آن را نقد و رد کرده است، بیشتر ایرادات نگارنده وارد است، اما همه آنها را نمی‌توان پذیرفت، برای نمونه، درباره واژه "عمدا" در بیت:

صید بیابان سر از کمند بیچید ما همه پیچیده در کمند تو عمدا

به توضیح شارح کتاب که آن را به معنی "به عمد، با اختیار" دانسته‌اند، ایراد گرفته و نوشته‌اند: "در این بیت و در شواهد زیر به معنی "بی‌اختیار" به کار رفته است" و سپس بی‌توجهی از سعیدی و بی‌توجهی از مسعود سعد را مثال آورده‌اند (ص ۵۹). در صورتی که "عمدا" به همان معنی اولیه که آقای آیتی نوشته‌اند درست است و در ضمن در لغت‌نامه دهخدا نیز اتفاقاً هر سه بیت مورد استناد منتقد برای شاهد عمدا در معنی "به عمد و با اختیار" آمده است، البته چنانچه ساختار واژه "عمدا" اجازه می‌داد، معنی مورد نظر منتقد هم خالی از لطف نبود. سعیدی در جایی دیگر گفته است:

کس بدین شوخی و رعنائی نرفت خود چنینی یا به عمدا می‌روی

"کلیات سعیدی، محمدعلی فروغی، ویراسته بهاءالدین خرمشاهی، امیرکبیر، ۱۳۶۳، ص ۶۴۸."

- همچنین درباره معنی "مگر" در بیت:

سعدیا نوبتی امشب دهل صبح مکوفت یا مگر روز نباشد شب تنهایی را

به توضیح شارح کتاب که آن را به معنی "آیا" دانسته‌اند، ایراد گرفته و نوشته‌اند: "مگر، در این بیت "حتماً و مسلماً معنی می‌دهد". دانسته نیست منتقد محترم چنانچه "مگر" را به معنی "حتماً و مسلماً" بدانند یا "یا" ابتدای مصراع چه می‌کنند، در گزارشی که در پایان برای مصراع دوم داده‌اند، "یا" حذف شده است (ص ۵۹).

- برخی از ایرادهای مطرح شده نیز تنها حجم مقاله را افزوده است، مثلاً: شارح "فتنه" را (در ص ۳۳، ش ۱) به معنی "زیباروی شهرآشوب" نوشته‌اند و منتقد تذکر داده‌اند: "بهرتر بود گفته می‌شد که استعاره از معشوق زیباروی شهرآشوب است. زیرا "فتنه" ملاحظت بیت است (ص ۵۹).

۲-۴. این نوشته هم از اشکالات چاپی در امان نمانده است، از آن جمله است: ص ۵۹، ستون ۱، سطر ۶: کند (کمند) و ستون ۲، سطر ۲۵: حیب (حبیب) و ستون ۳، سطر ۲۰: بادبیزنیست (بادبیز است).

نقدی بر شرح بوستان دکتر محمد خزائلی، محمدعلی صادقیان، خرد و کوشش، دوره چهارم، دفتر دوم و سوم، شماره ۱۱ و ۱۲، بهار و تابستان ۱۳۵۲، صص ۱۵۷-۱۶۴.

۱. **مضامین اصلی:** ۱-۱. اشاره به ارزش کتاب "شرح بوستان" از دکتر محمد خزائلی، از جمله: "مؤلف با این کار خدمتی به شعر و ادب فارسی نموده و کوشیده است، سیمای ادبی شاعر بزرگ و چیره‌دستی چون سعیدی را هر چه روشن‌تر بنمایاند و عارض دلفریب معانی را از زیر نقاب سطور و کلمات بهتر نشان دهد ... توضیحات مؤلف در مورد اعلام بوستان و بیان استنشادات و تلمیحات سعیدی از آیات قرآن مجید در خور توجه است. ریشه بسیاری از واژه‌ها اعم از یونانی، ارمنی، پهلوی، اوستایی و غیره بیان شده و ... (ص ۱۵۷).

۱-۲. نقد و رد یازده مورد از توضیحات یا ضبط واژه در بوستان دکتر خزائلی (صص ۱۵۸-۱۶۴).

۲. **منابع اصلی:** ۲-۱. شرح بوستان، دکتر محمد خزائلی، جاویدان، ۲-۲. شرح بوستان مصطفایی، چاپ هند، ۲-۳. نسخه‌های چاپی بوستان از محمدعلی فروغی، رستم علی‌یف و مظاهر مصفا.

۳. **رویکرد به آثار سعیدی:** ۳-۱. بوستان ۱۳ بار، گلستان ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. در این نوشته با رعایت ایجاز و ضمن اشاره به ارزش‌های کتاب " شرح بوستان سعدي " از دکتر محمد خزائلي، يازده مورد از اشکالات این کتاب که برخی مربوط به توضیحات و برخی مربوط به اختلاف در ضبط واژه است، یافته و با ذکر دلیل بازنموده شده است.
۲-۴. نقد منطقي، یادکرد نشانی مآخذ و نمونه‌های مورد استشهد و ایجاز بایسته، از ویژگی‌های این مقاله است.

نقدی بر نقدي " سعدي معلم اخلاق بود ، نه يك جهانگرد " ، جهانشاه سي‌سختي، روزنامه خبر، پنجشنبه ۲۵ بهمن ۱۳۷۵، (نگاه پنجشنبه)، ص ۸.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. اشاره به مقاله " آیا سعدي جهانگرد بود؟ " از ناصر پورپيرار و پاسخ به ایشان در هفت بند. عبارتهای زیر از آن جمله است: " قبل از آنکه به اصل موضوع بپردازم و پاسخي به گفته‌های جناب‌عالی بدهم، باید صریحاً بگویم کسی که هنوز نمی‌داند " دوماً " غلط است [اشاره به کاربرد این واژه در مقاله آقای پورپيرار] ، چگونه به خودش حق می‌دهد، درباره گلستان و بوستان سعدي قلم‌فرسايي کند ... نام سعدي، نام پدرش، کنیه‌اش، تاريخ ولادت و يا مرگش را چه بدانيم و چه ندانيم. خواه نام‌هايي که در کتاب‌هاي تاريخ ادبيات ذکر شده است، درست باشد يا نباشد، همان تخلص " سعدي " براي شناخت بزرگ‌ترين شاعر ادب فارسي کافي است ... اينکه نوشته‌ايد اشعار وي در زبان عربي نسبت به زبان پارسي غيرفصيح و در حد متوسط است، معمولاً موضوع‌هاي تحقيقي بايد با ذکر نام محقق و کتاب مرجع همراه باشد و الا دليل بر بطلان نظر نویسنده و دال بر سطحي بودن و غرض وي می‌باشد ... "

- اشاره به تخيلي بودن برخی از حکايت‌هاي سعدي در بوستان و گلستان و مقايسه آن با برخی از آثار ويکتور هوگو.

۲. منابع اصلي: ۱-۲. " آیا سعدي جهانگرد بود "، ناصر پورپيرار، ایران فردا، شماره ۲۹.

۳. رویکرد به آثار سعدي: ۱-۳. گلستان ۴ بار، بوستان ۱ بار، غزلیات ۱ بار.

۴. اشاره: ۱-۴. این نوشته پاسخ شتاب‌زده‌ای است به مقاله " آیا سعدي جهانگرد بود " از ناصر پورپيرار.

آقای پورپيرار برای نخستین بار در اصل سفرهای سعدي تردید کرده و انگاره‌های خود را در مقاله یاد شده بازنموده است. آن مقاله اعتراض و انتقاد برخی از دوستداران سعدي را در پی داشته است. برای آگاهی بیشتر، رک. مقاله یاد شده و تأثیرات و پاسخ‌های آن مقاله، در همین مجموعه.

۲-۴. این نوشته نیز از اشتباهات چاپی در امان نمانده است، اشتباهاتی چون: ستون اول: اهل کرم (اهل خرد) و کرديده‌ايد (کرده‌ايد) و ستون دوم: سعدي او وطن (سعدي از وطن) و

نقش دشتي در ادبيات عرب ، مرتضي مدرس چهاردهي، وحيد، سال نهم، شماره ۱۲، اسفند ۱۳۵۰، صص ۱۷۹۸-۱۷۹۲.

۱. مضامين اصلي: ۱-۱. اشاره به ترجمه کتاب قلمرو سعدي علي دشتي: " کتاب قلمرو سعدي به قلم آقای علي دشتي را شادروان سيد صادق نشأت در مصر ترجمه و منتشر ساخت، دکتر يحيي خشاب از مورخان و دانشمندان نامي قاهره، مقدمه‌اي بر آن کتاب نوشت که خواندني است " (ص ۱۷۹۲).

۲-۱. ترجمه بخشی از مقدمه کتاب " آفاق ادب سعدي‌الشيرازي " که به قلم يحيي خشاب نگاشته شده و تأکید ایشان بر فضل فرهنگي و عربي‌داني علي دشتي و توضیح درباره ویژگی‌های مطالب کتاب " قلمرو سعدي " (صص ۱۷۹۸-۱۷۹۲)، از جمله: " دشتي سخن از سعدي می‌گوید و او را چنانکه هست تصوير مي‌نمايد. مانند نقاش هنرمند، سيماي حقيقي سعدي را ترسيم مي‌نمايد و از